

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بانک ملی ایران

حقوق بانکی ۱

بانک ملی ایران
اداره کل آموزش

فهرست کلی

پیش گفتار.....	۱
بخش اول: علم حقوق	۲
تعریف حقوق.....	۲
شاخه های علم حقوق.....	۲
سئوالات بخش اول: علم حقوق.....	۲۵
بخش دوم: مبحث اشخاص	۲۷
اشخاص حقیقی.....	۲۷
اهلیت.....	۳۰
انواع و اوصاف محجورین.....	۳۲
الف- صغیر.....	۳۳
ب- اشخاص غیر رشید (سفهاء).....	۳۴
پ- مجنون.....	۳۶
قیم.....	۴۲
اشخاص حقوقی.....	۴۸
ورشکستگی.....	۶۹
سئوالات بخش دوم: مبحث اشخاص.....	۷۴
بخش سوم: وکالت	۷۶
مورد وکالت.....	۷۶
سئوالات بخش سوم: وکالت.....	۸۳
بخش چهارم: وصیت	۸۴
انواع وصیت عهدی.....	۸۷
انواع وصیت نامه.....	۸۸
تنفیذ وصیت نامه توسط مراجع قضائی.....	۸۹
سئوالات بخش چهارم: وصیت.....	۹۱
بخش پنجم: ارث	۹۲
موجب ارث.....	۹۲
شرایط تحقق ارث.....	۹۳

سهم الارث طبقات مختلف وراث	۹۷
پرداخت موجودی حساب مشتریان متوفی	۹۸
مستندات طلب وراث از بانک	۹۹
ترکه اتباع خارجه (بیگانه)	۱۰۱
سئوالات بخش پنجم: ارث	۱۰۲
بخش ششم: اسناد تجاری	۱۰۳
تعریف و فایده اسناد تجاری	۱۰۳
برات	۱۰۷
سفته (فَته طلب)	۱۰۹
چک	۱۱۶
سئوالات بخش ششم: اسناد تجاری	۱۶۳
بخش هفتم: نحوه کسب اطلاع از وضع مشتریان، حساب آنها و بازداشت وجوه...	۱۷۱
الف) مراجعی که قانوناً حق استعلام اطلاعات حسابهای مشتریان را دارند	۱۷۱
ب) مراجعی که صرفاً مجاز به بازداشت موجودی مشتریان می باشند	۱۷۹
پ) مراجع قانونی که می توانند اطلاعات بانکی و موجودی مشتریان بانک را کسب و توقیف نمایند	۱۸۱
سئوالات بخش هفتم: نحوه کسب اطلاع از وضع مشتریان، حساب آنها و بازداشت وجوه	۱۸۳
بخش هشتم: مسائل حقوقی مربوط به افتتاح انواع حسابهای بانکی	۱۸۴
اصول کلی مربوط به شناسایی اشخاص حقیقی	۱۸۵
رویه های شناسایی مشتری	۱۸۷
افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه جاری برای اشخاص حقیقی	۲۰۴
افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه جاری بدون دسته چک برای اشخاص نابینا، بی سواد و معلول از دودست	۲۰۶
افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه جاری برای اشخاص خاص	۲۰۸
افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه جاری برای اشخاص حقیقی تبعه کشورهای خارجی مقیم ایران	۲۰۹
افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه جاری مشترک	۲۱۰
افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه جاری برای اشخاص حقوقی	۲۱۲
سئوالات بخش هشتم: مسائل حقوقی مربوط به افتتاح انواع حسابهای بانکی	۲۲۵
پیوست	۲۳۲

پیش‌گفتار

اداره کل آموزش بانک ملی ایران همواره هدف خود را تربیت نیروی انسانی متعهد و متخصص و گسترش علوم روز بانکی قرار داده است و ضمن توجه به مبانی علمی و نظری بانک و بانکداری، سعی نموده اصول کاربردی را نیز به طور خاص مورد توجه قرار دهد. چاپ و انتشار کتاب حاضر که اکنون چاپ پانزدهم آن را در پیش روی دارید، در راستای تحقق این هدف انجام پذیرفته است.

کتاب حاضر چکیده مهم‌ترین مطالب حقوقی مورد نیاز همکاران ستاد و صف از جمله علم حقوق، مبحث اشخاص، وکالت، وصیت، ارث، اسناد تجاری، نحوه کسب اطلاع از وضع مشتریان، حساب آنها و بازداشت وجوه و مسائل حقوقی مربوط به انواع حساب‌های بانکی بوده که به تایید اداره کل حقوقی و دعاوی بانک رسیده است.

مسلماً آرائه نظرات و پیشنهادها می‌تواند در چاپ‌های بعدی به‌غنای کتاب کمک نماید، لذا از مدرسین و پاپوران محترم بانک و سایر همکاران انتظار دارد نظرات خود را به پست الکترونیک bankinglaw1@bmi.ir ارسال نمایند.

در خاتمه از کلیه همکارانی که در تدوین اولیه، آرائه نظرات، مراحل بازنگری، اصلاح، ویرایش، تایپ و چاپ کتاب نقش داشته‌اند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

اداره کل آموزش

آبان ماه ۱۴۰۱

بخش اول: علم حقوق

مقدمه :

انسان موجودی مدنی الطبع و اجتماعی است و به همین دلیل از زندگی فردی روی گردان و علاقه مند به زندگی اجتماعی است. افراد جامعه برای رفع نیازهای خود به همکاری یکدیگر نیازمندند و این امر منجر به شکل گیری روابط متقابل و متنوع در میان جوامع انسانی می گردد و با توجه به خصیصه منفعت طلبی انسان که سعی بر تحصیل منافع بیشتر دارد در عمل موجب برخورد منافع می گردد که حل آن وضع قواعد و مقررات را (به منظور تسهیل در روابط افراد جامعه) اجتناب ناپذیر می سازد.

بخش عمده ای از فعالیت های جوامع انسانی مربوط به حوزه اقتصاد و بانکداری است که تنظیم صحیح روابط بانکی اشخاص با شناخت صحیح قوانین حاکم امکان پذیر می باشد. مسائل حقوقی یکی از مشکلات اصلی پیش روی نظام بانکی است و حل و فصل آن نیاز به آموزش و کسب تجربه در این حوزه دارد که این مهم ضرورت آموزش حقوق بانکی را دو چندان نموده که در همین راستا و برای دسترسی به منابع مدون، کتب حقوق بانکی تدوین شده اند.

تعریف حقوق: مجموعه باید ها^۱ و نبایدهایی^۲ است که بر روابط میان اشخاص حکومت می کند.

شاخه های علم حقوق: این تقسیم بندی برای بهتر شدن آموزش طراحی شده است و در خارج به این دقت تفکیک نشده اند.

الف- مباحث حقوقی به لحاظ قلمرو اجرای آن در داخل یا خارج از کشور به دو نوع ذیل تقسیم می شود:

۱- حقوق داخلی: مانند مقررات قانون عملیات بانکی بدون ربا

۲- حقوق بین المللی: مانند مقررات بین المللی مربوط به اعتبار اسنادی بانکی

۱ مانند الزام به انجام کاری که ترک آن (برای مرتکب) مسئولیت به بار می آورد. به عنوان مثال، اگر بانک تکالیف مندرج در ماده ۵ مکرر قانون صدور چک را انجام ندهد باید جبران خسارت نماید (تبصره ۵ ماده ۵ مکرر قانون صدور چک) و یا اینکه شخصی که می تواند دیگری را از خطر جانی نجات دهد (بدون اینکه خطری متوجه خودش شود) از انجام این امر خودداری نماید، دارای مسئولیت کیفری می باشد (ماده واحده قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی مصوب ۱۳۵۴/۰۳/۰۵).

۲ مانند الزام به ترک کاری که انجام آن (برای مرتکب) مسئولیت به بار می آورد. به عنوان مثال، شخصی با توسل به شیوه های متقلبانه دسته چکی را دریافت نماید که متناسب با اوضاع مالی/اعتباری وی نیست (تبصره ۳ ماده ۶ قانون صدور چک) و یا شخصی که با علم به بسته بودن حساب جاری خود، مبادرت به صدور چک می نماید (ماده ۱۰ قانون صدور چک).

ب- مباحث حقوقی به لحاظ اینکه هدف آن تامین منافع اشخاص باشد و یا در جهت تامین منافع عموم جامعه به دو نوع ذیل تقسیم می‌شود:

۱- حقوق خصوصی: مانند مقررات قانون مدنی در مورد فروش اقساطی

۲- حقوق عمومی: مانند مقررات استخدامی

در تقسیم بندی های فوق ، حقوق بانکی حالت بینابین دارد. با این توضیح که قسمتی از مقررات بانکی از قوانین حقوق داخلی (خصوصی یا عمومی) و قسمتی دیگر در زمره مقررات حقوق بین الملل (خصوصی یا عمومی) محسوب می‌گردد.

تعریف حقوق بانکی: حقوق بانکی مجموعه قواعد و مقرراتی است که بر عملیات بانکی و بانکداری حاکم می‌باشد یا مجموعه باید/نباید هایی که بر روابط میان بانک ، مشتری و کارمندان حکومت می‌کند.

مبنا و هدف حقوق بانکی: حقوق بانکی در ایران با هدف تامین نظم عادلانه حقوقی وضع شده است . نظمی که بر مبنای شریعت اسلام بوده و مورد تایید خرد جمعی مقام قانونگذاری کشور می‌باشد.

اوصاف مقررات حقوق بانکی: مهمترین خصوصیت آن عبارت است از:

۱- الزام آور بودن : به این معنا که مقررات حقوق بانکی توصیه و سفارش اخلاقی نیست و بایستی اجرا گردد و عدم اجرای آن ضمانت اجرا دارد.

۲- تضمین شدن از جانب دولت : یعنی زیان دیده حق دادخواهی دارد و زیان زننده نیز دارای مسئولیت است که این مسئولیت ممکن است مدنی ، کیفری ، اداری و یا انضباطی باشد.

۳- کلی و عمومی بودن : مقررات حقوق بانکی بر مصادیق متعددی قابل صدق است گرچه ممکن است هم اکنون یک مصداق داشته باشد.

۴- تنظیم روابط اجتماعی : یعنی با پیاده سازی مقررات حقوق بانکی روابط بین اشخاص منظم شده و تضییع حقوق افراد جامعه به حداقل خواهد رسید.

منابع حقوق بانکی: مشتمل بر منابع اصلی و فرعی :

۱- قانون ؛ مهمترین منبع حقوق بانکی قانون می باشد. بعبارت دیگر قانون منبع اصلی و آراء وحدت رویه قضایی ، قرارداد و الزامات خارج از قرارداد در زمره منابع فرعی حقوق بانکی می باشند.

۲- عرف و رویه رایج بانکی ؛ مشروط برآنکه خلاف قانون نباشد که گاهی برای فهم قانون به آن مراجعه می شود و گاهی نیز قانون به صراحت به این عرف ارجاع می نماید که مثال بارز مورد اخیر تشخیص تطابق امضای صادرکننده چک با نمونه امضای او نزد بانک می باشد که قانونگذار تشخیص این مطابقت را به عرف بانکداری محول نموده است^۱.

۳- رویه قضایی ؛ آن رویه و روشی است که عموم محاکم در رسیدگی به امور بانکی اتخاذ می کنند.

۴- نظریه حقوق دانان ؛ به معنی تفسیر و برداشت خاص حقوق دانان از قوانین و مقررات بانکی است.

قانون:

الف- مفهوم خاص قانون : اشاره به مصوبات مجلس شورای اسلامی دارد. مانند قانون تنظیم بازار غیر متشکل پولی مصوب ۱۳۸۳ (با اصلاحات و الحاقات بعدی)

ب- مفهوم عام قانون: شامل هر کدام از دستورات کتبی مقامات صلاحیت دار می شود.

سلسله مراتب قانون به شرح زیر است :

۱- قانون اساسی

۲- **قانون عادی** (مصوبات مجلس شورای اسلامی یا مجمع تشخیص مصلحت نظام)

در شرایط موجود قوانین عادی بانکی شامل دو دسته اختصاصی و عمومی می باشند:

مهمترین قوانین اختصاصی بانک

قانون پولی و بانکی کشور

قانون ملی شدن بانکها

لایحه قانونی ممنوعیت خروج بدهکاران بانکها

۱ ماده ۴ قانون صدور چک

لایحه قانونی اداره امور بانک‌ها (با اصلاحات بعدی)
قانون عملیات بانکی بدون ربا (با اصلاحات بعدی)
قانون تنظیم بازار غیر متشکل پولی
قانون تسهیل اعطای تسهیلات بانکی و....
قانون منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی
قانون اجازه تاسیس بانک‌های غیردولتی
قانون تسهیل تسویه بدهی بدهکاران شبکه بانکی کشور

مهمترین قوانین عمومی بانک

قانون مدنی - قانون تجارت - قانون صدور چک - قانون ثبت - قوانین بودجه سالیانه کل کشور - قوانین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی - قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور - قانون مبارزه با پولشویی - قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم - قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی - قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور - قانون الزام اختصاص شماره ملی و کدپستی برای تمامی اتباع ایرانی و

۳- مصوبات سایر مقامات صلاحیت‌دار به ترتیب موقعیت اداری آنها مانند: رئیس جمهور، هیأت وزیران، شخص وزیر.

بر اساس ماده ۲ قانون مدنی قوانین ۱۵ روز پس از انتشار، در سراسر کشور لازم‌الاجرا می‌باشند مگر آن که در خود قانون، ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد اما مصوبات دولت و سایر مقامات صلاحیت‌دار علی‌الاصول به محض ابلاغ لازم‌الاجراست مگر آن که در خود مصوبه، ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد. مانند دستورالعمل حساب جاری مصوب جلسه ۱۱۴۰ مورخ ۱۳۹۱/۳/۲ شورای پول و اعتبار که بعد از گذشت ۶ ماه از تصویب، لازم‌الاجرا گردید^۱ یا بخشنامه‌های نظارت بانک مرکزی ج.ا.ا که حداکثر ظرف ۷ روز از تاریخ ابلاغ لازم‌الاجراست مگر اینکه در بخشنامه تاریخ دیگری مقرر شده باشد.^۲

۱ اصلاحیه این دستورالعمل طی نامه ۹۵/۱۰۹۹۲۶ به تاریخ ۱۳۹۵/۰۴/۰۹ اداره مطالعات و مقررات بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا ابلاغ و متعاقب آن دستورالعمل حساب جاری مصوب ۱۲۴۸ جلسه مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۰۱ شورای پول و اعتبار تصویب گردید.

۲ بند ۱ نامه ۹۶/۱۴۹۱۵۳ به تاریخ ۱۳۹۶/۰۵/۱۶ اداره مطالعات و مقررات بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا

اگر قانون مدت نداشته باشد (تا وضع قانون ناسخ) آن قانون اعتبار دارد و نسخ آن ممکن است صریح یا ضمنی، کلی یا جزئی باشد.

نکات مهم - قانون مهمترین منبع حقوق بانکی است بنابراین یادآوری نکاتی درباره آن لازم می‌باشد.

نکته اول - نظارت بر مقررات : هیچ کدام از مقررات وضع شده نباید مغایر قوانین و مقررات مافوق خود باشد. از این رو کنترل و نظارت بر قانون موضوعه ضروری بوده و این نظارت به سه صورت اعمال می‌گردد.

۱- **نظارت قبلی:** این نوع نظارت بیانگر حالتی است که مقررات پس از تصویب و قبل از اجرا بایستی به تایید مرجع نظارتی برسد. مانند نظارت شورای نگهبان^۱ بر مصوبات مجلس شورای اسلامی و یا نظارت مقامات اداری مانند اخذ نظر از اداره امور یا اداره مرکزی توسط رئیس شعبه، قبل از اعطای تسهیلات به شرکت های وابسته به دولت .

۲- **نظارت بعدی:** مانند نظارت دیوان عدالت اداری بر مصوبات دولت. زیرا ممکن است مصوبات دولت پس از اجرا محل اختلاف (دعوی) قرار گیرد. اگر مغایرت این مصوبات با قوانین و مقررات بالادستی و یا ضوابط شرعی احراز گردد و یا مشخص شود مقام واضح خارج از حدود اختیارات خود آن را وضع نموده ، آن مصوبه توسط دیوان ابطال می‌گردد. (مانند دادنامه ۸۷ الی ۹۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در ابطال بخشنامه بانک مرکزی به لحاظ عدم رعایت قانون^۲) همچنین مانند زمانی که بازرس بانک برای یک دوره مشخص (مثلا یکساله) عملیات

۱ اصل ۹۴ قانون اساسی ؛ «کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر ببیند برای تجدید نظر به مجلس بازگرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجرا است.»

۲ در رأی هیأت عمومی چنین آمده است: الف: چون **عطف بماسبق کردن مقررات دولتی** با عنایت به وحدت ملاک ماده ۴ قانون مدنی، **موافق اصول و موازین قانونی** نیست، لذا اطلاق تبصره ۱ از بند ۱ تصویب نامه شماره ۱۲۱۲ت ۱۵۵۵هـ - ۱۳۷۴/۰۲/۲۷ هیأت وزیران و همچنین تبصره ۱ از بند ۱ از قسمت ب بخشنامه شماره ۱۰۳۴، ۶۰-۱۳۷۴/۰۲/۳۰ بانک مرکزی ج.ا. که مفهوم تسری مقررات مندرج در مصوبات مذکور به گذشته می‌باشد ، خلاف قانون تشخیص داده می‌شود و باستناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری تبصره های مزبور ابطال می‌گردد. ب: نظر به اینکه **تعیین جرائم و میزان مجازات** برای مرتکبین آنها و ایجاد مسئولیت و ضمان از **وظایف اختصاصی مقنن** محسوب می‌شود، لذا بند ۱ از قسمت "د" بخشنامه شماره ۱۰۳۴، ۶۰-۱۳۷۴/۰۲/۳۰ بانک مرکزی متضمن وضع مقررات در **تعیین جرم و مجازات** می‌باشد، خارج از حدود اختیارات بانک مرکزی در وضع مقررات دولتی تشخیص و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد. (به نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۵۰۳۸- ۱۳۷۵/۰۷/۲۵). همچنین مراجعه شود به دادنامه ۳۱۷۲ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۰۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در رابطه با ابطال عبارت "غیر مستقیم" در نمونه قراردادهای تسهیلات بانک مرکزی ج.ا.

بانکی شعبه (اعم از افتتاح حساب، پرداخت تسهیلات، صدور ضمانت نامه، گشایش اعتبار اسنادی و ...) را مورد بازرسی قرار می دهد.

۳- **نظارت توأمان** : مانند نظارت رییس مجلس بر مصوبات هیأت دولت که شرح آن در قانون نحوه اجراء اصل هشتاد و پنج ... (مصوب ۱۳۶۸/۱۰/۲۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی) در رابطه با مسوولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی آمده که با نظارت بعدی دیوان عدالت اداری توأمان است و همچنین نظارت قبلی اداره امور (بر اعطای تسهیلات از محل وجوه اداره شده) که با نظارت بعدی بازرس بانک توأمان می باشد.

نکته دوم - تفسیر مقررات: در صورتی که هر کدام از قوانین و مقررات نیاز به توضیح و رفع اجمال، ابهام و یا نیاز به تفسیر و تبیین داشته باشد.

۱- **تفسیر قانونی**^۱؛ چنانچه قانونی نیاز به تفسیر داشته باشد بهترین مقامی که می تواند آن را تفسیر نماید خود قانونگذار است مانند تفسیر عبارت «خسارات وارده» در تبصره ماده ۲ قانون صدور چک^۲. متن این تبصره بدین شرح است «دارنده چک می تواند محکومیت صادرکننده را نسبت به پرداخت کلیه خسارات و هزینه های وارد شده که مستقیماً و بطور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است اعم از آنکه قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد از دادگاه تقاضا نماید. در صورتی که دارنده چک جبران خسارت و هزینه های مزبور را پس از صدور حکم درخواست کند باید درخواست خود را به همان دادگاه صادرکننده حکم تقدیم نماید.» و عبارت «کلیه خسارات و هزینه های وارد شده» نیاز به تفسیر داشت با این توضیح که آیا خسارت وارده فقط شامل هزینه دادرسی است یا خسارت تأخیر تأدیه را نیز در برمی گیرد؟ که قانونگذار تفسیر دوم را تأیید نمود^۳ از این رو هیچ مقام اجرایی و قضایی حق تفسیر مغایر با آن

۱ اصل ۷۳ قانون اساسی؛ «شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است....»

۲ این تبصره به تاریخ ۱۳۷۶/۰۴/۱۷ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام به ماده ۲ قانون صدور چک الحاق شده است (البته تاریخ تصویب بدواً ۱۳۷۶/۰۳/۱۰ بوده که بعداً به ۱۳۷۶/۰۴/۱۷ تغییر یافته است) برای کسب اطلاع بیشتر به نسخه ۵ لوح جامع قوانین و مقررات ج.ا.ا که توسط معاونت حقوقی رئیس جمهور انتشار یافته مراجعه نمایند.

۳ قانون استفساریه مصوب ۱۳۷۷/۰۹/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام بدین مضمون می باشد: آیا مراد از خسارت و هزینه های مقرر در تبصره الحاقی به ماده (۲) ... قانون صدور چک ... تمامی خسارات و هزینه های لازم از قبیل هزینه های دادرسی، حق الوکاله، ضمان ناشی از تسبیب، خسارات تأخیر تأدیه و امثال آن می باشد؟ در این صورت مبنای مناسب خسارت مبنای محاسبه خسارت مقررات بانکی است یا مبنای آن عرف می باشد که قاضی به استناد نظریه کارشناسی یا سایر طرق نسبت به استخراج خسارات اقدام می نماید؟ **پاسخ:** منظور از عبارت «کلیه خسارات و هزینه های وارد شده... مذکور در تبصره الحاقی... خسارات تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن که توسط بانک مرکزی ج.ا.ا اعلام شده و هزینه دادرسی و حق الوکاله بر اساس تعرفه های قانونی است.»

را ندارد و یا نظر تفسیری مجمع تشخیص مصلحت نظام راجع به مواعید مندرج در قانون تسهیل تسویه بدهی بدهکاران شبکه بانکی کشور^۱.

۲- **تفسیر قضایی**؛ دومین مرجعی که اقدام به تفسیر قوانین و مقررات می‌نماید "قاضی" است که در مقام رسیدگی به دعوی اقدام به تفسیر قانون می‌نماید. با این توضیح که اگر قاضی در بررسی پرونده، مقررات مصوب مقامات قانونی را خلاف قانون عادی و یا قانون اساسی تشخیص داد مکلف است از اجرای آن خودداری نماید و هر ذینفعی می‌تواند ابطال آن را از دیوان عدالت اداری درخواست نماید^۲ مانند نظر تفسیری تعدادی از قضات در مورد برخی از دستورالعمل‌های داخلی بانک راجع به ضابطه تبصره ۳ ماده ۱۴ قانون صدور چک به این ترتیب که عده‌ای از قضات اعمال تبصره ۳ را از حقوق ذینفع دانسته و حق قضات در صدور دستور قضایی به عدم پرداخت چک‌های تضمین شده و مسافرتی را محفوظ می‌دانند.^۳

۳- **تفسیر اجرایی**؛ سومین مرجعی که اقدام به تفسیر قوانین و مقررات می‌نماید مراجع صلاحیت‌دار اجرایی هستند که با امعان نظر به قوانین بالادستی، با وضع دستورالعمل‌های اجرایی نکات لازم برای اجرایی‌شدن آن قوانین را تشریح و تبیین می‌کنند مانند تصویب نامه هیات وزیران در اجرای قانون مبارزه با پولشویی و دستورالعمل‌های بانک مرکزی راجع به قانون صدور چک.

از آنجا که در بین مقامات اجرایی سلسله مراتب اداری وجود دارد تعارض و اختلاف بین آنان معنایی ندارد ولی ممکن است در بین دادرسان هم ردیف اختلاف نظر باشد و در یک موضوع واحد، آراء متعارض صادر نمایند که در این صورت منجر به صدور رای وحدت رویه در عالی‌ترین مرجع (دیوان عدالت اداری در دعاوی اداری و دیوان عالی کشور در دعاوی قضایی) می‌شود و پس از آن هیچ مقام قضایی و اجرایی حق اتخاذ رویه مغایر با این رأی را ندارد. مانند اختلاف رویه قضات در مهلت طرح

۱ سوال؛ با توجه به اینکه مهلت تولیدگندگان برای استفاده از قانون تسهیل بدهی بدهکاران شبکه بانکی کشور... به دلیل تاخیر بانک مرکزی در صدور دستورالعمل مربوط عملافوت شده است آیا منظور از مهلت مذکور در بند ۶ ماده واحده این قانون از زمان صدور دستورالعمل بانک مرکزی بوده است یا خیر؟ پاسخ مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ با توجه به مفاد مذاکرات صحن مجمع و تبصره ماده واحده این قانون مهلت لازم برای مراجعه مشمولان مصوبه یاد شده به بانکها ... از زمان صدور دستورالعمل بانک مرکزی قریب ۳ ماه تشخیص داده شده بود لذا مهلت مذکور تا پایان خرداد ۱۳۹۹ ادامه خواهد داشت، سایر مواعید مذکور در مصوبه متناسب با این تاریخ اصلاح می‌گردد(به نقل از روزنامه رسمی ۲۱۸۴۸ به تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۲۵).

۲ اصل ۱۷۰ قانون اساسی

۳ تبصره ۳ ماده ۱۴ قانون صدور چک؛ «پرداخت چک‌های تضمین شده و مسافرتی را نمی‌توان متوقف نمود مگر آنکه بانک صادرکننده نسبت به آن ادعای جعل نماید. دراین مورد نیز حق دارنده چک راجع به شکایت به مراجع قضائی طبق مفاد قسمت اخیر ماده (۱۴) محفوظ خواهد بود.»

دعوی ذینفع سفته به طرفیت ظهن نویس که در برخی آراء این مهلت یک سال در نظر گرفته شده و در برخی دیگر از آراء (مشابه مهلت اقدام و دعوی حقوقی به طرفیت صادرکننده) پنج سال در نظر گرفته شده بود که دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه، ظهن نویسان را تفکیک نموده و برای ظهن نویس ضامن مهلت پنج ساله را تأیید و برای سایر ظهن نویسان مهلت یک ساله^۱، یا رای وحدت رویه دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۷۶ به تاریخ ۱۳۷۳/۰۷/۰۹ (کلاس پرونده ۷۳/۴۳) که نظر شعبه ششم را (در مقام تعارض با رای شعبه ۲۱) منطبق با اصول و موازین قانونی دانست.^۲

نکته سوم- تقسیم مقررات برحسب میزان الزام آنها یا برحسب توجه آنها به شکل یا ماهیت:

الف- قوانین به جهت نوع الزام آنها دو نوع می باشند.

۱- **قوانین آمره یا امری** - مقرراتی هستند که نمی توان بر خلاف آنها توافق نمود زیرا مرتبط به نظم عمومی می باشند و برای متخلف از آن، ضمانت اجرا پیش بینی شده است. مانند شرایط اساسی صحت معاملات (اهلیت طرفین قرارداد، قصد و رضای طرفین، معین بودن عوضین، مشروعیت جهت معامله)^۳ که هرگونه توافقی در جهت تغییر آن فاقد اثر است.

۲- **قوانین تکمیلی یا تفسیری** - مقرراتی هستند که طرفین می توانند برخلاف آن توافق نمایند ولی اگر هیچ گونه توافقی نداشته باشند قانون در مقام تکمیل اراده ناقص و یا تفسیر اراده مبهم اجرا می گردد. مانند نرخ خسارت تاخیر تأدیه راجع به دینی که وجه رایج باشد که براساس نرخ میانگین شاخص کالا و خدمات (نرخ تورم) محاسبه می شود به شرطی که طرفین برخلاف آن

۱ رأی شماره: ۵۹۷ - ۱۲، ۱۳۷۴، وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور "مهلت یک سال مقرر در ماده ۲۸۶ قانون تجارت، جهت استفاده از حقی که ماده ۲۴۹ این قانون برای دارنده برات یا سفته منظور نموده، در مورد "ظهن نویس" به معنای مصطلح کلمه بوده و ناظر به شخصی که ظهن سفته را به عنوان "ضامن" امضاء نموده است نمی باشد زیرا با توجه به طبع ضمان و مسئولیت ضامن در هر صورت (بنا بر قول ضم ذمه به ذمه یا نقل آن) در قبال دارنده سفته یا برات، محدودیت مذکور در ماده ۲۸۹ قانون تجارت درباره ضامن مورد نداشته، بنابراین رأی شعبه بیست و سوم دیوان عالی کشور که بر این اساس صادر گردیده صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

۲ کارمند سازمان جنگلها و مراتع کشور از تاریخ استخدام تا زمان بازنشستگی ۲۶۳ روز مرخصی استحقاقی طلب داشت که شعبه ۲۱ دیوان عدالت اداری استحقاق وی به دریافت حقوق و مزایای مدت مذکور را محرز و مسلم دانست ولی شعبه ۶ دیوان در دعوایی مشابه استحقاق کارمند دیگر از همان سازمان را تا میزان ۴ ماه مورد پذیرش قرارداد و برای الباقی مدت، وی را مستحق دریافت فوق العاده عدم استفاده از مرخصی استحقاقی ندانست که مراتب به هیات عمومی ارجاع و هیات عمومی با توجه به ماده ۱۷ آیین نامه مرخصی ها رای شعبه ششم را منطبق با قانون دانست. این رای برای شعب و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع است. [توضیح؛ آیین نامه مرخصی ها مصوب ۱۳۴۶ (با اصلاحات بعدی) در راستای قانون استخدام کشوری تصویب شده و برای بانک های دولتی مقررات جداگانه ای (آیین نامه مرخصی ها موضوع ماده ۸۴ قانون مدیریت خدمات کشوری) حاکم می باشد.]

۳ ماده ۱۹۰ قانون مدنی

توافق ننموده باشند. پس در قراردادهای بانکی که برخلاف آن توافق می‌گردد مبنای محاسبه توافق طرفین می‌باشد.^۱ بنابراین بیشتر مفاد قراردادها در محدوده مقررات تکمیلی است که مربوط به منافع طرفین است (برخلاف قواعد آمره که بیشتر به نظم عمومی مرتبط است).

ب- قوانین بر حسب توجه آنها به شکل یا ماهیت دو نوع می‌باشند:

۱- **مقررات شکلی (اثباتی)** - قوانینی هستند که به شکل، چگونگی و تشریفات مربوط به اثبات وقایع و یا اعمال حقوقی می‌پردازد (از ابتدا تا زمان طرح دعوی و رسیدگی تا ختم دادرسی) مانند مقررات قانون آیین دادرسی مدنی راجع به طرح دعوی مطالبه وجه چک با استفاده از فرم و تشریفات مخصوص.

۲- **مقررات ماهوی (ثبوتی)** - مقرراتی که به چگونگی حق پرداخته و از نحوه ایجاد و محدوده آن سخن می‌گوید. مانند چگونگی ایجاد عقد بیع (خرید و فروش) و حقوق و تکالیف طرفین قرارداد.

قرارداد: نگاهی کوتاه به ساده‌ترین عملیات بانکی از افتتاح یک حساب قرض الحسنه جاری و یا سپرده سرمایه‌گذاری که تمام مفاهیم و اصول اهلیت مشتمل بر صغر، حجر، قیمومیت، ولایت، وکالت و وصایت را در بر می‌گیرد تا انعقاد قراردادهای سرمایه‌گذاری و افتتاح اعتبار اسنادی که مسائل خاص قوانین مدنی و تجارت و ثبت و حقوق بین‌الملل خصوصی را شامل می‌شود، اهمیت علم حقوق را در هدایت سرنوشت عملیات بانکی نشان می‌دهد.

با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از ضوابط حقوق بانکی در زمره مقررات تکمیلی می‌باشد بنابراین توافقات قانونی بانک (که اصطلاحاً مشمول ماده ۱۰ قانون مدنی و سایر عموماً قانونی است) در حقوق بانکی بسیار حایز اهمیت می‌باشد. همچنین گاهی این الزامات ناشی از تعهد و قرارداد نیست اما به علتی غیر قراردادی اشخاص در روابط بانکی صاحب حق و تکلیف می‌شوند مانند مسئولیت غیر قراردادی ناشی از استیفای ناروا زمانی که به اشتباه مبلغی به حساب مشتری واریز می‌شود و وی ملزم به استرداد آن به مالک می‌باشد.^۲

۱ ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، ۱، ۲۱ بیان می‌دارد "در دعایی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده و با مطالبه داین و تمکن مدیون، مدیون امتناع از پرداخت نموده، در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد مگر این که طرفین به نحو دیگری مصالحه نمایند."

۲ به مواد ۳۰۱ تا ۳۳۷ قانون مدنی

نکته چهارم - حکومت و ضمانت اجرای مقررات: از تعریف حقوق بانکی چنین استفاده می‌شود که مجموعه مقرراتی است که با الزام حقوقی و پشتیبانی حکومتی همراه است پس (الف) ذینفع یا زیان‌دیده حق دادخواهی به مراجع قانونی را دارد و (ب) متخلف، مسئولیت مدنی (حقوقی) و یا مسئولیت کیفری (جزایی) یا مسئولیت اداری دارد. بنابراین زیان‌دیده از تخلف و یا منتفع از انجام آن حق طرح دعوی حقوقی یا کیفری یا اداری متناسب با مسئولیت طرف دعوی را دارد و مراجع قضایی، شبه قضایی یا اداری با رعایت تشریفات و آیین دادرسی مربوط به پرونده رسیدگی می‌نمایند.

نکته پنجم - برخی مقررات کلی راجع به دعاوی

- ۱- **اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین** - یعنی علی‌الاصول اثر قانون نسبت به آینده است.
- ۲- **اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و دادرسی‌ها** - تعیین جرم و میزان مجازات و نحوه رسیدگی به دعوی از ابتدا تا انتها فقط به موجب قانون می‌باشد.
- ۳- **اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی** - در تفسیر مقررات جزایی نباید با تفسیر موسع دامنه جرایم و مجازات‌ها را افزایش داد.
- ۴- **توجه به دعاوی کیفری قابل گذشت و غیر قابل گذشت** - برخی از پرونده‌های کیفری بدون شکایت شاکی شروع نمی‌شود و به محض رضایت وی و یا امری که حکایت از آن نماید پرونده مختومه می‌شود مانند جرم صدور چک پرداخت نشدنی (مواد ۱۱ و ۱۲ قانون صدور چک). برخی جرایم و تخلفات که با شکایت شاکی شروع می‌شود با رضایت وی پرونده مختومه نمی‌شود گرچه در دسته اخیر گاهی بدون شکایت نیز پرونده کیفری تشکیل می‌شود مانند جرم سرقت مشهود و یا جرم تخریب اموال عمومی و دولتی.
- ۵- **ادله اثبات دعوی** - دلایل آماده‌شده برای دادگاه باید محکم‌ه‌پسند باشد. این دلایل عبارتند از: اقرار - سند یا داده الکترونیکی مطمئن - امارات قانونی و قضایی - شهادت و سوگند مورد قبول مراجع رسیدگی است و در دعاوی حقوقی و حتی کیفری برای حفظ دلیل می‌توان از دادگاه تقاضای تأمین دلیل نمود که دادر، دادگاه یا شورای حل اختلاف پس از تقاضای خواهان به فوریت این اقدام را به کمک کارشناس یا خبره منتخب و یا مدیر دفتر انجام می‌دهد.
- ۶- **تأمین خواسته و نقش آن در دعاوی** - خواهان می‌تواند قبل از رسیدگی یا حین آن یا حتی پس از پایان رسیدگی و قبل از اینکه اجرائیه صادر شود خواسته یا معادل ریالی آن را از اموال

خوانده/خواندگان به نفع خود تامین و توقیف نماید مانند صدور قرار تامین خواسته به مبلغ چک با دادخواست خواهان، که در این مورد بدون دریافت خسارت احتمالی انجام می‌گردد.

۷- **توجه به مواعد قانونی** - در امور شکلی (و برخی امور ماهوی) مرور زمان تعیین شده و بدیهی است که با بی توجهی صاحب حق و در صورت پایان مدت آن، نامبرده بازنده دعوی خواهد بود. مانند اقامه دعوی به خواسته مطالبه وجه چک از ظهرنویس غیر ضامن (خارج از مهلت یکساله قانونی) که موجبی برای پذیرش اقامه دعوی نمی‌باشد.

۸- **تخلفات مالی** - تخلفات مالی که در نتیجه نقض مقررات مالی بوجود می‌آید معمولاً با سه گونه مسئولیت همراه می‌باشند. مسئولیت اداری و انضباطی - مسئولیت کیفری - مسئولیت مدنی (بنابراین ممکن است حتی راجع به یک موضوع، سه نوع دعوی در مراجع صالح به رسیدگی اقامه شود).

۹- **اعسار از هزینه دادرسی** - با توجه به مواد ۵۰۴ و ۵۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی معسر از هزینه دادرسی کسی است که به واسطه عدم کفایت دارایی یا عدم دسترسی به مال خود به‌طور موقت قادر به تأدیه آن نیست. ضمن اینکه از تاجر دادخواست اعسار پذیرفته نمی‌شود و چنانچه وی مدعی اعسار نسبت به هزینه دادرسی باشد باید برابر مقررات قانون تجارت دادخواست ورشکستگی دهد. (البته کسبه جزء مشمول این ماده نخواهند بود).

نکته ششم - برخی مقررات مهم راجع به شروع دعوی - مواردی از آیین دادرسی بسیار فوری و حساس می‌باشد و دانستن آنها برای تبیین مقررات جاری نیز ضروری است مثلاً قبل از بررسی مقررات حاکم بر چک، تشریح دعوی کیفری و حقوقی و اداری و مراجع قانونی صالح به رسیدگی به هر کدام از این دعاوی (و تفاوت‌های آنها) ضروری است و نمی‌توانیم قبل از تبیین این نوع مقررات و اصول حقوقی، مقررات حاکم بر چک را به صورت کامل بیان نماییم.

الف - ذینفع بودن و داشتن سمت جهت طرح دعوی - خواهان قبل از هر اقدامی باید ثابت نماید که از نتیجه رسیدگی (مثبت یا منفی) چه سودی می‌برد و برای طرح دعوی چه سمتی دارد. یعنی اصالتاً صاحب حق است (مانند ذینفع چک) و یا به نمایندگی (که شامل ولی خاص، قیم، وکیل و یا نماینده قانونی اشخاص حقوقی) اقدام به طرح دعوی می‌نماید. البته این مطلب در هنگام دفاع از دعوی اقامه‌شده نیز به همین صورت مطرح است.

ب- نتیجه عدم رعایت مقررات - اگر نقض مقررات منتهی به وقوع یکی از جرایم مندرج در قانون شود متخلف و سایر اشخاص مؤثر در تخلف، مسئولیت کیفری داشته و در صورت احراز سوءنیت در محاکم کیفری به مجازات قانونی محکوم می‌شوند. مانند بزه صدور چک پرداخت نشدنی که با شکایت ذینفع، ممکن است صادرکننده به مجازات بدنی (حبس) و ممنوعیت از داشتن دسته چک محکوم شود و هرگاه مقررات اداری (که البته ممکن است آن نیز جنبه جزایی داشته باشد) نقض گردد متخلف مسئولیت اداری (و انضباطی دارد) که مراجع اداری برای رسیدگی صلاحیت دارند و پس از طی تشریفات قانونی و احراز تخلف، مسئولین آن به موارد پیش‌بینی شده در قانون محکوم می‌شوند. مانند نقض مقررات داخلی بانک و عدم اخذ استعلام از بانک مرکزی^۱ در خصوص افتتاح حساب جاری توسط متصدی بانک که با طرح دعوی اداری در مرجع اداری ممکن است هیات رسیدگی به تخلفات اداری کارمند متخلف را به مجازاتهای مقرر در قانون از قبیل انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم نماید.

در صورتی که نقض مقررات موجب بروز خسارت گردد که ممکن است ناشی از قرارداد یا خارج از هر گونه قرارداد باشد متخلف مسئولیت مدنی دارد و با طرح دعوی حقوقی به جبران خسارت وارده محکوم می‌شود مانند محکومیت صادرکننده چک به پرداخت اصل مبلغ آن و هزینه دادرسی و خسارات تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم در دادگاه حقوقی.

ج- مقایسه دعوی کیفری و حقوقی - برخی از وجوه افتراق دعوی کیفری و حقوقی عبارتند از:

۱- در دعوی کیفری

۱- مدعی (شاکی) از مرجع رسیدگی‌کننده (دادسرای و دادگاه کیفری یا ضابطین قوه قضائیه) تقاضای محکومیت طرف شکایت (متهم) را می‌نماید که این محکومیت می‌تواند مجازات بدنی (مانند مجازات حبس برای صادرکننده چک پرداخت نشدنی) یا محرومیت از حقوق اجتماعی (مانند محرومیت از داشتن دسته چک) برای وی باشد.

۲- شکایت کیفری مجانی بوده و یا هزینه آن بسیار اندک است.^۲

۱ بانکها ملگفند حساب شخصی که بیش از یکبار بواسطه صدور چک پرداخت نشدنی تحت تعقیب بوده و برای او کیفرخواست صادر شده را بسته و تا سه سال برای وی حساب جاری دیگری باز نمایند از این رو شعب موظفند در زمان مراجعه متقاضی افتتاح حساب جاری، بدواً این موضوع را از سامانه برخط بانک مرکزی ج.ا.ا. استعلام نمایند (ماده ۲۱ قانون صدور چک و بند ۲ ماده ۲ دستورالعمل حساب جاری مصوب ۱۳۹۷ و بند ۳ ماده ۳ دستورالعمل چگونگی شناسایی مشتریان ایرانی موسسات اعتباری)

۲ حتی مطابق تبصره ۱ ماده ۵۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری هزینه شکایت افراد ناتوان مالی به تشخیص دادستان از اعتبارات قوه قضائیه پرداخت می‌شود.

۳- جمع آوری دلایل و مدارک جرم با دادستان می باشد که این کار را با کمک همکاران قضایی (بازپرس و دادیار) و یا همکاران غیرقضایی (مانند ضابطین قوه قضائیه و پزشکی قانونی) انجام می دهد. در پایان تحقیقات در صورت توجه اتهام به متهم، پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال می گردد.

۴- از آنجا که در تشخیص وقوع و انتساب بیشتر جرایم احراز سوء نیت مرتکب ضروری بوده و این امر بدون دفاع شخصی و بررسی ویژگی های متهم ممکن نیست، لذا طرف شکایت باید شخصاً در مرجع قضایی حاضر شود که ممکن است در این حضور وکیل او را همراهی نماید.

۵- پس از وصول شکایت، متهم جهت رسیدگی احضار می شود که نتیجه عدم حضور نیز جلب می باشد.

۶- در صورتی که در جلسه اول، تحقیقات قضایی پایان نیابد برای ادامه تحقیقات متهم حق خروج از حوزه قضایی را ندارد و به همین منظور قرار مناسب صادر می شود. ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری انواع قرارها را بیان نموده؛ الف - التزام به حضور با قول شرف. ب - التزام به حضور با تعیین وجه التزام. پ - التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف. ت - التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام. ث - التزام به معرفی نوبه ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضایی یا انتظامی با تعیین وجه التزام. ج - التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام، با موافقت متهم و پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط. چ - التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات. ح - اخذ کفیل با تعیین وجه الکفاله. خ - اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول. د - بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی.

۹ در دعوی حقوقی

۱- مدعی (خواهان) از مرجع رسیدگی (مانند دادگاه حقوقی) تقاضای صدور حکم مقتضی به الزام طرف دعوی (خوانده) به جبران خسارات وارده و تأمین حقوق خصوصی خود را می نماید که این رسیدگی ممکن است به نفع خواهان و صدور حکم به نفع وی گردد. (مانند الزام خوانده به پرداخت وجه چک، هزینه دادرسی و جرایم تأخیر تأدیه بر اساس نرخ تورم)

۲- طرح دعوی حقوقی معمولاً با استفاده از نمونه خاص (دادخواست یا درخواست) و با پرداخت هزینه‌ای متناسب با خواسته به عمل می‌آید.

۳- جمع‌آوری و ارائه دلایل و مدارک دعوی با مدعی (خواهان) بوده و دخالت قاضی به نفع هر کدام از طرفین مجاز نمی‌باشد)

۴- پس از ثبت دادخواست یا درخواست، به خواننده اخطار می‌شود که خود یا وکیلش جهت دفاع در جلسه رسیدگی حاضر شده یا لایحه دفاعی تقدیم نمایند و در صورتی که به این ترتیب عمل نشد ولی پرونده آماده صدور رأی بود رأی مقتضی صادر می‌شود.

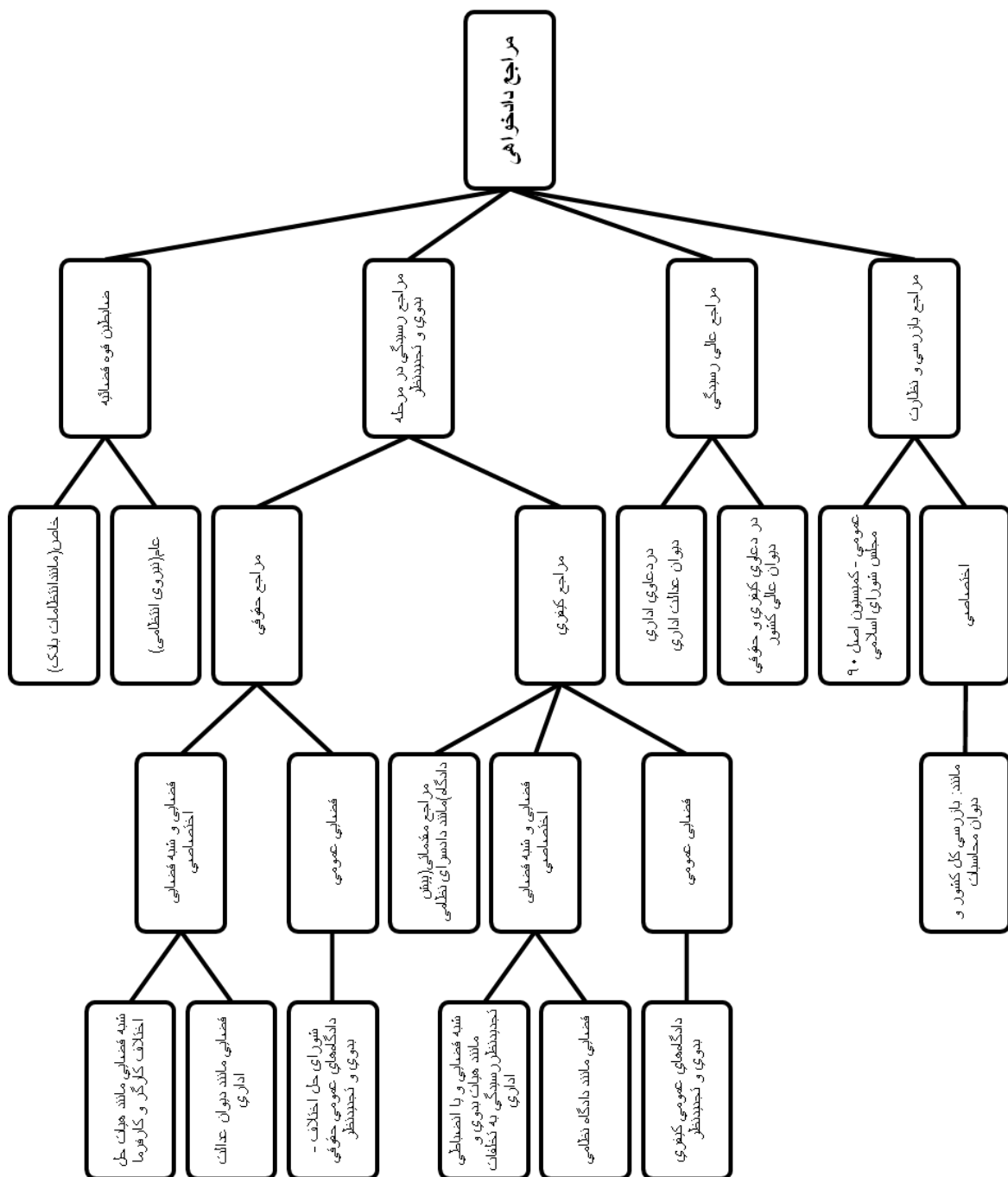
نکته هفتم- مراجع رسیدگی به دعاوی (دادخواهی): دعوی حقوقی در مراجع حقوقی

رسیدگی می‌شود که شامل مراجع قضایی و شبه قضایی و اداری می‌شود مراجع قضایی ممکن است دادگاه‌های عمومی حقوقی و یا دادگاه‌های اختصاصی حقوقی باشند و به لحاظ سلسله مراتب برخی مراجع رسیدگی بدوی و برخی مراجع تجدیدنظر و تعدادی مراجع عالی هستند. دیوان عدالت اداری یک دادگاه اداری است که گاهی به عنوان مرجع بدوی و در اکثر موارد به عنوان دادگاه عالی اداری عمل می‌کند. مراجع شبه قضایی و اداری در اختلافات حقوقی تصمیمات لازم‌الاجرا اتخاذ می‌نمایند ولی مقامی که تصمیم می‌گیرد قاضی نیست بلکه مقامی، دولتی است مانند کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری.

دعای کیفری و انضباطی نیز در مراجع قضایی و شبه قضایی و اداری تحت رسیدگی قرار می‌گیرد با این تفاوت که به منظور جنبه عمومی امور کیفری و انضباطی تهیه ادله و مدارک جرم و یا تخلف توسط دولت انجام می‌گردد مقام جمع‌آوری‌کننده این ادله برای دادگاه کیفری دادستان می‌باشد که با همکاری همکاران قضایی خود (بازپرس و دادیار) و همچنین همکاران غیرقضایی‌اش (نیروی انتظامی و سایر ضابطین قوه قضائیه و عنداللزوم سایر مقامات دولتی و عمومی) بررسی‌های لازم را انجام داده و اگر اتهام را متوجه متهم دید اقدام به صدور کیفرخواست نموده و از دادگاه مجازات متهم را مطالبه می‌کند. دادستان ریاست دادسرا را نیز به عهده دارد. در دعای انضباطی مشابه این اقدامات را مقامات ناظر و یا بازرسی‌کننده به عمل می‌آورند.

انواع مراجع دادخواهی - با توجه به نوع ادعا بایستی به مراجع صالح به رسیدگی (به شرح

صفحه بعد) مراجعه و اقامه دعوی شود.



نکته هشتم- برخی مقررات مهم راجع به رسیدگی قضایی به دعاوی تا ختم

دادرسی:

۱- دعوی غیابی و حضوری^۱- با توجه به مواد ۳۰۳ تا ۳۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی حکم

دادگاه حضوری است مگر این که خوانده یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی وی در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشده و به طور کتبی نیز دفاع ننموده باشد و یا اخطاریه ابلاغ واقعی نشده باشد و محکوم علیه غایب حق دارد به حکم غیابی اعتراض نماید. این اعتراض وخواهی نامیده می شود. دادخواست وخواهی در دادگاه صادر کننده حکم غیابی قابل رسیدگی است. مهلت وخواهی از احکام غیابی برای کسانی که مقیم کشورند بیست روز و برای کسانی که خارج از کشور اقامت دارند دوماه از تاریخ ابلاغ واقعی خواهد بود مگر اینکه معترض به حکم ثابت نماید عدم اقدام به وخواهی در این مهلت به دلیل عذر موجه بوده است.

تبصره ۱ - چنانچه ابلاغ واقعی به شخص محکوم علیه میسر نباشد و ابلاغ قانونی به عمل آید، آن ابلاغ معتبر بوده و حکم غیابی پس از انقضای مهلت قانونی و قطعی شدن به موقع اجراء گذارده خواهد شد.

در صورتی که حکم ، ابلاغ واقعی نشده باشد و محکوم علیه مدعی عدم اطلاع از مفاد رأی باشد می تواند دادخواست وخواهی به دادگاه صادر کننده حکم غیابی تقدیم دارد. دادگاه بدو خارج از نوبت در این مورد رسیدگی نموده قرار رد یا قبول دادخواست را صادر می کند. قرار قبول دادخواست مانع اجرای حکم خواهد بود.

نکته مهم ۱- اجرای حکم غیابی منوط به معرفی ضامن معتبر یا اخذ تأمین متناسب از محکوم له خواهد بود. مگر اینکه دادنامه یا اجرائیه به محکوم علیه غایب ابلاغ واقعی شده و نامبرده در مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ دادنامه وخواهی نکرده باشد.

نکته مهم ۲- تقدیم دادخواست خارج از مهلت یادشده بدون عذر موجه قابل رسیدگی در مرحله تجدیدنظر برابر مقررات مربوط به آن مرحله می باشد.

۲- تجدید نظر نسبت به آراء صادره- با توجه به مواد ۳۳۰ و ۳۳۶ و ۳۹۷ قانون آیین دادرسی

مدنی ، آرای دادگاههای عمومی و انقلاب در امور حقوقی قطعی است ، مگر در مواردی که

۱ در این خصوص همچنین به آئین نامه نحوه استفاده از سامانه های رایانه ای یا مخابراتی (موضوع مواد ۱۷۵ و ۱۷۶ قانون آیین دادرسی کیفری) مصوب ۱۳۹۵ رئیس قوه قضائیه مراجعه شود.

طبق قانون قابل درخواست تجدیدنظر باشد و مهلت درخواست تجدیدنظر و فرجام‌خواهی اصحاب دعوا، برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ یا انقضای مدت واخواهی است.

۳- **اعتراض شخص ثالث** - با توجه به ماده ۴۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی اگر درخصوص دعوایی، رأیی صادره شود که به حقوق شخص ثالث خللی وارد آورد و آن شخص یا نماینده او در دادرسی که منتهی به رأی شده است به عنوان اصحاب دعوا دخالت نداشته باشد، می‌تواند نسبت به آن رأی اعتراض نماید.

۴- **مواعد** - با توجه به مواد ۴۴۲ تا ۴۴۶ قانون آیین دادرسی مدنی مواعیدی را که قانون تعیین نکرده است دادگاه معین خواهد کرد. موعد دادگاه باید به مقداری باشد که انجام امر مورد نظر در آن امکان داشته باشد. موعد به سال یا ماه یا هفته و یا روز تعیین خواهد شد و از نظر احتساب مواعد قانونی، سال دوازده ماه، ماه سی روز، هفته هفت روز و شبانه روز بیست و چهار ساعت است و چنانچه روز آخر موعد، مصادف با روز تعطیل ادارات باشد و یا به علت آماده نبودن دستگاه قضایی مربوط امکان اقدامی نباشد، آن‌روز به حساب نمی‌آید و روز آخر موعد، روزی خواهد بود که ادارات بعد از تعطیل یا رفع مانع باز می‌شوند و موعدی که ابتدای آن تاریخ ابلاغ یا اعلام ذکر شده است، روز ابلاغ و اعلام و همچنین روز اقدام جزء مدت محسوب نمی‌شود و تمامی مواعد مقرر در این قانون از قبیل واخواهی و تکمیل دادخواست برای افراد مقیم خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ می‌باشد.

۵- **مطالبه خسارت و اجبار به انجام تعهد** - با توجه به مواد ۵۱۵ تا ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی خواهان حق دارد ضمن تقدیم دادخواست یا در اثنای دادرسی و یا به طور مستقل جبران خسارات ناشی از دادرسی یا تأخیر انجام تعهد یا عدم انجام آن را که به علت تقصیر خوانده نسبت به اداء حق یا امتناع از آن به وی وارد شده یا خواهد شد، همچنین اجرت‌المثل را به لحاظ عدم تسلیم خواسته یا تأخیر تسلیم آن از باب اتلاف و تسبیب از خوانده مطالبه نماید.

خوانده نیز می‌تواند خسارتی را که عمداً از طرف خواهان با علم به غیر محق بودن در دادرسی به او وارد شده از خواهان مطالبه نماید. دادگاه در موارد یادشده میزان خسارت را پس از رسیدگی معین کرده و ضمن حکم راجع به اصل دعوا یا به موجب حکم جداگانه محکوم‌علیه را به تأدیه خسارت ملزم خواهد نمود. در صورتی که قرارداد خاصی راجع به خسارت بین طرفین منعقد

شده باشد برابر قرارداد رفتار خواهد شد. خسارات دادرسی عبارت است از هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل و هزینه‌های دیگری که به‌طور مستقیم مربوط به دادرسی و برای اثبات دعوا یا دفاع لازم بوده است از قبیل حق الزحمه کارشناسی و هزینه تحقیقات محلی.

درخصوص مطالبه خسارت وارده، خواهان باید این جهت را ثابت نماید که زیان وارده بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن و یا عدم تسلیم خواسته بوده است. در غیر این صورت دادگاه دعوای مطالبه خسارت را رد خواهد کرد. هزینه‌هایی که برای اثبات دعوا یا دفاع ضرورت نداشته نمی‌توان مطالبه نمود. در دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده و با مطالبه داین و تمکن مدیون، مدیون امتناع از پرداخت نموده، در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی ج.ا.ا تعیین می‌گردد محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد مگر این که طرفین به نحو دیگری مصالحه نمایند، مانند توافق بانک با متعهدین در قرارداد اعطای تسهیلات.

۶- **اعتبار امر مختومه** - برابر بند ۶ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی، چنانچه دعوای طرح شده سابقاً بین همان اشخاص یا اشخاصی که اصحاب دعوا قائم مقام آنان هستند، رسیدگی شده و نسبت به آن حکم قطعی صادر شده باشد و دادگاه مجدداً وارد رسیدگی ماهوی نخواهد شد و براساس قاعده اعتبار امر مختومه می‌باید اقدام به صدور قرار رد دعوا نماید.

۷- **تقسیم بندی جرائم** - جرم با عنایت به ماده ۲ قانون مجازات اسلامی هر فعل یا ترک فعلی است که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد و با عنایت به مواد ۸ و ۹ قانون آیین دادرسی کیفری محکومیت به کیفر فقط ناشی از ارتکاب جرم است و جرم که دارای جنبه الهی است می‌تواند دو حیثیت داشته باشد؛ الف) حیثیت عمومی ب) حیثیت خصوصی که این دو می‌توانند موجب طرح دو دعوی شوند؛ الف) دعوای عمومی برای حفظ مقررات الهی یا حقوق جامعه. ب) دعوای خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه دیده است مانند قصاص.

نکته - تعقیب متهم از جهت حیثیت عمومی به عهده دادستان می‌باشد و از جهت حیثیت خصوصی با تقاضای شاکی یا مدعی خصوصی شروع می‌گردد.

۸-

توقف تعقیب امر جزایی و اجرای مجازات - با عنایت به ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری، تعقیب امر کیفری که طبق قانون شروع شده و همچنین اجرای مجازات موقوف نمی‌شود، مگر در موارد زیر:

اول - فوت متهم یا محکوم علیه.

دوم - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت.

سوم - شمول عفو.

چهارم - نسخ مجازات قانونی.

پنجم - شمول مرور زمان در موارد پیش بینی شده در قانون.

ششم - توبه متهم در موارد پیش بینی شده در قانون.

هفتم - اعتبار امر مختوم.

تبصره ۱؛ درباره دیه مطابق قانون مجازات اسلامی عمل می‌گردد.

تبصره ۲ (اصلاحی ۱۳۹۴/۰۳/۲۴)؛ هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود تا زمان افاقه تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود مگر آنکه در جرایم حق الناسی شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که فرد مجنون یا فاقد هشجاری در فرض افاقه نیز نتواند از خود رفع اتهام کند در این صورت به ولی یا قیم یا سرپرست قانونی وی ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت پنج روز نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید. در صورت عدم معرفی صرف نظر از نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات آن وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود و تعقیب و دادرسی ادامه می‌یابد.

۹-

جرم مشهود - بر اساس ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری جرم در موارد زیر مشهود است؛

الف - در مرئی و منظر ضابطان دادگستری واقع شود یا ماموران یاد شده بلافاصله در محل وقوع جرم حضور یابند و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند.

ب - بزه دیده یا دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده اند، حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن، شخص معینی را به عنوان مرتکب معرفی کنند.

پ - بلافاصله پس از وقوع جرم، علائم و آثار واضح یا اسباب و ادله جرم در تصرف متهم یافت شود و یا تعلق اسباب و ادله یاد شده به متهم محرز گردد.

ت - متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، قصد فرار داشته یا در حال فرار باشد یا بلافاصله پس از وقوع جرم دستگیر شود.

ث - جرم در منزل یا محل سکنای افراد، اتفاق افتاده یا در حال وقوع باشد و شخص ساکن، در همان حال یا بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود ماموران را به منزل یا محل سکنای خود درخواست کند.

ج - متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، خود را معرفی کند و وقوع آن را خبر دهد.
چ - متهم ولگرد باشد و در آن محل نیز سوء شهرت داشته باشد.

تبصره ۱- چنانچه جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون به صورت مشهود واقع شود، در صورت عدم حضور ضابطان دادگستری، تمام شهروندان می توانند اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم به عمل آورند.
تبصره ۲- ولگرد کسی است که مسکن و ماوای مشخص و وسیله معاش معلوم و شغل یا حرفه معینی ندارد.

انواع مجازات - با عنایت به ماده ۱۴ الی ۱۸ قانون مجازات اسلامی مجازاتهای مقرر در این قانون چهار قسم است ؛ ۱- حد ۲- قصاص ۳- دیه ۳- تعزیر

۱۱ حد: به مجازاتی گفته می شود که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است.

۱۲ قصاص: قصاص مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضاء و منافع است.

۱۳ دیه: مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیرعمدی بر نفس، اعضاء و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد به موجب قانون مقرر می شود.

۱۴ تعزیر: تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می شود.

۱۰- **تقلیل/تبدیل یا تخفیف مجازات** - با عنایت به ماده ۳۷ (اصلاحی ۱۳۹۹/۰۲/۲۳) و ماده ۳۸

قانون مجازات اسلامی مراتب تقلیل، تبدیل و تخفیف مجازات بدین شرح است ؛

ماده ۳۷: در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب تر باشد به شرح زیر تقلیل دهد یا تبدیل کند؛

الف- تقلیل مجازات حبس به میزان یک تا سه درجه در مجازات های درجه چهار و بالاتر

ب- تقلیل مجازات حبس درجه پنج و درجه شش به میزان یک تا دو درجه یا تبدیل این مجازات و مجازات حبس درجه هفت حسب مورد به جزای نقدی متناسب با همان درجه

پ- تبدیل مصادره کل اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار

ت- تقلیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال

ث- تقلیل سایر مجازات های تعزیری به میزان یک یا دو درجه یا تبدیل آن به مجازات دیگر از همان درجه یا یک درجه پایین تر

تبصره (الحاقی ۱۳۹۹/۰۲/۲۳)- چنانچه در اجرای مقررات این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن مجازات تخفیف می یابد، حکم به حبس کمتر از نود و یک روز صادر شود، به مجازات جایگزین مربوط تبدیل می شود.

ماده ۳۸: جهات تخفیف عبارتند از: الف- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی. ب- همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیاء حاصله از جرم یا به کار رفته برای ارتکاب آن. پ- اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک آمیز بزه دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم. ت- اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر وی در حین تحقیق و رسیدگی. ث- ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری. ج- کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن. چ- خفیف بودن زیان وارده به بزه دیده یا نتایج زیانبار جرم. ح- مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم.

تبصره ۱- دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم خود قید کند.

تبصره ۲- هرگاه نظیر جهات مندرج در این ماده در مواد خاصی پیش بینی شده باشد، دادگاه نمی تواند به موجب همان جهات، مجازات را دوباره تخفیف دهد.

۱۱- **شرکاء و معاونین جرم** - با عنایت به ماده ۱۲۵ الی ۱۲۹ قانون مجازات اسلامی افراد دخیل

در جرم عبارتند از:

الف) **شریک جرم** : هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرائی جرمی مشارکت کند و جرم ، مستند به رفتار همه آنها باشد خواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد خواه متفاوت ، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است. در مورد جرائم غیر عمدی نیز چنانچه جرم ، مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد مقصران ، شریک در جرم محسوب می شوند و مجازات هر یک از آنان ، مجازات فاعل مستقل آن جرم است.

نکته: اعمال مجازات حدود، قصاص و دیات در مورد شرکت در جنایت با رعایت مواد کتابهای دوم، سوم و چهارم این قانون انجام میگیرد.

ب) **معاون جرم**:

اشخاص زیر معاون جرم محسوب می شوند:

الف- هر کس دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد.

ب- هر کس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد.

پ- هر کس وقوع جرم را تسهیل کند.

نکته ۱: برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است. چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیفتر محکوم می شود.

نکته ۲: هر کس از فرد نابالغ به عنوان وسیله ارتکاب جرم مستند به خود استفاده نماید به حداکثر مجازات قانونی همان جرم محکوم می گردد. همچنین هر کس در رفتار مجرمانه فرد نابالغی معاونت کند به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می شود.

نکته ۳: هرکس از فرد نابالغ به عنوان وسیله ارتکاب جرم مستند به خود استفاده نماید به حداکثر مجازات قانونی همان جرم محکوم می گردد. همچنین هرکس در رفتار مجرمانه فرد نابالغی معاونت کند به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می شود.

نکته ۴: سردهستگی دو یا چند نفر در ارتکاب جرم اعم از این که عمل آنان شرکت در جرم یا معاونت در جرم باشد از علل مشدده مجازات است.

سؤالات بخش اول: علم حقوق

- (۱) حقوق بانکی را تعریف کنید.
- (۲) مبنا و هدف علم حقوق بانکی را توضیح دهید.
- (۳) اوصاف مقررات حقوق بانکی را نام برده و مختصراً توضیح دهید.
- (۴) شاخه‌های علم حقوق را نام ببرید.
- (۵) منابع علم حقوق را نام ببرید.
- (۶) سلسله مراتب قانون را به صورت مختصر شرح دهید.
- (۷) عرف چیست؟
- (۸) رویه قضایی را توضیح دهید.
- (۹) نظرات و عقاید علمای علم حقوق را به عنوان یکی از منابع علم حقوق شرح دهید.
- (۱۰) نظارت بر مقررات چگونه است انواع آن را نام ببرید.
- (۱۱) تفسیر مقررات چگونه است انواع آن را نام ببرید.
- (۱۲) تفسیر قانونی را با ذکر نمونه به صورت مشروح توضیح دهید.
- (۱۳) تفسیر قضایی را با ذکر مثال به صورت مشروح توضیح دهید.
- (۱۴) تفسیر اجرایی را با ذکر نمونه به صورت مشروح توضیح دهید.
- (۱۵) قوانین آمره یا امری را با ذکر مثال به صورت مشروح توضیح دهید.
- (۱۶) قوانین تکمیلی یا تفسیری را با ذکر نمونه به صورت مشروح توضیح دهید.
- (۱۷) توافقات قانونی بانک (که اصطلاحاً تابع ماده ۱۰ قانون مدنی و سایر عمومات قانونی است) چه حکمی دارد؟
- (۱۸) ذینفع بودن و داشتن سمت جهت طرح دعوی را با ذکر نمونه به صورت مشروح توضیح دهید.

- ۱۹) مسئولیت اداری را با ذکر نمونه به صورت مشروح توضیح دهید.
- ۲۰) وجوه افتراق دعوی کیفری و حقوقی را با ذکر مثال به صورت مشروح توضیح دهید.
- ۲۱) عطف به ماسبق نشدن قوانین یعنی چه؟
- ۲۲) ادله اثبات دعوی را با ذکر مثال به صورت مشروح توضیح دهید.
- ۲۳) تامین خواسته چیست؟ به صورت مشروح توضیح دهید.
- ۲۴) مواعد قانونی را با ذکر نمونه به صورت مشروح توضیح دهید.
- ۲۵) تجدید نظر نسبت به آراء صادره به چه صورتی است به صورت مشروح توضیح دهید.
- ۲۶) اعسار از هزینه دادرسی یعنی چه؟
- ۲۷) مطالبه خسارت و اجبار به انجام تعهد به چه صورتی است به صورت مشروح توضیح دهید.
- ۲۸) انواع جرائم را نام ببرید.
- ۲۹) انواع مجازات ها را نام ببرید.
- ۳۰) جهات مخففه مجازات ها را نام ببرید.

بخش دوم: مبحث اشخاص

اشخاص موجوداتی هستند که دارای شخصیت بوده و شخصیت عبارت است از «وصف و شایستگی شخص برای اینکه بتواند صاحب حق و تکلیف باشد» اشخاص دو گونه‌اند: ۱- اشخاص حقیقی ۲- اشخاص حقوقی.

اشخاص حقیقی

هریک از انسانها در جامعه دارای شخصیت می‌باشند^۱ و می‌توانند به وسیله آن دارای حق و تکلیف گردند و آن را اجرا نمایند. این قابلیت از طرف خداوند به اعتبار طبیعت انسان در نهاد او به ودیعه گذاشته شده است و بدین لحاظ انسان را شخص طبیعی نیز می‌نامند. اشخاص حقیقی یا ایرانی^۲ هستند و یا خارجی. اشخاص حقیقی خارجی افرادی هستند که تابعیت ایران را نداشته و دارای گذرنامه (با روادید معتبر) و یا «پروانه اقامت معتبر» در ایران می‌باشند. درخصوص آوارگان خارجی کارت هویت (ویژه اتباع خارجی) یا کارت خروجی مدت‌دار معتبر (آمایش^۳) و در مورد پناهندگان خارجی دارندگان دفترچه پناهندگی معتبر صادره از سوی نیروی انتظامی ج.ا.ا. مدارک شناسایی معتبر می‌باشد. کودکان و مجانین که دارای

۱ در مورد اشخاص حقیقی، مقررات ماهوی احوال شخصیه فقط در مورد ایرانیان شیعه اجرا می‌گردد و پیروان سایر مذاهب و همچنین بیگانگان تابع مقررات مربوط به خود هستند. بر اساس اصل ۱۲ قانون اساسی، دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب، بنابراین مقررات ماهوی این کتاب راجع به احوال شخصیه فقط نسبت به ایرانیان شیعه جعفری اثنی عشری قابل اجراست. همچنین با عنایت به ماده ۷ قانون مدنی اتباع خارجه مقیم در خاک ایران، از حیث مسائل مربوطه به احوال شخصیه و اهلیت خود و همچنین از حیث حقوق ارثیه، در حدود معاهدات، مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود.

۲ مدارک شناسایی معتبر آنان شناسنامه و کارت ملی و ... است و بوسیله آن احراز هویت می‌شوند (قسمت ۱۱ از بند ۲ ماده ۱۲ دستورالعمل چگونگی شناسایی مشتریان ایرانی موسسات اعتباری مصوب ۸ جلسه شورای عالی مبارزه با پولشویی مورخ ۱۳۸۹/۱۱/۲۰). [توضیح؛ نام این شورا در ماده ۴ قانون مبارزه با پولشویی اصلاحی ۱۳۹۷ به "شورای عالی مقابله و پیشگیری از جرایم پولشویی و تامین مالی تروریسم" تغییر یافته است.]

۳ بند ۱۱ ماده ۱ دستورالعمل چگونگی شناسایی مشتریان خارجی موسسات اعتباری (مصوب ۱۲ جلسه شورای عالی مبارزه با پولشویی مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۲).

اراده و شعور نیستند از این موقعیت نیز بهره‌مند می‌باشند، ولی اجرای آن به وسیله نمایندگان قانونی آنها (ولی قهری، وصی یا قیم) به عمل می‌آید.^۱

۱- آغاز وجود شخص حقیقی

وجود شخص حقیقی (از منظر علم حقوق) با انعقاد نطفه و قبل از تولد او آغاز می‌شود و از این تاریخ است که طرف حق قرار گرفته و از حقوق مدنی برخوردار می‌گردد. ممکن است جنین از لحاظ پزشکی موجود مستقلی به شمار آید ولی از نظر حقوقی مادام که زنده به دنیا نیامده شخص مستقلی به شمار نیامده و نمی‌تواند دارنده حق و تکلیف باشد.^۲ بنابراین می‌توان گفت جنین نیز دارای نوعی شخصیت است و می‌تواند صاحب حق باشد. مثلاً ممکن است کسی به نفع او وصیت کند و حقی بدین ترتیب برای او ایجاد گردد.^۳ همچنین جنین طبق قانون ارث می‌برد^۴ و ممکن است برای حفظ و اداره سهم الارث او کسی از طرف دادگاه تعیین شود.^۵ لکن شخصیت جنین و حقی که برای او ایجاد شده متزلزل است و هنگامی مستقر و پایدار می‌شود که زنده به دنیا آید، اگرچه فوراً بعد از تولد بمیرد.

۲- پایان وجود شخص حقیقی

وجود شخص حقیقی با مرگ پایان می‌یابد. انسان با مرگ شخصیت خود را از نظر حقوقی از دست می‌دهد و دیگر نمی‌تواند مانند شخص زنده صاحب حق و تکلیف باشد. با وجود این کالبد بی جان انسان شایسته احترام است و از این رو باید به خاک سپرده شود، نبش قبر از نظر شرع و قانون حرام و جرم شناخته شده است.^۶ مرگ یک پدیده طبیعی است و به «از بین رفتن قطعی و برگشت ناپذیر اعمال قلبی، عروقی و تنفسی، حسی و حرکتی گفته می‌شود، چه فقدان قطعی آنهاست که بر مرگ حتمی سلولهای مغزی که

۱ ماده ۹۵۸ قانون مدنی: «هر انسان، متمتع از حقوق مدنی خواهد بود لیکن هیچکس نمی‌تواند حقوق خود را اجرا کند، مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد»

۲ ماده ۹۵۷ قانون فوق: «حمل از حقوق مدنی متمتع می‌گردد مشروط بر اینکه زنده متولد شود.»

۳ ماده ۸۵۱ قانون مذکور: «وصیت برای حمل صحیح است لیکن تملک او منوط است بر اینکه زنده متولد شود.»

۴ ماده ۸۷۵ قانون مزبور: «شرط وراثت زنده بودن در حین فوت مورث است و اگر حملی باشد در صورتی ارث می‌برد که نطفه او حین الموت منعقد بوده و زنده هم متولد شود. اگرچه فوراً پس از تولد بمیرد.»

۵ ماده ۱۰۳ قانون امور حسبی: «علاوه بر مواردی که مطابق قانون مدنی، تعیین امین می‌شود، در موارد زیر نیز امین معین خواهد شد: ۱- برای اداره سهم الارثی که ممکن است از ترکه متوفی به جنین تعلق گیرد، در صورتی که جنین ولی یا وصی نداشته باشد...»

۶ ماده ۶۳۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات): «هرکس بدون مجوز مشروع نبش قبر نماید به مجازات حبس از سه ماه و یک روز تا یکسال محکوم می‌شود و هرگاه جرم دیگری نیز با نبش قبر مرتکب شده باشد به مجازات آن جرم هم محکوم خواهد شد.»

قاطعترین علامت مرگ است صحه می گذارد.»^۱ بنابراین هرگاه شخص در یک بیهوشی طولانی (کما) به سر برد، نباید او را مرده پنداشت و آثار و احکام شخص مرده درباره چنین کسی جاری نمی باشد.

۳- غایب مفقود الاثر

غایب مفقود الاثر شخصی است که مدت نسبتاً مدیدی از اقامتگاه و محل سکونت خود دور شده است و هیچگونه خبری از او در دست نیست.^۲

اموال، فرزندان و همسر وی از جمله آثار و موضوعاتی هستند که در زمان غیبت او مورد بحث قرار می گیرند. مهمترین عنصری که در تعریف غایب در نظر گرفته شده است بی اطلاعی از وضعیت غایب و فقدان اطلاعات مربوط به زنده یا مرده بودن غایب است. بنابراین اگر شخصی از محل ناشناخته ای مبادرت به ارسال نامه نموده و یا بوسیله تلفن با نزدیکان خویش تماس حاصل نماید به نحوی که آنها علم به زنده بودن وی پیدا کنند، چنین فردی با اینکه از اقامتگاه قانونی خود دور است غایب مفقود الاثر نمی باشد و احکام و مقررات خاص غایب مفقود الاثر درباره او به مورد اجرا گذاشته نمی شود. به عبارت دیگر اموال شخص غایب مانند گذشته در مالکیت خودش باقی بوده و رابطه زوجیت او با همسرش همچنان برقرار است هرچند مدت زمان نسبتاً طولانی نیز از غیبت او گذشته باشد. غایب مفقود الاثر دارای وضع حقوقی خاصی بوده و حقوق و تکالیف ویژه ای در قانون برای او مقرر شده است.

اداره امور مالی غایب مفقود الاثر

در صورتی که غایب مفقود الاثر برای اداره اموال خود وکیل تعیین نموده باشد، اداره اموال وی به عهده وکیل بوده و مشکلی در این خصوص ایجاد نمی شود.^۳ و دادستان و دادگاه در امور او دخالت نخواهند کرد و برای اداره اموال غایب مفقود الاثر اقدام به نصب امین نخواهند نمود و همچنین اموال به تصرف موقت ورثه داده نخواهد شد، مگر اینکه وکیل مزبور فوت کند و یا صلاحیتش را برای اداره اموال از دست بدهد.^۴

۱ پزشکی قانونی - دکتر صمد قضایی، صفحه ۳۰

۲ ماده ۱۰۱۱ قانون مدنی: «غایب مفقود الاثر کسی است که از غیبت او مدت بالنسبه مدیدی گذشته و از او به هیچ وجه خبری نباشد.»

۳ ماده ۱۰۱۲ قانون مدنی: «اگر غایب مفقود الاثر برای اداره اموال خود تکلیفی معین نکرده باشد و کسی هم نباشد که قانوناً حق تصدی امور او را داشته باشد، محکمه برای اداره اموال او یک نفر امین معین می کند و تقاضای تعیین امین فقط از طرف مدعی العموم و اشخاص ذینفع در این امر قبول می شود.»

۴ ماده ۱۴۰ قانون امور حسبی: «در صورتی که غایب برای اداره اموال خود کسی را معین کرده باشد و آن کس فوت شود یا به جهت دیگری صلاحیتش برای اداره اموال از بین برود امین برای اداره اموال معین می گردد و اموال به تصرف ورثه داده نمی شود تا حکم موت فرضی غایب صادر شود.»

چنانچه غایب مفقودالاثار برای اداره اموال خود وکیل تعیین نکرده باشد برای حفظ و اداره اموال وی امینی به وسیله دادگاه تعیین خواهد شد. همچنین در فاصله بین غیبت و نصب امین توسط دادگاه، حفظ اموال غایب به عهده دادستان خواهد بود.^۱ چون احتمال زنده بودن غایب زیاد است، قانون‌گذار حفظ منافع غایب و جلوگیری از حیف و میل شدن اموال او را در نظر گرفته و بدین جهت برای اداره اموال او تعیین شخص مورد اعتمادی را به عنوان امین پیش بینی نموده است.

۴- محجورین

همه اشخاص حقیقی اصولاً دارای اهلیت تمتع هستند، یعنی می‌توانند دارای حق شوند، ولی ممکن است اهلیت استیفاء یعنی توانایی اجرای حق را نداشته باشند. اشخاصی که فاقد اهلیت استیفاء هستند محجور نامیده می‌شوند. محجور از ریشه حجر می‌باشد و حجر در لغت به معنای منع و بازداشتن است و در اصطلاح حقوقی عبارت است از منع شخصی از تصرف در اموال و حقوق مالی خود و انجام دادن اعمال حقوقی، اعم از عقد یا ایقاع. بنابراین محجورین کسانی هستند که به علت صغر سن یا نقص (سفاهت) یا اختلال در قوای عقلی (جنون) نمی‌توانند در امور مالی خود آزادانه تصرف کنند و اعمال حقوقی انجام دهند و از این رو به حمایت‌های قانونی نیاز دارند. همه انسان‌ها در مرحله‌ای از زندگی خود (دوره صغر) از اجرای حقوق و تصرف در اموال خود ممنوعند و ناگزیر دوره‌ای از حجر را به طور قهری باید بگذرانند. حتی ممکن است صغیر بعد از خروج از سن صغر (۱۸ سال تمام شمسی) به علت اینکه رشد کافی برای اداره امور خود نکرده است محجور باشد. همچنین برخی از افراد از کودکی مبتلا به اختلال قوای عقلی و جنون بوده و این حالت بعد از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام شمسی ادامه می‌یابد و نیز ممکن است شخص پس از خروج از سن صغر و رشید شدن، مبتلا به سفاهت و جنون گردد. این اشخاص محجور شناخته شده و قانون‌گذار برای اداره امور و حمایت از آنها مقرراتی وضع نموده است. حجر در مقابل اهلیت استیفاء بکار می‌رود و محجور کسی است که فاقد اهلیت مذکور بوده و نمی‌تواند در انجام دادن اعمال حقوقی خود اقدام نماید. بنابراین برای شناخت حجر ابتدا بایستی اهلیت و مسائل مربوط به آن را بشناسیم.

اهلیت

اهلیت یعنی توانایی و شایستگی خاصی که قانون برای اشخاص به رسمیت شناخته است و بردو نوع می‌باشد:

۱ ماده ۱۱۳ قانون امور حسبی: «حفظ و نظارت اموال در مواردی که محتاج به تعیین امین است مادام که امین معین نشده به عهده دادستانی است که اموال در حوزه او یافت می‌شود.»

الف - اهلیت تمتع

اهلیت تمتع یعنی توانایی و شایستگی شخص برای داراشدن حق ، بدون اینکه به واسطه داشتن این اهلیت بتواند در حقوق مکتسبه خود دخل و تصرف حقوقی نماید.^۱

همانطوری که گفته شد انسان از زمان حیات جنینی خود دارای اهلیت تمتع متزلزلی می باشد و در صورتی که زنده متولد شود، اهلیت وی پایدار و مستقر می گردد.

اهلیت تمتع، اهلیت ناقصی است زیرا شخص با دارا شدن این اهلیت ، حق اجرای حقوقی را که دارا شده است ندارد. مبنای حقوقی اهلیت تمتع، انسان بودن است. همین که وجود و شخصیت انسان شکل گرفت و آدمی پا به عرصه حیات گذاشت ، توانایی داراشدن حقوق را کسب می کند، حتی انسان قبل از تولد، دارای اهلیت تمتع است و بعد از تولد این توانایی را تا زمان مرگ حفظ خواهد کرد.^۲ هیچکس نمی تواند اهلیت تمتع را از خود سلب کند و این ویژگی با پیدایش او توأم و با مرگ وی نابود می شود. بنابراین سلب اهلیت تمتع از یک انسان به منزله مرگ حقوقی او می باشد و انسان مادامی که طبیعتاً زنده است نمی توان او را مرده فرض نمود. لذا اهلیت تمتع تحت اختیار انسان نبوده تا بتواند آن را از یکدیگر سلب نماید.^۳

ب - اهلیت استیفاء

اهلیت استیفاء یعنی صلاحیت و توانایی انسان برای داراشدن و اجرای حق و در این معنی اهلیت کامل مورد نظر است. بنابراین انسان هنگامی دارای اهلیت استیفاء می شود که قبل از آن اهلیت تمتع داشته باشد و بدون داشتن حق، اهلیت اجرای آن مطرح نمی شود. در صورتی که اهلیت به طور مطلق به کار رود منظور اهلیت اجرای حق است. در قانون مدنی نیز اهلیت بیشتر به همین معنی به کار رفته و به عنوان یکی از شرایط اساسی صحت معاملات ذکر گردیده است.^۴

۱ ماده ۹۵۸ قانون مدنی

۲ ماده ۹۵۶ قانون مدنی: «اهلیت برای دارا بودن حقوق با زنده متولدشدن انسان شروع و با مرگ او تمام می شود.»

۳ ماده ۹۵۹ قانون فوق: «هیچکس نمی تواند بطور کلی حق تمتع و یا حق اجرا تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند.»

۴ ماده ۱۹۰ قانون مدنی: برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است: ۱- قصد طرفین و رضای آنها ۲- اهلیت طرفین ۳- موضوع معین که مورد معامله باشد ۴- مشروعیت جهت معامله و ماده ۲۱۱ قانون مزبور: «برای اینکه متعاملین اهل محسوب شوند باید بالغ و عاقل و رشید باشند.» و ماده ۲۱۲ همان قانون بیان می دارد: «معامله با اشخاصی که بالغ یا عاقل یا رشید نیستند به واسطه عدم اهلیت باطل است.»

مبنای حقوقی اهلیت استیفاء داشتن قدرت تمیز و درک است، زیرا تعهد و اراده که برای انجام دادن اعمال حقوقی لازم و ضروری است فقط در اشخاص دارای تمیز موجود می‌باشد. حال اگر تمیز شخصی، کامل و کافی باشد، اهلیت او نیز کامل خواهد بود، مانند انسان رشید که دارای درک و تمیز کامل بوده و خوب را از بد و سود را از زیان تشخیص می‌دهد و معنای عقود و اعمال حقوقی را به خوبی درک می‌کند. مهمترین قسمت اعمال و اجرای حق، معامله کردن است یعنی اینکه شخص بتواند مال خود را به دیگری واگذار نماید و یا تعهد بر انجام امری کند و یا قبول انتقال و تعهد کند. به همین دلیل است که ماده ۲۱۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «متعاملین باید برای معامله اهلیت داشته باشند».

امری بودن مقررات مربوط به اهلیت

از آنجا که قواعد مربوط به اهلیت با مصلحت جامعه ارتباط دارد و دارای اهمیت خاصی می‌باشد لذا این مقررات از قوانین آمره و مربوط به نظم عمومی محسوب می‌شود و افراد نمی‌توانند بر خلاف آنها توافق کنند، بنابراین قراردادهای مربوط به سلب اهلیت، اعم از اهلیت تمتع و اهلیت استیفاء باطل و بلااثر است.^۱

انواع و اوصاف محجورین^۵

بطوریکه گفته شد حجر در لغت به معنای منع و بازداشتن است و در اصطلاح حقوقی حجر به معنای عدم اهلیت استیفاء است و به طور کلی می‌توان گفت: «حجر عبارت است از منع شخصی به حکم قانون از اینکه امور خود را به طور مستقل و بدون دخالت دیگری اداره کند و شخصاً اعمال حقوقی انجام دهد.» باتوجه به نوع ممنوعیت شخص در تصرفات خود و مبنای حقوقی آن می‌توان تقسیماتی به شرح زیر برای حجر ذکر کرد:

حجر کلی: منظور از حجر کلی آن است که شخص به طور کلی از اجرای حق و انجام دادن اعمال حقوقی ممنوع باشد، مثلاً حجر مجنون، کلی است زیرا تمامی اعمال حقوقی او را دربر می‌گیرد و مجنون به علت فقدان اراده، هیچ‌گونه عمل حقوقی اعم از عقد یا ایقاع نمی‌تواند انجام دهد. زیرا این گروه از محجورین فاقد قصد و اراده لازم می‌باشند.

۱ ماده ۹۵۹ و ماده ۹۶۰ قانون مدنی و در این باب ماده اخیرالذکر بیان می‌دارد: «هیچکس نمی‌تواند از خود سلب حریت کند و یا در حدودی که مخالف قوانین و یا اخلاق حسنه باشد از استفاده از حریت خود صرف نظر کند».

حجر جزئی: منظور از حجر جزئی ممنوع شدن شخص از پاره‌ای تصرفات می‌باشد، نه همه آنها. مثلاً حجر سفیه، حجر جزئی به شمار می‌آید، زیرا محدود به امور مالی است و در سفاقت فرض بر این است که سفیه عقل معاش ندارد و تصرفات مالی او عاقلانه نیست، ولی در امور غیرمالی دارای درک، شعور و اراده کافی است.

قانون‌گذار در ایجاد ممنوعیت برای محجور اهدافی را دنبال می‌کند که می‌توان به دو دسته تقسیم نمود. اول حمایت از منافع شخص محجور، دوم حمایت از دیگران. به عبارت دیگر قانون با منع محجورین از انجام دادن اعمال حقوقی و واگذاری مسئولیت به ولی، وصی و قیم آنها از اموال و حقوق مالی محجورین نگهداری و هرگونه ضرری را از ایشان دفع می‌کند و از حیف و میل شدن اموال گروهی از اشخاص جامعه نیز جلوگیری می‌کند.

در قانون مدنی اسباب حجر به صغر، سفه و جنون محدود گردیده است. در این موارد حجر موجود به واسطه نقص قوای عقلی و به لحاظ فقدان یا عدم کفایت اراده پدید آمده و لازم است از شخص محجور حمایت شود.^۱

الف- صغیر

صغیر در لغت به معنای کوچک و خرد است و در اصطلاح حقوقی به کسی اطلاق می‌شود که به سن رشد نرسیده و کبیر نشده است. به عبارت دیگر صغیر از نظر سن به نمو جسمانی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده است. قانون‌گذار سن ۱۸ سال تمام شمسی را به عنوان اماره (دلیل) رشد و نمو جسمی و روحی تعیین کرده است.^۲ صغیر بر دو قسم است:

۱ صغیر غیرممیز

صغیر غیرممیز کودک خردسالی است که دارای قوه درک و تمیز نبوده و نمی‌تواند سود و زیان خود را تشخیص دهد. همچنین فاقد قصد و اراده حقوقی می‌باشد. به عبارت دیگر این دسته از صغار مفهوم

۱ ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی: «اشخاص ذیل محجور و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند: ۱- صغار ۲- اشخاص غیررشید ۳- مجانین»

۲ قانون راجع به رشد متعاملین: «ماده واحده- از تاریخ اجرای این قانون در مورد تمامی معاملات و عقود و ایقاعات به استثناء نکاح و طلاق محاکم عدلیه و ادارات دولتی و دفاتر اسناد رسمی باید کسانی را که به سن ۱۸ سال تمام شمسی نرسیده‌اند اعم از ذکور و اناث غیررشید بشناسند مگر آنکه رشد آنها قبل از اقدام به انجام معامله یا عقد و یا ایقاع بطرفیت مدعی العموم در محاکم ثابت شده باشد. اشخاصی که به سن ۱۸ سال شمسی تمام رسیده‌اند در محاکم عدلیه و ادارات دولتی و دفاتر اسناد رسمی رشید محسوب می‌شوند مگر اینکه عدم رشد آنها بطرفیت مدعی العموم در محاکم ثابت گردد. منوط تشخیص سن اشخاص، اوراق هویت آنهاست مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.»

خرید و فروش را درک ننموده و نمی‌دانند که خرید، موجب به دست آوردن مالکیت و فروش، سبب سلب آن می‌شود. لذا تمامی اعمال حقوقی صغار غیرممیز به علت فقدان تمیز و اراده حقوقی از نظر قانون مدنی باطل و بلااثر می‌باشد. زیرا کسی که اراده حقوقی نداشته باشد نمی‌تواند عمل حقوقی انجام دهد و اگر به ظاهر اقدام به آن نماید باید عمل او را باطل به شمار آورد.^۱

۹۱ صغیر ممیز

صغیر ممیز شخصی است که دارای قوه درک و تمیز نسبی است و باوجود اینکه به سن رشد نرسیده، قادر است سود و زیان خود را تشخیص داده و اراده حقوقی داشته باشد، لذا قانون مدنی برخی از اعمال حقوقی ایشان را صحیح و نافذ دانسته است.^۲ همچنین با اینکه صغیر ممیز می‌تواند انشای عقد یا ایقاع نماید به منظور حمایت و تأمین منافع و مصالح وی، قانون مدنی این گروه از صغار را از تصرف در اموال و حقوق مالی خود منع کرده است.^۳ لیکن این ممنوعیت جنبه حمایت از صغیر ممیز دارد لذا اعمال حقوقی ایشان باطل نبوده بلکه غیرنافذ می‌باشد. قانون‌گذار به ولی و قیم این گروه از محجورین اختیار داده است که در صورت لزوم به صغیر ممیز اجازه دهد به کار یا پیشه‌ای اشتغال ورزد و اموال و منافع را که خود به دست آورده است با اذن ولی یا قیم خود اداره نماید و اعمال حقوقی لازم برای اداره آنها را انجام دهد.^۴ باتوجه به مراتب فوق می‌توان گفت اعمال حقوقی صغیر ممیز، در صورتی که بدون اذن ولی یا قیم باشد اصولاً غیرنافذ است که ولی یا قیم می‌تواند با رعایت مصلحت محجور، آن را اجازه (تنفیذ) یا رد کند. در صورت تنفیذ، عیب عمل انجام شده رفع و عمل او از روز وقوع، صحیح تلقی خواهد شد.

ب- اشخاص غیررشید (سفهاء)

غیررشید و سفیه دریک معنا به کار رفته و مترادف می‌باشند. سفیه در لغت به معنای جاهل و احمق است و در اصطلاح حقوقی به کسی اطلاق می‌گردد که اموال خود را در غیر از راههای عقلایی صرف

۱ ماده ۱۲۱۲ قانون مدنی: «اعمال و اقوال صغیر تا حدی که مربوط به اموال و حقوق مالی او باشد باطل و بلااثر است ...»

۲ ماده ۱۲۱۲ قانون فوق: «... صغیر ممیز می‌تواند تملک بلاعوض کند مثل قبول هبه و صلح بلاعوض و حیازت مباحات.»

۳ ماده ۱۲۰۷ قانون مذکور: «اشخاص ذیل محجور و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند: ۱- صغار ...»

۴ مواد ۸۵ و ۸۶ قانون امور حسبی: «ولی یا قیم می‌تواند در صورتی که مقتضی بداند به محجور اجازه اشتغال به کار یا پیشه‌ای بدهد و در این صورت اجازه نامبرده شامل لوازم آن کار یا پیشه هم خواهد بود. محجور ممیز می‌تواند اموال و منافع را که به سعی خود او حاصل شده است با اذن ولی یا قیم اداره نماید.»

می‌کند و ادراکی در او وجود ندارد که موجب حفظ و نگهداری اموالش شده و مانع از صرف آنها در راههای غیرعقلایی گردد.^۱

بنابراین کسی که اموال خود را به طور غیرمعارف مصرف کرده و در معاملات به سود و زیان خود و نیرنگ و فریب طرف مقابل توجه نداشته و اموال خود را در راههای ناشایست صرف کند سفیه یا غیررشید نامیده می‌شود. تفاوت بین سفیه و صغیر ممیز در این است که سفیه قبل از رسیدن به سن رشد (۱۸ سال تمام شمسی) بلوغ فکری کامل را به دست نیاورده و یا اینکه پس از تحصیل رشد آن را از دست داده است، در صورتی که صغیر ممیز به صغیری گفته می‌شود که هنوز به سن رشد نرسیده ولی تا حدی قدرت تشخیص سود و زیان خود را در معاملات بدست آورده است.

عدم رشد سفیه ممکن است به ایام صغر او متصل باشد یا شخص پس از رسیدن به سن رشد این صفت (رشید بودن) را از دست بدهد و محجور گردد.^۲

سفیهی که بعد از احراز رشد و رسیدن به سن ۱۸ سال تمام شمسی مبتلا به سفاهت شده باشد و عدم رشد او متصل به زمان کودکی او نباشد اثبات سفاهت و محجوریت وی مستلزم بررسی قضایی و صدور حکم دادگاه می‌باشد. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که مبدأ حجر تاریخ زوال رشد است یا زمان صدور حکم دادگاه؟

در پاسخ باید گفت که اثر حجر به تاریخ حدوث سفاهت برمی‌گردد و دادگاه وظیفه دارد با رسیدگی قضایی و اخذ نظریه پزشکی قانونی تاریخ مذکور را احراز و در حکم صادره، تاریخ دقیق حجر سفیه را قید نماید.^۳ به عبارت دیگر دادگاه احراز می‌کند که شخص، در زمان معینی در گذشته رشد خود را از دست داده و محجور شده است.

حجر سفیه محدود به امور مالی است و شامل امور غیرمالی او نمی‌شود. لذا اعمال او صرفاً در امور مالی نافذ نبوده و باید ولی یا قیم او آن اعمال را با رعایت مصلحت وی تنفیذ نماید.^۴

۱ ماده ۱۲۰۸ قانون مدنی: «غیررشید کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود عقلایی نباشد.»

۲ بندهای ۲ و ۳ ماده ۱۲۱۸ قانون فوق

۳ مواد ۷۰ و ۷۱ قانون امور حسبی: «اثر حجر از تاریخ قطعیت حکم مترتب می‌شود لیکن اگر ثابت شود که علت حجر قبل از تاریخ حجر وجود داشته اثر حجر از تاریخ وجود علت حجر مترتب می‌شود. در مواردی که علت حجر بعد از رشد حادث شده باشد دادگاه باید ابتدای تاریخ حجر را که بر او معلوم شده است در حکم خود قید نماید.»

۴ ماده ۱۲۱۴ قانون مدنی: «معاملات و تصرفات غیررشید در اموال خود نافذ نیست مگر با اجازه ولی یا قیم او اعم از اینکه این اجازه قبلاً داده شده باشد یا بعد از انجام عمل. معذکات تملکات بلاعوض از هر قبیل که باشد بدون اجازه هم نافذ است.»

پ- مجنون

مجنون کسی است که قوه عقل و درک ندارد و به اختلال کامل قوای دماغی و عقلانی مبتلاست و به عبارت دیگر مختل المشاعر است. مجنون و سفیه را نباید یکی دانست، زیرا سفیه شخص عاقلی است که نمی‌تواند امور مالی خود را اداره کند، ولی به اختلال کامل قوای دماغی مبتلا نیست.

انواع مجانین

برای انواع مجانین تقسیم بندیهای مختلفی به شرح ذیل ارائه می‌شود:

۱- مجنون به اعتبار اتصال یا عدم اتصال جنون به زمان صغر

در این تقسیم‌بندی مجنون را به اعتبار زمان ابتلائش به جنون به دو گروه تقسیم کرده‌اند: مجنونی که جنون وی متصل به دوران صغر است و مجنونی که جنون او متصل به ایام صغر نیست^۱. هردو گروه محجورند و تمامی تصرفات و اعمال حقوقی آنها به لحاظ فقدان قصد و اراده حقوقی باطل است، اما تفاوت در این دو گروه به سرپرستان آنها برمی‌گردد و هرگاه مجنون از گروه اول (جنون وی متصل به زمان صغر وی باشد) دارای ولی خاص (پدر، جد پدری و وصی منصوب از جانب آنها) باشد، دیگر نیازی به نصب قیم نمی‌باشد و سرپرستی آنها با ولی خاص آنها می‌باشد. ولی برعکس برای گروه دوم (جنون او متصل به زمان صغر او نباشد) باید قیم نصب شود، اگرچه دارای ولی خاص باشند.

۲- مجنون دائمی و مجنون ادواری

مجنون را به اعتبار استمرار جنون و عدم استمرار آن به مجنون دائمی و ادواری تقسیم کرده‌اند^۲. مجنون دائمی دارای جنون مستمر و مداوم است در صورتی که مجنون ادواری حالات متفاوت دارد. گاهی در حالت جنون و گاهی در حال افاقه^{*} به سر می‌برد.

چون مجنون فاقد درک و تمیز و اراده حقوقی است، تمام اعمال حقوقی او باطل است و اجازه ولی یا قیم نیز در این زمینه نمی‌تواند ناتوانی او را جبران کند.

۱ بندهای ۲ و ۳ ماده ۱۲۱۸ قانون فوق

۲ ماده ۱۲۱۳ قانون مدنی: «مجنون دائمی مطلقاً و مجنون ادواری در حال جنون نمی‌تواند هیچ تصرفی در اموال و حقوق مالی خود بنماید ولو با اجازه ولی یا قیم خود. لیکن اعمال حقوقی که مجنون ادواری در حال افاقه می‌نماید نافذ است مشروط بر آن که افاقه او مسلم باشد.»

* افاقه: بهبودی موقت

البته در صورت لزوم، خود ولی یا قیم بر طبق مقررات، به عنوان نماینده قانونی مجنون اقدام می نماید و به جای او اعمال حقوقی انجام می دهد که اثر آن متوجه مجنون می شود.

اعمال حقوقی مجنون بطور کلی باطل می باشد اما چون مجنون ادواری گاهی در حال افاقه به سر می برد و سلامت خود را به دست می آورد لذا چنانچه در این ایام مبادرت به انجام اعمال حقوقی نماید، اعمال او صحیح و معتبر می باشد. به شرط اینکه افاقه او در حین انجام اعمال ثابت و محرز باشد.

ت - نمایندگان قانونی محجورین

محجورین از طرق مختلف مورد حمایت قرار گرفته اند. بخشی از این حمایت ها به صورت بطلان یا عدم نفوذ اعمال حقوقی محجور است که قبلاً اشاره شد. علاوه بر این، مصلحت محجورین ایجاب می کند که اشخاصی موظف به اداره امور آنان و مامور به انجام دادن اعمال حقوقی به نمایندگی از آنان باشند. بدین منظور قانون مدنی نهادی برای حمایت از محجورین پیش بینی کرده که عبارت از «ولی» می باشد. در اصطلاح حقوقی ولایت عبارت است از سلطه و اقتداری که قانون به جهتی از جهات به کسی می دهد که امور مربوط به غیر را انجام دهد و کسی که این سمت را داشته باشد «ولی» نامیده می شود.

ولی بر دو قسم است: الف - ولی خاص ب - ولی عام.

الف - **ولی خاص:** ولی خاص کسی است که امور مربوط به گروه معینی از محجورین را در حدود قانون انجام دهد.^۱ کسی را که ولی خاص بر او ولایت دارد «**موئی علیه**» می گویند.

ولی خاص بر دو قسم است: ولی قهری و وصی.

ولی قهری

ولی قهری عبارت از پدر و جد پدری می باشد. سمت ولایت به پدر و جد پدری از طرف شرع مقدس اسلام و قانون اعطا شده است، و بدون انتصاب یا تنفیذ از طرف مرجع رسمی (قضائی) صورت می گیرد و به همین دلیل به پدر و جد پدری ولی قهری گفته می شود.^۲ منظور از جد پدری، پدر پدر، جد پدر و هر چه بالاتر رود می باشد و **جد مادری** را شامل نمی شود.

۱ ماده ۱۱۹۴ قانون مدنی: «پدر و جد پدری و وصی منصوب از طرف یکی از آنان ولی خاص طفل نامیده می شود.»

۲ مواد ۱۱۸۰ و ۱۱۸۱ قانون مدنی: «طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود می باشد و همچنین است طفل غیر رشید یا مجنون در صورتی که عدم رشد یا جنون او متصل به صغر باشد. هریک از پدر و جد پدری نسبت به اولاد خود ولایت دارند.»

ولایت پدر و جدپدری هر دو در عرض یکدیگرند و هریک مستقلاً حق ولایت را دارا می‌باشند. بنابراین هر اقدامی که هریک از پدر و جدپدری در امور مربوط به ولایت قبلاً انجام داده باشد صحیح است و عمل دیگری آن را باطل و بلا اثر نمی‌سازد. در خصوص این موضوع که در مقام اختلاف بین پدر و جدپدری در امور مربوط به ولایت قول کدامیک مقدم می‌باشد، قانون مدنی سکوت اختیار نموده است.

وصی

وصی کسی است که از طرف پدر یا جد پدری برای اداره امور مربوط به صغیر منصوب شده است. در حقیقت ولی قهری سمتی را که در سرپرستی مولی علیه و اداره امور حقوقی او داشته برای بعد از فوت خود به شخص ثالث امینی (وصی) واگذار نموده و وصی، قائم مقام ولی قهری می‌باشد. در صورت فوت پدر و جد پدری، وصی منصوب از طرف آنان سمت ولایت را عهده‌دار خواهد بود^۱ و امور مربوط به ولایت را انجام خواهد داد. قانون مدنی حق تعیین وصی به هریک از پدر و جد پدری را پس از فوت دیگری داده و آنها را از تعیین وصی در حیات دیگری منع کرده است.^۲ پدر و جد پدری می‌توانند تمام یا قسمتی از اختیارات خود را برای پس از فوتشان به وصی واگذار نمایند. بنابراین حدود اختیارات وصی همان است که وصیت کننده (پدر یا جدپدری) تعیین نموده است و چنانچه وصی از آن تجاوز نماید اعمال حقوقی او باطل می‌باشد. از این رو ماده ۱۱۹۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد:

«ممکن است پدر یا جد پدری به کسی که به سمت وصایت معین کرده، اختیار تعیین وصی بعد از فوت خود را برای مولی علیه بدهد.»

محجورینی که ولی خاص بر آنها ولایت دارد

محجورینی که تحت سرپرستی و ولایت پدر و جد پدری یا وصی منصوب از جانب آنها (ولی خاص) قرار دارند عبارتند از:

۱- صغیر^۳

۱ ماده ۱۱۸۸ قانون فوق: «هریک از پدر و جد پدری بعد از وفات دیگری می‌تواند برای اولاد خود که تحت ولایت او می‌باشند وصی معین کند تا بعد از فوت خود در نگاهداری و تربیت آنها مواظبت کرده و اموال آنها را اداره نماید.»

۲ ماده ۱۱۸۹ قانون مدنی: «هیچیک از پدر و جدپدری نمی‌تواند با حیات دیگری برای مولی علیه خود وصی معین کند.»

۳ در این باب همچنین رجوع شود به قانون تامین زنان و کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۷۱ و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲

۲- سفیهی که سفاهت او متصل به دوران صغر او باشد.

۳- مجنونی که جنون وی متصل به ایام صغر وی باشد.

کسی که ۱۸ سال تمام شمسوی را پشت سر نهاده فرض می‌شود که رشید و عاقل بوده و از تحت ولایت ولی خاص خارج می‌گردد. ولی هرگاه پس از رسیدگی قضائی ثابت گردد که وی قبل از رسیدن به سن مذکور و در زمان صغیر بودنش سفیه یا مجنون بوده است دوره ولایت و سرپرستی ولی خاص کماکان به قوت خود باقی بوده و استمرار داشته و تا رفع محجوریت از سفیه یا مجنون، ولایت آنها ادامه خواهد داشت.

حدود اختیارات ولی خاص

اختیارات ولی خاص در اداره دارایی و اعمال حقوقی مولی علیه نامحدود است و ولی خاص می‌تواند هرگونه اعمالی را که به مصلحت مولی علیه باشد، انجام دهد. ولی خاص می‌تواند اموال مولی علیه را به قیمت متعارف و واقعی بفروشد و اموال دیگری را برای او خریداری نموده و با پول وی معاملات تجاری به نام مولی علیه انجام دهد. ولی خاص می‌تواند برای رفع نیازهای مولی علیه و یا تامین سرمایه در گردش وی به نام او از تسهیلات بانکی استفاده نموده و اموال او را در رهن بانک قرار دهد. در صورتی که اداره اموال مولی علیه احتیاج به کارگرانی داشته باشد، ولی خاص می‌تواند، اشخاصی را استخدام نموده و اجرت آنان را از اموال مولی علیه پرداخت کند. «ولی» نماینده قانونی مولی علیه می‌باشد^۱ و نماینده کسی است که به جای دیگری بتواند اعمالی را برای او انجام دهد. همچنین هرگاه «ولی» به واسطه غیبت یا حبس و یا هر علت دیگر نتواند به امور مولی علیه رسیدگی کند به پیشنهاد دادستان برای تصدی و اداره اموال مولی علیه موقتاً یک نفر امین معین می‌نماید تا امین امور مربوط به مولی علیه را انجام دهد و پس از رفع مانع دادگاه امین را عزل می‌کند.^۲ همانطوری که گفته شد حدود و وظایف و اختیارات وصی همان است که ولی برای او تعیین کرده و اگر وصی به اداره امور حقوقی مولی علیه اقدام نکند یا امتناع از انجام وظایف تعیین شده

۱ ماده ۱۱۸۳ قانون مدنی: «در تمامی امور مربوط به اموال و حقوق مالی مولی علیه ولی نماینده قانونی او می‌باشد.»

۲ ماده ۱۱۸۷ قانون فوق: «هرگاه ولی قهری منحصر، به واسطه غیبت یا حبس و به هر علتی که نتواند به امور مولی علیه رسیدگی کند و

کسی را هم از طرف خود معین نکرده باشد حاکم یک نفر امین به پیشنهاد مدعی العموم برای تصدی و اداره اموال مولی علیه و سایر

امور راجع به او موقتاً معین خواهد کرد.»

نماید و یا عدم وصف امانتداری وی و یا عدم لیاقت اداره اموال مولی علیه نزد دادگاه اثبات گردد از سمت خود عزل می شود و برای مولی علیه قیم تعیین می گردد.^۱

موارد سلب صلاحیت ولی

براساس ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی هرگاه ولی قهری طفل رعایت غبطه صغیر را ننماید و مرتکب اقداماتی شود که موجب ضرر مولی علیه گردد به تقاضای یکی از اقارب وی و یا به درخواست دادستان پس از اثبات، دادگاه ولی مذکور را عزل و از تصرف در اموال صغیر منع و برای اداره امور مالی طفل فرد صالحی را به عنوان قیم تعیین می نماید.

همچنین اگر ولی قهری به واسطه کبر سن (کهلوت) و یا بیماری و امثال آن قادر به اداره اموال مولی علیه نباشد و شخصی را هم برای این امر تعیین ننماید طبق مقررات این ماده فردی به عنوان امین به ولی قهری منضم می گردد.

براساس ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضائی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند.^۲

موارد ذیل از مصادیق عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی هر یک از والدین است:

- ۱ - اعتیاد زیان آور به الکل، مواد مخدر و قمار.
- ۲ - اشتها به فساد اخلاق و فحشاء.
- ۳ - ابتلا به بیماریهای روانی با تشخیص پزشکی قانونی.
- ۴ - سوء استفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد و فحشاء، تکدی گری و قاچاق.
- ۵ - تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف.

۱ ماده ۱۱۹۱ قانون مذکور: «اگر وصی منصوب از طرف ولی قهری به نگاهداری یا تربیت مولی علیه و یا اداره امور او اقدام نکند یا امتناع از انجام وظایف خود نماید منزل می شود.»

۲ در این باب همچنین رجوع شود به قانون حمایت خانواده مصوب اسفند ۱۳۹۱

نکته - تفاوت میان ولایت و حضانت طفل

ولایت بمعنی سرپرستی امور مالی صغیر بوده و با عنایت به ماده ۱۱۸۳ قانون مدنی در تمامی امور مربوط به اموال و حقوق مالی مولی علیه، ولی، نماینده قانونی او می باشد. ولی حضانت یعنی نگهداری و تربیت طفل که بر اساس ماده ۱۱۶۸ نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوین است و با توجه به ماده ۱۱۶۹ برای حضانت و نگهداری طفلی که ابوین او جدا از یکدیگر زندگی می کنند، مادر تا سن هفت سالگی اولویت دارد و پس از آن با پدر است.

تبصره: بعد از هفت سالگی در صورت حدوث اختلاف، حضانت طفل با رعایت مصلحت کودک به تشخیص دادگاه می باشد.

استثنا در اداره امور مالی محجور: مطابق قانون مدنی، اداره امور مالی محجور (صغیر، مجنون، سفیه) با پدر، جدپدیری و وصی منصوب از طرف آنان می باشد. با این وجود استثنائاتی (ولو جزئی) در سایر قوانین پیش بینی شده، مانند قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱. مطابق قاعده ای که در ماده ۴۳ قانون اخیرالذکر آمده، علی الاصول حضانت فرزندان که پدرشان فوت شده با مادر آنها است و در صورتی که بانک ملزم به تسلیم یا تملیک مالی به صغیر/محجور باشد، این اموال با تشخیص دادستان در حدود تأمین هزینه های متعارف زندگی باید در اختیار شخصی قرار گیرد که حضانت و نگهداری محجور را عهده دار است^۱ (یعنی علی القاعده در اختیار مادر قرار می گیرد). ضمناً این دسته از مادران حق اقامه دعوی برای مطالبه نفقه طفل یا محجور را نیز دارا می باشند^۲.

پایان ولایت ولی خاص

پس از آن که صغیر به سن ۱۸ سال تمام شمسى رسید و یا حکم رشد وی توسط مراجع ذیصلاح صادر شد، به خودی خود ولایت ولی خاص خاتمه می پذیرد، مگر اینکه در اثر رسیدگی قضائی ثابت شود که او سفیه یا مجنون بوده و سفاقت و جنون او متصل به زمان صغر او باشد که در این صورت ولایت ولی خاص ادامه خواهد یافت.^۳

۱ ماده ۴۴ قانون حمایت خانواده؛ «در صورتی که دستگاههای اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸، ملزم به تسلیم یا تملیک اموالی به صغیر یا سایر محجوران باشند، این اموال با تشخیص دادستان در حدود تأمین هزینه های متعارف زندگی باید در اختیار شخصی قرار گیرد که حضانت و نگهداری محجور را عهده دار است، مگر آنکه دادگاه به نحو دیگری مقرر کند.»

۲ ماده ۶ قانون حمایت خانواده

۳ ماده ۱۱۹۳ قانون مزبور: «همین که طفل کبیر و رشید شد از تحت ولایت خارج می شود و اگر بعداً سفیه یا مجنون شود قیمی برای او معین می شود.»

اموال مولی علیه تا زمان رشد او نزد ولی خاص امانت می‌باشد^۱ و بایستی در حفظ و اداره آن کمال دقت را بنماید و هرگاه تمام یا بعض اموال مولی علیه بدون تعدی و تفریط ولی خاص ناقص یا تلف شود مسئول نخواهد بود و بایستی تمامی اموال مولی علیه را پس از رسیدن به سن رشد به وی تسلیم نموده و در صورتی که مولی علیه بعد از سن رشد تقاضای حسابرسی نماید، حساب دوران ولایت خود را به او بدهد.

ب- **ولی عام**: ولی عام کسی است که امور مربوط به تمامی افراد جامعه را در حدود قانون انجام می‌دهد. حاکم ولی عام است و از طرف مرجع صلاحیتدار قانونی به این سمت برگزیده شده است. در حال حاضر سمت حاکم را قاضی دادگاه و دادستان عهده‌دار هستند و قانون امور معینی را به هریک از آنها واگذار نموده است. مانند صدور حکم حجر افراد، تعیین قیم برای اداره اموال محجورین. ماده ۱۲۲۴ قانون مدنی در این خصوص مقرر می‌دارد: «حفظ و نظارت در اموال صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید مادام که برای آنها قیم معین نشده به عهده مدعی العموم خواهد بود. طرز حفظ و نظارت مدعی العموم به موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد.»

دادستان پس از اطلاع از وجود محجور باید فوراً به طرق مقتضی از اموال او فهرست تهیه کرده و اقدامات لازم را برای جلوگیری از حیف و میل آنها بعمل آورده و اموال فوق را در محل محفوظی نگهداری و یا به امین بسپارد تا پس از رسیدگی قضائی و تعیین قیم اموال مذکور به وی تحویل داده شود.

قیم: قیم کسی است که از طرف دادگاه برای سرپرستی محجور و اداره امور او نصب می‌گردد.^۲ بنابراین قیمومت وظیفه و سمتی است که از طرف قاضی به شخص قیم برای سرپرستی و اداره امور محجور داده می‌شود.

۱ ماده ۱۱۸۶ قانون مدنی: «در مواردی که برای عدم امانت ولی قهری نسبت به دارایی طفل، امارات* قوه موجود باشد، مدعی العموم مکلف است از محکمه ابتدایی رسیدگی به عملیات او را بخواهد. محکمه در این مورد رسیدگی کرده در صورتی که عدم امانت او معلوم شد مطابق ماده ۱۱۸۴ رفتار می‌نماید.»

* امارات: اماره عبارت است از اوضاع و احوالی که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته شود.

ماده ۱۱۸۴ اصلاحی ۱۳۷۹: «هرگاه ولی قهری طفل رعایت غبطه صغیر را ننماید و مرتکب اقداماتی شود که موجب ضرر مولی علیه گردد به تقاضای یکی از اقارب وی و یا به درخواست رئیس حوزه قضایی (در حال حاضر دادستان) پس از اثبات، دادگاه ولی مذکور را عزل و از تصرف در اموال صغیر منع و برای اداره امور مالی طفل فرد صالحی را به عنوان قیم تعیین می‌نماید. همچنین اگر ولی قهری به واسطه کبر سن و یا بیماری و امثال آن قادر به اداره اموال مولی علیه نباشد و شخصی را هم برای این امر تعیین ننماید طبق مقررات این ماده فردی به عنوان امین به ولی قهری منضم می‌گردد.»

۲ ماده ۱۲۲۷ قانون مدنی: «فقط کسی را محاکم و ادارات و دفاتر اسناد رسمی به قیمومت خواهند شناخت که نصب او مطابق قانون توسط دادگاه بعمل آمده باشد.»

محجورینی که قیم بر آنها ولایت دارد

به موجب قانون ۱۲۱۸ قانون مدنی: «برای اشخاص ذیل نصب قیم می‌شود:

۱- برای صغاری که ولی خاص ندارند.

۲- برای مجانین و اشخاص غیررشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها بوده و ولی خاص نداشته باشند.

۳- برای مجانین و اشخاص غیررشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها نباشد.»
بنابراین برای سه گروه از محجورین به شرح زیر قیم نصب می‌شود:

- صغیری که پدر یا جدپدری یا وصی منصوب از سوی یکی از آنان (ولی خاص) را نداشته باشد.

- سفیهی که بعد از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام شمسی سفاهت بر او عارض شده باشد اعم از اینکه پدر یا جد پدری یا وصی منصوب داشته یا نداشته باشد. سفیهی که سفه او متصل به ایام کودکی بوده و ولی خاص نداشته باشد.

- مجنونی که پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام شمسی دچار حالت جنون شده اعم از اینکه پدر، جدپدری و وصی منصوب داشته یا نداشته باشد. همچنین مجنونی که جنون وی متصل به دوران کودکی بوده و ولی خاص نداشته باشد.

بنابراین اگر محجور قبل از رسیدن به سن رشد، مبتلاء به جنون یا سفاهت شده و این حالت بعد از بلوغ هم ادامه داشته باشد در صورت داشتن ولی خاص، ولایت وی بعد از بلوغ ادامه پیدا می‌کند.

محجورشدن ولی خاص به منزله فقدان او می‌باشد. به عبارت دیگر هرگاه ولی قهری یا وصی منصوب از سوی او محجور شود مانند آن است که محجور، ولی خاص نداشته باشد و نصب قیم لازم می‌شود.^۱

تشریفات نصب قیم

دادستان و دادگاه هریک تکالیفی را در نصب قیم و نظارت بر اعمال او بر عهده دارند. قانونگذار برای نصب قیم تشریفات و اقدامات خاصی را پیش‌بینی کرده است.

در مواردی که نصب قیم لازم باشد قانون‌گذار اشخاصی را به شرح ذیل مکلف به اعلام وضع موجود و درخواست نصب قیم کرده است :

۱ ماده ۱۱۸۵ قانون مدنی: «هرگاه ولی قهری طفل، محجور شود مدعی العموم مکلف است مطابق مقررات راجعه به تعیین قیم، قیمی برای طفل معین کند.»

۱- **هریک از پدر و مادر:** هرگاه جنون یا سفاهت محجور متصل به زمان صغر او نباشد، هریک از ابوين او مکلف است مراتب را به دادسرای حوزه اقامت خود اطلاع داده و تقاضای نصب قیم کند و در صورت نبودن هریک از ابوين این وظیفه بعهدہ اقبایبی (نزدیکان) می باشد که با محجور زندگی می کنند^۱.

۲- **زوج یا زوجه:** هرگاه محجور متاهل باشد وظیفه فوق متوجه همسر وی می باشد^۲.

۳- **رئیس دادگستری محل، دادستان و هریک از مسئولان اداره سرپرستی** نیز اگر از

وجود محجور محتاج به قیم آگاه شوند، بایستی اقدامات لازم را برای نصب قیم انجام دهند^۳.

برای نصب قیم، دادسرا (اداره سرپرستی) ضمن بررسی تقاضای رسیده از آگاهان، تحقیقات لازم را به عمل می آورد و در صورت لزوم، نظر پزشک قانونی را نیز اخذ می کند و اشخاصی را که برای قیمومت مناسب هستند شناسایی و به دادگاه صالح برای صدور حکم حجر محجور و قیمومت قیم معرفی می کند. رسیدگی قضائی به موضوع حجر و صدور حکم و نصب قیم گاهی اوقات طولانی می شود و ممکن است در این فاصله محجور در اموال خود تصرفاتی داشته، یا اموال او مورد سوءاستفاده دیگران قرار گیرد. به همین منظور قانون گذار، تعیین امین موقت را پیش بینی نموده است^۴.

نصب قیم: دادگاه از میان کسانی که برای قیمومت معرفی شده اند یک یا چند نفر را که اوصاف و شرایط لازم را داشته باشند به سمت قیمومت معین و حکم نصب او یا آنان را صادر می کند^۵. در صورتی که دو یا چند نفر به سمت قیمومت تعیین شوند دادگاه می تواند وظایف آنها را تفکیک کند^۶ و یا آنها را

۱ ماده ۱۲۱۹ قانون فوق: «هریک از ابوين مکلف است در مواردی که به موجب ماده قبل باید برای اولاد آنها قیم معین شود مراتب را به دادستان حوزه اقامت خود و یا به نماینده او اطلاع داده از او تقاضا نماید که اقدام لازم برای نصب قیم بعمل آورد».

۲ ماده ۱۲۲۱ قانون مزبور: «اگر کسی به موجب ماده ۱۲۱۸ باید برای او نصب قیم شود زن یا شوهر داشته باشد زوج یا زوجه نیز مکلف به انجام تکلیف مقرر در ماده ۱۲۱۹ خواهند بود».

۳ ماده ۱۲۲۲ قانون صدرالاشعار: «در هر موردی که دادستان به نحوی از انحاء به وجود شخصی که مطابق ماده ۱۲۱۸ باید برای او نصب قیم شود مسبوق گردید باید به دادگاه ... رجوع و اشخاصی را که برای قیمومت مناسب می داند به آن دادگاه معرفی کند. دادگاه ... از میان اشخاص مزبور یک یا چند نفر را به سمت قیم معین و حکم نصب او را صادر می کند و نیز دادگاه مزبور می تواند علاوه بر قیم یک یا چند نفر را به عنوان ناظر معین نماید. در این صورت دادگاه باید حدود اختیارات ناظر را تعیین کند. اگر دادگاه ... اشخاصی را که معرفی شده اند معتمد ندید، اشخاص دیگری را از دادسرا خواهد خواست».

۴ ماده ۶۴ قانون امور حسبی: «دادگاه می تواند شخصی را که درخواست حجر او شده است قبل از صدور حکم و یا بعد از صدور حکم و قبل از قطعی شدن آن از بعض یا تمام تصرفات در اموال، موقتاً ممنوع نماید و در این صورت دادگاه امینی موقتاً برای حفظ اموال و تصرفاتی که ضرورت دارد معین می نماید».

۵ ماده ۱۲۲۲ قانون مدنی.

۶ ماده ۱۲۳۴ قانون مدنی: «در صورتی که محکمه بیش از یک نفر را برای قیمومت معین کند می تواند وظایف آنها را تفکیک نماید».

مجتمعاً منصوب نماید تا با موافقت یکدیگر انجام وظیفه نمایند.^۱ همچنین دادگاه می‌تواند برای چند محجور یک قیم انتخاب نماید.^۲

ضم ناظر به قیم

گاهی دادگاه، علاوه بر نصب قیم، یک یا چند نفر ناظر نیز برای نظارت یا تصویب اعمال قیم تعیین می‌کند.^۳ در این صورت دادگاه باید حدود اختیارات ناظر را نیز تعیین کند. ناظر ممکن است اطلاعی یا استصوابی باشد. ناظر اطلاعی شخصی است که قیم باید کارهای خود را صرفاً به اطلاع او برساند و لازم نیست اعمال قیم با تصویب و موافقت قبلی او باشد. اما در صورتی که ناظر استصوابی باشد، کارهای قیم باید با صلاحدید و تصویب او انجام گیرد و هرگاه قیم بدون موافقت او اعمال حقوقی به نمایندگی از محجور انجام دهد اعمال مزبور غیر نافذ خواهد بود.

اختیارات و وظایف قیم

سرپرستی و اداره امور محجورین اعم از امور مالی و غیرمالی آنها برعهده قیم است. بطور کلی می‌توان وظایف و اختیارات قیم را مواظبت از محجور و اداره اموال او دانست.^۴

محجورین اعم از صغیر، سفیه و مجنون قانوناً نمی‌توانند در اموال و امور مالی خود مداخله کنند و اداره این امور برعهده قیم است و به همین منظور مقررات مختلفی در این زمینه وجود دارد. برخی از این مقررات برای حفظ اموال محجورین، جنبه حفاظتی داشته و برخی دیگر ناظر بر اعمال حقوقی محجورین است.

به موجب ماده ۱۲۳۶ قانون مدنی: «قیم مکلف است قبل از مداخله در امور مالی مولی علیه صورت جامعی از تمامی دارایی او تهیه کرده و یک نسخه از آن را با امضای خود برای دادستانی که مولی علیه در حوزه آن سکونت دارد بفرستد...»

۱ ماده ۶۳ قانون امور حسبی: «در مورد تعدد قیم و همچنین در موردی که ناظر معین شده است دادگاه معین می‌کند که در صورت اختلاف نظر بین قیم‌ها یا بین قیم و ناظر به دادگاه یا شخص ثالثی رجوع نماید و یا ترتیب دیگری را برای رفع اختلاف پیش‌بینی نماید.»

۲ ماده ۶۰ قانون امور حسبی: «برای چند نفر از اشخاص محتاج به قیم، می‌توان یک قیم معین نمود مگر آن که اداره امور هریک از آنها محتاج به قیم علیحده باشد.»

۳ ماده ۱۲۲۲ قانون مدنی.

۴ ماده ۱۲۳۵ قانون مدنی: «مواظبت شخص مولی علیه و نمایندگی قانونی او در تمامی امور مربوط به اموال و حقوق مالی او با قیم است.»

هرگاه اثبات گردد که قیم به طور عمد مالی را که متعلق به محجور است جزء صورت دارایی او قید نکرده و یا باعث شده است که آن مال در صورت مزبور قید نگردد، مسئول ضررها و خسارتهایی خواهد بود که از این حیث به مولی علیه وارد می شود و از سمت خود عزل می گردد.^۱ همچنین قیم باید لااقل سالی یک مرتبه حساب تصدی خود را به اداره سرپرستی بدهد و هرگاه ظرف یک ماه پس از تاریخ مطالبه، حساب ندهد عزل می گردد.^۲ هرگاه محجور از حجر خارج شود، مثلاً صغیر به سن رشد برسد یا قیمومت قیم قبل از رفع حجر خاتمه یابد در صورت اول قیم باید صورتحساب زمان تصدی خود را به مولی علیه سابق و در صورت دوم به قیم بعدی بدهد.^۳

اعمال حقوقی قیم

اصولاً قیم می تواند به نمایندگی از محجور، اعمال حقوقی انجام داده و اثر این اعمال، در صورتی که مصلحت محجور رعایت شده باشد، متوجه محجور خواهد بود. مثلاً قیم می تواند به حساب محجور اموالی برای او خریداری کرده یا اموال او را بفروشد زیرا زندگی حقوقی و اجتماعی اقتضاء می کند که قراردادهایی با دیگران منعقد شود و محجور نیز به این گونه قراردادها نیاز دارد که عقد آن برعهده نماینده قانونی محجور، یعنی قیم است. بنابراین قیم می تواند قراردادهایی را به نمایندگی از محجور منعقد کند مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد. در حقیقت قانون برای حفظ حقوق محجورین انجام بعضی از معاملات مهم را موقوف به اجازه مقام قضائی کرده است.^۴ این معاملات و قراردادها عبارتند از:

۱ ماده ۱۲۳۹ قانون فوق: «هرگاه معلوم شود که قیم عامداً، مالی را که متعلق به مولی علیه بوده جزو صورت دارایی او قیدنکرده و یا باعث شده است که آن مال در صورت مزبور قیدنشود مسئول هر ضرر و خساراتی خواهد بود که از این حیث ممکن است به مولی علیه وارد شود. به علاوه در صورتی که عمل مزبور از روی سوء نیت بوده قیم معزول خواهد شد.»

۲ ماده ۱۲۴۴ قانون مذکور: «قیم باید لااقل سالی یک مرتبه حساب تصدی خود را به مدعی العموم یا نماینده او بدهد و هرگاه در ظرف یک ماه از تاریخ مطالبه به مدعی العموم، حساب ندهد به تقاضای مدعی العموم معزول می شود.»

۳ ماده ۱۲۴۵ قانون مدنی: «قیم باید حساب زمان تصدی خود را پس از کبر و رشد یا رفع حجر به مولی علیه سابق خود بدهد. هرگاه قیمومت او قبل از رفع حجر خاتمه یابد حساب زمان تصدی باید به قیم بعدی داده شود.»

۴ ماده ۱۲۴۱ قانون فوق: «قیم نمی تواند اموال غیرمنقول مولی علیه را بفروشد و یا رهن گذارد یا معامله کند که در نتیجه آن، خود، مدیون مولی علیه شود مگر با لحاظ غبطه مولی علیه و تصویب مدعی العموم. در صورت اخیر شرط حتمی تصویب مدعی العموم ملائت* قیم می باشد و نیز نمی تواند برای مولی علیه بدون ضرورت و احتیاج، قرض کند مگر با تصویب مدعی العموم.»

* ملائت: تمکن مالی

۱- فروش اموال غیرمنقول: از آنجا که اموال غیرمنقول اهمیت زیادی دارد و بخش عمده ثروت اشخاص را تشکیل می‌دهد، فروش این اموال، معاملات مهم و عمده محسوب می‌گردد، لذا انجام این عمل توسط قیم نیاز به اجازه اداره سرپرستی دارد.

۲- رهن اموال غیرمنقول: رهن مال غیرمنقول نیز مانند فروش آن، معامله مهمی بوده و ممکن است بر اثر عدم پرداخت دینی که برای آن رهن داده شده‌است، مال مورد رهن به فروش رفته و از مالکیت محجور خارج گردد.

۳- قرض: وام گرفتن برای محجور فقط در صورت ضرورت و احتیاج، به شرط موافقت و تصویب مقام قضائی مجاز می‌باشد.

پایان قیمومت

هرگاه صغیر به سن رشد برسد یا سفیه توانایی اداره عاقلانه اموال خود را بدست آورد و یا مجنون دائمی‌افاقه یابد، دوران قیمومت به علت خروج محجور از حجر به سررسیده و وظایف و اختیارات قیم نیز پایان می‌پذیرد.^۱

رشدشدن

برای خروج صغیر از حجر، رسیدن به سن بلوغ کافی نیست، بلکه رشد نیز شرط است. منظور از رشد این است که شخص توانایی اداره اموالش را به نحو عقلایی داشته و مانع از صرف اموال خود در راههای غیرعقلایی شود و این توانایی بایستی حالت دائمی داشته و اتفاقی و زودگذر نباشد. مثلاً هرگاه شخصی برحسب اتفاق یک یا چند بار کار عقلایی از خود نشان بدهد و آن گاه به کارهایی غیرعقلایی بپردازد، رشید محسوب نمی‌شود. بلکه کارهای عقلایی باید چندان تکرار شود تا به صورت عادت درآید. به عبارت دیگر رشد بر اثر نمو قوای عقلی در شخص موجود می‌گردد. تشخیص رشد در هر فرد به وسیله آزمایش در اموری که مناسب با وضعیت اجتماعی او می‌باشد به عمل می‌آید تا قدرت و استعداد او در حسن اداره و تصرف او در اموالش، دانسته شود که از نیرنگ افراد شاید آسوده می‌ماند یا خیر؟ در مقابل رشد، سفیه است و به همین جهت سفیه را غیررشید هم می‌گویند. در صورتی که دو شرط بلوغ و نمو قوای عقلی در کسی جمع شود معلوم می‌گردد که دوران صغر خاتمه پذیرفته‌است.

۱ ماده ۱۲۵۳ قانون مدنی: «پس از زوال سببی که موجب تعیین قیم شده، قیمومت مرتفع می‌شود.»

باتوجه به مراتب فوق می‌توان گفت حصول رشد اگرچه بر مبنای نمو قوای روحی و دماغی (عقلی) می‌باشد، ولی همواره تربیت و محیط اجتماعی‌ای که صغیر در آن زندگی کرده تاثیر به سزایی در آن دارد به همین جهت همیشه کسی که بالغ می‌شود رشید نمی‌شود زیرا ممکن است به نمو روحی و عقلی کافی نرسیده باشد، لذا گاه صغیری که به سن بلوغ می‌رسد دارای رشد نیز می‌شود و نیز ممکن است صغیر چند سال پس از بلوغ، رشید گردد. بنابراین هر شخص را باید جداگانه مورد آزمایش قرارداد و در صورت مثبت بودن پاسخ از محجوریت خارج نمود. ولی باتوجه به اینکه اثبات این امر مشکلات عملی دربردارد و در همه موارد مراجعه به دادگاه جهت احراز رشد، موجب تراکم کاری دادگاه‌ها و عسرو حرج برای مردم می‌شود، لذا قانون رسیدن به سن ۱۸ سال تمام شمسی را اماره (دلیل) رشد محسوب نموده‌است. به عبارت دیگر با رسیدن به سن فوق دوره محجوریت صغیر، خاتمه می‌پذیرد. مگر آن که در دادگاه جنون و یا سفاهت و عدم رشد او ثابت گردد و در عمل نیز دادگاه‌ها، دفاتر اسناد رسمی، موسسات و سازمان‌های دولتی یا خصوصی و بانک‌ها سن ۱۸ سال تمام شمسی را نشانه رشد به شمار آورده، گواهی یا حکم رفع حجر از چنین اشخاصی مطالبه نمی‌کنند.^۱

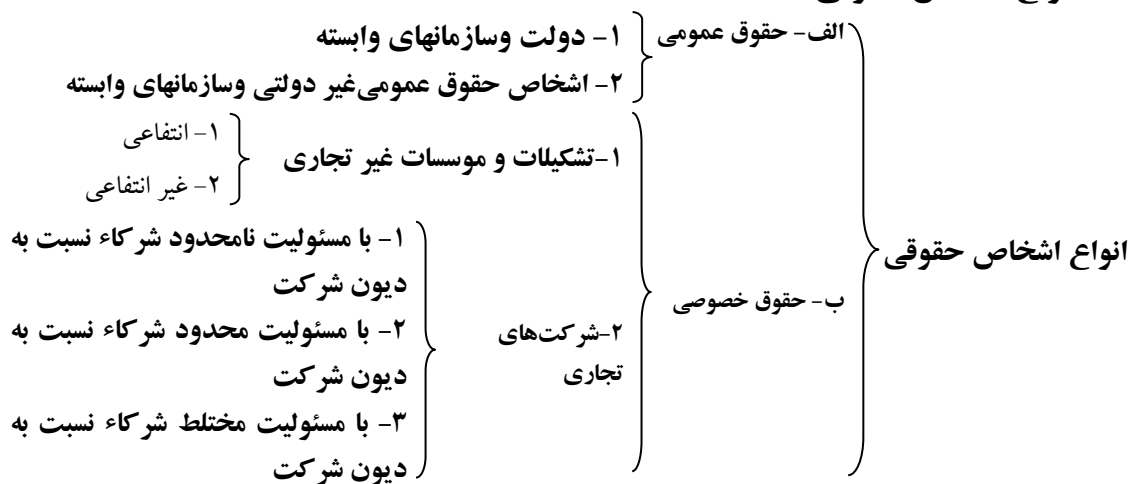
اشخاص حقوقی

شخص حقوقی عبارت از شخصی است که وجود حقیقی و خارجی نداشته و به وسیله شخص یا اشخاصی، اعم از حقیقی و حقوقی، به وجود می‌آید و می‌تواند دارای همه نوع حقوق و تکالیف به استثنای آنچه که مختص به ذات انسان‌ها است، مانند نکاح، ارث و... بشود. به عبارت دیگر شخص حقوقی در نتیجه توافق اشخاص یا اراده شخص صلاحیت دار و به منظور تامین منافع و هدفهایی اعم از انتفاعی و غیرانتفاعی تشکیل می‌شود و قانون آن را به عنوان واحد مستقل از عناصر تشکیل دهنده اش تلقی می‌کند و مورد حمایت قرار می‌دهد. اصطلاح شخص حقوقی در مقابل شخص حقیقی قرار دارد و منظور آن است که این گونه موجودات، مانند اشخاص حقیقی زنده نیستند ولی همچون اشخاص حقیقی می‌توانند دارای حق و تکلیف شوند و کم و بیش از همان امتیازات و حقوق اشخاص حقیقی، بهره‌مند شوند. اشخاص حقوقی یا ایرانی هستند یا خارجی و اشخاص حقوقی خارجی، عبارتند از:

^۱ قانون راجع به رشد متعاملین مصوب ۱۳/۰۶/۱۳۱۳

الف) موسسات، شرکت‌ها و شعب فعال آن‌ها که در خارج از ایران به ثبت رسیده باشند.
تبصره: نمایندگی و شعب شرکت‌ها و موسسات خارجی که در اداره کل ثبت شرکت‌ها به ثبت رسیده باشند، جزو اشخاص حقوقی ایرانی محسوب می‌شوند.
ب) نمایندگی‌های سیاسی خارجی مقیم ایران شامل سفارت خانه‌ها و کنسولگری‌ها.
پ) دفاتر نمایندگی رسمی سازمان‌های بین المللی مستقر در کشور که مورد تایید وزارت امور خارجه باشند.
ت) دفاتر سازمان‌های مردم نهاد خارجی دارای مجوز فعالیت از وزارت کشور.
و اشخاص حقوقی ایرانی اشخاصی هستند که با ثبت قانونی و یا به موجب قانون خاص بوجود آمده اند و تفصیل آنها به شرح زیر می‌باشد.

انواع اشخاص حقوقی



الف) اشخاص حقوقی عمومی

اشخاص حقوقی عمومی، اشخاصی هستند که هدف از تأسیس آنها برآورده کردن یکی از نیازهای عمومی جامعه و ارائه خدمات عمومی می‌باشد و منظور از تشکیل این اشخاص کسب سود و تقسیم آن بین موسسین نمی‌باشد و بوجود آمدن اشخاص حقوقی عمومی مستلزم وضع قانون در مجلس شورای اسلامی

می‌باشد. این اشخاص پس از تصویب قانون تأسیس خود، دارای شخصیت حقوقی می‌شوند، بدون اینکه نیاز به ثبت این گونه اشخاص نزد مراجع ثبتی و قانونی خاصی باشد.^۱

اشخاص حقوقی عمومی نیز خود به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱- اشخاص حقوقی عمومی دولتی ۲- اشخاص حقوقی عمومی غیردولتی

۱- اشخاص حقوقی عمومی دولتی

تأسیس شخص حقوقی عمومی دولتی بستگی به تصمیم قدرت عمومی (دولت) دارد و ایجادکننده این شخصیت مقامات عمومی و دولتی هستند و این شخصیت، بدون اجازه قانون تشکیل نمی‌شود.^۲ قوه مقننه بر حسب نیاز و ضرورت‌های اجتماعی با وضع قانون، این اشخاص را ایجاد و چارچوب فعالیت آنان را مشخص می‌نماید. انحلال این اشخاص نیز به موجب قانون می‌باشد. مانند وزارتخانه‌ها، سازمانها و موسسات دولتی. اموال و دارایی‌های مربوط به اشخاص حقوقی عمومی، به عنوان اموال عمومی و دولتی شناخته می‌شود و با اموال و دارایی‌های مربوط به اشخاص خصوصی به کلی متفاوت بوده و احکام مخصوص به خود را دارد.^۳

۱ ماده ۵۸۷ قانون تجارت: «موسسات و تشکیلات دولتی و بلدی به محض ایجاد و بدون احتیاج به ثبت دارای شخصیت حقوقی می‌شوند.»

ماده ۲ قانون محاسبات عمومی کشور: «وزارتخانه واحد سازمانی مشخصی است که به موجب قانون به این عنوان شناخته شده و یا بشود.»

ماده ۳ قانون فوق: «موسسه دولتی، واحد سازمانی مشخصی است که به موجب قانون ایجاد و زیر نظر یکی از قوای سه گانه اداره می‌شود و عنوان وزارتخانه ندارد.»

تبصره: نهاد ریاست جمهوری که زیر نظر ریاست جمهوری اداره می‌گردد، از نظر این قانون موسسه دولتی شناخته می‌شود.»

ماده ۴ قانون مزبور: «شرکت دولتی، واحد سازمانی مشخصی است که با اجازه قانون به صورت شرکت ایجاد شود و یا به حکم قانون و یا دادگاه صالح، ملی شده و یا مصادره شده و به عنوان شرکت دولتی شناخته شده باشد و بیش از ۵۰ درصد سرمایه آن متعلق به دولت باشد. هر شرکت تجاری که از طریق سرمایه گذاری شرکتهای دولتی ایجاد شود، مادام که بیش از پنجاه درصد سهام آن متعلق به شرکتهای دولتی است، شرکت دولتی تلقی می‌شود.

تبصره- شرکتهایی که از طریق مضاربه و مزارعه و امثال اینها به منظور به کار انداختن سپرده‌های اشخاص نزد بانکها و موسسات اعتباری و شرکتهای بیمه ایجاد شده یا می‌شوند از نظر این قانون شرکت دولتی شناخته نمی‌شوند.»

۲ ماده ۱ قانون اجازه تأسیس بانک ملی ایران... مصوب ۱۳۰۶/۰۲/۱۴ «دولت مکلف است ...بانکی موسوم به بانک ملی ایران تأسیس نماید.» یا ماده ۱۵ قانون هدفمند کردن یارانه ها اصلاحی ۱۳۹۰/۰۴/۰۸ « به دولت اجازه داده می شود ... سازمانی با ماهیت شرکت دولتی به نام سازمان هدفمندسازی یارانه ها .. تأسیس نماید. »

۳ ماده ۷۶ قانون محاسبات عمومی: «برای وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و شرکتهای دولتی (به استثنای بانکها و شرکتهای بیمه و موسسات اعتباری) و واحدهای تابعه آنها در مرکز و شهرستانها حسب مورد از طرف خزانه و یا نمایندگی خزانه در استانها در بانک مرکزی ج.ا.و یا سایر بانکهای دولتی که از طرف بانک مرکزی ج.ا.و نمایندگی داشته باشند، به تعداد مورد نیاز حسابهای بانکی برای پرداختهای مربوط افتتاح خواهدشد. استفاده از حسابهای مزبور در مورد وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی با امضاء مشترک ذیحساب و یا مقام مجاز از طرف او و لااقل یک نفر دیگر از مقامات مسئول و مجاز دستگاه مربوط به معرفی خزانه و یا نمایندگی خزانه در استان بعمل خواهدآمد و تمامی پرداختهای دستگاههای نامبرده منحصرأ از طریق حسابهای بانکی

۲- اشخاص حقوقی عمومی غیردولتی

اشخاص حقوقی عمومی غیردولتی نیز با اراده دولت و با تصویب قوه مقننه برای رفع حوائج و نیازهای ضروری اجتماع با وضع قانون تأسیس می‌شوند و محدوده فعالیت آنان را نیز قانون مشخص می‌نماید و در این خصوص ماده ۵ قانون محاسبات عمومی کشور مقرر می‌دارد: «مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی» از نظر این قانون واحدهای سازمانی مشخصی هستند که با اجازه قانون به منظور انجام وظایف و خدماتی که جنبه عمومی دارد، تشکیل شده و یا می‌شود.

تبصره- فهرست این قبیل مؤسسات و نهادها با توجه به قوانین و مقررات مربوط از طرف دولت پیشنهاد و به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید.^۱

همچنین تبصره ماده ۷۶ قانون مذکور در خصوص وجوهی که از طریق خزانه به حساب این اشخاص منظور می‌گردد مقرر می‌دارد: «مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی موضوع ماده ۵ این قانون مادامی که از محل درآمد عمومی وجهی دریافت می‌دارند در مورد وجوه مذکور مشمول مقررات این ماده خواهند بود و وجوه اعتباراتی که در قانون بودجه کل کشور برای این قبیل دستگاهها به تصویب می‌رسد، توسط خزانه و یا نمایندگی خزانه در استان منحصراً از طریق حسابهای بانکی مذکور قابل پرداخت می‌باشد.»

ب) اشخاص حقوقی خصوصی

مذکور مجاز خواهد بود. استفاده از حسابهای بانکی شرکتهای دولتی با امضاء مشترک مقامات مذکور در اساسنامه آنها و ذیحساب شرکت یا مقام مجاز از طرف او ممکن خواهد بود. . . .»

ماده ۷۹ قانون فوق: «معاملات وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی اعم از خرید و فروش و اجاره و استیجاره و پیمانکاری و اجرت کار و غیره (به استثنای مواردی که مشمول مقررات استخدامی می‌شود) باید حسب مورد از طریق مناقصه یا مزایده انجام شود. . . .»

۱ به موجب قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳ (با اصلاحات و الحاقات بعدی) واحدهای سازمانی مشروحه زیر و مؤسسات وابسته به آنها، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی می‌باشند: ۱- شهرداریها و شرکتهای تابعه آنان (مادام که بیش از ۵۰ درصد سهام و سرمایه آنها متعلق به شهرداریها باشد) ۲- بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی ۳- هلال احمر ۴- کمیته امداد امام ۵- بنیاد شهیدانقلاب اسلامی ۶- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ۷- کمیته ملی المپیک ایران ۸- بنیاد ۱۵ خرداد ۹- سازمان تبلیغات اسلامی ۱۰- سازمان تأمین اجتماعی ۱۱- فدراسیونهای ورزشی آماتوری ج.ا.ا ۱۲- موسسه جهاد نصر، جهاد استقلال و جهاد توسعه زیر نظر جهاد سازندگی ۱۳- شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۱۴- کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی (قم) ۱۵- جهاد دانشگاهی ۱۶- بنیاد امور بیماری های خاص ۱۷- سازمان دانش آموزی ج.ا.ا ۱۸- صندوق بیمه روستاییان و عشایر ۱۹- صندوق تأمین خسارت های بدنی ۲۰- سازمان تعاونی مصرف کادر نیروهای مسلح (اتکا) ۲۱- کمیته ملی پارالمپیک ج.ا.ا ۲۲- صندوق نوآوری و شکوفایی ۲۳- صندوق کارآفرینی امید .

اشخاص حقوقی خصوصی به ابتکار و تصمیم اشخاص حقیقی و یا اشخاص حقوقی خصوصی و با اهداف انتفاعی و یا عدم انتفاع تأسیس و ایجاد می‌شوند. این اشخاص از اشخاص حقوقی عمومی گسترده‌تر و متنوع‌تر هستند.

اشخاص حقوقی خصوصی وفق مقررات موجود در قانون تجارت و قانون ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری، نزد مراجع ذیصلاح به ثبت رسیده و پس از طی تشریفات مقرر دارای شخصیت حقوقی می‌باشد.^۱

همچنین ثبت این دسته از اشخاص که دارای مقاصد نامشروع، خلاف قانون و نظم عمومی باشند ممنوع است.^۲

آگاهی تأسیس منتشره راجع به ثبت اشخاص حقوقی خصوصی درست به منزله اخذ شناسنامه برای اشخاص حقیقی است یعنی همانگونه که شخص حقیقی، بعد از تولد نیازمند ورقه هویتی که مشخصاتش در آن درج شده، می‌باشد، اشخاص حقوقی خصوصی نیز محتاج آن هستند که مشخصات آنها در دفتر مخصوصی ثبت شود و گواهینامه ثبت تحصیل نمایند. بنابراین اشخاص حقوقی خصوصی، پس از ثبت، به‌عنوان یک شخص حقوقی دارای حقوق و تکالیف قانونی می‌گردند و این امر موجب می‌شود که اشخاص ثالث از وضع آنها مطلع گردیده و با اطمینان و آسودگی خاطر روابط مالی و اقتصادی با آنها برقرار سازند.

پایان شخصیت حقوقی این اشخاص با انحلال آنها واقع می‌شود. انحلال با انگیزه‌های مختلف به دو صورت اجباری و اختیاری صورت می‌گیرد.^۳ به عبارت دیگر انحلال یک شخص حقوقی خصوصی ممکن است به علت ورشکستگی، اراده موسسین و شرکا، انقضای مدت، حکم دادگاه و یا انجام موضوعی که شخص حقوقی برای آن تأسیس شده است، صورت گیرد شخصیت حقوقی این گروه بلافاصله پس از

۱ ماده ۵۸۴ قانون تجارت: «تشکیلات و موسساتی که برای مقاصد غیرتجارتی تأسیس شده یا بشوند از تاریخ ثبت در دفتر ثبت مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند.»

۲ ماده ۵۸۶ قانون فوق: «موسسات و تشکیلاتی را که مقاصد آنها مخالف با انتظامات عمومی یا نامشروع است، نمی‌توان ثبت کرد.»

۳ مواد ۱۱۴، ۱۳۶، ۱۸۱ قانون مذکور و ماده ۱۹۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت.

انحلال زایل نشده و تا تصفیه دیون و دارایی‌ها و اجرای تعهدات آنها بوسیله مدیر تصفیه یا اداره تصفیه و امور ورشکستگی باقی می‌ماند.^۱

اشخاص حقوقی خصوصی نیز به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱- تشکیلات و موسسات غیرتجاری ۲- شرکتهای تجاری

۱- تشکیلات و موسسات غیرتجاری

این دسته از اشخاص حقوقی خصوصی در قانون تجارت تحت عنوان « تشکیلات و موسسات غیرتجاری » نام برده شده‌اند. این تشکیلات و موسسات، از گروهی افراد برای مقاصد غیرتجاری اعم از انتفاعی و غیرانتفاعی تشکیل شده‌است.^۲ صفت بارز این گروه از اشخاص حقوقی را می‌توان در مقاصد غیرتجاری آنها دانست. اینگونه موسسات، مشمول مقررات راجع به شرکتهای تجاری نبوده و اطلاق موسسه به آنها از همین رو است. این تشکیلات و موسسات نیز خود به دو گروه، تشکیلات و موسسات انتفاعی، تشکیلات و موسسات غیرانتفاعی تقسیم می‌شوند.

الف- تشکیلات و موسسات انتفاعی

این نوع موسسات اگرچه مقاصد تجاری ندارند، اما به منظور کسب سود و منفعت و تقسیم آن بین اعضا تشکیل می‌گردند و از آنجا که شرکت تجاری نمی‌باشند طبعاً موضوع فعالیت آنان موارد مندرج در ماده ۲ قانون تجارت^۳ نمی‌باشد. این موسسات معمولاً توسط متخصصین مانند مهندسین، مشاورین فنی،

۱ ماده ۲۰۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت: «تا خاتمه امر تصفیه، شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماند و مدیران تصفیه موظف به خاتمه دادن کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت می‌باشند و هرگاه برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود مدیران تصفیه انجام خواهند داد.»

۲ ماده ۱ آئین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیرتجاری: «مقصود از تشکیلات و موسسات غیرتجاری مذکور در ماده ۵۸۴ قانون تجارت، تمامی تشکیلات و موسساتی است که برای مقاصد غیرتجاری از قبیل امور علمی یا ادبی یا امور خیریه و امثال آن تشکیل می‌شود اعم از آنکه موسسین و تشکیل دهندگان قصدانتفاع داشته یا نداشته‌باشند. تبصره- تشکیلات و موسسات مزبور می‌توانند عناوینی از قبیل انجمن، کانون یا بنگاه و امثال آن اختیار نمایند. ولی اتخاذ عناوینی که اختصاص به تشکیلات دولتی و کشوری دارد، از طرف موسسات مزبور ممکن نخواهد بود.»

۳ ماده ۲ قانون تجارت «معاملات تجاری از قرار ذیل است:

۱- خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.

۲- تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد.

۳- هر قسم عملیات دلالی یا حق العمل کاری (کمسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی به هر نوع تاسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می‌شوند از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره.

۴- تاسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد.

وکلای دادگستری، حساب‌رسان که فعالیت آنها ماهیت تجاری ندارد (و می‌خواهند تلاش و امکانات خود را یکی نموده و به قصد بردن منفعت مورد استفاده قرار دهند)^۱ تأسیس می‌گردد. این موسسات برای اینکه دارای شخصیت حقوقی شوند، باید طبق مقررات به ثبت برسند.^۲ بنابراین قبل از ثبت، فاقد شخصیت حقوقی می‌باشند. ثبت این موسسات تابع تشریفات خاصی^۳ بوده و موسسین باید اظهارنامه‌ای که مشتمل بر یک سری اطلاعات از قبیل مشخصات و اقامتگاه موسسین، نام کسانی که برای اداره آن معین شده‌اند، هدف موسسه و اسناد و مدارکی از قبیل اساسنامه موسسه به ادارات ثبت تسلیم و تقاضای ثبت موسسه را بنمایند. قانون تجارت، ثبت موسساتی را که دارای مقاصد نامشروع یا مخالف نظم عمومی هستند، ممنوع اعلام نموده است.

ب- تشکیلات و موسسات غیرانتفاعی

این نوع موسسات، عبارتند از انجمنها و تشکیلاتی که برای اهداف و مقاصدی جز تحصیل سود و منفعت و تقسیم آن بین شرکاء تشکیل می‌گردد. هدف موسسین از تأسیس این شخصیت حقوقی، ترویج امور علمی، فرهنگی، ورزشی و یا حمایت از دسته‌ای از مردم (مانند بنیادهای حمایت از بیماری‌های

۵- تصدی به عملیات حراجی.

۶- تصدی به هر قسم نمایشگاه‌های عمومی.

۷- هر قسم عملیات صرافی و بانکی.

۸- معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد.

۹- عملیات بیمه بحری و غیربحری.

۱۰- کشتی‌سازی و خرید و فروش کشتی و کشتی‌رانی داخلی یا خارجی و معاملات راجعه به آنها.»

۱ ماده ۲ آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیرتجاری (اصلاحی ۱۳۳۸/۰۲/۰۴)؛ «تشکیلات ... مزبور از لحاظ انطباق با مقررات این آیین‌نامه به دو قسمت می‌شوند. الف - ... ب - موسساتی که مقصود از تشکیل آن ممکن است جلب منافع مادی و تقسیم منافع مزبور بین اعضاء خود یا غیر باشد. مانند کانونهای فنی و حقوقی و غیره.»

۲ ماده ۵۸۴ قانون تجارت

۳ ماده ۵ آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیرتجاری: «اظهارنامه ثبت تشکیلات و موسسات مزبور باید در دونسخه به زبان فارسی تنظیم شده و دارای تاریخ و امضاء حاوی نکات ذیل باشد: الف - اسم و اقامتگاه و تابعیت و موضوع موسسه و مراکز و شعب آن. ب - اسم و اقامتگاه و شهرت اشخاصی که برای اداره کردن موسسات و تشکیلات معین شده‌اند. ج - اسم و اقامتگاه و تابعیت وکیل در صورتی که اظهارنامه وسیله وکیل تنظیم شده باشد. د - تاریخ ثبت و محل و شماره ثبت و نام کشوری که موسسه در آن به ثبت رسیده، در صورتی که موسسات یا تشکیلات مذکور در خارج از ایران به ثبت رسیده باشد. ه - تعیین ضمائم اظهارنامه»

خاص) و یا حوائج ضروری مردم (مانند صندوق‌های قرض‌الحسنه) و یا حمایت از حیوانات و یا تأمین منافع صنفی (مانند کانون‌های بازنشستگان) می‌باشد.

چون این موسسات برای مقاصد غیرانتفاعی تشکیل می‌شوند، اصولاً مشکوک و در مظان اتهام هستند و احتمال دارد تحت عناوین اعمال مشروع به فعالیت‌های خلاف قانون (و مصالح اجتماعی) پردازند. لذا موسسین برای تشکیل آنها، علاوه بر ثبت نزد مراجع صالح، باید اجازه مخصوصی (پروانه) از مقامات ذیصلاح دیگری مانند وزارت کشور، نیروی انتظامی یا بانک مرکزی ج.ا.ی دریافت نمایند.

برخلاف گروه فوق که با اراده شرکا و بمنظور تأمین اهداف غیر انتفاعی آنان ایجاد شده اند گروه دیگری نیز وجود دارد که به منظور تأمین اهداف غیر انتفاعی عموم مردم و توسط قانون ایجاد می‌شوند و عضویت در آنها اجباری است مانند اتحادیه صنفی که مطابق ماده ۷ قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴ شخصیتی حقوقی است که از افراد یک یا چند صنف که دارای فعالیت یکسان یا مشابه‌اند، برای انجام دادن وظایف و مسؤولیت‌های مقرر در قانون تشکیل می‌گردد.

۲- شرکتهای تجاری

شرکتها در نظام حقوقی ایران^۱ بر دو نوع می‌باشند یا شرکت قهری بوده که به حکم قانون و به صورت قهری ایجاد می‌شود مانند شراکت ورثه در اموال بجا مانده از متوفی یا به اختیار و تراضی است که به آن شرکت قراردادی می‌گویند و این نوع اخیر دو گونه است شرکت مدنی و شرکت تجاری و تفاوت این دو به شرح زیر است:

الف- شرکت قهری مانند شراکت ورثه در اموال بجا مانده از متوفی		} انواع شرکت	
۱- شرکت مدنی	} ب- شرکت قراردادی		
۲- شرکت تجاری			

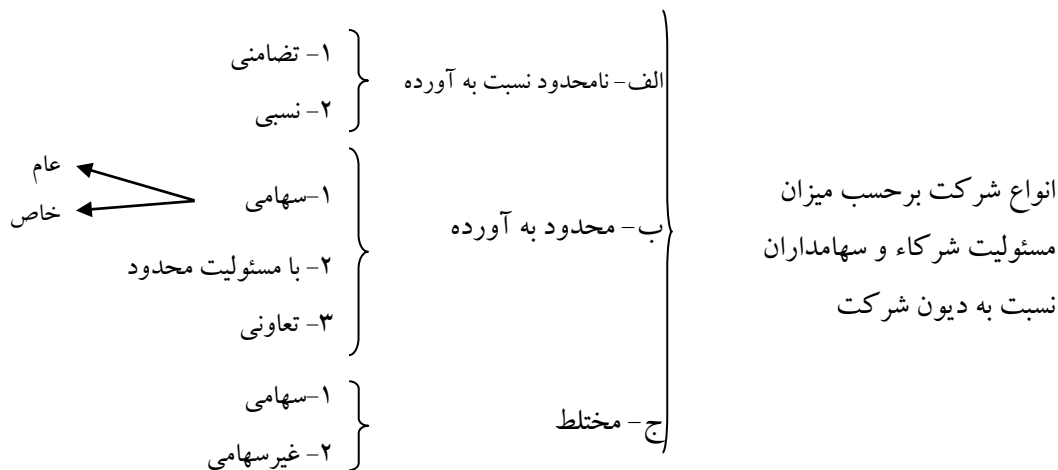
۱ مواد ۵۷۱ تا ۶۰۶ قانون مدنی و ترمینولوژی حقوق شماره های ۳۰۹۲، ۳۰۹۴، ۳۱۰۵، ۳۱۱۷، ۳۱۱۸، ۳۱۲۲ و ۳۱۲۸

مقایسه شرکتهای مدنی با شرکتهای تجاری

شرکتهای تجاری	شرکتهای مدنی
() با اراده شرکاء ایجاد شده ولی شخصیت حقوقی کاملاً مستقل از شرکاء دارد مانند شرکت تعاونی مصرف کارکنان بانک ملی ایران که شخصیت حقوقی آن مستقل از شخصیت حقوقی شرکاء می باشد. (-) این شرکت باید در اداره ثبت شرکتهای ثبت شود. (.) مقررات قانون تجارت بر این نوع شرکتهای حاکم است. (/) با توجه به استقلال شخصیت حقوقی شرکت از شخصیت حقوقی شرکاء، اصل تفکیک شخصیت، تفکیک دارایی و تصمیم گیری وجود دارد.	() با اراده شرکاء ایجاد می شود ولی شخصیت حقوقی مستقل از شرکاء ندارد مانند مغازه مشترک بین ۳ نفر شریک، حساب بانکی مشترک بین ۲ نفر شریک (-) این شرکت باید در دفتر اسناد رسمی ثبت رسمی شود. مانند: مشارکت مدنی بانک (.) مقررات قانون مدنی بر روابط حقوقی این شرکتهای حاکم است. (/) با توجه به اشاعه حقوق مالکین در تک تک اجزاء شرکت اصل تفکیک شخصیت، تفکیک دارایی و تصمیم گیری وجود ندارد.

انواع شرکتهای تجاری

الف) برحسب میزان مسئولیت شرکاء در پرداخت دیون شرکت



شرکتهای تجاری را می توان از مهمترین مصادیق اشخاص حقوقی خصوصی محسوب نمود. شارحین حقوق تجارت در تعریف آن گفته اند: شرکت تجاری، عقدی است که به موجب آن دو یا چند شخص توافق می کنند، آورده های خود را به قصد تحصیل سود، مشترکاً مورد تجارت قرار دهند و به عبارت دیگر شرکت تجاری عقدی است که به موجب آن دو یا چند شخص متعهد می شوند تا با آوردن سرمایه نقدی یا

جنسی خود در یک فعالیت مشروع اقتصادی شرکت نموده تا سود و زیان حاصله را به نسبت آورده بین خود تقسیم نمایند.

اساتید حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری را از لحاظ میزان مسئولیت شرکاء و سهامداران به چهار دسته تقسیم نموده‌اند:

اول - شرکت سرمایه: که در آن شخصیت و صفات خاص شرکاء و سهامداران مورد توجه نبوده و مسئولیت هریک از آنها در مقابل اشخاص ثالث به حصه خود که «سهم» نامیده می‌شود، محدود می‌گردد. شرکتهای سهامی و با مسئولیت محدود از این دسته‌اند.

دوم - شرکت‌های شخص: که در آن شخصیت و روابط شرکاء با یکدیگر ملحوظ نظر می‌باشد و مسئولیت هریک از شرکاء و ضامن در مقابل اشخاص ثالث، نامحدود و تضامنی است مانند شرکت‌های تضامنی و نسبی.

سوم - شرکت‌های مختلط: در این شرکتها، دو دسته شریک وجود دارد، شرکایی که مسئولیت نامحدود دارند و مدیریت شرکت به عهده آنها بوده و شرکایی که مسئولیت آنان محدود به آورده‌شان به شرکت می‌باشد و بطور مستقیم در اداره امور شرکت دخالت ندارند. مانند شرکت‌های مختلط سهامی و غیرسهامی.

چهارم - شرکت تعاونی: این شرکتها ذاتاً تجاری محسوب نمی‌شوند و بایستی طبق قانون بخش تعاونی اقتصاد ج.ا.ا. تشکیل و به ثبت برسند.

قانون تجارت، شرکت‌های تجاری را به هفت نوع تقسیم نموده که عبارتند از شرکت سهامی (که خود به عام و خاص تقسیم می‌شود)، شرکت با مسئولیت محدود، شرکت تضامنی، شرکت مختلط سهامی، شرکت مختلط غیرسهامی، شرکت نسبی و شرکت تعاونی.^۱ تمامی شرکت‌های فوق دارای شخصیت حقوقی بوده^۲ و شخصیت آنها در تهران پس از ثبت، نزد اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری و در شهرستانها در دایره ثبت شرکتها و در نقاطی که دایره ثبت شرکتها وجود ندارد در اداره ثبت اسناد و املاک آغاز می‌شود.

۱ ماده ۲۰ قانون تجارت: «شرکتهای تجارتی بر هفت قسم است: ۱- شرکت سهامی ۲- شرکت با مسئولیت محدود ۳- شرکت تضامنی ۴- شرکت

مختلط غیرسهامی ۵- شرکت مختلط سهامی ۶- شرکت نسبی ۷- شرکت تعاونی تولید و مصرف».

۲ ماده ۵۸۳ قانون فوق: «تمامی شرکت‌های تجارتی مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند».

برای پذیره نویسی شرکتهای سهامی عام حسابی به نام شرکت در شرف تاسیس نزد یکی از بانکها افتتاح شده تا وجوه پذیره نویسان به آن حساب منظور گردد.^۱ بدیهی است شرکت مزبور زمانی اهلیت استیفاء می یابد که نزد اداره ثبت شرکتهای به ثبت رسیده و مدارک ثبتی و قانونی خود را که شامل اساسنامه، شرکت نامه، آگهی روزنامه رسمی تأسیس و امضاداران مجاز و آخرین اصلاحات را به شعبه ارائه نماید.^۲

۱- شرکت سهامی

شرکت سهامی کاملترین نوع شرکت سرمایه می باشد که در آن حقوق شرکاء که سهامدار نامیده می شود به وسیله اوراق قابل معامله سهام مشخص می شود و صاحبان سهام صرفاً تا میزان آورده خود مسئول تعهدات و دیون شرکت می باشند.^۳ شرکتهای بزرگ که دارای حداقل استانداردهای بورس و اوراق بهادار بوده می توانند در آن سازمان پذیرفته شده و با واگذاری بخشی از سهام خود ضمن تامین مالی برای توسعه شرکت از مزایای مختلفی از جمله معافیت مالیاتی^۴ برخوردار شوند^۵ و بدیهی است صاحبان سهام در این شرکت ها دائماً تغییر می کنند. بقای شرکتهای سهامی به زندگی اشخاص حقیقی بستگی ندارد، فعالیت شرکتهای مزبور همواره ادامه داشته وفوت موسسان، سهامداران یا مدیران مانع تعقیب عملیات تجاری آنها نیست.

امروزه شرکتهای سهامی در اقتصاد اهمیت زیادی دارند و تعداد آنها نسبت به سایر شرکتهای بسیار زیاد است. اغلب تأسیسات بزرگ و حتی موسسات دولتی، بانکها^۶ و شرکتهای بیمه به صورت شرکت سهامی اداره می شوند. شرکت سهامی نام خاصی دارد که توسط موسسان انتخاب می شود و کاملاً مستقل و

۱ ماده ۱۸ دستورالعمل حساب جاری مصوب ۱۳۹۷ شورای پول و اعتبار

۲ ماده ۲۲ لایحه فوق: «استفاده از وجوه تأدیه شده به نام شرکتهای سهامی در شرف تأسیس ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن شرکت ...»

۳ ماده ۱ لایحه مذکور: «شرکت سهامی، شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است.»

۴ ماده ۱۴۳ قانون مالیات های مستقیم اصلاحی ۱۳۹۹/۰۵/۲۹؛ «معادل ... (۱۰٪) از مالیات بر درآمد شرکت هایی که سهام آنها برای معامله در بورس های داخلی یا خارجی پذیرفته می شود ... از سال پذیرش تا سالی که از فهرست شرکت های پذیرفته شده در این بورس ها یا بازارها حذف نشده اند با تأیید سازمان بخشوده می شود»

۵ ماده ۲۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت: «شرکتهای سهامی خاص نمی توانند سهام خود را برای پذیره نویسی یا فروش در بورس اوراق بهادار یا توسط بانکها عرضه نمایند.»

۶ بند الف ماده ۳۱ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱؛ «تشکیل بانک فقط به صورت شرکت سهامی عام یا سهام با نام ممکن خواهد بود.»

متمایز از نام سهامداران است^۱ و معمولاً با موضوع شرکت یا محل فعالیت آن ارتباط دارد. در مکاتبات و اسناد تعهدآوری که به نام شرکت امضاء می‌شود، قید نام شرکت ضروری است. شرکت سهامی دارای مرکز اصلی است که اقامتگاه آن محسوب می‌شود و قید مرکز اصلی شرکت در اساسنامه اجباری است.^۲ تغییر نام و مرکز اصلی شرکت چون مستلزم تغییر اساسنامه است فقط با تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده ممکن است.^۳

در تمامی شرکتها دارایی شرکت از دارایی شرکاء مجزاست. در شرکتهای سهامی دارایی شرکت اهمیت به سزایی دارد و شرکاء مسئولیتی در قبال تعهدات شرکت به جز سرمایه‌ای که پرداخته‌اند ندارند و طلبکاران شرکت غیر از اموال شرکت، وثیقه‌ای ندارند. سرمایه شرکت بعد از پرداخت، جزء دارایی شرکت محسوب شده که در مدت حیات شرکت ممکن است افزایش یا کاهش یابد. حصه شرکاء در شرکتهای سهامی به صورت سهم بوده و امکان دارد مبلغ آن تماماً یا قسمتی از آن پرداخت شده باشد.

شرکت سهامی بر دو نوع است:

نوع اول - شرکت سهامی عام

شرکت سهامی عام شرکتی است که موسسین آن قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تأمین می‌کنند.^۴ در این شرکت موسسین ملزم به تعهد ۲۰٪ سرمایه شرکت که حداقل آن پنج میلیون ریال می‌باشد، بوده و لااقل ۳۵٪ آن را در حسابی (به نام شرکت در شرف تأسیس) نزد یکی از بانکها سپرده و سپس اظهارنامه را به ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیره‌نویسی سهام که به امضای موسسین رسیده باشد، به اداره ثبت شرکتها تسلیم می‌نمایند.^۵

۱ ماده ۲۲ قانون تجارت: «در اسم شرکت سهامی نام هیچیک از شرکاء قید نخواهد شد. در اسم شرکت باید کلمه «سهامی» قید شود.»

۲ ماده ۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت: «طرح اساسنامه باید با قید تاریخ به امضاء موسسین رسیده و مشتمل بر مطالب زیر باشد ... ۴- مرکز اصلی شرکت و محل شعب آن اگر تأسیس شعبه، مورد نظر باشد ...»

۳ ماده ۸۳ لایحه فوق: «هرگونه تغییر در مواد اساسنامه یا در سرمایه شرکت یا انحلال شرکت قبل از موعد، منحصرأ در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده می‌باشد.»

۴ ماده ۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت: «... نوع اول- شرکت‌هایی که موسسین آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تأمین می‌کنند. اینگونه شرکت‌ها شرکت سهامی عام نامیده می‌شوند.»

۵ ماده ۶ لایحه مذکور: «برای تأسیس شرکتهای سهامی عام موسسین باید اقلاً بیست درصد سرمایه شرکت را خود تعهد کرده و لااقل ۳۵٪ مبلغ تعهدشده را در حسابی بنام شرکت در شرف تأسیس نزد یکی از بانکها سپرده، سپس اظهارنامه‌ای به ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیره‌نویسی سهام که به امضاء تمامی موسسین رسیده باشد در تهران به اداره ثبت شرکتها و در شهرستانها به دایره ثبت شرکتها و در نقاطی که دایره ثبت شرکتها وجود ندارد به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و رسید دریافت کنند...»

نوع دوم - شرکت سهامی خاص

شرکت سهامی خاص شرکتی است که تمام سرمایه آن در موقع تأسیس منحصرأ توسط موسسین تأمین می‌گردد.^۱ در این شرکت تمام سرمایه شرکت به هنگام تأسیس بایستی توسط موسسین تأمین و پرداخت شود. این سرمایه که حداقل آن یک میلیون ریال است،^۲ در موقع تأسیس نباید کمتر از ۳۵٪ کل سهام تعهدشده باشد. در صورتی که تمام یا قسمتی از سرمایه به صورت غیر نقدی باشد، باید تمامی آن تسلیم و توسط کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی شود.

مدیران شرکتهای سهامی توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شوند.^۳ مدیران نمایندگان صاحبان سهام شناخته شده و مانند وکیل، وظایف محوله را انجام می‌دهند.^۴ مدیران شرکت از بین سهامداران انتخاب می‌شوند و برای احراز سمت مدیریت شرکت، سهامدار باید اهلیت لازم برای معامله کردن را دارا باشد.^۵ همچنین کسی نمی‌تواند در عین حال مدیریت عامل بیش از یک شرکت را داشته باشد.^۶ البته شخص می‌تواند در آن واحد عضو هیأت مدیره دو یا چند شرکت تجاری باشد. بعلاوه نداشتن شغل دولتی نیز از جمله شرایط احراز سمت مدیریت است.^۷

در صورتی که در اثر فوت یا استعفاء یا سلب شرایط از یک یا چند نفر از مدیران، تعداد اعضای هیأت مدیره از حداقل مقرر قانونی کمتر شود، اعضای علی‌البدل به ترتیب مقرر در اساسنامه و یا به ترتیب

۱ ماده ۴ لایحه قانونی فوق: «... نوع دوم - شرکت‌هایی که تمام سرمایه آنها در موقع تأسیس منحصرأ توسط موسسین تأمین گردیده است. این گونه شرکتها شرکت سهامی خاص نامیده می‌شوند.»

۲ ماده ۵ لایحه قانونی مذکور: «در موقع تأسیس، سرمایه شرکت‌های سهامی عام از پنج میلیون ریال و سرمایه شرکت سهامی خاص از یک میلیون ریال نباید کمتر باشد.»

۳ ماده ۱۰۷ لایحه قانونی مزبور: «شرکت سهامی بوسیله هیأت مدیره‌ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می‌باشند اداره خواهد شد. عده اعضای هیأت مدیره در شرکتهای سهامی عام نباید از پنج نفر کمتر باشد.»

ماده ۱۰۸ لایحه قانونی صدرالاشعار: «مدیران شرکت توسط مجمع عمومی موسس و مجمع عمومی عادی انتخاب می‌شوند.»

۴ ماده ۵۱ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱: «مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکاء همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد.»

۵ ماده ۱۱۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت: «اشخاص ذیل نمی‌توانند به مدیریت شرکت انتخاب شوند:

۱- محجورین و کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر شده است...»

۶ ماده ۱۲۶ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت: «... هیچکس نمی‌تواند در عین حال مدیریت عامل بیش از یک شرکت را داشته باشد...»

۷ اصل ۱۴۱ قانون اساسی: «رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در موسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا موسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیأت مدیره انواع مختلف شرکتهای خصوصی، جز شرکتهای تعاونی ادارات و موسسات برای آنان ممنوع است. سمتهای آموزشی در دانشگاهها و موسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنی است.»

مقرر توسط مجمع عمومی جای آنها را خواهند گرفت. در صورتی که عضو علی‌البدل تعیین نشده باشد و یا تعداد اعضای علی‌البدل کافی برای تصدی پست‌های خالی در هیأت مدیره نباشد، مدیران باقیمانده باید بلافاصله مجمع عمومی عادی شرکت را جهت تعیین اعضای هیأت مدیره دعوت کنند. هرگاه هیأت مدیره به ترتیب مذکور از دعوت مجمع عمومی برای انتخاب مدیری که سمت او بلامتصدی مانده خودداری کند، هر ذینفعی حق دارد از بازرس یا بازرسان شرکت بخواهد که به دعوت مجمع عمومی جهت تکمیل عده مدیران با رعایت تشریفات لازم اقدام کنند و بازرس یا بازرسان مکلف به انجام چنین درخواستی می‌باشند.^۱

قانون تجارت مدت مدیریت را در شرکت‌های سهامی، محدود نموده تا صاحبان سهام هرچند وقت بتوانند به تجدید انتخاب هیأت مدیره اقدام نمایند. تعیین مدت مأموریت مدیران در شرکت‌های سهامی موکول به تعیین آن در اساسنامه شرکت می‌باشد. مجمع عمومی عادی می‌تواند، هرزمان مطابق مقررات مندرج در اساسنامه تشکیل و به مدت مأموریت مدیران خاتمه داده و اعضای دیگری را حداکثر برای مدت دو سال جایگزین نماید.^۲ چنانچه مدت مدیریت مدیران منقضی گردیده و مجمع عمومی برای انتخاب مدیران جدید تشکیل نشود، در این صورت مدیران مکلفند مانند امین دلسوز، منافع شرکت را حفظ نمایند. اصولاً چنین مدیرانی نمی‌توانند تعهدات جدیدی (مانند تقاضای تسهیلات، صدور ضمانت‌نامه، گشایش اعتبارات اسنادی و افتتاح انواع حساب...) را به نام شرکت بپذیرند و صرفاً مدیران مزبور موظفند امور عادی و جاری شرکت را انجام دهند و مجمع عمومی را دعوت تا هیأت مدیره شرکت را انتخاب کنند. برای رفع این اشکال و جلوگیری از توقف عملیات شرکت غالباً در اساسنامه شرکتها پیش‌بینی می‌شود که در صورت عدم تشکیل مجمع عمومی در انقضای دوره مدیریت اعضای هیأت مدیره، دوره مأموریت مدیران تا تشکیل مجمع عمومی و انتخاب مدیران جدید به خودی خود تمدید گردد.^۳

۱ مواد ۱۱۲ و ۱۱۳ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۲ ماده ۱۰۹ لایحه قانونی مذکور: «مدت مدیریت مدیران در اساسنامه معین می‌شود لیکن این مدت از دو سال تجاوز نخواهد کرد.»

۳ ماده ۱۳۶ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت: «در صورت انقضای مدت مأموریت مدیران تا زمان انتخاب مدیران جدید، مدیران سابق کماکان مسئول امور شرکت و اداره آن خواهند بود. هرگاه مراجع موظف به دعوت مجمع عمومی به وظیفه خود عمل نکنند، هر ذینفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکتها دعوت مجمع عمومی عادی را برای انتخاب مدیران تقاضا نماید.»

مدیران شرکتهای سهامی قابل عزل می‌باشند و مجمع عمومی در هر زمان اختیار دارد مدیران را از سمت خود عزل کند.^۱ همچنین مدیران این دسته از شرکت‌ها می‌توانند، هر زمان که مقتضی بدانند از سمت خود استعفا دهند.^۲

انحلال شرکت سهامی

به موجب ماده ۱۹۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، شرکت سهامی در موارد زیر منحل می‌شود:

۱- وقتی که شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد.

۲- در صورتی که شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن مدت منقضی شده باشد، مگر اینکه مدت قبل از انقضاء تمدید شده باشد.

۳- در صورت ورشکستگی

ورشکستگی وضعیتی است که در نتیجه آن، شرکت متوقف از پرداخت دیون خود شده و ممکن است حسب تقاضای مدیران شرکت سهامی، تقاضای یک یا چند نفر از طلبکاران و یا تقاضای مرجع قضایی صلاحیتدار صورت گیرد.^۳ در صورت ورشکستگی، انحلال شرکت تابع مقررات ورشکستگی قانون تجارت، قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی و آیین‌نامه مربوطه خواهد بود.

۴- در هر موقع که مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام به هر علتی رأی به انحلال شرکت دهد.^۴ شرکت سهامی همانطوری که با قصد و اراده صاحبان سهام تشکیل می‌شود با اراده جمعی آنان نیز منحل می‌گردد. بنابراین در هر موقع که مجمع عمومی فوق‌العاده به هر علتی رأی به انحلال شرکت دهد، شرکت منحل و مجمع مزبور ترتیب و شکل انحلال را مشخص کرده و یک یا

۱ ماده ۱۰۷ لایحه قانونی فوق: «شرکت سهامی به وسیله هیأت‌مدیره‌ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می‌باشند، اداره خواهد شد...»

۲ ماده ۱۱۲ لایحه قانونی یادشده.

۳ ماده ۴۱۵ قانون تجارت: «ورشکستگی تاجر به حکم محکمه بدایت در موارد ذیل اعلام می‌شود: الف- بر حسب اظهار خود تاجر ب- به موجب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکارها ج- بر حسب تقاضای مدعی العموم بدایت.»

۴ ماده ۸۳ لایحه قانونی قسمتی از اصلاح قانون تجارت: «هرگونه تغییر در مواد اساسنامه یا در سرمایه شرکت یا انحلال شرکت قبل از موعد، منحصرأ در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده می‌باشد.»

چند نفر مدیر تصفیه از میان سهامداران یا خارج از آنان با تعیین وظایف معین می‌کند، تصمیم راجع به انحلال شرکت و اسامی مدیران تصفیه و نشانی آنان^۱ باید ظرف پنج روز از طرف مدیران تصفیه به مرجع ثبت شرکتها اعلام تا پس از ثبت برای اطلاع عمومی در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن منتشر می‌گردد آگهی شود.^۲ انحلال شرکت مادام که به ثبت نرسیده و اعلان نشده باشد، نسبت به اشخاص ثالث بلااثر است.^۳

۵- در صورت صدور حکم قطعی دادگاه

۲- شرکت با مسئولیت محدود

شرکت با مسئولیت محدود، شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجاری تشکیل شده و هریک از شرکاء بدون این که سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد، فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است.^۴

در این شرکت، شرکا مستقیماً مسئولیتی در اداره شرکت ندارند و مانند شرکت سهامی مسئولیت آنها محدود به سرمایه‌ای است که به شرکت آورده‌اند، آورده آنان «سهم‌الشرکه» نامیده می‌شود و به سهام تقسیم نشده و آزادانه قابل معامله نمی‌باشد. بنابراین برای کارهای کوچک که سرمایه زیادی لازم نیست و شرکاء میل ندارند اشخاصی خارج از شرکت وارد شوند، به جای شرکت سهامی خاص، شرکاء مبادرت به تشکیل شرکت با مسئولیت محدود می‌نمایند. علاوه بر آن، اشخاصی که نمی‌خواهند مسئولیت دیون بلامحل شرکت متوجه آنان شود با تشکیل شرکت با مسئولیت محدود می‌توانند مبادرت به عملیات تجاری نمایند، بدون اینکه شخصاً مسئول دیون آن باشند. از این رو ضروری است وقتی واحدها نسبت به اعطای تسهیلات به شرکت با مسئولیت محدود اقدام می‌کنند، ضمانت شخصی مدیران شرکت (تعهدنامه نمونه ۸۴۲) را نیز مطالبه نمایند. زیرا سرمایه و اموال شرکت معمولاً مبلغ قابل توجهی نمی‌باشد و با عدم مسئولیت شرکا، حقوق و مطالبات بانک ممکن است تضییع و لاوصول گردد.

۱ ماده ۲۰۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت: «نشانی مدیر یا مدیران تصفیه همان نشانی مرکز اصلی شرکت خواهد بود مگر آنکه به موجب تصمیم مجمع عمومی فوق العاده یا حکم دادگاه نشانی دیگری تعیین شده باشد.»

۲ ماده ۲۰۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۳ ماده ۲۱۰ لایحه قانونی مذکور

۴ ماده ۹۴ قانون تجارت

در شرکت با مسئولیت محدود، شرکا نمی‌توانند آزادانه سهم الشرکه خود را به اشخاص دیگر واگذار نمایند و باید رضایت سایر شرکا نسبت به ورود اشخاص دیگر به شرکت تحصیل شود و به این ترتیب قانون تجارت انتقال سهم الشرکه را به صورت اوراق تجاری قابل معامله، منع کرده است تا اشخاص نتوانند آزادانه آنها را مورد خرید و فروش قرار دهند.^۱ همچنین انتقال سهم الشرکه با تحصیل رضایت اکثریت شرکا که بیش از سه چهارم سرمایه شرکت متعلق به آنها می‌باشد، با ثبت در دفتر اسناد رسمی و رعایت تشریفات تنظیم اسناد رسمی به عمل می‌آید.^۲

شرکت با مسئولیت محدود با فوت، محجوریت یا ورشکستگی شرکا منحل نمی‌گردد مگر اینکه این موضوع در اساسنامه شرکت صراحتاً پیش بینی شده باشد.^۳

شرکت با مسئولیت محدود ممکن است دارای یک یا چند مدیر باشد، مدیر یا مدیران شرکت ممکن است از بین شرکاء یا خارج از آنها انتخاب شوند و مدت مأموریت آنان نیز ممکن است محدود یا به طور نامحدود باشد.^۴ بنابراین قانون تجارت آزادی کامل برای مدیریت شرکت در نظر گرفته و شرکا می‌توانند برای شرکت یک مدیر یا چند مدیر از بین شرکا یا خارج انتخاب نمایند یا اینکه برای شرکت هیأت مدیره تعیین نموده و یک نفر از آنان یا شخص دیگری را خارج از هیأت مدیره به سمت مدیر عامل تعیین کنند. قانون تجارت برای مدیر یا مدیران شرکت با مسئولیت محدود اختیارات زیادی قائل شده است که در شرکتهای دیگر پیش بینی نشده است.^۵ در صورتی که شرکاء مایل باشند اختیارات مدیر شرکت را محدود نمایند اختیاراتی که از مدیر سلب می‌شود باید در اساسنامه ذکر گردد. معذالک در صورتی که در اساسنامه شرکت اختیارات مدیر شرکت محدود نشده و این محدودیت، ثبت و آگهی نگردیده باشد،

۱ ماده ۱۰۲ قانون فوق: «سهم الشرکه شرکاء نمی‌تواند به شکل اوراق تجاری قابل انتقال اعم از با اسم یا بی اسم و غیره درآید. سهم الشرکه را نمی‌توان منتقل به غیر نمود مگر با رضایت عده‌ای از شرکاء که لااقل سه ربع ($\frac{۳}{۴}$) سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند»

۲ ماده ۱۰۳ قانون تجارت: «انتقال سهم الشرکه بعمل نخواهد آمد مگر به موجب سند رسمی»

۳ ماده ۱۱۴ قانون فوق: «شرکت با مسئولیت محدود در موارد ذیل منحل می‌شود: . . . د- درمورد فوت یکی از شرکا اگر به موجب اساسنامه پیش‌بینی شده باشد»

۴ ماده ۱۰۴ قانون مذکور: «شرکت با مسئولیت محدود به وسیله یک یا چند نفر مدیر موظف یا غیرموظف که از بین شرکاء یا از خارج برای مدت محدود یا نامحدود، معین می‌شوند اداره می‌گردد»

۵ ماده ۱۰۵ قانون مزبور: «مدیران شرکت تمامی اختیارات لازمه را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت مگر اینکه در اساسنامه غیر از این ترتیب دیگری مقرر شده باشد. هر قرارداد راجع به محدود کردن اختیارات مدیران که در اساسنامه تصریح به آن نشده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است»

قرارهایی را که بین شرکاء و مدیر شرکت راجع به محدودیت اختیارات او گذاشته شده است، نسبت به اشخاص ثالث اعتبار ندارد.

۳- شرکت تضامنی

شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی برای امور تجارتي بین دو یا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل می‌شود. اگر دارایی شرکت برای تأدیه تمام قروض کافی نباشد هریک از شرکاء مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است. هر قراری که بین شرکاء بر خلاف این ترتیب داده شده باشد، در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.^۱

در این شرکت تمامی شرکاء مسئول تعهدات شرکت می‌باشند، چه در انجام معامله شخصاً مداخله داشته یا نداشته باشند. بنابراین شرکت تضامنی بین اشخاصی تشکیل می‌شود که با یکدیگر شناسایی کامل داشته یا از یک خانواده باشند و معمولاً بین پدر و پسران یا برادران و بین دوستان نزدیک تشکیل می‌شود. جنبه مسئولیت تضامنی در شرکت‌های تضامنی به قدری اهمیت دارد که اگر شریک جدیدی وارد شرکت گردد به محض ورود نه تنها مسئول تمامی تعهدات در زمان ورود خود خواهد بود بلکه مسئول تمامی تعهداتی که شرکت قبلاً نموده است نیز می‌باشد.^۲

شرکت تضامنی قائم به اعتبار شرکاء است و عمل هریک از شرکاء ممکن است تعهداتی برای شرکای دیگر ایجاد کند لذا اشخاص باید با شناخت کافی شرکای خود را انتخاب کنند و به همین دلیل در شرکت تضامنی هیچیک از شرکاء نمی‌تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند مگر به رضایت تمام شرکاء.^۳ همچنین شریکی که از شرکت تضامنی خارج می‌شود، مسئول تعهدات حاصله از عملیات قبل از خروج خود می‌باشد.

قانون تجارت در شرکت‌های تضامنی، شرکا را مجاز می‌دارد که مدیران را از بین شرکاء و یا از بین کسانی که شریک نیستند انتخاب کنند.^۴ در شرکت تضامنی مدتی برای دوره مدیریت تعیین نشده است بنابراین مدیر شرکت تضامنی ممکن است بطور نامحدود یا برای مدت معینی انتخاب گردد.

۱ ماده ۱۱۶ قانون تجارت

۲ ماده ۱۲۵ قانون فوق: «هرکس به عنوان شریک ضامن در شرکت تضامنی موجودی داخل شود، متضامناً با سایر شرکا، مسئول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده یا نشده باشد. هر قراری که بین شرکا بر خلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.»

۳ ماده ۱۲۳ قانون مذکور

۴ ماده ۱۲۰ قانون یادشده: «در شرکت تضامنی، شرکاء باید لاقلاً یک نفر از میان خود یا از خارج به سمت مدیر معین نمایند.»

۴- شرکت نسبی

شرکت نسبی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین دو یا چند نفر تشکیل و مسئولیت هریک از شرکاء به نسبت سرمایه‌ای است که در شرکت گذاشته است.^۱

مقرراتی را قانون تجارت در مورد شرکت تضامنی پیش بینی نموده که بر اساس آن هر شریک در مقابل اشخاص ثالث مسئول پرداخت تمام قروض شرکت می‌باشد، در شرکت نسبی وجود ندارد. شرکای شرکت نسبی در مقابل بستانکاران مسئولیت تضامنی ندارند بلکه مسئولیت هر شریک در قبال دیون بلامحل شرکت بعد از انحلال آن^۲ به نسبت سهم‌الشرکه وی بوده، که در شرکت دارد.^۳ در عین حال اصول مربوط به شرکت نسبی همان اصولی است که در شرکت تضامنی ذکر گردیده است و بدین علت بحث بیشتری در این خصوص ضروری به نظر نمی‌رسد.^۴

۵- شرکت مختلط سهامی

شرکت مختلط سهامی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی بین یک عده شرکا سهامی و یک یا چند نفر شریک ضامن تشکیل می‌شود. شرکاء سهامی کسانی هستند که سرمایه آنها به صورت سهام یا قطعات سهام متساوی‌القیمه درآمده و مسئولیت آنها تا میزان همان سرمایه‌ای است که در شرکت دارند. شریک ضامن کسی است که سرمایه او به صورت سهام درنیامده و مسئول تمامی قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود، در صورت تعدد شریک ضامن مسئولیت آنها در قبال طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی خواهد بود.^۵

۱ ماده ۱۸۳ قانون تجارت

۲ ماده ۱۸۷ قانون مزبور: «مادام که شرکت نسبی منحل نشده، مطالبه قروض آن باید از خود شرکت بعمل آید فقط پس از انحلال، طلبکاران می‌توانند با رعایت ماده فوق به فرد فرد شرکا مراجعه کنند.»

۳ ماده ۱۸۶ قانون مذکور: «اگر دارایی شرکت نسبی برای تأدیه تمام قروض شرکت کافی نباشد هر یک از شرکا به نسبت سرمایه که در شرکت داشته مسئول تأدیه قروض شرکت است.»

۴ ماده ۱۸۸ قانون فوق: «هرکس به عنوان شریک ضامن در شرکت نسبی موجودی داخل شود به نسبت سرمایه که در شرکت می‌گذارد مسئول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته، اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده یا نشده باشد....»

ماده ۱۸۵ قانون مذکور: «دستور مواد ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲ و ۱۲۳ در مورد شرکت نسبی نیز لازم‌الرعايه است.»

ماده ۱۸۹ قانون مزبور: «مقاد ماده ۱۲۶ (جز مسئولیت شرکاء که به نسبت سرمایه آنها است) و مواد ۱۲۷ تا ۱۳۶ در شرکتهای نسبی نیز جاری است.»

۵ ماده ۱۶۲ قانون تجارت

این قبیل شرکت‌ها از دو یا چند شریک تشکیل می‌شود ولی نوع حقوق و مسئولیت شرکا یکسان نیست. شریک یا شرکایی که مسئولیت تضامنی دارند، مانند شرکای شرکت تضامنی و شرکایی که در حکم سهامداران شرکت سهامی می‌باشند. شرکای ضامن مسئول اداره امور شرکت بوده و شرکای سهامی حق دخالت در امور شرکت را نداشته و فقط حق نظارت بر امور شرکت را دارند. به لحاظ اینکه تعداد انگشت شماری از این شرکتها نزد اداره ثبت شرکتها به ثبت رسیده‌اند لذا از شرح سایر ویژگیهای آن صرف نظر می‌شود.

۶- شرکت مختلط غیرسهامی

شرکت مختلط غیرسهامی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل می‌شود. شریک ضامن مسئول تمامی قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود. شریک با مسئولیت محدود کسی است که مسئولیت او فقط تا میزان سرمایه است که در شرکت گذارده و یا بایستی بگذارد. در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لااقل اسم یکی از شرکاء ضامن قید شود.^۱

این شرکت نیز از دو یا چند نفر شریک تشکیل می‌شود ولی نوع حقوق و مسئولیت شرکا یکسان نیست، عده‌ای شریک ضامن و عده دیگر شریک با مسئولیت محدود می‌باشند. شریک یا شرکایی که مسئولیت تضامنی دارند مانند شرکاء شرکت تضامنی بوده و شرکایی که دارای مسئولیت محدود بوده در حکم شرکاء شرکت با مسئولیت محدود می‌باشند. شرکاء ضامن مسئول اداره امور شرکت بوده و شرکای با مسئولیت محدود حق دخالت در امور شرکت را نداشته و فقط حق نظارت بر شرکت را دارند. استفاده از این نوع شرکت نیز در ایران مورد استقبال قرارنگرفته است.

۷- شرکت تعاونی

ماده ۲ قانون شرکتهای تعاونی اصلاحی ۱۳۵۲ در تعریف این نوع شرکت مقرر می‌دارد «شرکت تعاونی شرکتی است که از اشخاص حقیقی یا حقوقی که به منظور رفع نیازمندی‌های مشترک و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی اعضا از طریق خودیاری و کمک متقابل و همکاری آنان ... تشکیل می‌شود.» تعداد اعضای تعاونی نباید کمتر از ۷ نفر باشد. عضویت در شرکت تعاونی برای تمام اشخاصی که محل

۱ ماده ۱۴۱ قانون تجارت

فعالیت یا سکونت آنها در حوزه عمل شرکت باشد و به تمام یا قسمتی از خدمات شرکت احتیاج داشته باشند آزاد است.^۱ شرط عضویت در شرکت تعاونی، خرید و پرداخت تمام بهای حداقل یک سهم می‌باشد.^۲ سرمایه شرکت نامحدود و سهام آن با نام و مسئولیت هر عضو محدود به میزان سهمی است که خریداری و یا تعهد نموده است،^۳ همچنین انتقال سهام شرکت تعاونی به غیر عضو شرکت مجاز نیست.^۴ هیچگونه تبعیض یا محدودیتی برای عضویت در شرکت نباید وجود داشته باشد، مگر به سبب عدم کفایت ظرفیت فنی، تاسیسات و وسایل و امکانات شرکت.^۵ همچنین خروج هر عضو از شرکت اختیاری بوده و نمی‌توان وی را منع کرد و بهای سهم یا سهام او حداکثر به ارزش اسمی باید ظرف یکسال از تاریخ خروج عضو از شرکت نقداً پرداخت گردد.^۶ مجمع عمومی، عالی‌ترین مرجع اتخاذ تصمیم و ابراز اراده جمعی اعضا برای اداره امور شرکت است و در آن تمامی اعضا حق دارند حضور بهم‌رسانند و رای خود را درباره موضوع دستور جلسه مجمع بدهند. در مجمع عمومی هر عضو صرف نظر از تعداد سهام، فقط دارای یک حق رأی است.^۷ مسئولیت مالی هر عضو محدود به میزان سهام آنان در شرکت می‌باشد.^۸ موضوع فعالیت شرکت، هرگونه امور اقتصادی و تجاری سودآور اعم از مصرفی، تولیدی و مسکن می‌باشد. شرکتهای تعاونی از لحاظ اقتصادی اهمیت زیادی دارند و در بخش تعاون قسمت زیادی از فعالیتهای اقتصادی را به خود اختصاص داده و در کنار بخش دولتی و خصوصی جایگاه خاصی دارد.^۹ ولی می‌توان گفت موضوع این شرکتها الزاماً اعمال ذاتی تجاری نیست. زیرا منظور از تأسیس شرکت تعاونی، جلب منفعت به طریق معمول در سایر شرکتهای تجاری نیست، بلکه همانطوری که از نام آن برمی‌آید، هدف از تأسیس شرکت تعاونی تعاون و کمک و تسهیل امور شرکای آن می‌باشد.^{۱۰}

۱ ماده ۳ قانون شرکتهای تعاونی اصلاحی ۱۳۵۲

۲ ماده ۴ قانون شرکتهای تعاونی

۳ ماده ۱۰ قانون شرکتهای تعاونی

۴ ماده ۱۲ قانون شرکتهای تعاونی

۵ ماده ۵ قانون شرکتهای تعاونی

۶ ماده ۶ قانون شرکتهای تعاونی

۷ ماده ۷ قانون شرکتهای تعاونی

۸ ماده ۱۰ قانون شرکتهای تعاونی

۹ اصل ۴۴ قانون اساسی: «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است... بخش تعاونی شامل شرکتها و موسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود...»

۱۰ ماده ۲ قانون شرکتهای تعاونی مصوب ۱۳۵۰

شرکتهای تعاونی معمولاً برای حذف واسطه‌ها بین تولیدکننده و مصرف کننده بوده و منظور از تأسیس آنها انجام خدمات یا تحصیل اجناس یا اعتبار^۱ به بهای ارزان برای شرکای خود می‌باشد. شرکتهای تعاونی از لحاظ تأسیس و تشکیلات و اداره تابع اصول شرکتهای سهامی می‌باشند.^۲

ورشکستگی

ورشکستگی حالت تاجری است که از پرداخت دیون خود متوقف می‌شود، یعنی نمی‌تواند تعهدات تجاری خود را عملی سازد. به عبارت دیگر ورشکسته شخصی است که دیون و تعهدات او از اموال و مطالباتش بیشتر بوده و اعتباری هم ندارد تا از محل آن دیون خود را پرداخته و تعهدات را ایفا نماید.^۳ بدیهی است ورشکستگی شخص با «توقف از پرداخت دین» تفاوت دارد زیرا در توقف از پرداخت دین شخص اموالی دارد که برای اداء دیون او کافی است ولی بنا به دلایلی نمی‌تواند به قید فوریت دیون خود را پرداخت نماید. مانند اینکه متوقف دارای املاک بوده و به لحاظ رکود معاملات اموال غیرمنقول، توانایی پرداخت دیون خود را از دست داده است.^۴

همچنین ورشکستگی مختص تاجر و شرکت‌های تجاری بوده و در صورتی که اشخاص حقیقی غیر تاجر و یا موسسات غیر تجاری دیون آنها بیش از اموالشان باشد به نحوی که نتوانند از عهده تعهدات خود بر آیند، ورشکسته قلمداد نگردیده، بلکه مفلس و معسر^۵ محسوب می‌گردند.

۱ در این باب به ماده ۸۴ و ۸۶ قانون شرکتهای تعاونی و دستورالعمل اجرایی تأسیس، فعالیت و نظارت بر شرکتهای تعاونی اعتبار مصوب ۱۳۳۲ جلسه مورخ ۱۳۹۶/۰۳/۰۹ شورای پول و اعتبار مراجعه شود.

۲ ماده ۱۹۳ قانون تجارت: «شرکت تعاونی اعم از تولید یا مصرف ممکن است مطابق اصول شرکت سهامی یا بر طبق مقررات مخصوصی که با تراضی شرکا ترتیب داده شده باشد، تشکیل شود...»

۳ ماده ۴۱۲ قانون تجارت: «ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که برعهده اوست حاصل می‌شود...»

۴ ترمینولوژی حقوق صفحه ۷۴۱

۵ ترمینولوژی حقوق صفحه ۶۷۵: «کسی که حکم افلاس او از دادگاه صادر شده باشد، شرط صدور حکم افلاس این است که دیون حال مفلس نزد حاکم ثابت شده باشد و اموال و مطالبات او کمتر از دیون وی باشد.» با توجه به ماده ۶ قانون اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۳ «معسر کسی است که به دلیل نداشتن مالی به جز مستثنیات دین، قادر به تأدیه دیون خود نباشد». همچنین به موجب ماده ۱۵ همین قانون «ادخواست اعسار از تجار و اشخاص حقوقی پذیرفته نمی‌شود. این اشخاص در صورتی که مدعی اعسار باشند باید رسیدگی به امر ورشکستگی خود را درخواست کنند. تبصره؛ اگر دادخواست اعسار از سوی اشخاص حقوقی یا اشخاصی که تاجر بودن آنها نزد دادگاه مسلم است طرح شود، دادگاه بدون اخطار به خواهان، قرار ردّ دادخواست وی را صادر می‌کند.» در این باب همچنین رجوع شود به ماده ۵۱۲ قانون آئین دادرسی مدنی.

منظور از تاجر کسی است که شغل معمولی خود را، معاملات تجاری قرار بدهد^۱ بنابراین نمایندگان و کارکنان تجارت‌خانه‌ها و شرکت‌های تجاری که به حساب تاجر و یا شرکت‌ها، معاملات تجاری انجام می‌دهند، مشمول مقررات ورشکستگی نمی‌گردند.

ورشکستگی باید پس از رسیدگی‌های قضایی توسط دادگاه صلاحیت‌دار احراز گردیده و مورد حقوق حکم قرار گیرد.^۲ دادگاه در حکم صادره دستور مهر و موم و توقیف اموال منقول و غیرمنقول و سپرده‌های بانکی ورشکسته را نیز صادر می‌نماید.^۳

از تاریخ صدور حکم ورشکستگی، تاجر ورشکسته از دخل و تصرف در اموال و حقوق مالی خود منع گردیده و مداخله در اموال وی توسط مدیر تصفیه یا اداره امور تصفیه^۴ ورشکستگی خواهد بود.^۵ انجام امر تصفیه^۶ تاجر ورشکسته تا پایان دوره تصفیه با مدیر تصفیه یا اداره امور تصفیه که در عین حال نماینده تمامی بستانکاران شخص ورشکسته می‌باشند، صورت می‌پذیرد. بنابراین در صورتی که احد از مشتریان بانک ورشکسته گردد، مشتری مذکور محجور تلقی گردیده و از دخل و تصرف در وجوه خود نزد بانک ممنوع شده و عملیات بانکی وی صرفاً توسط مدیر تصفیه یا اداره امور تصفیه ذیربط انجام می‌پذیرد.

پس از صدور حکم ورشکستگی مراتب در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محل اقامت ورشکسته جهت اطلاع عمومی اعلان گردیده و نسخه‌ای از آن برای هریک از بستانکارانی که شناخته شده‌اند ارسال می‌گردد. بستانکاران ورشکسته مکلفند ظرف دوماه از تاریخ صدور حکم ورشکستگی، خود را به مدیر تصفیه یا اداره امور تصفیه معرفی و مستندات طلب را تسلیم نموده و مطالبات خود را تصدیق نمایند.^۷

۱ ماده ۱ قانون تجارت

۲ ماده ۲۱ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹: «دعوی راجع به توقف یا ورشکستگی باید در دادگاهی اقامه شود که شخص متوقف یا ورشکسته در حوزه آن اقامت داشته است و چنانچه در ایران اقامت نداشته باشد در دادگاهی اقامه می‌شود که متوقف یا ورشکسته در حوزه آن برای انجام معاملات خود شعبه یا نمایندگی داشته یا دارد.»

۳ ماده ۴۳۳ قانون تجارت: «محکمه در حکم ورشکستگی امر به مهر و موم را نیز می‌دهد.»

۴ اداره امور تصفیه، اداره‌ای است از ادارات وزارت دادگستری که در حوزه هر دادگاه شهرستان که آن وزارت مقتضی بداند برای تصفیه امور ورشکستگان تاسیس می‌شود.

۵ ماده ۴۱۸ قانون تجارت: «تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است. در تمامی اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن موثر در تأدیه دیون او باشد، مدیر تصفیه قائم‌مقام ورشکسته بوده و حق دارد به جای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کند.»

۶ ترمنولوژی حقوق صفحه ۱۵۷: «تفریغ حساب و تعیین بدهی و مطالبات، که در نتیجه آن، رقم مقطعی مبلغ اعلان گردد، مانند تصفیه دیون و ...»

۷ ماده ۲۴ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی

اثر حکم ورشکستگی نسبت به معاملات تاجر ورشکسته

الف- **معاملات قبل از تاریخ توقف:** معاملاتی را که تاجر ورشکسته قبل از تاریخ توقف^۱ انجام داده است، صحیح و معتبر می‌باشد مگر اینکه تاجر متوقف، معاملات مذکور را برای فرار از ادای دین یا اضرار (زیان رساندن) به بستانکاران خود انجام داده و یا آنکه معامله انجام شده به طور صوری یا براساس تبانی انجام گرفته باشد.^۲

ب- **معاملات بعد از تاریخ توقف:** معاملات تاجر ورشکسته پس از تاریخ توقف در موارد زیر باطل و بلا اثر می‌باشد:

(۱) هر صلح محاباتی^۳ یا هبه و به طور کلی هر نقل و انتقال بلاعوض اعم از اینکه راجع به منقول یا غیر منقول باشد.

(۲) تأدیه هر قرض اعم از حال یا مؤجل به هر وسیله که به عمل آمده باشد.

(۳) هر معامله که مالی از اموال منقول یا غیر منقول تاجر را مقید نماید و به ضرر طلبکاران تمام شود.^۴

عدم تعلق خسارت تأخیر تأدیه به مطالبات بانک از تاجر ورشکسته

به مطالبات بانک از مشتریان ورشکسته از تاریخ توقف، خسارت تأخیر تأدیه تعلق نخواهد گرفت، به دلیل اینکه اموال منقول و غیر منقول ورشکسته در آن زمان باید معلوم و معین باشد، تا مدیر تصفیه بتواند امر تصفیه را هر چه سریعتر انجام دهد. چون دارایی ورشکسته کافی برای پرداخت تمام دیون او نیست، لذا تمام مبالغ دیون اصلی تاجر را نمی‌توان پرداخت نمود تاچه رسد به خسارات آن دیون. چنانچه برای تمام دیون تاجر ورشکسته خسارت منظور شود عمل بی‌نتیجه‌ای خواهد بود، زیرا به همان نسبت، میزان مطالبات هریک از بستانکاران افزایش خواهد یافت. در این خصوص رأی وحدت رویه شماره ۱۵۵ مورخ ۱۳۴۷/۱۲/۱۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور که برای تمامی محاکم دادگستری لازم‌الاجرا خواهد بود مقرر می‌دارد: «از مجموع مقررات مواد ۱۸ و ۴۰ و ۴۱ و ۵۸ قانون تصفیه ورشکستگی درباره اموال مورد وثیقه تاجر ورشکسته و ماده ۱۸ آن قانون در مورد اموال غیر منقولی که متعلق حق اشخاص ثالث است و

۱ ترمینولوژی حقوق صفحه ۱۸۱: «توقف در حقوق تجارت به معنی ورشکستگی استعمال می‌شود که عبارت است از توقف تاجر از تأدیه وجوهی که بر عهده اوست. داشتن اعتباری که بتوان با استفاده از آن دیون را پرداخت نمود، مانع حصول توقف و ورشکستگی است.»

۲ مواد ۴۲۴، ۴۲۵ و ۴۲۶ قانون تجارت

۳ مانند صلح یک خانه در برابر یک شاخه گل (عمداً بین عوضین ارزش اقتصادی رعایت نشود).

۴ ماده ۴۲۳ قانون تجارت

ماده ۴۱۹ قانون تجارت استفاده و استنباط می‌شود که قانون مزبور ترتیبات راجع به معاملات تاجر ورشکسته را که از آن جمله معاملات با حق استرداد است تابع تشریفات آن قانون قرار داده و ماده ۳۴ اصلاحی قانون ثبت که درباره معاملات با حق استرداد، مقرراتی وضع نموده شامل معاملات با حق استرداد ورشکسته که مشمول مقررات خاصی است نمی‌گردد و مقررات قانون تصفیه در مورد معاملات با حق استرداد تاجر ورشکسته لازم‌الرعایه است و با احراز این امر چون پس از صدور حکم توقف قانوناً ورشکسته از دخالت در تمامی امور مالی مربوط به خود ممنوع و اداره تصفیه به عنوان قائم مقام ورشکسته طلب طلبکاران را تشخیص و تصدیق می‌نماید و مطالبات متوقف را وصول و اقدام به فروش و بعد تقسیم اموال وی می‌کند و طبق ماده ۴۲۱ قانون مزبور همین که حکم ورشکستگی صادر شد، قروض مؤجل با رعایت تخفیفات مقتضی نسبت به مدت، به قروض حال مبدل می‌شود و این حکم شامل حال عموم طلبکاران است و راجع به طلبکاران وثیقه‌دار، قانون برای وصول طلب آنها تا تاریخ ورشکستگی این مزیت را منظور داشته که تمامی طلب آنها از محل مورد وثیقه استیفاء شود و در صورتی که حاصل فروش کفایت طلب آنها را ننمود نسبت به بقیه طلب خود جزء غرماء معمولی منظور شوند و از وجوهی که برای غرما مقرر است حصه ببرند ولی دیگر از قانون تجارت استفاده نمی‌شود که این طبقه از طلبکاران علاوه بر مزایای فوق ذیحق در مطالبه خسارات تأخیر اداء از تاریخ ورشکستگی به بعد هم باشند و ماده ۵۶۲ قانون تجارت که در باب سیزدهم تحت عنوان اعاده اعتبار تاجر ورشکسته ذکر شده با توجه به ماده ۵۶۱ قانون مزبور ناظر به موردی است که تاجر ورشکسته ملاتت حاصل نموده و بخواهد اعاده اعتبار کند.

بنابراین نظر شعبه سوم مبنی بر اینکه طلبکاران ورشکسته اعم از اینکه وثیقه داشته باشند یا نه، حق مطالبه خسارت تأخیر تأدیه ایام بعد از تاریخ توقف را ندارند، صحیح به نظر می‌رسد و این رأی طبق ماده واحده مصوب تیرماه ۱۳۲۸ لازم‌الاتباع است.»

انواع ورشکستگی

الف - **ورشکستگی عادی:** با توجه به مواد ۴۱۲ و ۴۱۳ قانون تجارت در صورتی که تاجر یا شرکت تجاری از پرداخت دیونی که برعهده دارد متوقف گردد و ظرف ۳ روز از تاریخ وقفه که در ادای قروض یاسایر تعهدات نقدی او حاصل شده باشد توقف خود را به دفتر دادگاه عمومی محل اقامت خوداظهار نموده و صورت حساب دارائی و تمامی دفاتر تجاری خود را به دفتر دادگاه مزبور تسلیم نماید. ورشکسته عادی محسوب می‌گردد، صورت حساب موصوف باید مورخ بوده و به امضا تاجر رسیده و تعداد و تقویم

تمامی اموال منقول و غیر منقول تاجر متوقف بطور مشروح صورت تمامی قروض و مطالبات و نیز صورت نفع و ضرر و صورت مخارج شخصی در آن مندرج گردد.^۱

ب- **ورشکستگی به تقصیر:** ورشکستگی به تقصیر در مواردی است که تاجر از انجام وظایف خود اهمال نموده، یا فعالیت بازرگانی خود را طبق اصول تجاری انجام نداده است و یا اینکه بدون سوء نیت به ضرر طلبکاران اقدام نموده باشد.^۲

ج- **ورشکستگی به تقلب:** ورشکستگی به تقلب در مواردی است که تاجر مرتکب تقلب و کلاهبرداری شده و به این وسیله درصدد برمی آید، مقداری از اموال بستانکاران را از بین برده و یا مورد سوء استفاده شخصی قراردهد. بنابراین تمامی قوانین و مقررات مربوطه نسبت به ورشکستگان به تقلب شدت عمل به خرج داده و مجازات کیفری برای آنان پیش‌بینی نموده‌اند.^۳

۱ عرفانی، محمود حقوق تجارت به زبان ساده صفحه ۲۴۱

۲ ماده ۵۴۱ قانون تجارت: «تاجر در موارد ذیل ورشکسته به تقصیر اعلان می‌شود: ۱- در صورتی که محقق شود مخارج شخصی یا مخارج خانه مشارالیه در ایام عادی بالنسبه به عایدی او فوق‌العاده بوده است. ۲- در صورتی که محقق شود که تاجر نسبت به سرمایه خود مبالغ عمده صرف معاملاتی کرده که در عرف تجارت موهوم یا نفع آن منوط به اتفاق محض است. ۳- اگر به قصد تاخیر انداختن ورشکستگی خود، خریدی بالاتر یا فروشی نازل‌تر از مظنه روز کرده باشد یا اگر به‌همان قصد وسایلی که دور از صرفه است به کار برده تا تحصیل وجهی نماید اعم از اینکه از راه استقراض یا صدور برات یا به طریق دیگر باشد. ۴- اگر یکی از طلبکارها را پس از تاریخ توقف بر سایرین ترجیح داده و طلب او را پرداخته باشد.» و مواد ۵۴۲ الی ۵۴۸ قانون تجارت

۳ ماده ۵۴۹ قانون تجارت: «هر تاجر ورشکسته که دفاتر خود را مفقود نموده یا قسمتی از دارایی خود را مخفی کرده یا به طریق مواضعه و معاملات صوری از میان برده و همچنین هر تاجر ورشکسته که خود را به وسیله اسناد یا به وسیله صورت دارایی و قروض به طور تقلب به میزانی که در حقیقت مدیون نمی‌باشد مدیون قلمداد نموده است ورشکسته به تقلب اعلام و مطابق قانون جزا مجازات می‌شود.»

سؤالات بخش دوم: مبحث اشخاص

- (۱) اشخاص را تعریف نموده، انواع آن را نام ببرید.
- (۲) اشخاص حقیقی را تعریف نموده و آغاز وجود آن را مختصراً توضیح دهید.
- (۳) پایان وجود شخص حقیقی چه زمانی است؟
- (۴) غایب مفقودالاثر را تعریف نموده و توضیح دهید امور مالی وی چگونه اداره می گردد؟
- (۵) محجورین چه اشخاصی هستند؟
- (۶) اهلیت را تعریف و انواع آن را بنویسید.
- (۷) اهلیت تمتع و استیفا را مختصراً شرح دهید.
- (۸) صغیر چه شخصی است؟ انواع آن را مختصراً شرح دهید.
- (۹) سفیه چه شخصی است؟
- (۱۰) مجنون چه فردی است؟ انواع آن را مختصراً شرح دهید.
- (۱۱) نمایندگان قانونی محجورین را نام ببرید.
- (۱۲) ولی قهری شامل چه اشخاصی می باشد؟
- (۱۳) وصی کیست؟
- (۱۴) ولی خاص شامل چه اشخاصی بوده و بر چه گروهی از محجورین ولایت دارد؟
- (۱۵) حدود اختیارات ولی خاص را توضیح دهید.
- (۱۶) قیم کیست، چگونه نصب می گردد و بر چه گروهی از محجورین ولایت دارد؟
- (۱۷) حدود اختیارات و وظایف قیم را مختصراً شرح دهید.
- (۱۸) رشید چه شخصی است؟ و دارای چه شرایط می باشد؟
- (۱۹) اشخاص حقوقی را تعریف نموده و انواع آن را بنویسید.
- (۲۰) اشخاص حقوقی عمومی را توضیح داده و انواع آن را مختصراً توضیح دهید.
- (۲۱) اشخاص حقوقی خصوصی را تعریف نموده و انواع آن را بنویسید.
- (۲۲) تشکیلات و موسسات غیرتجاری را شرح داده و اقسام آن را نام ببرید.
- (۲۳) شرکت های تجاری را تعریف کنید و اقسام آن را بنویسید.

- ۲۴) براساس میزان مسئولیت شرکاء و سهامداران، شرکت‌های تجاری به چند دسته تقسیم می‌شوند؟ مختصراً شرح دهید.
- ۲۵) شرکت سهامی را تعریف نموده و اقسام آن را نام ببرید.
- ۲۶) شرکت‌های سهامی عام و خاص را مختصراً شرح دهید.
- ۲۷) موارد انحلال شرکت‌های سهامی را بنویسید.
- ۲۸) شرکت با مسئولیت محدود را تعریف نمایید.
- ۲۹) شرکت تضامنی را تعریف نموده و میزان مسئولیت شرکای شرکت را در قبال دیون بلامحل شرکت توضیح دهید.
- ۳۰) شرکت نسبی را تعریف و میزان مسئولیت شرکای شرکت را در قبال دیون بلامحل شرکت بنویسید.
- ۳۱) شرکت تعاونی را توضیح داده و حداقل تعداد اعضای آن را بنویسید.
- ۳۲) ورشکستگی را تعریف کنید.
- ۳۳) از تاریخ صدور و ابلاغ حکم ورشکستگی، اعمال حقوقی ورشکسته توسط چه شخصی صورت می‌پذیرد؟
- ۳۴) اثر حکم ورشکستگی نسبت به معاملات قبل از توقف شخص ورشکسته را توضیح دهید.
- ۳۵) اثر حکم ورشکستگی نسبت به معاملات بعد از توقف شخص ورشکسته را شرح دهید.
- ۳۶) احوال شخصیه چیست و مقررات حاکم بر آن کدام است؟
- ۳۷) موارد سلب صلاحیت ولی را نام ببرید؟
- ۳۸) ولایت و حضانت طفل را مقایسه نمایید؟
- ۳۹) شرکتها در نظام حقوقی ایران چند نوعند؟ به صورت مشروح توضیح دهید؟
- ۴۰) ورشکستگی عادی را به صورت مشروح توضیح دهید؟

بخش سوم: وکالت

تعریف

وکالت در لغت به معنای تفویض کردن و واگذار نمودن می‌باشد و در اصطلاح حقوقی عبارت است از اینکه کسی برای انجام امری به دیگری نیابت بدهد. ماده ۶۵۶ قانون مدنی در تعریف وکالت مقرر می‌دارد: «وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین، طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌نماید.» پس از انعقاد عقد وکالت، وکیل به جای موکل، امر مورد وکالت را انجام می‌دهد و از نظر حقوقی مانند آن است که موکل خود، آن امر را انجام داده است. موکل کسی است که نمایندگی به دیگری در امری می‌دهد و وکیل نیز کسی است که نماینده در انجام آن امر می‌شود.

مورد وکالت

مورد وکالت چنانکه از تعریف آن معلوم شد، انجام امری^۱ است که به نمایندگی از طرف دیگری محقق می‌شود. انجام امری می‌تواند مورد وکالت قرار گیرد که دارای شرایط زیر باشد:

الف- موکل بتواند قانوناً آن امر را انجام دهد

امری را که موکل خود حق انجام آن را ندارد نمی‌تواند انجام آن را به دیگری نمایندگی داده تا از طرف او به جای آورد^۲. مثلاً مالی که توسط مقامات ذیصلاح توقیف و مالک از انتقال آن منع گردیده است، نامبرده نمی‌تواند به دیگری وکالت دهد تا وکیل آن مال را به شخص ثالث بفروشد^۳.

ب- مباشرت شخص معین قانوناً در انجام آن امر تصریح نشده باشد

در اموری که به حکم قانون انجام آن توسط شخص معین (مباشراً) تصریح شده باشد نمی‌توان انجام آن را به نمایندگی به دیگری واگذار نمود و وکالت در انجام آن نیز باطل می‌باشد مانند سوگند یاد کردن و شهادت دادن.

۱ منظور انجام دادن اعمال حقوقی نظیر افتتاح حساب یا اخذ وام و ... است. از این رو انجام اعمال مادی (نظیر تعمیر لوله کشی ساختمان یا نقاشی منزل) تعمیرکار و نقاش را وکیل صاحب خانه نمی‌نماید.

۲ ماده ۶۶۲ قانون مدنی: «وکالت باید در امری داده شود که خود موکل بتواند آن را به جا آورد ...»

۳ ماده ۵۶ قانون اجرای احکام مدنی: «هرگونه نقل و انتقال اعم از قطعی و شرطی و رهنی نسبت به مال توقیف شده باطل و بلااثر است.»

لیکن اموری که قانون مباشرت شخص را لازم ندانسته اعطای وکالت در آن صحیح است مانند اجرای هریک از عقود، افتتاح و بستن انواع حساب، اخذ سهم الارث موکل از موجودی مشتری متوفی....

حدود وکالت

در عقد وکالت و به هنگام تنظیم وکالتنامه، موکل باید مراقبت نموده و به هر عمل حقوقی که می خواهد توسط وکیل انجام شود تصریح نماید والا اصل بر عدم وکالت می باشد. به عنوان مثال هرگاه کسی دیگری را وکیل در افتتاح حساب جاری می نماید باید به اموری که می خواهد در کنار افتتاح حساب توسط وکیل انجام شود (مانند دریافت کارت عابر بانک، اخذ دسته چک، برداشت از حساب، صدور چک، دستور عدم پرداخت وجه چک و انسداد حساب...) تصریح نماید در غیر این صورت بانک اصل را بر عدم اعطای نیابت قرار خواهد داد.

وکالت ممکن است مطلق باشد^۱ مانند آن که شخصی اداره امور خود را به دیگری وکالت بدهد، در این صورت وکیل صرفاً می تواند امور مربوط به اداره کردن اموال موکل را انجام دهد. منظور از اداره کردن اموال نگاهداری، حفاظت، و زیاد کردن اموال موکل می باشد و با این وکالت وکیل نمی تواند اقدام به فروش اموال موکل و یا برداشت از موجودی حساب های بانکی او نماید. زیرا در این فرض اموال موکل نقصان پذیرفته و اداره کردن اموال موکل به آن اطلاق نمی گردد. همچنین ممکن است وکالت مقید و برای انجام امر خاصی باشد مانند آن که کسی به دیگری وکالت دهد که حقوق بازنشستگی وی را از بانک دریافت دارد. در این صورت وکیل نمی تواند موجودی سپرده های سرمایه گذاری کوتاه مدت یا بلندمدت موکل را اخذ نموده و یا اقدام به اجاره صندوق امانات به نام وی نماید.

موکل می تواند برای انجام موضوع وکالت دو یا چند نفر را به نحو اجتماع به عنوان وکیل تعیین نماید در این صورت هیچ یک از وکلا نمی تواند بدون دیگری یا دیگران آن امر را انجام دهد زیرا نظر موکل بر این بوده است که آنها در انجام امر وکالت با یکدیگر تشریک مساعی و همفکری نمایند. مگر اینکه موکل تصریح به دخالت مستقل هریک از وکلا در انجام مورد وکالت نموده باشد که در این صورت هریک از آنان می تواند منفرداً موضوع وکالت را انجام دهد.^۲

۱ ماده ۶۶۰ قانون مدنی: «وکالت ممکن است بطور مطلق و برای تمام امور موکل باشد یا مقید و برای امر یا امور خاصی.» ماده ۶۶۱ قانون فوق: «در صورتی که وکالت مطلق باشد فقط مربوط به اداره کردن اموال موکل خواهد بود.»

۲ ماده ۶۶۹ قانون مذکور: «هرگاه برای انجام امری دو یا چند نفر وکیل معین شده باشد هیچیک از آنها نمی تواند بدون دیگری یا دیگران دخالت در آن امر بنماید مگر اینکه هریک مستقلاً وکالت داشته باشد در اینصورت هر کدام می تواند به تنهایی آن امر را به جا آورد.»

در صورتی که دونفر با یکدیگر به نحو اجتماع در انجام امری وکیل باشند با فوت هریک از آنان وکالت دیگری نیز باطل می‌شود.^۱

تعهدات وکیل

وکیل باید در انجام وظایف محوله مانند اعمال مربوط به خود با کمال دلسوزی عمل کند و در صورتی که در اثر عدم اقدام و یا تأخیر در اقدام و یا تسامح در انجام مورد وکالت خسارتی متوجه موکل گردد، مسئول جبران آن خواهد بود.^۲

وکیل باید از آنچه موکل بالصراحه به او اختیار داده و یا برحسب قرائن و عرف و عادت در حدود اختیار وی می‌باشد، تجاوز نکند.^۳ هر عملی که وکیل خارج از حدود وکالت انجام دهد نسبت به موکل فضولی^۴ بوده و موکل می‌تواند آن را قبول و یا رد کند و در صورتی که موکل آن عمل را رد نماید وکیل مسئول جبران خسارت وارده به موکل و شخص ثالث خواهد بود.

وکیل بایستی بعد از انجام امر و ختم عمل وکالت، حساب دوران وکالت خود را به موکل پس دهد.^۵ موکل با توجه به شناخت شخصیت وکیل او را نایب خود در انجام امری قرار داده از این رو نفس اعطای نیابت این حق را به وکیل نمی‌دهد تا بتواند به تشخیص خود انجام مورد وکالت را به شخص ثالث واگذار نماید. بنابراین وکالت دادن از طرف وکیل، تجاوز از حدود وکالت است مگر اینکه موکل صریحاً حق توکیل به غیر را در عقد وکالت قید کرده باشد.^۶ در صورتی که وکیل، وکالت در توکیل نداشته باشد و انجام امری را که در آن وکالت دارد به شخص ثالث واگذار کند، هریک از وکیل و شخص ثالث در مقابل موکل نسبت به خساراتی که به موکل وارد کرده‌اند مسئول خواهند بود.^۷

۱ ماده ۶۷۰ قانون مدنی: «در صورتی که دو نفر به نحو اجتماع وکیل باشند با موت یکی از آنها وکالت دیگری باطل می‌شود.»

۲ ماده ۶۶۶ قانون فوق: «هرگاه از تقصیر وکیل، خسارتی به موکل متوجه شود که عرفاً وکیل، مسبب آن محسوب می‌گردد مسئول خواهد بود.»

۳ ماده ۶۶۷ قانون مذکور: «وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را مراعات نماید و از آنچه که موکل بالصراحه به او اختیار داده یا برحسب قرائن و عرف و عادت داخل اختیار اوست تجاوز نکند.» ماده ۶۶۳ قانون مدنی: «وکیل نمی‌تواند عملی را که از حدود وکالت او خارج است انجام دهد.»

۴ ماده ۶۷۴ قانون مزبور: «... در مورد آنچه که در خارج از حدود وکالت انجام داده شده است موکل هیچگونه تعهدی نخواهد داشت مگر اینکه اعمال فضولی* وکیل را صراحتاً یا ضمناً اجازه کند.»

* اعمال فضولی (معاملات فضولی): معامله کردن به مال دیگری بدون داشتن نمایندگی قانونی

۵ ماده ۶۶۸ قانون فوق: «وکیل باید حساب مدت وکالت خود را به موکل بدهد و آنچه را که به جای او دریافت کرده است به او رد کند.»

۶ ماده ۶۷۲ قانون مدنی: «وکیل در امری نمی‌تواند برای آن امر به دیگری وکالت دهد مگر اینکه صریحاً یا به دلالت قرائن، وکیل در توکیل باشد.»

۷ ماده ۶۷۳ قانون فوق: «اگر وکیل که وکالت در توکیل نداشته انجام امری را که در آن وکالت دارد به شخص ثالثی واگذار کند هریک از وکیل و شخص ثالث در مقابل موکل نسبت به خساراتی که مسبب محسوب می‌شود، مسئول خواهد بود.»

تعهدات موکل

در انجام امر وکالت، تعهدات و معاملاتی را که وکیل به نمایندگی از طرف موکل انجام می‌دهد، مستقیماً متوجه موکل می‌باشد. در حقیقت، وکیل معامله (یا به عبارت دقیق‌تر عمل حقوقی) را بجای موکل واقع ساخته و واسطه در انجام عمل می‌باشد. بنابراین تمام اسناد و مدارک به نام موکل تنظیم گردیده و صرفاً وکیل با قید عبارت «به وکالت از طرف...» ذیل اسناد مذکور را امضاء خواهد کرد و در نتیجه موکل در مقابل اشخاص ثالث، متعهد یا ذینفع قرار می‌گیرد.^۱

انقضای وکالت

عقد وکالت عقدی جایز بوده و هرگاه که وکیل و موکل بخواهند می‌توانند آن را فسخ نمایند و تعیین مدت در عقد نیز آن را لازم نمی‌کند. اثر مدت آن است که پس از خاتمه مدت، دوره وکالت پایان پذیرفته و چنانچه وکیل بعد از آن اقدام به انجام امر وکالت نماید عمل وی فضولی محسوب می‌گردد. طبق قانون مدنی وکالت در موارد ذیل پایان می‌پذیرد:^۲

۱- به عزل موکل

عقد وکالت عقدی جایز است و طبق ماده ۶۷۹ قانون مدنی: «موکل می‌تواند هر وقت بخواهد وکیل را عزل کند مگر اینکه وکالت وکیل یا عدم عزل در ضمن عقد لازمی، شرط شده باشد.»

۲- به استعفای وکیل

باتوجه به اینکه وکالت از عقود جایز است لذا هرگاه وکیل استعفا دهد، وکالت منحل می‌شود.

۳- به فوت وکیل یا موکل

عقد وکالت به فوت هریک از طرفین عقد مرتفع می‌شود. انحلال عقد در اثر فوت اختصاص به وکالت ندارد، بلکه تمامی عقود جایز با فوت یکی از طرفین منفسخ می‌شود.^۳

۴- به جنون وکیل یا موکل

طبق تصریح ماده ۶۷۸ قانون مدنی عقد وکالت در اثر جنون وکیل یا موکل مرتفع می‌گردد. جنون خواه دائمی بوده یا ادواری، اگرچه مدت آن کوتاه باشد، موجب منفسخ شدن عقد وکالت می‌گردد.

۱ ماده ۶۷۴ قانون مذکور: «موکل باید تمام تعهداتی را که وکیل در حدود وکالت خود کرده است، انجام دهد...»

۲ ماده ۶۷۸ قانون مزبور: «وکالت بطریق ذیل مرتفع می‌شود: ۱- به عزل موکل ۲- به استعفای وکیل ۳- به موت یا به جنون وکیل یا موکل.»

۳ ماده ۹۵۴ قانون مدنی: «تمامی عقود جایزه به موت احد طرفین منفسخ می‌شود و همچنین به سقه در مواردی که رشد معتبر است.»

۵- به سفاهت وکیل یا موکل

طبق ماده ۶۸۲ قانون مدنی «مجبوریت موکل موجب بطلان وکالت می شود مگر در اموری که حجر مانع از توکیل در آنها نمی باشد و همچنین است مجبوریت وکیل مگر در اموری که حجر مانع از اقدام در آن نباشد.»

۶- به از بین رفتن مورد وکالت

منظور از عبارت «از بین رفتن مورد وکالت» تلف شدن آن است. مثلاً هرگاه مورد وکالت فروش کالاهای وارداتی بوده و کالاهای مذکور دچار آتش سوزی گردیده و از بین رفته باشد.^۱

۷- به انجام مورد وکالت توسط موکل

هر عملی که موکل درخصوص مورد وکالت انجام دهد که در تضاد با امر وکالت باشد، موجب منفسخ شدن عقد مزبور می گردد. مثلاً هرگاه مورد وکالت فروش خانه ای باشد و موکل قبل از هرگونه اقدام از سوی وکیل شخصاً اقدام به فروش آن نماید، در این صورت عقد وکالت پایان می پذیرد. بطور کلی قانون مدنی هر عملی را که منافات با وکالت داشته باشد از قبیل هبه، صلح، انتقال مال مورد وکالت، موجب منفسخ شدن وکالت دانسته است.^۲

در پایان، انواع وکالتنامه بررسی می گردد.

۱- وکالتنامه های رسمی

وکالتنامه رسمی در دفترخانه اسناد رسمی تنظیم می شود. مندرجات وکالتنامه برای انجام عملیات بانکی بایستی روشن و واضح بوده و ابهامی نداشته باشد. برای انجام درخواست وکیل به استناد وکالتنامه باید اصل وکالتنامه به بانک ارائه گردد. بدیهی است ارائه تصویر وکالتنامه رسمی پس از مطابقت آن با اصل مانعی نخواهد داشت. در صورتی که از تاریخ تنظیم وکالتنامه حداکثر مدتی بیش از ۳ سال گذشته باشد، به منظور حصول اطمینان از اینکه وکیل عزل نشده، اصلح است تائید دفترخانه تنظیم کننده وکالتنامه در این مورد بطور کتبی اخذ شود. همچنین برای احراز اصالت وکالتنامه از طریق وب سایت تصدیق

۱ ماده ۶۸۳ قانون مذکور: «هرگاه متعلق وکالت از بین برود . . . وکالت منفسخ می شود.»

۲ ماده ۶۸۳ قانون مدنی: «هرگاه . . . موکل عملی را که مورد وکالت است، خود انجام دهد یا بطور کلی عملی که منافای با وکالت وکیل باشد بجا آورده مثل اینکه مالی را که برای فروش آن وکالت داده بود، خود بفروشد وکالت منفسخ می شود.»

اصالت اسناد و اوراق دفاتر اسناد رسمی (درگاه یکپارچه خدمات الکترونیکی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور) اقدام گردد.^۱

۲- وکالتنامه‌های تنظیمی در خارج از کشور

باتوجه به اینکه وکالتنامه‌های عادی تنظیمی در خارج از کشور نزد نمایندگی‌های سیاسی و کنسولی ج.ا.ی یا در دفاتر حفاظت منافع ج.ا.ی در خارج از کشور تهیه و تنظیم می‌گردد، بنابراین نیازی به تأیید مجدد اداره سجلات و احوال شخصیه وزارت امور خارجه نداشته و از طریق سامانه تاک^۲ قابل پیگیری و احراز اصالت می‌باشد و منحصراً وکالتنامه‌هایی که به نحوی مخدوش شده یا احتمال جعل آنها توسط ارائه‌دهندگان داده می‌شود نیازمند تأیید و تصدیق اداره سجلات و احوال شخصیه وزارت امور خارجه می‌باشد.^۳

بدیهی است در مواردی که در متن وکالتنامه شرط خاصی ذکر شده باشد مانند اینکه در فرم ارسالی قید شده باشد که « هرگونه اقدام بر اساس وکالتنامه حاضر منوط به تأیید آن در اداره سجلات و احوال شخصیه وزارت امور خارجه در ایران می‌باشد » رعایت شرط مربوطه و ارائه تأییده اشاره شده الزامی است. همچنین باتوجه به اینکه وکالت نامه‌های تنظیمی در خارج از کشور توسط مأمورین رسمی وزارت امور خارجه تنظیم و تأیید می‌گردد لذا در انجام امور بانکی به استناد وکالت‌نامه‌های مذکور، نیازی به اخذ اصل آنها نبوده بلکه می‌توان با اخذ رونوشتی که توسط مراجع قانونی (دفاتر اسناد رسمی و یا مراجع قضایی) تصدیق شده‌اند، در چارچوب حدود اختیارات تفویضی عملیات بانکی موردنظر را انجام داد.^۴

تبصره: درخصوص اعطای تسهیلات، انجام معاملات و امضاء قراردادها توسط وکیل بدون درنظر گرفتن تاریخ تنظیم وکالتنامه اصلاح است تأییدیه جدید اخذ و ضمیمه پرونده شود.

نکته مهم: شعب مکلفند نسبت به شناسائی اولیه و شناسائی کامل و کیلی که ایرانی است بر اساس دستورالعمل چگونگی شناسائی مشتریان ایرانی موسسات اعتباری و همچنین نسبت به شناسائی اولیه و

۱ ماده ۲۵ آیین نامه اجرایی ماده ۱۴ قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۸ ؛ «سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف است پایگاه یکپارچه اطلاعات وکالتنامه های رسمی را ظرف یک سال به نحوی ساماندهی کند که همواره امکان استعلام برخط وضعیت آن برای اشخاص مشمول فراهم باشد.»

۲ ورود به سامانه تاک (تأیید اسناد کنسولی) از طریق سامانه میخک (مدیریت یکپارچه خدمات کنسولی) انجام می پذیرد.

۳ نامه‌ی عمومی شماره‌ی ۸۲۱۳۷ مورخ ۱۳۸۲/۷/۱۲ اداره کل حقوقی و دعاوی

۴ نامه‌ی عمومی شماره‌ی ۸۵۱۸۳ مورخ ۱۳۸۵/۱۱/۵ اداره کل حقوقی و دعاوی

شناسائی کامل و کیلی که ایرانی نیست بر اساس دستورالعمل چگونگی شناسائی مشتریان خارجی موسسات اعتباری اقدام نمایند^۱.

۳- وکالتنامه‌های زندانیان:

وکالتنامه زندانیان یکی از انواع وکالتنامه‌هایی است که بدرخواست زندانیان و توسط مقامات زندانها تنظیم و به بانک ارائه می گردید. پذیرش و هرگونه اقدام در خصوص این وکالتنامه نیازمند مطابقت نمونه امضای مندرج در وکالتنامه با مدارک و سوابق موجود در بانک بود و می بایست امضاء و اثر انگشت ذیل وکالتنامه به تایید دادیار یا رییس زندان می رسید. وکیل می توانست نسبت به ارائه اصل وکالتنامه به هریک از واحدهای بانک اقدام و شعبه نیز می بایست ضمن اخذ اصل سند یا رونوشت برابر با اصل نسبت به درج اطلاعات سیستمی اقدام می نمود. البته در حال حاضر برابر نامه ۹۸/۴۴۷۷۹۸ به تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۲۷ اداره مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم بانک مرکزی ج.ا.ا و متعاقب آن بند ۱۷ مصوبه بیست و هشتمین جلسه هیات عامل بانک به تاریخ ۱۴۰۰/۰۲/۰۷ استفاده از این نوع وکالتنامه میسر نمی باشد. از جمله دلایل این اقدام پیش بینی نحوه ثبت سند رسمی در خصوص زندانیان و ریسک مترتب بر قبول وکالتنامه های غیرثبتي (عادی) برای بانک ها عنوان شده ، از این رو واحدها در مورد زندانیان با دریافت وکالتنامه رسمی خدمات ارائه خواهند داد.

۴- وکالتنامه‌های داخلی (نمونه ۱۲۴۰):

از تاریخ صدور دستورالعمل ۹۸/۳۱۴۰۳۹ به تاریخ ۱۳۹۸/۰۹/۱۴ بانک مرکزی ج.ا.ا ارائه خدمات بانکی به مشتریان از طریق وکالتنامه های داخلی (نمونه ۱۲۴۰) امکان پذیر نمی باشد^۲.

۱ توضیح بیشتر در بخش هفتم آمده است

۲ تبصره ۱ ماده ۵۶ آیین نامه اجرایی ماده ۱۴ قانون مبارزه با پولشویی «به منظور احراز هویت اشخاصی که به نمایندگی از شخص اصیل ... به اشخاص مشمول مراجعه می کنند ، اشخاص مشمول مکلفند علاوه بر اجرای فرایند احراز هویت در خصوص نماینده ، اسناد معتبر و رسمی مبین نمایندگی مانند وکالت نامه را اخذ و تطابق آن را بررسی کنند.» و ماده ۶۵ آیین نامه اجرایی ماده ۱۴ قانون مبارزه با پولشویی « اشخاص مشمول مکلفند ارائه هرگونه خدمت به اشخاصی که به نمایندگی از شخص اصیل ... به آن ها مراجعه می کنند ، به اجرای فرایند احراز هویت نمایند و اخذ اسناد رسمی معتبر مبین نمایندگی (مانند وکالت نامه تنظیم شده در دفاتر اسناد رسمی و احکام مراجع قضایی مبنی بر وصایت و قیمومت) منوط نمایند . تبصره - اشخاص مشمول مکلف اند به منظور اجرای فرایند شناسایی معمول ، پیش از ارائه هرگونه خدمت به نماینده شخص اصیل ، نسبت به استعلام صحت و اصالت مدارک شناسایی معتبر نماینده و اسناد رسمی مبین نمایندگی وی از سامانه های مربوط اقدام و اطلاعات احراز شده نماینده را نیز در رخ نمای (پروفایل) ارباب رجوع ثبت کنند . »

سؤالات بخش سوم: وکالت

- ۱) وکالت را تعریف کنید؟ طرفین آن را بنویسید.
- ۲) حدود وکالت‌نامه را توضیح دهید.
- ۳) شرایط «مورد وکالت» را ذکر نموده و مختصراً شرح دهید.
- ۴) وکیل در توکیل را توضیح دهید.
- ۵) موارد انقضای وکالت را نام ببرید.
- ۶) استفاده از وکالت‌نامه بانکی به موجب کدام مقررات ممنوع گردید.
- ۷) وکالت‌نامه رسمی را شرح دهید.
- ۸) وکالت‌نامه‌های تنظیمی در خارج از کشور را توضیح داده و شرایط آن را بنویسید.
- ۹) دلایل عدم استفاده از وکالت‌نامه زندانیان را به طور کامل توضیح دهید.

بخش چهارم: وصیت

وصیت در لغت به معنای وصل و پیوند می باشد و به لحاظ اینکه تصرفات زمان حیات وصیت کننده (موصی) به زمان پس از فوت او منتقل می شود آن را وصیت نامیده اند. وصیت بر دو نوع است: الف - تملیکی ب - عهدی.^۱

الف - وصیت تملیکی

ماده ۸۲۶ قانون مدنی در تعریف وصیت تملیکی و اشخاصی که در آن نقش اساسی ایفاء می نمایند، مقرر می دارد: «وصیت تملیکی عبارت است از اینکه کسی عین یا منفعتی را از مال خود برای زمان بعد از فوتش به دیگری مجاناً تملیک کند. وصیت کننده **موصی**، کسی که وصیت تملیکی به نفع او شده است **موصی له**، مورد وصیت **موصی به**... نامیده می شود.»

در خصوص اینکه وصیت تملیکی در زمره عقود محسوب می گردد، بین حقوقدانان اختلاف نظر بوده و نظریه مشهور بر این است که وصیت تملیکی عقد می باشد، زیرا در آن مالی از طرف وصیت کننده، به موصی له تملیک می گردد و موصی له آن را قبول می کند. طبق نظریه فوق، وصیت بوسیله ایجاب از طرف موصی و قبول از طرف موصی له واقع می شود.^۲

به سخن دیگر، ایجاب عبارت است از اینکه موصی اعلام نماید اموالی را برای بعد از فوتش به تملک موصی له درآورد و قبول نیز عبارت است از اعلام اراده موصی له به تملک آنچه برای پس از فوت وصیت کننده به او تملیک شده است. البته چنانچه کسانی که به نفع آنها وصیت شده غیر محصور باشند، مانند وصیت بر امور عام المنفعه، نیازی به قبول آنها نبوده و به صرف اعلام اراده وصیت کننده و تحقق فوت موصی، وصیت واقع می شود.^۳ رد وصیت توسط موصی له عبارت است از نپذیرفتن آنچه را که موصی، به او

۱ ماده ۸۲۵ قانون مدنی: «وصیت بر دو قسم است: تملیکی و عهدی.»

۲ ماده ۸۲۷ قانون فوق: «تملیک به موجب وصیت محقق نمی شود مگر با قبول موصی له پس از فوت موصی.»

۳ ماده ۸۲۸ قانون مذکور: «هرگاه موصی له غیر محصور باشد مثل اینکه وصیت برای فقرا یا امور عام المنفعه شود، قبول، شرط نیست.»

تملیک نموده است. رد وصیت به هر لفظ و فعلی که دلالت بر قصد موصی له به آن نماید واقع می شود.^۱ همچنین ذینفع وصیت می تواند صرفاً قسمتی از مورد وصیت را قبول کند که در این صورت وصیت نسبت به آن قسمت صحیح بوده و نسبت به قسمت های دیگر (که مورد قبول موصی له واقع نشده است) باطل خواهد بود.^۲ در صورتی که موصی له صغیر یا مجنون باشد رد یا قبول وصیت باولی یا قیم آنها خواهد بود.^۳ تملک موصی له نسبت به مورد وصیت معلق به فوت وصیت کننده می باشد به عبارت دیگر مالکیت ذینفع وصیت در صورت پذیرفتن آن بعد از فوت وصیت کننده، تحقق می یابد و مورد وصیت تا قبل از فوت در مالکیت وصیت کننده خواهد بود.^۴ بنابراین ورثه وصیت کننده نمی توانند قبل از رد یا قبول ذینفع وصیت، در ترکه تصرف کنند.^۵

باتوجه به اینکه گفته شد وصیت از جمله عقود محسوب می شود، لذا موصی بایستی در زمان وصیت دارای اهلیت قانونی بوده یعنی عاقل، بالغ و رشید باشد.^۶ بنابراین وصیت صغیر، سفیه و مجنون باطل است. زیرا این اشخاص نمی توانند در اموال خود تصرف نمایند. همچنین ولی و قیم آنها نیز نمی توانند به عنوان نمایندگی از محجورین وصیت کنند زیرا ولی و قیم برای اداره دارایی محجور می باشند که با در نظر گرفتن مصلحت باید دارایی آنها را اداره کنند و باتوجه به اینکه وصیت، واگذاری مجانی دارایی محجور می باشد، لذا خارج از اداره اموال به شمار می رود.

هرگاه موصی له متعدد باشند و سهم هریک جداگانه معین شده باشد، هریک از آنان سهم خود را می برند لیکن در صورتی که سهم آنها معین نشده باشد، مال مورد وصیت بین آنها به نسبت مساوی

۱ ماده ۸۳۰ قانون مزبور: «نسبت به موصی له رد یا قبول وصیت بعد از فوت موصی معتبر است. بنابراین اگر موصی له قبل از فوت موصی وصیت را رد کرده باشد بعد از فوت می تواند آن را قبول کند و اگر بعد از فوت آن را قبول و موصی به را قبض کرد دیگر نمی تواند آن را رد کند. لیکن اگر قبل از فوت قبول کرده باشد بعد از فوت قبول ثانوی لازم نیست.»

۲ ماده ۸۳۲ قانون مدنی: «موصی له می تواند وصیت را نسبت به قسمتی از موصی به قبول کند در این صورت وصیت نسبت به قسمتی که قبول شده صحیح و نسبت به قسمت دیگر باطل می شود.»

۳ ماده ۸۳۱ قانون فوق: «اگر موصی له صغیر یا مجنون باشد رد یا قبول وصیت با ولی خواهد بود.»

۴ ماده ۸۲۷ قانون مذکور

۵ ماده ۸۳۳ قانون مزبور: «ورثه موصی نمی تواند در موصی به تصرف کند مادام که موصی له رد یا قبول خود را به آنها اعلام نکرده است. اگر تأخیر این اعلام موجب تضرر ورثه باشد حاکم، موصی له را مجبور می کند که تصمیم خود را معین نماید.»

۶ ماده ۲۱۱ قانون فوق الذکر: «برای اینکه متعاملین اهل محسوب شوند باید بالغ و عاقل و رشید باشند.»

تقسیم می‌گردد،^۱ اگرچه موصی‌لهم، ورثه موصی بوده و سهم‌الارث آنها متفاوت باشد. مثلاً هرگاه کسی **ثلث** دارایی خود را برای فرزندان و همسرش وصیت نماید در این صورت ثلث مزبور بین آنان به نسبت مساوی تقسیم می‌شود. هرچند سهم‌الارث آنها مساوی نمی‌باشد.

موصی می‌تواند حداکثر نسبت به یک سوم اموالی که در زمان فوت دارد وصیت کند.^۲ در صورتی که کسی وراثت نسبی و سببی داشته باشد و بیش از ثلث ترکه خود را وصیت نماید، وصیت نسبت به مقدار ثلث معتبر و صحیح بوده و نسبت به مازاد آن غیر نافذ است و نیاز به اجازه ورثه دارد که در صورت عدم اجازه وصیت نسبت به مازاد بر ثلث باطل خواهد بود. اجازه وراثت در صورتی موجب تنفیذ وصیت نسبت به مازاد بر ثلث می‌شود که آنان دارای اهلیت استیفاء باشند، زیرا اجازه در خصوص موضوع، تصرف در اموال است. همچنین اجازه ولی و قیم که اداره امور مالی محجور را به عهده دارند و به سمت نمایندگی قانونی از طرف آنان اقدام می‌نمایند، نیز موثر نمی‌باشد، زیرا ولی و قیم فقط می‌توانند با رعایت غبطه و مصلحت مولی علیه دارایی او را اداره کنند و اجازه وصیت نسبت به مازاد ثلث خارج از حدود اختیارات آنان بوده و موجب واگذاری بلاعوض اموال محجورین خواهد شد.

قواعد ناظر بر ارث از نظر نظم عمومی تأسیس شده و آمره می‌باشد، بدین جهت مورث نمی‌تواند با تنظیم وصیت‌نامه بعضی از وراثت را از ارث محروم نماید. در این فرض وصیت مذکور نافذ نبوده و موجب محرومیت از ارث نمی‌شود.^۳

ب- وصیت عهدی

ماده ۸۲۶ قانون مدنی در تعریف وصیت عهدی اشعار می‌دارد: «وصیت عهدی عبارت است از اینکه شخصی یک یا چند نفر را برای انجام امر یا اموری یا تصرفات دیگر مأمور می‌نماید... کسی که به موجب وصیت عهدی ولی بر مورد ثلث یا بر صغیر قرار داده می‌شود وصی نامیده می‌شود.»

۱ ماده ۸۵۳ قانون یادشده: «اگر موصی‌لهم متعدد و محصور باشند موصی به بین آنها بالسویه تقسیم می‌شود مگر اینکه موصی طور دیگر مقرر داشته باشد.»

۲ ماده ۸۴۵ قانون مدنی: «میزان ثلث به اعتبار دارایی موصی در حین وفات معین می‌شود نه به اعتبار دارایی او در حین وصیت.»

ماده ۸۴۳ قانون فوق: «وصیت به زیاده بر ثلث ترکه نافذ نیست مگر به اجازه وراثت و اگر بعضی از ورثه اجازه کند فقط نسبت به سهم او نافذ است.»

۳ ماده ۸۳۷ قانون مذکور: «اگر کسی به موجب وصیت یک یا چند نفر از ورثه خود را از ارث محروم کند وصیت مزبور نافذ نیست.»

تعدد اوصیا

موصی می‌تواند برای انجام امور مربوط به وصایت دو یا چند نفر را انتخاب نماید. در اینصورت، چنانچه تصریح به نحوه مداخله آنان در امور وصایت ننماید، تمامی اوصیا باید مجتمعاً امور مربوط به وصیت را انجام دهند و هرگاه موصی بخواهد که هریک از اوصیا مستقلاً و به تنهایی امور مربوط به وصیت را انجام دهد، باید به این امر تصریح نماید. در این فرض هریک از اوصیا که موضوع وصیت را انجام دهد عمل وی صحیح می‌باشد و دیگران حق اعتراض به او ندارند،^۱ همچنین موصی می‌تواند چند نفر را به نحو ترتیب وصی معین کند، به این طریق که اگر اولی فوت کرد دومی وصی باشد و اگر دومی فوت کند سومی وصی باشد و هکذا.^۲

نکته: غیر از پدر و جد پدری، کس دیگر حق ندارد بر صغیر وصی معین کند.^۳

انواع وصیت عهدی

وصیت عهدی بر دو قسم است: ۱- وصیت بر اشخاص ۲- وصیت بر اموال

۱- وصیت بر اشخاص

وصیت بر اشخاص، نمایندگی دادن ولی به دیگری می‌باشد تا پس از فوت او مولی‌علیه او را تربیت و نگاهداری و اموال ایشان را اداره کند که احکام آن در بحث اشخاص محجور بیان گردید.

۲- وصیت بر اموال

موصی می‌تواند کسی را به سمت وصایت انتخاب نماید که پس از فوت او امر یا اموری را که مربوط به او می‌باشد، انجام دهد. این امور عبارتند از کفن و دفن و تجهیز پس از مرگ، اداء دیون و صدقات، وصول مطالبات وی از بانک و هزینه نمودن در امور خیریه، وقف نمودن ثلث و امثال آن.

ناظر بر ثلث

ناظر کسی است که از طرف موصی معین می‌شود تا در اعمال وصی نظارت کند که طبق مفاد وصیت عمل نماید و بر دو گونه است: ۱- ناظر اطلاعی ۲- ناظر استصوابی

۱ ماده ۸۵۴ قانون مدنی: «موصی می‌تواند یک یا چند نفر وصی معین نماید، در صورت تعدد اوصیا باید مجتمعاً به وصیت عمل کنند مگر در صورت تصریح به استقلال هریک.»

۲ ماده ۸۵۵ قانون مدنی

۳ ماده ۸۶۰ قانون مدنی

۱- ناظر اطلاعی

ناظر اطلاعی کسی است که اعمال وصی را نظارت نموده و در امور وصایت مراقبت می‌نماید تا وصی در چارچوب وصیت عمل کند. هرگاه ناظر، عمل وصی را خیانت تلقی کند می‌تواند به دادگاه شکایت نموده و تقاضای عزل وی را بنماید.

۲- ناظر استصوابی

ناظر استصوابی کسی است که وصی با شور و جلب موافقت او امور مربوط به وصیت را انجام می‌دهد و در مرحله اخذ تصمیم، ناظر همانند وصی عمل می‌کند و ذیل اسناد و اوراق مربوطه را بایستی امضاء کند.

انواع وصیت‌نامه

موصی بایستی وصیت‌نامه خود را برابر ماده ۲۷۶ قانون امور حسبی به صورت رسمی، خودنوشت یا سری تنظیم کند.

۱- وصیت‌نامه رسمی

وصیت‌نامه رسمی عبارت از وصیت‌نامه‌ای است که در دفاتر اسناد رسمی و با رعایت مقررات قانونی تنظیم و ثبت شده باشد.^۱

۲- وصیت‌نامه خودنوشت

وصیت‌نامه خودنوشت، وصیت‌نامه‌ای است که موصی تمام متن آن را به خط خود نوشته و دارای تاریخ بوده و به امضای وی رسیده باشد.^۲

۳- وصیت‌نامه سری

وصیت‌نامه سری، وصیت‌نامه‌ای است که به امضای موصی رسیده و طبق مقررات مربوط به تودیع اسناد، نزد ادارات ثبت اسناد و املاک به امانت سپرده شده باشد. ماده ۲۷۹ قانون امور حسبی در این باب بیان می‌دارد؛ «وصیت‌نامه سری ممکن است به خط موصی یا به خط دیگری باشد ولی در هر صورت

۱ ماده ۲۷۷ قانون فوق: «ترتیب تنظیم وصیت‌نامه رسمی و اعتبار آن بطوری است که برای اسناد تنظیم شده در دفاتر اسناد رسمی مقرر است.

۲ ماده ۲۷۸ قانون مذکور: «وصیت‌نامه خودنوشت در صورتی معتبر است که تمام آن به خط موصی نوشته شده و دارای تاریخ روز و ماه و سال به خط موصی بوده و به امضای او رسیده باشد.»

باید به امضای موصی برسد و به ترتیبی که برای امانت اسناد در قانون ثبت اسناد مقرر گردیده در اداره ثبت اقامتگاه موصی یا محل دیگری که در آئین نامه وزارت دادگستری معین می‌گردد، امانت گذارده می‌شود.» و ماده ۷۵ قانون ثبت نیز اشعار می‌دارد؛ «هر کس بخواهد سند خود را در اداره ثبت اسناد امانت بگذارد باید آن را در پاکت و یا لفاف دیگری که لاک و مهر شده باشد گذاشته و شخصاً روی پاکت تاریخ تسلیم امانت را با تمام حروف در حضور مسئول دفتر قید کند و در صورتی که نتواند بنویسد باید دونفر شاهد تاریخ مزبور را روی لفافه یا پاکت نوشته امضاء و مهر کنند.»

تنفيذ وصیت نامه توسط مراجع قضائی

طبق ماده ۲۹۲ قانون امور حسبی، «هر دادگاه یا اداره و بنگاه یا شخصی که وصیت نامه به او سپرده شده و نیز دادگاهی که در موارد فوق العاده وصیت در آنجا اظهار گردیده، مکلف است بعد از اطلاع از فوت موصی، وصیت نامه یا صورت مجلس راجع به وصیت را به دادگاهی که برای رسیدگی به امور راجع به ترکه متوفی صالح است، بفرستد، اعم از اینکه وصیت نامه نامبرده بر حسب قانون قابل ترتیب اثر باشد یا نباشد و هرگاه وصیت نامه متعدد باشد باید تمام آنها فرستاده شود.»

دادگاهی که برای رسیدگی به امور راجع به ترکه متوفی صالح است، دادگاه بخشی است که آخرین اقامتگاه متوفی در ایران در حوزه آن دادگاه بوده و اگر متوفی در ایران اقامتگاه نداشته با دادگاهی است که آخرین محل سکونت متوفی در حوزه آن دادگاه بوده است.^۱ دادگاه در آگاهی تصفیه ترکه یا صدور گواهی انحصار وراثت قید می‌نماید که هر کس وصیت نامه‌ای از متوفی نزد خود دارد ظرف مدت سه ماه وصیت نامه را به دادگاه تسلیم نماید و چنانچه مهلت مذکور منقضی گردد هر نوع وصیت نامه‌ای غیر از وصیت نامه رسمی و سری از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.^۲ مگر اینکه وصیت نامه فوق مورد قبول ورثه قرار گیرد. (ماده ۲۹۱ قانون فوق)

۱ ماده ۱۶۳ قانون امور حسبی: «امور راجع به ترکه با دادگاه بخشی است که آخرین اقامتگاه متوفی در ایران در حوزه آن دادگاه بوده و اگر متوفی در ایران اقامتگاه نداشته با دادگاهی است که آخرین محل سکونت متوفی در حوزه آن دادگاه بوده.»

ماده ۲۰ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹: «دعاوی راجع به ترکه متوفی اگرچه خواسته، دین و یا مربوط به وصایای متوفی باشد تا زمانی که ترکه تقسیم نشده در دادگاه محلی اقامه می‌شود که آخرین اقامتگاه متوفی در ایران، آن محل بوده و اگر آخرین اقامتگاه متوفی معلوم نباشد، رسیدگی به دعاوی یادشده در صلاحیت دادگاهی است که آخرین محل سکونت متوفی در ایران، در حوزه آن بوده است.»

۲ ماده ۲۹۴ قانون امور حسبی: «دادگاه بخش در آگاهی که برای اداره یا تصفیه ترکه یا تصدیق حصر وراثت می‌شود، قید می‌کند که هر کس وصیت نامه‌ای از متوفی نزد او است در مدت سه ماه به دادگاهی که آگاهی نموده بفرستد و پس از گذشتن این مدت، هر وصیت نامه (جز وصیت نامه رسمی و سری) ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.»

شعب مجاز نمی‌باشند به مفاد وصیت‌نامه ترتیب‌بازدهند، مگر اینکه بدواً وصیت‌نامه به دادگاه صالح ارائه و تنفیذ شده باشد (البته اگر چنانچه در گواهی انحصار وراثت به وصیت‌نامه رسمی اشاره شده باشد نیازی به تنفیذ مجدد ندارد) و همچنین گواهی‌نامه اداره امور مالیاتی محل نیز به بانک تسلیم شده باشد.

ماده ۳۴ قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحی ۱۳۹۴ مقرر می‌دارد: «اشخاص زیر مجاز نیستند قبل از اخذ گواهی پرداخت مالیات مربوط به موضوع این قانون، اموال و دارایی‌های متوفی را به وراثت یا موصی له تسلیم کنند و یا به نام آنها ثبت و یا معاملاتی راجع به اموال و دارایی‌های مزبور انجام دهند:

۱- بانکها و سایر مؤسسات مالی و اعتباری، ... و سایر اشخاص حقوقی دولتی و غیردولتی که وجوه نقد یا سفته یا جواهر و یا هر نوع مال دیگر از متوفی نزد خود دارند... کارکنان مقصر کلیه اشخاص حقوقی مذکور، در صورت عدم ارسال حکم یا عدم اخذ مفاصای مالیاتی، علاوه بر مجازات مربوط به تخلفات اداری و قانونی دستگاه مربوط به خود، مکلف به پرداخت جزای نقدی معادل دوبرابر خسارت وارده به دولت با اقامه دعوی از طرف سازمان امور مالیاتی کشور به موجب حکم مراجع قضائی ذی‌ربط خواهند بود. این حکم در مورد شرکا و معاونان متخلفان مذکور نیز مجری است.

تبصره ۱- سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند اشخاصی را که اموال موضوع بند (۱) ماده (۱۷) این قانون را نزد خود دارند مکلف نماید قبل از پرداخت یا تحویل اموال مزبور به وراثت، مالیات متعلق را کسر و تا آخر ماه بعد از پرداخت به حساب سازمان امور مالیاتی کشور واریز و مابقی آن را به وراثت یا ذی‌نفعان دیگر پرداخت نمایند در این صورت اشخاص مذکور مکلفند مشخصات وراثت یا ذی‌نفعان دیگر و مبالغ پرداختی را ظرف مدت مذکور به سازمان امور مالیاتی کشور اعلام کنند.»

نکته: مال مورد وصیت وقتی مشمول مالیات خواهد بود که وصیت با فوت موصی قطعی شده باشد.^۱

۱ تبصره ماده ۳۸ قانون مالیاتهای مستقیم (اصلاحی ۱۳۹۴/۴/۳۱)

سؤالات بخش چهارم: وصیت

- (۱) انواع وصیت را نام ببرید.
- (۲) وصیت تملیکی را توضیح داده، اشخاص شرکت کننده در آن را نام ببرید.
- (۳) زمان انتقال مالکیت موصی به (مورد وصیت) به موصی له (ذینفع) را ذکر نمایید.
- (۴) شرایط قانونی موصی برای تحقق وصیت را ذکر نمایید.
- (۵) حداکثر مالی را که می تواند مورد وصیت قرار گیرد چه میزان است؟ وصیت نسبت به مازاد آن چه حکمی دارد؟ این میزان نسبت به اموال چه زمان موصی محاسبه می گردد.
- (۶) وصیت عهدی را شرح داده، اشخاص شرکت کننده در آن را نام ببرید.
- (۷) انواع وصیت عهدی را ذکر نموده و توضیح دهید.
- (۸) در صورتی که موصی انجام مورد وکالت را به چند نفر تفویض نموده باشد (تعدد اوصیا) نحوه اقدام اوصیا را در دو حالت انفرادی و اجتماعی توضیح دهید.
- (۹) انواع ناظر بر ثلث را ذکر نموده و مختصراً شرح دهید.
- (۱۰) انواع وصیت نامه قانونی را ذکر نموده و توضیح دهید.
- (۱۱) وظایف شعب به هنگام ارائه وصیت نامه توسط موصی له یا وصی را در خصوص دریافت موجودی مشتری متوفی شرح دهید.

بخش پنجم: ارث

قانون مدنی ایران مقررات مربوط به ارث را از حقوق امامیه (فقه شیعه) اقتباس نموده و آن را یکی از اسباب تملک شناخته است.^۱

ارث در لغت عبارت است از ترکه و مالی که از متوفی به جای می ماند ولی در اصطلاح حقوقی، انتقال قهری اموال و حقوق مالی متوفی به ورثه او می باشد. باید دانست که دیون به ورثه منتقل نمی شود و بر ترکه تعلق می گیرد و در حقیقت ترکه وثیقه دیون متوفی می باشد، بدون اینکه وراثت شخصاً مدیون طلبکاران باشند.

انتقال ترکه بدون اراده متوفی و ورثه تحقق پیدا می کند و بدین جهت آن را انتقال قهری می گویند. متوفی را مورث، کسانی را که ارث می برند وراثت، ورثه یا وارث و دارایی متوفی (اعم از اموال و حقوق مالی) را ترکه یا ماترک می گویند.

موجب ارث

موجب ارث عبارت از رابطه ای است بین دونفر که در اثر فوت یکی، دیگری از او قهراً ارث ببرد. رابطه مزبور قرابت و خویشاوندی بوده که بر دو نوع نسبی و سببی می باشد.^۲

نسب

نسب عبارت از رابطه قرابت دو نفر به وسیله ولادت است. خواه آنکه این رابطه به یکدیگر منتهی شود مانند پدر و فرزند و یا اینکه نسب آن دونفر به شخص ثالث منتهی گردد. مانند دوبرادر که نهایتاً به پدر منتهی می شود. قانون مدنی کسانی را که به نسب ارث می برند، به اعتبار قرابت به متوفی به سه طبقه^۳ تقسیم نموده است:

۱ ماده ۱۴۰ قانون مدنی: «تملك حاصل می شود: ۱- به احياء اراضي موات و حيازت اشیاء مباحه ۲- بوسیله عقود و تعهدات ۳- به وسیله اخذ به شفعه ۴- به ارث»

۲ ماده ۸۶۱ قانون فوق: «موجب ارث دو امر است: نسب و سبب»

۳ ماده ۸۶۲ قانون مذکور: «اشخاصی که به موجب نسب ارث می برند سه طبقه اند: ۱- پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد ۲- اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها ۳- اعمام و عمات و احوال و خالات و اولاد آنها.»

۱- پدر، مادر، فرزند و نوادگان

۲- اجداد، جدات، برادر، خواهر و فرزندان آنها

۳- عموها، عمه‌ها، دایی‌ها، خاله‌ها و فرزندان آنها

تقسیم اقبای نسبی در ارث به سه طبقه، به اعتبار نزدیکی از نظر اجتماعی و محبتی است که شخص به خویشاوندان خود دارد. این امر در اجتماع مشاهده می‌شود و نوعاً شخص به پدر و مادر و فرزند خود که در طبقه اول قرار دارند بیش از برادر و خواهر و پدربزرگ و مادربزرگ که در طبقه دوم هستند علاقه و محبت نشان می‌دهد و همچنین نسبت به اینان، بیش از عمو، عمه، دایی و خاله علاقه‌مند است. هر طبقه از این طبقات سه گانه به ترتیب در ارث مقدم بر دیگری است و مادام که فردی از طبقه اول باقی است طبقه دوم ارث نمی‌برد، همچنان هرگاه فردی از طبقه دوم موجود باشد از طبقه سوم کسی ارث نخواهد برد.^۱

سبب

سبب عبارت از خویشاوندی بین دونفر است که در اثر رابطه نکاح دائم به وجود می‌آید.^۲

شرایط تحقق ارث

رابطه خویشاوندی (نسبی یا سببی) بین دونفر به تنهایی برای ارث بردن یکی از دیگری کافی نمی‌باشد، بلکه باید برای تحقق ارث شرایط ذیل نیز موجود باشد:

۱- فوت مورث

۲- وجود وارث

۳- وجود ترکه

۴- عدم مانع

۱ ماده ۸۶۳ قانون مدنی: «وارثین طبقه بعد وقتی ارث می‌برند که از وارثین طبقه قبل کسی نباشد.»

۲ ماده ۹۴۰ قانون فوق: «زوجین که زوجیت آنها دائمی بوده و ممنوع از ارث نباشند از یکدیگر ارث می‌برند.»

۱- فوت مورث

اولین شرط وراثت برای اینکه خویشاوندان بتوانند تحت عنوان ارث، از دارایی یکدیگر بهره‌مند گردند فوت مورث می‌باشد، زیرا در اثرفوت اموال متوفی به خویشاوندانش که در زمان فوت درقید حیات بوده‌اند، منتقل می‌شود. به‌همین لحاظ باید تاریخ فوت مورث معلوم گردد تا خویشاوندان زمان فوت وی شناخته شوند.

فوت بر دو قسم، **فوت حقیقی و فوت فرضی** تقسیم می‌شود:

فوت حقیقی

فوت حقیقی چنانکه از نام آن معلوم می‌باشد عبارت است از توقف اعمال حیاتی قلب و مغز شخص به نحوی که می‌توان گفت روح از بدن وی خارج گردیده و خویشاوندان وی درصدد تجهیز و تدفین وی برمی‌آیند.

مفقودشدن شخص موجب انتقال اموال وی به ورثه او نمی‌باشد، زیرا غیبت وی دلیل فوت غایب نخواهد بود بدین جهت همانگونه که گفته شد اموال و دارایی‌های غایب مفقودالاثر برای حفاظت و اداره آن به امینی که تعیین می‌گردد سپرده می‌شود تا وضعیت غایب مشخص شود. چنانچه غایب مراجعه نموده و یا نماینده‌ای از خود معرفی کند دارایی به تصرف او داده خواهد شد و در صورتی که فوت غایب مفقودالاثر مسلم شود اموال وی بین وراثت او تقسیم خواهد شد.^۱

فوت فرضی

هرگاه از غیبت غایب مفقودالاثر مدت زمان نسبتاً مدیدی سپری گردیده و عادتاً چنین شخصی زنده تصور نشود و فوت او نیز اثبات نگردد، برای خاتمه دادن به وضعیت متزلزل حقوقی غایب، فوت او فرض^۲ گردیده و دادگاه عمومی محل اقامتگاه غایب پس از رسیدگی حکم فوت فرضی غایب را صادر می‌نماید.^۳

۱ ماده ۱۰۱۶ قانون مدنی: «هرگاه هم فوت و هم تاریخ فوت غایب مفقودالاثر مسلم شود اموال او بین وراثت موجود حین الموت تقسیم می‌گردد اگرچه یک یا چند نفر آنها از تاریخ فوت غایب، به بعد فوت کرده باشد.»

۲ ماده ۱۰۱۹ قانون فوق: «حکم موت فرضی غایب در موردی صادر می‌شود که از تاریخ آخرین خبری که از حیات او رسیده است، مدتی گذشته باشد که عادتاً چنین شخصی زنده نمی‌ماند.»

۳ ماده ۱۰۲۰ قانون مدنی: «موارد ذیل از جمله مواردی محسوب است که عادتاً شخص غایب زنده فرض نمی‌شود: الف- وقتی که ده سال تمام از تاریخ آخرین، خبری که از حیات غایب رسیده است گذشته و در انقضاء مدت مزبور سن غایب از هفتاد و پنج سال گذشته است. ب- وقتی که یک نفر به عنوانی از عناوین جزء قشون مسلح بوده و در زمان جنگ مفقود و سه سال تمام از تاریخ انعقاد صلح بگذرد بدون اینکه خبری از او برسد، هرگاه جنگ منتهی به انعقاد صلح نشده باشد مدت مزبور پنج سال از تاریخ ختم جنگ محسوب می‌شود. پ- وقتی که یک نفر حین سفر بحری در کشتی بوده که آن کشتی در آن مسافرت تلف شده است سه سال تمام از تاریخ تلف شدن کشتی گذشته باشد، بدون اینکه از آن مسافر خبری برسد.»

پس از صدور حکم فوت فرضی غایب، اموال وی بین ورثاتی که در تاریخ مزبور زنده بوده‌اند، تقسیم می‌شود.^۱ چنانچه پس از صدور حکم فوت فرضی، زنده بودن غایب مفقودالاثار احراز شود، وفق ماده ۱۰۲۷ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «بعد از صدور حکم فوت فرضی نیز اگر غایب پیدا شود کسانی که اموال او را به عنوان وراثت تصرف کرده‌اند، باید آنچه را که از اعیان یا عوض و یا منافع اموال مزبور حین پیداشدن غایب موجود می‌باشد مسترد دارند.» اقدام می‌شود.

۲- وجود وارث

دومین شرط وراثت زنده بودن وارث در زمان فوت مورث می‌باشد. زیرا همانطور که گفته شد ارث عبارت از انتقال قهری مال از متوفی به وارث می‌باشد و در صورت فوت منتقل‌الیه، انتقال حاصل نمی‌شود. به همین لحاظ تاریخ فوت مورث از اهمیت به سزایی برخوردار است و بدین وسیله است که می‌توان تشخیص داد که در زمان فوت او چه کسانی زنده بوده و می‌توانسته‌اند ارث ببرند.^۲

۳- وجود ترکه برای متوفی

وجود ترکه برای متوفی سومین شرط تحقق وراثت بازماندگان او می‌باشد. ترکه متوفی قهراً به ورثه منتقل می‌شود و وراثت مشاعاً مالک ترکه خواهند شد و در صورتی که متوفی اموال و دارایی از خود به جا نگذارد، رابطه مالی بازماندگان با متوفی که مبتنی بر وراثت است قطع می‌شود. وجود دین برای متوفی کافی برای ایجاد رابطه وراثت بین او و خویشاوندانش نمی‌تواند باشد، زیرا بازماندگان ادامه‌دهنده شخصیت متوفی نمی‌باشند و اهلیت متوفی با مرگ وی زایل می‌گردد و در صورتی که اموال و دارایی از

ماده ۱۰۲۲ قانون فوق: «اگر کسی در نتیجه واقعه‌ای به غیر از آنچه در فقه ۲ و ۳ ماده ۱۰۲۰ مذکور است دچار خطر مرگ گشته و مفقود شده و یا در طیاره بوده و طیاره مفقود شده باشد وقتی می‌توان حکم موت فرضی او را صادر نمود که پنج سال از تاریخ دچار شدن به خطر مرگ بگذرد بدون اینکه خبری از حیات مفقودرسیده باشد.» محکمه وقتی می‌تواند حکم موت فرضی غایب را صادر نماید که در یکی از جراید محل و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران اعلانی در سه دفعه متوالی هر کدام به فاصله یک ماه منتشر کرده و اشخاصی را که ممکن است از غایب خبری داشته باشند دعوت نماید که اگر خبر دارند به اطلاع محکمه برسانند. هرگاه یک سال از تاریخ اولین اعلان بگذرد و حیات غایب ثابت نشود، حکم موت فرضی او داده می‌شود.»

۱ ماده ۱۰۱۷ قانون مذکور: «اگر فوت غایب بدون تعیین تاریخ فوق ثابت گردد، محکمه باید تاریخی را که فوت او در آن تاریخ محقق بوده معین کند. در این صورت اموال غایب بین ورثاتی که در تاریخ مزبور موجود بوده‌اند، تقسیم می‌شود.»

۲ ماده ۸۷۵ قانون مدنی: «شرط وراثت زنده بودن در حین فوت مورث است، اگر حاملی باشد، در صورتی ارث می‌برد که نطفه او حین الموت منعقد بوده و زنده هم متولد شود، اگرچه فوراً پس از تولد بمیرد.»

متوفی بماند دیون او به ترکه مزبور تعلق می‌گیرد و ترکه وثیقه دیون متوفی است بدون آن که بازماندگان الزامی در مقابل طلبکاران داشته باشند.^۱

۴- عدم مانع

کسانی که دارای شرایط وراثت هستند در صورتی از متوفی ارث خواهند برد که موانع ارث در آنها وجود نداشته باشد. موانعی که موجب عدم تحقق ارث می‌شود عبارتند از:

الف) قتل عمد ب) لعان پ) کفر ت) ولادت ناشی از زنا.

مالکیت ورثه نسبت به ترکه

یکی از اسباب تملک، ارث است،^۲ که به مجرد وقوع فوت مورث، تمامی اموال و دارایی‌ها و حقوق مالی متوفی به طور قهری به مالکیت ورثه منتقل گردیده و اراده مورث و وراثت در این انتقال اثری ندارد.^۳ در صورتی که متوفی بدهکار باشد، طلب بستانکار که در زمان حیات او حق دینی و بر ذمه وی بوده در اثر فوت به ترکه تعلق می‌گیرد و به حق عینی تبدیل می‌شود. به عبارت دیگر ترکه متوفی به مالکیت وراثت وی درآمده و وثیقه دیون وی می‌باشد.^۴ همچنین دیون مؤجل متوفی به فوت او تبدیل به دیون حال می‌شود.^۵

حقوق و دیونی که به ترکه تعلق می‌گیرد

به موجب ماده ۸۶۹ قانون مدنی: «حقوق و دیونی که به ترکه میت تعلق می‌گیرد و باید قبل از تقسیم آن اداء شود از قرار ذیل است:

۱- قیمت کفن میت و حقوقی که متعلق است به اعیان ترکه مثل عینی که متعلق رهن است.

۱ ماده ۸۶۸ قانون فوق: «مالکیت ورثه نسبت به ترکه متوفی مستقر نمی‌شود مگر پس از اداء حقوق و دیونی که به ترکه میت تعلق گرفته.»

ماده ۸۷۱ قانون مذکور: «هرگاه ورثه نسبت به اعیان ترکه، معاملاتی نمایند مادام که دیون متوفی تأدیه نشده است معاملات مزبوره نافذ نبوده و دَیَان می‌توانند آن را برهم زنند.»

* دَیَان: طلبکاران

۲ ماده ۱۴۰ قانون مدنی: «تملک حاصل می‌شود: ۱- به احیاء اراضی موات و حيازات اشیاء مباحه ۲- به وسیله عقود و تعهدات ۳- به وسیله اخذ به شفعه ۴- به ارث.»

۳ ماده ۸۶۷ قانون فوق: «ارث به موت حقیقی یا به موت فرضی مورث، تحقق پیدا می‌کند.»

۴ ماده ۸۶۸ قانون مذکور: «مالکیت ورثه نسبت به ترکه متوفی مستقر نمی‌شود مگر پس از اداء حقوق و دیونی که به ترکه میت تعلق گرفته.»

۵ ماده ۲۳۱ قانون امور حسبی: «دیون مؤجل متوفی بعد از فوت حال می‌شود.»

۲- دیون و واجبات مالی متوفی

۳- وصایای میت تا ثلث ترکه بدون اجازه ورثه و زیاده بر ثلث با اجازه آنها.»

بنابراین پس از محاسبه و کسر نمودن هزینه تجهیز و تدفین، دیون با وثیقه و بدون وثیقه، واجبات مالی و وصایای متوفی از ترکه پرداخت گردیده و بعد از آن اموال به جا مانده از متوفی بین وراث وی باتوجه به نسبت آنها با متوفی و مرد و زن بودن وراث به شرح آتی قابل تقسیم خواهدبود.

سهم الارث طبقات مختلف وراث

قانون مدنی، خویشاوندی را سبب ارث شناخته است. کسی که فوت می کند و از وی اموالی به جا می ماند، پس از کسر هزینه های کفن و دفن و ادای دیون و پرداخت وصیت (در صورت موجود بودن)، بقیه اموال به جامانده بعد از پرداخت مالیات^۱ آن، بین خویشاوندان متوفی قابل تقسیم خواهدبود. فقط خویشاوندانی که به متوفی نزدیکتر باشند ارث می برند تمامی واحدها مکلفند براساس تقسیم مندرج در حکم قطعی و لازم الاجرای مرجع قضایی صلاحیت دار در خصوص سهم الارث طبقات مختلف وراث اقدام نمایند.

طبقات ارث به شرح زیر می باشد:

درجه اول	درجه دوم	درجه سوم	
پدر ، مادر و فرزندان	فرزند فرزندان	فرزند فرزند فرزندان	طبقه اول
برادر ، خواهر، پدربزرگ و مادر بزرگ	برادرزاده ، خواهرزاده پدرو مادر ، پدربزرگ و مادر بزرگ	فرزند برادرزاده و خواهرزاده پدربزرگ و مادر بزرگ پدربزرگ و مادر بزرگ	طبقه دوم
دایی ، خاله ، عمو و عمه	فرزندان دایی ، خاله ، عمه وعمو و دائی دایی ، خاله خاله ، عموی عمو، عمه عمه	فرزند فرزندان ، دایی ، خاله عمو و عمه و دائی دایی دایی وبه همین ترتیب راجع به خاله عمو و عمه	طبقه سوم

بانک فقط براساس گواهی انحصار وراثت، ورثه را شناسایی و سهم آنها را پرداخت می‌نماید. ولی اطلاع از طبقات ارث در موارد دیگری نیز بکار می‌آید مثلاً یکی از مواردی که قاضی یا کارشناس حق اظهار نظر ندارد زمانی است که خود یا همسرشان با یکی از طرفین دعوی رابطه خویشاوندی نسبی تا درجه سوم از هر طبقه داشته باشند بر این اساس دادرس در موارد زیر باید از رسیدگی امتناع نموده و طرفین دعوا نیز می‌توانند او را رد کنند.

الف - قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرس با یکی از اصحاب دعوا وجود داشته باشد. که این موضوع (رد دادرس) گفته می‌شود.^۱

پرداخت موجودی حساب مشتریان متوفی

پرداخت موجودی حساب مشتریان متوفی مستلزم ارائه گواهی‌نامه انحصار وراثت، گواهی‌نامه واریز مالیات برارث و ارائه مستندات طلب وراثت از بانک (مانند اصل سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت، دفترچه‌های سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و قرض‌الحسنه پس‌انداز) و حضور تمامی وراثت یا نمایندگان قانونی ایشان در بانک و امضای ذیل اسناد حسابداری مربوطه خواهد بود.

گواهی‌نامه انحصار وراثت

دادنامه یا گواهی‌نامه انحصار وراثت از طرف دادگاه عمومی/شورای حل اختلاف آخرین محل اقامت متوفی صادر گردیده و رونوشت تائید شده آن توسط وراثت به بانک تسلیم و در سوابق بایگانی می‌گردد. در گواهی‌نامه مزبور نام و مشخصات و تعداد وراثت و نسبت سهم هریک از آنان از دارایی متوفی تعیین می‌شود. بعضی از گواهی‌نامه‌های انحصار وراثت (در حال حاضر) تا مبلغ ۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال اعتبار داشته و در آنها به این موضوع تصریح شده است. بنابراین در این گونه موارد می‌بایستی توجه نمود، در صورتی که موجودی حساب مشتری متوفی بیش از مبلغ مذکور باشد، پرداخت آن موکول به ارائه گواهی‌نامه انحصار وراثت نامحدود خواهد بود که با رعایت تشریفات مقرر توسط مراجع قانونی صادر می‌شود.

۱ ماده ۹۱ قانون آئین دادرسی مدنی

گواهی نامه واریز مالیات بر ارث (فرم نمونه ۱۹)

گواهی نامه واریز مالیات بر ارث براساس ماده ۳۴ قانون مالیات های مستقیم اصلاحی ۱۳۹۴ توسط حوزه های مالیاتی آخرین محل اقامت متوفی صادر می شود که در آن به شماره حساب های مشتری متوفی در بانک اشاره شده است و دلالت بر پرداخت مالیات ترکه توسط وراث دارد، بنابراین به موجب آن پرداخت موجودی مشتری متوفی یا تسلیم اموال موجود در صندوق امانات متوفی به وراث بلامانع می باشد. هرگاه یکی از ادارات امور اقتصادی و دارائی یا حوزه های مالیاتی وجهی از حساب متوفی بابت مالیات بر ارث وراث مطالبه نمایند در صورتی که تمامی ورثه یا قائم مقام قانونی آنان در شعبه حضور یافته و کتباً موافقت خود را با پرداخت وجه مورد مطالبه امور اقتصادی و دارائی اعلام دارند برداشت وجه از حساب متوفی و پرداخت آن به حساب امور اقتصادی و دارائی مانعی ندارد در غیر این صورت به اداره امور اقتصادی و دارائی اعلام شود به ورثه متوفی اطلاع دهند با در دست داشتن مدارک وراثت به بانک مراجعه و موافقت خود را با پرداخت وجه از حساب متوفی به حساب امور اقتصادی و دارائی اعلام دارند تا اقدام لازم به عمل آید. ضمناً در مواردی که اداره امور اقتصادی و دارائی تقاضای کتبی تمامی ورثه را که به امضای ایشان و گواهی اداره مزبور رسیده است همراه با گواهی انحصار وراثت برای بانک ارسال و تقاضای واریز سهم مالیاتی ورثه از موجودی حساب را بنمایند، واریز وجه به حساب وزارت امور اقتصادی و دارائی بابت مالیات بر ارث ورثه بلامانع خواهد بود.

مستندات طلب وراث از بانک

برای پرداخت موجودی حساب های مشتریان متوفی به وراث قانونی آنها لازم است تمامی مستندات طلب آنها از بانک اخذ گردد. در صورتی که مستندات مذکور مفقود گردیده و یا وراث از محل اسناد مذکور بی اطلاع باشند، لازم است کلیه ورثه یا وراث حاضر در بانک حضور یافته و تعهدنامه ضمیمه را تکمیل و امضا نموده و با الصاق ۱۰,۰۰۰ ریال تمبر مالیاتی به آن در حساب های انتظامی اوراق و اشیاء امانی ضبط و برای همیشه نگهداری گردد. (از امحاء آنها خودداری شود)

حضور کلیه وراث در بانک و امضای ذیل اسناد

پرداخت موجودی مشتری متوفی مستلزم حضور تمامی وراث یا نمایندگان قانونی آنها در بانک و امضای ذیل اسناد حسابداری مربوطه خواهد بود. بدیهی است در صورتی که بین ورثه اختلاف باشد یا به هر

دلیل امکان حضور کلیه وراثت به صورت دفعتهً واحده میسر نباشد وفق گواهی نامه حصر وراثت سهم هریک از وراثت حاضر در شعبه افتتاح کننده محاسبه و با اخذ تعهدنامه مربوطه و رسید پرداخت خواهد شد. همچنین در صورتی که بین ورثه شخص صغیر، سفیه یا مجنون باشد، پرداخت سهم برحسب مورد به ولی قهری (پدر، جد پدری)، وصی یا قیم آنها صورت می گیرد. در این حالت گیرنده وجه ذیل اسناد را با قید به ولایت، به وصایت و یا به قیمومیت امضا خواهد نمود.

اینک به جهت تبیین موضوع به ذکر مسئله پرداخته می شود.

مسئله) آقای اکبر محمدی مشتری شعبه کریم خان در تاریخ ۱۳۸۴/۲/۲۵ فوت نموده و در حساب قرض الحسنه پس انداز مبلغ نود و شش میلیون (۹۶,۰۰۰,۰۰۰) ریال موجودی دارد. باتوجه به گواهی نامه انحصار وراثت ارائه شده وراثت آن مرحوم عبارتند از پدر، مادر، همسر، دو دختر و یک پسر. بنابراین سهم الارث هریک از وراثت به شرح ذیل محاسبه می گردد:

$$\text{سهم پدر - ریال} = ۹۶,۰۰۰,۰۰۰ \times \frac{۱}{۶} = ۱۶,۰۰۰,۰۰۰$$

$$\text{سهم مادر - ریال} = ۹۶,۰۰۰,۰۰۰ \times \frac{۱}{۶} = ۱۶,۰۰۰,۰۰۰$$

$$\text{سهم همسر - ریال} = ۹۶,۰۰۰,۰۰۰ \times \frac{۱}{۸} = ۱۲,۰۰۰,۰۰۰$$

$$۱۶,۰۰۰,۰۰۰ + ۱۶,۰۰۰,۰۰۰ + ۱۲,۰۰۰,۰۰۰ = ۴۴,۰۰۰,۰۰۰$$

$$۹۶,۰۰۰,۰۰۰ - ۴۴,۰۰۰,۰۰۰ = ۵۲,۰۰۰,۰۰۰$$

باتوجه به آنکه سهم الارث پسر دو برابر سهم الارث دختر می باشد، بنابراین الباقی موجودی (۵۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال) پس از کسر سهم فرض بران بر ۴ تقسیم می گردد:

$$\text{نسبت سهم} = ۲ + ۲ = ۴$$

$$\text{سهم الارث هریک از دختران - ریال} = ۵۲,۰۰۰,۰۰۰ \div ۴ = ۱۳,۰۰۰,۰۰۰$$

$$\text{سهم الارث پسر - ریال} = ۱۳,۰۰۰,۰۰۰ \times ۲ = ۲۶,۰۰۰,۰۰۰$$

ترکه اتباع خارجه (بیگانه)

هرگاه تبعه خارجه‌ای که نزد بانک حساب دارد، فوت نماید، به درخواست هر ذینفع یا کنسول دولت متبوع مشتری متوفای خارجی، دادگاه عمومی آخرین محل اقامت متوفی در ایران اقدام به حفظ و تسویه امر ترکه می‌نماید. دادگاه می‌تواند هر فردی را که صلاح بداند به سمت مدیر ترکه تعیین کند. اقدامات مدیر ترکه با نظارت دادستان عمومی و انقلاب محل به عمل خواهد آمد. بنابراین موجودی مشتری متوفی به دستور دادگاه به مدیر ترکه پرداخت می‌گردد.

سؤالات بخش پنجم: ارث

- (۱) ارث را از نظر حقوقی تعریف نمائید.
- (۲) شرایط تحقق ارث را نام ببرید.
- (۳) حقوق و دیونی که به ترکه متوفی تعلق می گیرد و قبل از تقسیم آن می بایستی ادا شود، توضیح دهید.
- (۴) مدارک مورد نیاز برای پرداخت موجودی مشتریان متوفی به وراث را بنویسید.
- (۵) گواهی نامه انحصار وراثت را توضیح دهید.
- (۶) آقای حسین اصغری مشتری شعبه هفتم تیر در تاریخ ۱۳۸۴/۸/۱ فوت نموده و در حساب سپرده قرض الحسنه جاری مبلغ چهل و هشت میلیون (۴۸,۰۰۰,۰۰۰) ریال موجودی دارد. با توجه به گواهی نامه انحصار وراثت ارائه شده، وراث آن مرحوم عبارتند از: مادر، همسر، دوپسر و یک دختر. مطلوبست محاسبه و تعیین سهم الارث هریک از وراث.
- (۶) طبقات ارث به صورت مشروح توضیح دهید؟

بخش ششم: اسناد تجاری

مقدمه

در قدیم الایام برای در امان ماندن مال التجاره و سرمایه‌های تجار از دست‌برد راهزنان از **عقد حواله** استفاده می‌شد. این امر علاوه بر ایجاد امنیت برای سرمایه‌های نقدی بازرگانان، موجب سرعت بخشیدن به اسقاط دو دین می‌گردید. بطور مثال چنانچه تاجری که در مشهد برای همکار خود در تهران زعفران ارسال می‌نمود و بدین وسیله از او بستانکار می‌گردید و همزمان از تاجر دیگر تهرانی روغن خریداری نموده و به وی بدهکار می‌شد، می‌توانست با استفاده از عقد حواله به بستانکار خود اجازه دهد که طلب خود را از بدهکار او وصول نماید.

در فرض فوق با برقراری عقد حواله دو دین، تاجر تهرانی که زعفران دریافت نموده و تاجر مشهدی که روغن دریافت نموده بود، فوراً اسقاط می‌گردد.

ماده ۷۲۴ قانون مدنی در تعریف عقد حواله مقرر می‌دارد: «حواله عقدی است که به موجب آن طلب شخصی از ذمه مدیون به ذمه شخص ثالثی منتقل می‌گردد. مدیون را محیل، طلبکار را محتال، شخص ثالث را محال‌علیه می‌گویند.»

به‌طوری که از این تعریف معلوم می‌شود حواله عقدی است که بین محیل و محتال واقع گردیده است. به عبارت دیگر نیاز به ایجاب محیل و قبول محتال دارد. محال‌علیه طرف عقد محسوب نمی‌گردد ولی رضایت او شرط تحقق عقد حواله می‌باشد، به همین لحاظ ماده ۷۲۵ قانون مدنی اشعار می‌دارد: «حواله محقق نمی‌شود مگر با رضای محتال و قبول محال‌علیه.»

در طول سالیان متمادی، استفاده از عقد حواله، تغییر شکل داده و به شکل **اسناد تجاری** به شرح ذیل درآمده است.

تعریف و فایده اسناد تجاری

تعریف سند^۱:

نوشته یا داده پیام (نوشته الکترونیکی^۱) مطمئنی است که در مقام دعوی یا دفاع بتوان به آن استناد کرد.

۱ بر اساس ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد.

۱- سند رسمی:

سندی است که نزد مقامات صلاحیت دار قانونی و در حدود اختیارات قانونی آنها تنظیم می گردد.^۲

۲- سند عادی تجاری:

سندی است که شرایط فوق را نداشته و به این جهت سند عادی است؛ اسناد تجاری اسناد عادی هستند که نظام حقوقی بمنظور سرعت بیشتر در امور تجاری به آنها امتیازهایی چون قابلیت ظهر نویسی^۳ داده است.

اسناد تجاری وسیله سهل و مناسبی برای تحصیل اعتبار می باشند و قابل معامله بوده و به تمامی اسنادی گفته می شود که معرف طلبی با سررسید معین می باشند.

قانون تعریفی از اسناد تجاری ننموده ولی برای هریک از انواع آن، موادی در قانون تجارت و قوانین مخصوص تعیین شده است. مهمترین انواع اسناد تجاری عبارتند از برات، سفته، چک، قبوض انبارهای عمومی و...

علیرغم اینکه اسناد تجاری اعتبار و مزایای اسناد رسمی را نداشته و در زمره اسناد عادی می باشند ، لیکن قانونگذاران در اکثر کشورها مزایایی برای اینگونه اسناد قائل شده اند که آنها را از اسناد عادی متمایز می نماید. ضمناً برای اینکه اسناد تجاری از اسناد عادی مشخص گردند قانونگذار تشریفاتی برای تنظیم و صدور آنها پیش بینی نموده که چنانچه سندی دارای شرایط مزبور نباشد سند تجاری تلقی نشده و از مزایای مربوط به این اسناد بهره مند نخواهد شد.

مهمترین مزایای اسناد تجاری به شرح ذیل می باشند:

۱- مسئولیت تضامنی : کسانی که به نحوی از انحاء در متن و ظهر برات یا سفته یا چک امضا

نموده اند، اعم از صادرکننده، قبول کننده، ظهرنویس یا ضامن در قبال دارنده سند مسئولیت تضامنی

۱ ماده ۶ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ «هرگاه وجود یک نوشته از نظر قانون لازم باشد، «داده پیام» در حکم نوشته است...» و ماده ۷ آن نیز اعلام داشته «هرگاه قانون، وجود امضاء را لازم بداند امضای الکترونیکی مکفی است.» ضمناً تبصره ماده ۱ قانون صدور چک (الحاقی ۱۳۹۷) بیان داشته «قوانین و مقررات مرتبط با چک حسب مورد، راجع به چکهایی که به شکل الکترونیکی (داده پیام) صادر می شوند نیز لازم الرعایه است.»

۲ مطابق ماده ۱۲۸۷ اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها برطبق مقررات قانونی تنظیم شده باشند رسمی است

۳ بر اساس ماده ۲۴۵ قانون تجارت انتقال برات بوسیله ظهرنویسی بعمل می آید.

داشته و دارنده آن می‌تواند جهت وصول طلب خود به هریک از امضاء کنندگان منفرداً یا مجتمعاً مراجعه نماید.^۱

۲- تقاضای صدور قرار تأمین خواسته: دارنده برات، سفته یا چک می‌تواند به محض تقدیم دادخواست و حتی قبل از شروع رسیدگی، تقاضای توقیف اموال منقول و غیرمنقول امضاء کنندگان اسناد مذکور را بنماید و دادگاه نیز موظف به صدور قرار تأمین خواسته بدون اخذ خسارت احتمالی می‌باشد.^۲

۳- معرف طلب: اسناد تجاری فی نفسه معرف طلب می‌باشد و روابط پایه بین امضاء کنندگان و ظهرنویسان و ادعای هریک از آنها بر دیگری درباره معامله‌ای که منجر به صدور سند تجاری شده است تأثیری در حقوق دارنده سند نخواهد داشت.

۴- قابلیت نقل و انتقال: حقوق مندرج در اسناد تجاری صرفاً با ظهرنویسی ساده و بدون رعایت تشریفات خاص قابل نقل و انتقال می‌باشد که مشروح آن در مبحث ظهرنویسی خواهد آمد. علیرغم موارد فوق، قانونگذار در قبال این مزایا که برای دارنده سند قائل شده علاوه بر شرایط صوری که برای صدور سند تجاری پیش‌بینی نموده، دارنده آن را موظف به انجام تشریفات کرده که عدم رعایت آن تشریفات نه تنها ممکن است مزیت اسناد تجاری را از بین ببرد، بلکه در پاره‌ای از مواقع مسئولیت بعضی از متعهدین پرداخت سند را نیز زائل می‌نماید. برای مثال در خصوص سفته دارنده آن در صورت عدم وصول طلب خود می‌بایستی رسماً اعتراض (واخواست) کند و بعد از اعتراض در مدت معینی، اقامه دعوی نماید.

۱ ماده ۲۴۹ قانون تجارت: «برات دهنده و کسی که برات را قبول کرده و ظهرنویس‌ها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند. دارنده برات در صورت عدم تأدیه و اعتراض می‌تواند به هر کدام از آنها که بخواهد منفرداً یا به چند نفر یا به تمام آنها مجتمعاً رجوع نماید. همین حق را هریک از ظهرنویسان نسبت به برات دهنده و ظهرنویس‌های ماقبل خود دارد. اقامه دعوی بر علیه یک یا چند نفر از مسئولین موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسئولین برات نیست. اقامه کننده دعوی ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند. ضامنی که ضمانت برات دهنده یا محال علیه یا ظهرنویسی را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است.»

۲ ماده ۲۹۲ قانون تجارت: «پس از اقامه دعوی، محکمه مکلف است به مجرد تقاضای دارنده براتی که به علت عدم تأدیه اعتراض شده است معادل وجه برات را از اموال مدعی علیه به عنوان تأمین توقیف نماید.»

۵- محاکم نمی‌توانند وجه اسناد تجاری را تقسیط نمایند.

در حقوق مدنی در صورتی که برای ادای قرض سررسید تعیین شده باشد، قرض‌دهنده نمی‌تواند قبل از انقضای مدت، طلب خود را مطالبه نماید^۱ و اگر در سررسید قرض گیرنده توانایی پرداخت دیون خود را نداشته باشد، دادگاه می‌تواند با توجه به شرایط مالی وی، مطالبات قرض‌دهنده را مهلت داده و تقسیط نماید.^۲ لیکن چنانچه اسناد تجاری در مهلت مقرر وخواست و به استناد آنها نزد مراجع قضایی اقامه دعوی شده باشد، محاکم نمی‌توانند مطالبات ذینفع اسناد تجاری را بدون رضایت آنان، مهلت داده و تقسیط نمایند.^۳

۱ ماده ۶۵۱ قانون مدنی

۲ ماده ۶۵۲ قانون مذکور: «در موقع مطالبه حاکم مطابق اوضاع و احوال برای مقتضای مهلت و یا اقساطی قرار می‌دهد.»

۳ ماده ۲۶۹ قانون تجارت: «محاکم نمی‌توانند بدون رضایت صاحب برات برای تأدیه وجه برات مهلتی بدهند.»

برات

تعریف و ماهیت حقوقی برات

قانون تجارت ایران برات را تعریف ننموده ولی می‌توان گفت «برات نوشته‌ای است که به موجب آن شخصی به دیگری دستور می‌دهد تا مبلغی را در وجه یا بحواله کرد شخص ثالثی در موعد معینی پرداخت کند. کسی که برات را صادر می‌کند براتکش یا محیل و کسی که مبلغ برات را می‌پردازد براتگیر یا محال‌علیه و کسی که مبلغ برات را دریافت می‌کند دارنده یا ذینفع برات نامیده می‌شود.»

صدور برات حاکی از وجود رابطه حقوقی بین براتکش و ذینفع آن می‌باشد. برات صادره برای پرداخت دین یا دادن اعتبار، به دارنده برات تسلیم می‌شود، لذا اگر براتکش به براتگیر دستور پرداخت وجه برات را در سررسید بدهد این امر حاکی از آن است که براتکش وجه برات را در نزد براتگیر تأمین نموده یا آنکه تا سررسید، وجه برات را به او خواهد رسانید. به همین ترتیب در هر زمانی که برات با ظهرنویسی به شخص ثالث منتقل می‌شود، مؤید این است که دارنده قبلی به دارنده برات بعدی دینی داشته که می‌بایست نسبت به ادای آن اقدام نماید. لذا تعهد ناشی از صدور برات، تعهدی است تجاری و نمی‌توان آن را با عقود معین مقایسه نمود.

شرایط صدور برات

قانون تجارت در ماده ۲۲۳ مقرر می‌دارد « برات علاوه بر امضاء یا مهر براتکش باید دارای شرایط ذیل باشد:

- ۱- قید کلمه (برات) در روی ورقه
 - ۲- تاریخ تحریر (روز و ماه و سال)
 - ۳- اسم شخصی که باید برات را تأدیه کند
 - ۴- تعیین مبلغ برات
 - ۵- تاریخ تأدیه وجه برات
 - ۶- مکان تأدیه وجه برات اعم از اینکه محل اقامت محال‌علیه باشد یا محل دیگر
 - ۷- اسم شخصی که برات در وجه یا حواله کرد او پرداخت می‌شود
 - ۸- تصریح به اینکه نسخه اول یا دوم یا سوم یا چهارم الخ است.»
- در ماده ۲۲۶ قانون تجارت^۱ نیز ضمانت اجرای عدم قید شرایط مزبور مشخص شده است.

۱ ماده ۲۲۶ قانون تجارت: «در صورتی که برات متضمن یکی از شرایط اساسی مقرر در فقرات ۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸ ماده ۲۲۳ نباشد، مشمول مقررات راجعه به پروات تجارتی نخواهد بود.»

قبولی یا نکول برات

قبولی برات: قبولی برات عبارت است از تعهد براتگیر به اینکه وجه برات را در سررسید به دارنده برات پردازد که این قبولی با امضاء یا مهر براتگیر تحقق پیدامی‌کند. برای آنکه معلوم شود که آیا براتگیر حاضر به قبولی برات است یا خیر دارنده برات مکلف است حداکثر ظرف مدت یکسال از تاریخ تحریر، قبولی آن را از براتگیر مطالبه نماید و الا حق رجوع به ظهرنویسان و همچنین، برات دهنده که وجه برات را به محال علیه رسانیده است، نخواهد داشت.^۱ ضمناً چنانچه برای تقاضای قبولی مدت بیشتر یا کمتر تعیین شده باشد دارنده برات باید در همان مدت، قبولی برات را تقاضا نماید و الا باتوجه به مراتب فوق حق مراجعه به ظهرنویسان و برات دهنده را نخواهد داشت.^۲

ضمناً قبولی باید بدون قید و شرط باشد، در صورتی که قبولی مشروط نوشته شود برات نکول شده محسوب خواهد شد، بنابراین براتگیر در حدود شروطی که می‌نویسد، مسئول پرداخت وجه برات می‌باشد.^۳ همچنین براتگیر پس از نوشتن قبولی حق نکول ندارد.^۴

براتگیر می‌بایستی به محض ارائه برات قبولی یا نکول خود را اعلام نماید.^۵

نکول برات: چنانچه براتگیر صراحتاً در برات عدم قبولی خود را بنویسد یا اینکه برات را بطور مشروط قبول کند، برات نکول شده تلقی می‌شود.

دارنده براتی که نکول شده است برای اینکه بتواند از مزایای برات استفاده کند باید نکول برات را بوسیله اعتراض (واخواست) تسجیل کند.

آثار نکول برات: براتی که نکول شود اعتبار آن مخدوش خواهد شد و به محض نکول، دارنده آن حق دارد جهت وصول طلب خود به براتکش یا سایر مسئولین سند مراجعه نماید.

۱ ماده ۲۷۴ قانون فوق: «نسبت به برواتی که وجه آن باید در ایران، به رویت یا به وعده از رویت تأدیه شود اعم از اینکه برات در ایران صادر شده باشد یا در خارجه، دارنده برات مکلف است پرداخت یا قبولی آن را در ظرف یکسال از تاریخ برات مطالبه نماید و الا حق رجوع به ظهرنویس‌ها و همچنین برات دهنده که وجه برات را به محال علیه رسانیده است نخواهد داشت».

۲ ماده ۲۷۵ قانون مذکور: «اگر در برات اعم از اینکه در ایران صادر شده باشد یا در خارجه برای تقاضای قبولی مدت بیشتر یا کمتری مقرر شده باشد دارنده برات باید در همان مدت، قبولی برات را تقاضا نماید و الا حق رجوع به ظهرنویس‌ها و برات دهنده که وجه برات را به محال علیه رسانیده است، نخواهد داشت».

۳ ماده ۲۷۶ قانون مزبور: «اگر ظهرنویسی برای تقاضای قبولی مدتی معین کرده باشد دارنده برات باید در مدت مزبور تقاضای قبولی نماید و الا در مقابل آن ظهرنویس، نمی‌تواند از مقررات مربوط به بروات استفاده کند».

۴ ماده ۲۳۳ قانون یادشده: «اگر قبولی مشروط به شرط نوشته شده، برات نکول شده محسوب می‌شود ولی معهذا قبول کننده به شرط در حدود شرطی که نوشته مسئول پرداخت وجه برات است».

۵ ماده ۲۳۱ قانون صدرالاشعار: «قبول کننده حق نکول ندارد».

۵ ماده ۲۳۵ قانون فوق‌الذکر: «برات باید به محض ارائه قبول یا نکول شود».

سفته (فَتْه طلب)

تعریف

سفته یا فته طلب سندی است که به موجب آن، صادرکننده آن تعهد می کند مبلغ معینی را در سررسید مشخص یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا به حواله کرد او پرداخت نماید.^۱

شرایط صدور سفته

ماده ۳۰۸ قانون تجارت مقرر می دارد: «فته طلب علاوه بر امضاء یا مهر باید دارای تاریخ و متضمن مراتب ذیل باشد:

۱- مبلغی که باید تأدیه شود با تمام حروف

۲- گیرنده وجه

۳- تاریخ پرداخت»

الف) امضاء یا مهر صادرکننده: این نکته به صراحت در ماده ۳۰۸ قانون تجارت ذکر شده است بنابراین امضاء سفته از طرف صادرکننده حاکی از اعلام قصد و اراده او بوده لذا هیچ سندی بدون امضاء صادرکننده آن معتبر نخواهد بود.

ب) تاریخ صدور: ماده ۳۰۸ قانون تجارت فقط قید تاریخ را ضروری دانسته است و به این نکته که آیا تاریخ باید با تمام حروف نوشته شود یا خیر، اشاره ای نکرده است. معذالک قید روز، ماه و سال در تاریخ صدور سفته ضروری است والا سفته اعتبار نداشته و از عداد اسناد تجاری خارج می شود، زیرا منظور قانونگذار از قید تاریخ این است که روز و ماه و سال آن معین باشد.

پ) نام گیرنده وجه: در سفته، گیرنده وجه شخصی است که سفته در وجه یا به حواله کرد او صادر می شود و نوشتن نام و مشخصات او تابع قواعد برات است اما بر خلاف برات در سفته می توان نام کسی که سفته به نفع او صادر می شود (دارنده سفته) را ذکر نکرد و آن طور که ماده ۳۰۷ بیان می کند سفته را در «وجه حامل» صادر نمود.

ت) تاریخ پرداخت (سررسید): پرداخت مبلغ مندرج در سفته ممکن است به رویت عندالمطالبه یا به تاریخ معین باشد.

۱ ماده ۳۰۷ قانون تجارت: «فته طلب سندی است که بموجب آن امضاء کننده تعهد می کند مبلغی در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا بحواله کرد آن شخص کارسازی نماید.»

۱- به رویت (عندالمطالبه): پس از قید این کلمه در متن سفته، متعهد مکلف است به محض ارائه آن از طرف دارنده، مبلغ مندرج در سفته را در وجه ذینفع بپردازد.

به هنگام اعطای تسهیلات به مشتریان و اخذ سفته‌های عندالمطالبه تضمینی، لازم است شعب نسبت به تنظیم «تعهدنامه سفته‌های عندالمطالبه» (فرم شماره ۱) ^۱ اقدام نمایند. توضیحاً اینکه براساس مقررات قانون تجارت «عندالمطالبه» نوعی سررسید بوده و بانک را از درج سررسید مجدد یا قید تاریخ خاص بی‌نیاز می‌سازد.

بدیهی است در صورتی که تعهدنامه مذکور به امضای متعهدین سفته و ضامین آنها نرسیده باشد، برای اطلاع متعهدین سفته از مطالبه وجه توسط دارنده آن، می‌بایستی نسبت به تکمیل و ارسال اظهارنامه رسمی از طریق مراجع قضایی به متعهدین سفته اقدام نمود و زمان و اخواست سفته‌های مزبور از تاریخ ابلاغ اظهارنامه به متعهدین محاسبه خواهد شد. (فرم شماره ۲)

۲- تاریخ معین: پرداخت وجه سفته ممکن است به روز معینی موکول شده باشد.

ث) مبلغ سفته: بند ۱ ماده ۳۰۸ قانون تجارت تعیین مبلغ سفته را با تمام حروف ضروری دانسته است. اما عدم رعایت این امر سفته را از اعتبار ساقط نمی‌نماید. درواقع، اگرچه بند یک ماده مذکور صراحت دارد که مبلغ قابل تأدیه در سفته باید به تمام حروف باشد، لیکن برای عدم قید مبلغ به حروف، ضمانت‌اجرائی پیش‌بینی نشده است. ^۲

ج) مکان تأدیه وجه سفته: در قانون تجارت ذکر مکان تأدیه وجه سفته پیش‌بینی نشده است، بنابراین می‌توان محل پرداخت وجه سفته را اقامتگاه متعهد و یا محل دیگری تعیین نمود. بر اساس ماده ۳۰۹ قانون تجارت، تمام مقررات راجع به برات در خصوص سررسید، ظهرنویسی، مسئولیت تضامنی امضاء کنندگان، پرداخت، حقوق و تکالیف ذینفع و اخواست در مورد سفته نیز لازم‌الرعايه است. ^۳

۱ نامه عمومی شماره‌ی ۸۳۰۸۴ مورخ ۱۳۸۳/۵/۸ اداره کل حقوقی و دعاوی

۲ رای شماره ۱۳۵۵۴-۱۲۵۹ مورخ ۱۳۱۶/۵/۳۱ شعبه چهارم دیوانعالی کشور: «مواد راجع به فته طلب دلالتی بر اینکه نوشتن مبلغ به تمام حروف از شرایط اساسی است، ندارد و ماده ۳۰۸ در مقام ذکر تمام شرایط فته طلب است نه در خصوص شرایط اساسی. چنانچه در ماده ۲۲۳ راجع به برات که نظیر فته طلب است، شرایط لازم ذکر شده و در ماده ۲۲۶ بعضی از شرایط و همچنین نوشته شدن مبلغ به تمام حروف که در ماده ۲۲۵ مذکور است، در شرایط اساسی مقرر نگردیده، بنابراین دعوی مستند به فته طلب ولو اینکه مبلغ در آن به تمام حروف نوشته نشده است، تجاری می‌باشد و تابع آثار احکام دعاوی تجاری از قبیل مرور زمان و غیره خواهد بود.»

۳ ماده ۳۰۹ قانون تجارت: «تمام مقررات راجع به بروات تجاری (از مبحث چهارم الی آخر، فصل اول این باب) در مورد فته طلب نیز لازم‌الرعايه است.»

ضمانت در سفته

ضمانت در سفته عبارت است از تعهد شخص ثالث مبنی بر اینکه با یک یا چند نفر از امضاء کنندگان سفته در سر رسید، وجه سفته را پرداخت خواهد نمود. ضمانت مزبور تضامنی بوده و ضامن معمولاً تصریح می نماید که از چه شخصی ضمانت نموده در غیر این صورت مانند این است که ضامن از صادر کننده سفته ضمانت نموده است. لذا قسمت اخیر ماده ۲۴۹ قانون تجارت مقرر می دارد: «ضامنی که ضمانت برات دهنده یا محال علیه یا ظهر نویس را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است.»

ظهر نویسی

سفته نیز مانند سایر اسناد تجاری قابل انتقال می باشد. برای آنکه حقوق ذینفع بعدی تأمین شود این انتقال به وسیله ظهر نویسی صورت می گیرد. قانون تجارت ظهر نویسی را تعریف نموده است، لیکن می توان گفت ظهر نویسی وسیله انتقال سفته بوده که از طریق امضا و تسلیم آن به دارنده جدید صورت می گیرد. نظر به اینکه این انتقال در ظهر ورقه قید می گردد به این جهت در اصطلاح حقوق تجارت این عمل را ظهر نویسی می نامند.

همانطور که ظهر نویسی در ورقه سفته به مفهوم رضایت او به انتقال سفته است معذالک ظهر نویسی فقط با امضاء ظهر نویس معتبر بوده و مهر او موجب انتقال سفته نمی گردد.

طبق ماده ۲۴۸ قانون تجارت، هرگاه در ظهر نویسی تاریخ مقدمی توسط ظهر نویس قید گردد، ظهر نویس مزور شناخته شده و مشمول ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی^۱ در خصوص جعل و تزویر می باشد.

اعتراض (واخواست)

دارنده سفته برای اینکه بتواند از مزایای اسناد تجاری برای وصول طلب خود که در سر رسید با عدم پرداخت مواجه گردیده است، استفاده نماید، می بایستی اثبات کند که جهت وصول طلب خود به متعهد سفته مراجعه، لیکن بدهکار از پرداخت وجه آن امتناع نموده است. اثبات این امر بوسیله نوشته ای است که

۱ ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی: «جعل و تزویر عبارتند از ساختن نوشته یا سند . . . تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی . . .»

با رعایت شرایط مقرر در قانون تجارت تنظیم و یا از طریق مراجع قضایی ابلاغ می‌گردد، به عمل می‌آید. نوشته مذکور را در قانون تجارت «اعتراض عدم تأدیه یا واخواست» می‌گویند.^۱

فوت و ورشکستگی متعهد سفته، دارنده را از تنظیم واخواست نامه بی نیاز ننموده^۲ و ذینفع سفته مکلف است جهت حفظ حقوق خود، نسبت به واخواست نمودن سفته‌های مورد بحث اقدام مقتضی به عمل آورد.

واخواست نامه می‌بایستی حاوی نکات ذیل باشد:

۱- تصویر متن و ظهر سفته (برات)

۲- امر به تأدیه وجه سفته (برات)^۳

واخواست نامه حداقل در سه نسخه تنظیم که یک نسخه اصلی به متعهد ابلاغ می‌شود و در دو نسخه دیگر با قید مراتب ابلاغ به دفتر دادگاه اعاده گردیده که یک نسخه در آنجا بایگانی و نسخه دیگر به ذینفع سفته جهت تقدیم دادخواست حقوقی تسلیم می‌گردد.

مهلت قانونی جهت واخواست نمودن سفته (برات) حداکثر ظرف ده روز از تاریخ سررسید (حداکثر نه روز پس از سررسید) می‌باشد. اگر روز دهم تعطیل باشد، اعتراض روز بعد آن به عمل خواهد آمد.

نحوه واخواست سفته (برات)

۱- مهلت قانونی جهت واخواست نمودن سفته (برات) حداکثر ظرف ده روز از تاریخ سررسید (حداکثر نه روز پس از سررسید) می‌باشد.

گرچه مهلت واخواست سفته (برات) به اختیار روسای شعب می‌باشد، لیکن نسبت به هر سفته (برات) با رعایت اعتبار امضاکنندگان، حسن شهرت آنها و مقتضیات بازار در مهلت مقرر اقدام قانونی به عمل آورده

۱ ماده ۲۸۰ قانون تجارت: «امتناع از تأدیه وجه برات باید در ظرف ۱۰ روز از تاریخ وعده به وسیله نوشته‌ای که اعتراض عدم تأدیه نامیده می‌شود، معلوم گردد.»

۲ ماده ۲۸۲ قانون فوق: «نه فوت محال علیه، نه ورشکستگی او، نه اعتراض نکولی، دارنده برات را از اعتراض عدم تأدیه مستغنی نخواهد کرد.»

۳ ماده ۲۹۴ قانون مذکور: «اعتراضنامه باید مراتب ذیل را دارا باشد:

- سواد کامل برات با تمامی محتویات آن اعم از قبولی و ظهرنویسی و غیره

- امر به تأدیه وجه برات

مأمور اجرا باید حضور یا غیاب شخصی که باید وجه برات را بدهد و علل امتناع از تأدیه یا از قبول و همچنین علل عدم امکان امضاء یا امتناع از امضاء را در ذیل اعتراضنامه قید و امضاء کند.»

مگر آنکه ضرورت یا منافع بانک ایجاب کند که زودتر از پایان مهلت، درخواست شود. معذالک به منظور جلوگیری از تضییع حقوق بانک و از نظر جلب رضایت و تأمین منافع مشتریان اصلح است در صورت عدم پرداخت وجه سفته (برات) در پایان روز نهم بعد از سررسید (بطور مثال اگر سررسید ۱۴۰۱/۰۷/۲۱ باشد روز وخواست حداکثر ۱۴۰۱/۰۷/۳۰ خواهد بود و چنانچه آخرین روز مهلت قانونی وخواست برات و سفته تعطیل باشد روز بعد از تعطیل یا روز بعد از تعطیلات) اقدام به وخواست نموده و با رعایت مقررات مربوطه، وخواست‌نامه‌های صادره را تسلیم دادگستری محل نمایند.

نظربه اینکه قانوناً از تاریخ وخواست تا یکسال اقامه دعوی علیه ظهرنویسان امکان پذیر بوده و در صورت انقضای مهلت مزبور حق اقامه دعوی دارندگان برات، علیه ظهرنویسان به کلی از بین می‌رود و باتوجه به اینکه اقامه دعوی مستلزم اعاده وخواست‌نامه‌های ابلاغ شده می‌باشد، بنابراین مراقبت در ابلاغ و اعاده وخواست‌نامه‌ها به بانک اعم از اینکه ذینفع برات و سفته، بانک یا مشتری باشد حائز اهمیت است.

۲- پس از تنظیم وخواست‌نامه (در سه نسخه)، فهرست آن تهیه، سپس جهت دادگستری محل ارسال می‌گردد. پس از ابلاغ وخواست‌نامه به متعهد، مجدداً به شعبه وخواست کننده مرجوع و شعبه موظف است که برگ وخواست‌نامه ابلاغ شده را به ضمیمه اصل سفته (برات)، پس از اخذ رسید به مشتری (ذینفع) مسترد نماید.

مقررات قانونی راجع به هزینه وخواست سفته (برات)

هزینه وخواست سفته یا برات، ۲٪ مبلغ اسناد مذکور بوده که ۱٪ آن به نفع صندوق (ب) اداره کل تصفیه امور ورشکستگی و ۱٪ بقیه نیز به حساب درآمد عمومی کشور منظور می‌گردد.

مسئولیت امضاء کنندگان سفته

تمامی امضاء کنندگان سفته در مقابل دارندة سفته مسئولیت تضامنی دارند، لیکن برای آنکه ذینفع بتواند از مزایای اسناد تجاری، استفاده نماید، مکلف است تکالیفی را انجام دهد. دارندة سفته در صورت عدم پرداخت وجه سفته در سررسید، می‌تواند به مسئولان سفته اعم از صادرکننده، ظهرنویسان و ضامین مراجعه نماید. لذا در صورتی این امر امکان پذیر است که دارندة قبلاً و به موقع در ظرف مدت مقرر^۱ اقدام به وخواست نموده و حداکثر ظرف یکسال از تاریخ وخواست اقامه دعوی نماید. در غیر این صورت دعوی

۱ ماده ۲۸۰ قانون تجارت «امتناع از تأدیه وجه برات باید در ظرف ۱۰ روز از تاریخ وعده به وسیله نوشته‌ای که اعتراض عدم تأدیه نامیده می‌شود، معلوم گردد.»

دارنده سفته بر علیه ظهرنویسان مسموع نخواهد بود.^۱ همچنین مراجعه ذینفع به ضامن سفته بر حسب اینکه ضامن از کدامیک از مسئولان سفته (متعهد و ظهرنویس) ضمانت نموده، متفاوت است. در این خصوص قسمت اخیر ماده ۲۴۹ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «ضامنی که ضمانت برات دهنده یا محال علیه یا ظهرنویسی را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است.» بنابراین هرگاه ضامن از ظهرنویس ضمانت کرده باشد، دارنده‌ای که مهلت‌های مذکور را رعایت نکند، حق مراجعه به ضامن آن ظهرنویس را نیز نخواهد داشت.

لیکن در خصوص شخصی که ظهرسفته را بدون ذکر مضمون عنه صرفاً به عنوان ضامن امضاء نموده است رعایت مهلت مقرر در ماده ۲۸۶ قانون تجارت ضروری نمی‌باشد.^۲

اقامه دعوی

دارنده سفته برای وصول وجه سفته، باید پس از اعتراض عدم تأدیه علیه هریک از امضاء کنندگان سفته اعم از متعهد، ظهرنویس و ضامنین طرح دعوی نماید. بدیهی است جهت استفاده از این حق دارنده سفته می‌بایستی در مهلت مقرر مبادرت به طرح دعوی نماید تا سایر امضاء کنندگان نیز به نوبه خود بتوانند بر علیه کسانی که در مقابل آنها مسئولیت دارند، اقدامات لازم به عمل آورند.^۳ لذا اگر دارنده سفته بخواهد از حقی که ماده ۲۴۹ قانون تجارت برای او مقرر داشته استفاده نماید، می‌بایستی ظرف یکسال از تاریخ اعتراض، اقامه دعوی نماید،^۴ در غیر اینصورت پس از انقضاء موعد مذکور، دعوی دارنده سفته بر علیه ظهرنویسان و همچنین دعوی ظهرنویسان بر ظهرنویس ماقبل خود پذیرفته نخواهد شد.^۵

۱ ماده ۲۸۶ قانون فوق: «اگر دارنده براتی که بایستی در ایران تأدیه شود و به علت عدم پرداخت، اعتراض شده بخواهد از حقی که ماده ۲۴۹ برای او مقرر داشته استفاده کند، باید در ظرف یکسال از تاریخ اعتراض، اقامه دعوی نماید.»

۲ رای وحدت رویه شماره ۵۹۷ مورخ ۱۳۷۴/۲/۱۲ هیأت عمومی دیوانعالی کشور: «مهلت یکسال مقرر در ماده ۲۸۶ قانون تجارت، جهت استفاده از حقی که ماده ۲۴۹ این قانون برای دارنده برات یا سفته منظور نموده، در مورد «ظهرنویس» به معنای مصطلح کلمه بوده و ناظر به شخصی که ظهرسفته را به عنوان «ضامن» امضاء نموده است، نمی‌باشد. زیرا با توجه به طبع ضامن و مسئولیت ضامن در هر صورت (بنابر قول ضم ذمه بذمه یا نقل آن) در قبال دارنده سفته یا برات، محدودیت مذکور در ماده ۲۸۶ قانون تجارت درباره ضامن مورد نداشته است.»

۳ ماده ۲۴۹ قانون تجارت: «برات دهنده و کسی که برات را قبول کرده و ظهرنویس‌ها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند. دارنده برات در صورت عدم تأدیه و اعتراض می‌تواند به هر کدام از آنها که بخواهد متفرداً یا به چند نفر یا به تمام آنها مجتمعاً رجوع نماید.» همین حق را هریک از ظهرنویس‌ها نسبت به برات دهنده و ظهرنویس‌های ماقبل خود دارد. اقامه دعوی بر علیه یک یا چند نفر از مسئولین، موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسئولین برات نیست. اقامه کننده دعوی، ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند. ...»

۴ ماده ۲۸۶ قانون فوق

۵ ماده ۲۸۹ قانون مذکور: «پس از انقضاء مواعد مقرر در مواد فوق، دعوی دارنده برات بر ظهرنویس‌ها و همچنین دعوی هریک از ظهرنویس‌ها بر يد سابق خود در محکمه پذیرفته نخواهد شد.»

فوت متعهد سفته قبل از سررسید

علیرغم اینکه ماده ۲۳۱ قانون امور حسبی مقرر می‌دارد، «دیون موجد متوفی بعد از فوت حال می‌شود»، چنانچه متعهد سفته قبل از سررسید فوت نماید، ذینفع آن نمی‌تواند اقدام به واخواست سفته‌های خود نماید. همچنین مسئولیت تضامنی ظهرنویسان و ضامنین سفته به دلیل فوت متعهد به دین حال تبدیل نمی‌گردد.^۱

۱ نظریه مشورتی مورخ ۱۳۴۴/۳/۴ اداره حقوقی قوه قضائیه «بعد از فوت متعهد سفته و قبل از رسیدن اجل مقرر اعتراض عدم تأدیه از تاریخ فوت به عمل نمی‌آید و ماده ۲۳۱ قانون امور حسبی هم که حکم به حال شدن دیون موجد متوفی نموده، در حقیقت امتیازی است که قانون در مقام تعیین تکلیف ترکه برای طلبکاران در صورت فوت متعهد شناخته است و عدم استفاده از این حق در اختیار دارنده بوده و تاثیری در سررسید و ضمانت ظهرنویسان و سایر مقررات مربوط به سفته ندارد. بدین معنی که طلبکاران متعهد سفته می‌توانند در صورت فوت وی طلب خود را دریافت دارند، در صورتی که پس از فوت متعهد به دریافت وجه نائل نشوند، فقط می‌توانند در انقضای سررسید و ظرف موعده مقرر واخواست عدم تأدیه علیه متعهد بنمایند. همچنین مسئولیت تضامنی ظهرنویس به تبعیت متعهد فوت شده تبدیل به حال نمی‌شود ولی اگر ظهرنویس فوت نماید، دین فقط نسبت به او حال می‌شود و حال شدن دین ظهرنویس هم تاثیری در مسئولیت متعهد ندارد و در صورتی که دارنده سفته پس از فوت ظهرنویس طلب خود را از ترکه متوفی دریافت ننماید فقط در تاریخ سررسید می‌تواند واخواست عدم تأدیه به نام متعهد بنماید.»

چک

امروزه چک به عنوان یک سند تجاری مهم در بین سایر اسناد تجاری تلقی گردیده و به دلیل کاربرد قابل توجهی که دارد در بسیاری از معاملات و قراردادها بین افراد، همانند یک وسیله پرداخت مورد استفاده قرار می گیرد تا جایی که می توان آن را جانشین پول دانست.

تعریف

ماده ۳۱۰ قانون تجارت در تعریف چک مقرر می دارد: «چک نوشته ای است که به موجب آن صادرکننده وجوهی را که نزد محال علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می نماید». بر اساس این تعریف به هر نوشته ای که به عنوان دستور پرداخت صادر شده باشد، «چک» اطلاق می گردد لیکن بعد از اصلاحات قانون صدور چک در سال ۱۳۹۷ تمامی بانک ها از نمونه متحدالشکل (که در شرکت سهامی چاپخانه دولتی ایران چاپ می شود) استفاده می نمایند. بنابراین نوشته های عادی که صادرکننده تحت عنوان چک صادر و همچنین چک هایی که محال علیه آن اشخاص و یا موسساتی غیر از بانکهای رسمی کشور باشند از نظر حقوقی سند عادی تلقی گردیده و مشمول مقررات مندرج در قانون صدور چک و آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و... نمی گردند.

باتوجه به قسمت اخیر ماده ۳۱۰ قانون تجارت، صادرکننده می تواند به واسطه چک وجوهی را که در نزد محال علیه دارد بعضاً یا کلاً مسترد^۱ یا به دیگری انتقال دهد.

در هر چک حداقل سه شخص وجود دارند، کسی که چک را صادر می کند (صادرکننده چک) و بانکی که چک عهده او صادر می شود (محال علیه) و سرانجام شخصی که وجه چک را دریافت می نماید (ذینفع یا دارنده چک)

ماهیت: بر عکس برات، صدور چک ذاتاً عمل تجاری محسوب نمی گردد و ماده ۳۱۴ قانون تجارت تصریح می کند «صدور چک ولو آنکه از محلی به محل دیگر باشد ذاتاً عمل تجاری محسوب نیست». زیرا امروزه چک فقط از طرف تجار مورد استفاده قرار نمی گیرد، بلکه اغلب اشخاصی که نزد بانکها حساب جاری دارند، نیز معاملات خود را به وسیله چک انجام می دهند. بدیهی است اگر چک از

۱ البته کارت الکترونیکی (موضوع ماده ۱۵ دستورالعمل حساب جاری مصوب ۱۳۹۷) و چک موردی (موضوع مصوبه چهل و یکمین جلسه کمیسیون مقررات و نظارت موسسات اعتباری بانک مرکزی ج.ا.ی به تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۷ که در راستای تبصره ۲ ماده ۶ قانون صدور چک تدوین گردیده) نیز در زمره ابزارهای برداشت از حساب جاری می باشند.

طرف تاجر یا برای امور تجاری صادر شود عمل او تجاری محسوب می گردد. با وجود آنکه صدور چک ذاتاً عمل تجاری محسوب نمی شود، لیکن ماده ۳۱۴ قانون تجارت اشعار می دارد «مقررات این قانون از ضمانت صادرکننده و ظهرنویس ها و اعتراض و اقامه دعوی و ضمان و مفقودشدن راجع به بروات شامل چک نیز خواهد بود.»

بنابراین مقررات مربوط به چک را نباید، تابع عقد حواله و احکام آن که در قانون مدنی ذکر شده است، دانست بلکه در این موارد مقررات برات و سفته که در قانون تجارت ذکر شده است، درباره چک نیز مجری می باشد.

۱- شرایط تنظیم و صدور چک^۱:

۱-۱- قید کلمه «چک»

بند اول ماده یک قانون بین المللی ژنو مقرر می دارد «کلمه چک باید در متن سند و به زبانی که سند با آن نوشته شده است قید گردد.» ولی قوانین ایران تصریح به لزوم کلمه چک در متن سند ندارد و قید آن را در متن چک ضروری ندانسته است، لیکن در عمل بر روی تمامی ورقه های متحدالشکل چک این جمله «به موجب این چک مبلغ..... ریال بپردازید» چاپ شده است.

۱-۲- نوشتن تاریخ صدور چک به تمام حروف

به موجب ماده ۳۱۱ قانون تجارت در چک باید تاریخ صدور قید شود ولی قانون مذکور در مورد اینکه تاریخ صدور چک باید به حروف نوشته شود یا به عدد، ساکت بوده و از قید تاریخ صدور چک به تمام حروف ذکری ننموده است. لیکن عملاً بر روی تمامی ورقه های چک جمله «تاریخ به تمام حروف نوشته شود» قید شده است. معذک اگر تاریخ صدور چک به حروف نوشته نشود از اعتبار آن به عنوان سند تجاری کاسته نخواهد شد.

همچنین وفق ماده ۳ مکرر قانون صدور چک «چک فقط در تاریخ مندرج در آن یا پس از تاریخ مذکور قابل وصول از بانک خواهد بود» بنابراین وجه چک قبل از سررسید قابل پرداخت نخواهد بود. ضمناً

۱ همچنین رجوع شود به ماده ۳ و ۴ دستورالعمل اجرایی ماده ۶ قانون صدور چک مصوب ۱۳۹۹ شورای پول و اعتبار.

چنانچه ثابت شود که تاریخ واقعی صدور چک مقدم بر تاریخ مندرج در متن چک است، صادرکننده آن قابل تعقیب کیفری نمی‌باشد. (ماده ۱۳ قانون صدور چک)

قید تاریخ صدور چک دارای اهمیت بسیاری است که مهمترین آنها عبارتند از:

الف- وفق ماده ۳۱۵ قانون تجارت «اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تأدیه گردد، دارنده چک باید ظرف ۱۵ روز از تاریخ صدور، وجه آن را مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد باید در ظرف ۴۵ روز از تاریخ صدور چک [وجه آن] مطالبه شود.» همچنین به موجب ماده ۳۱۷ قانون تجارت «چک‌هایی که در خارج صادر شده و باید در ایران پرداخت شود، مهلتی که در ظرف آن دارنده چک می‌تواند وجه چک را مطالبه کند چهارماه از تاریخ صدور می‌باشد.» بنابراین اگر دارنده چک ظرف مواعد مذکور، پرداخت وجه آن را مطالبه نکند دیگر دعوی او علیه ظهرنویس مسموع نخواهد بود و اگر وجه چک به سببی که مربوط به محال‌علیه (بانک) است از بین برود، دعوی دارنده چک بر علیه صادرکننده نیز در محکمه مسموع نمی‌باشد. (ماده ۳۱۵ قانون تجارت)

ب- برای احراز اینکه دارنده چک حق شکایت کیفری بر علیه صادرکننده آن را دارد، تاریخ صدور چک حائز اهمیت است زیرا به موجب ماده ۱۱ قانون صدور چک در صورتی که دارنده چک تا شش ماه از تاریخ صدور برای وصول آن به بانک مراجعه نکند و یا ظرف شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت، شکایت ننماید، دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت.

۱-۳- قید مبلغ چک

مبلغ چک می‌بایستی توسط صادرکننده، صریحاً در متن آن قید گردد. قانون تجارت در مورد آنکه مبلغ چک باید به حروف نوشته شود یا به عدد ساکت است. لیکن بر روی تمامی ورقه‌های چک جای مبلغ چک به حروف و رقم در نظر گرفته شده است. در صورتی که بین مبلغ حروفی و مبلغ عددی مندرج در متن چک اختلاف باشد، واحدها از پرداخت وجه چک خودداری می‌نمایند تا صادرکننده مجدداً تصریح نماید که کدام مبلغ مورد نظر او می‌باشد.

لازم به ذکر است که نباید در مبلغ چک قلم خوردگی وجود داشته باشد، در غیر این صورت موجب عدم پرداخت و صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت آن خواهد شد، مگر اینکه صادرکننده چک به وسیله امضا در ظهر چک قلم خوردگی را تصحیح نماید و همانند مبلغی باشد که در سامانه صیاد درج می‌شود.

۱-۴- نام گیرنده وجه چک

به موجب ماده ۳۱۲ قانون تجارت «چک ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا به حواله کرد باشد»^۱. بنابراین طبق ماده فوق چک ممکن است به سه صورت زیر صادر شود:

الف- چک در وجه حامل: تا قبل از الحاق تبصره ۱ به ماده ۲۱ مکرر در سال ۱۳۹۷، صدور

چک در وجه حامل قانوناً امکان پذیر بود، بدین صورت که صادرکننده در متن چک (به جای درج هویت ذینفع) کلمه «حامل» را در آن می نوشت. چنین چکی بدون ظهرنویسی و صرفاً با تسلیم آن به دیگری قابل انتقال بود و نیازی به امضای ناقل در پشت آن نبود و اگر چنانچه دارنده چک، ظهر آن را امضاء می نمود متضامناً با صادرکننده در پرداخت وجه آن مسئولیت داشت. لیکن با اصلاحات انجام یافته فرایند صدور چک تغییر یافته و مبادله چک (اعم از صدور و انتقال) نیازمند ثبت سیستمی آن می باشد. از این رو صادر کننده علاوه بر درج مبلغ، تاریخ سررسید و هویت گیرنده در متن چک، عیناً باید همان اطلاعات را در سامانه صیاد ثبت نماید و ذینفع نیز با مراجعه به سامانه یاد شده و مقایسه اطلاعات سامانه با متن چک مراتب تایید/عدم تایید خود را اعلام بدارد. از این رو همانگونه که تبصره ۱ ماده ۲۱ مکرر قانون صدور چک (اصلاحی ۱۴۰۰) بیان داشته؛ «در مورد برگه چک هایی که از دسته چک های ارائه شده پس از پایان اسفند ماه سال ۱۳۹۹ صادر می شوند، تسویه چک صرفاً در سامانه تسویه چک (چکاوک) طبق مبلغ و تاریخ مندرج در سامانه و در وجه دارنده نهائی چک بر اساس استعلام از سامانه صیاد انجام خواهد شد و در صورتی که مالکیت آنها در سامانه صیاد ثبت نشده باشد، مشمول این قانون نبوده و بانکها مکلفند از پرداخت وجه آنها خودداری نمایند. در این موارد صدور و پشت نویسی چک در وجه حامل ممنوع است و ثبت انتقال چک در سامانه صیاد جایگزین پشت نویسی چک خواهد بود. ...» امکانی برای صدور چک در وجه حامل فراهم نمی باشد و ذینفع چک باید از دریافت چنین چکی خودداری نماید^۲.

ب- چک در وجه شخص معین با قید حواله کرد / بدون قید حواله کرد: با عنایت به

اصلاحات صورت گرفته در قانون صدور چک در سال ۱۳۹۷ و ۱۴۰۰، در هر حال هویت ذینفع چک باید مشخص و درج مشخصات وی در سامانه صیاد الزامی می باشد. ضمن اینکه انتقال آن هم در هر حال

۱ با عنایت به الحاق ماده ۲۱ مکرر به قانون صدور چک در سال ۱۳۹۷ و اصلاح تبصره ۱ آن در سال ۱۴۰۰ صدور چک فقط می تواند در وجه شخص معین باشد و می بایست هویت گیرنده در متن آن و سامانه صیاد ثبت شود. پس نتیجه گرفته می شود آن قسمت از ماده ۳۱۲ قانون تجارت که مغایر ماده ۲۱ مکرر است به موجب ماده اخیرالذکر نسخ شده است.

۲ در این باب همچنین رجوع شود به ماده ۸ دستورالعمل اجرایی ماده ۶ قانون صدور چک مصوب ۱۳۹۹/۰۹/۲۹ شورای پول و اعتبار.

مستلزم ثبت در سامانه می باشد و خط زدن عبارت «حواله کرد» خللی به حقوق دارنده چک در انتقال آن به دیگری وارد نمی کند. (مستفاد از تبصره ۱ ماده ۲۱ مکرر قانون صدور چک)

۱-۵- قید مکان صدور چک

طبق ماده ۳۱۱ قانون تجارت «در چک باید محل صدور قید شده...» قید مذکور از جهت احتساب مهلت مطالبه وجه چک و اقامه دعوی علیه ظهرنویس و صادرکننده حائز اهمیت است. زیرا به موجب قسمت اول ماده ۳۱۵ قانون تجارت «اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تادیه گردد، دارنده چک باید ظرف ۱۵ روز از تاریخ صدور، وجه آنرا مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد در ظرف ۴۵ روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود.»

همچنین به موجب ماده ۳۱۷ قانون تجارت «چک‌هایی که در خارج صادر شده و باید در ایران پرداخت شود مهلتی که در ظرف آن دارنده چک می‌تواند، وجه چک را مطالبه کند چهارماه از تاریخ صدور می‌باشد.»

۱-۶- دستور بدون قید و شرط پرداخت مبلغی معین

صادرکننده باید در متن چک دستور پرداخت وجه معینی را بدون قید و شرط به بانک محال علیه بدهد و هرگونه قید و شرطی برای پرداخت وجه چک، از نظر بانک بلااثر می‌باشد. قسمت اخیر ماده ۳ قانون صدور چک در این باره می‌گوید: «هرگاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد، بانک به آن شرط ترتیب اثر نخواهد داد.»

۱-۷- امضاء صادرکننده چک

امضاء عبارت است از خطوط و علامات و نقطه‌ها و حروفی که هرکس به ابتکار خود، همه آنها یا تعدادی از آنها را در نظر گرفته و مباشرة در ذیل اسناد و نوشته‌ها و اوراق خود به کار می‌برد و به هر حال با استعمال آنها اراده خود را به منصفه ظهور می‌رساند.

بر خلاف برات و سفته که قانونگذار در مواد ۲۲۳ و ۳۰۸ قانون تجارت امضاء یا مهر را مستقلاً برای صدور آنها معتبر دانسته است، برای صدور چک استفاده از مهر (به تنهایی) کافی نبوده و ماده ۳۱۱ قانون تجارت مقرر داشته «چک باید به امضاء صادرکننده برسد» بنابراین در صورتی که چک فاقد امضاء صاحب حساب باشد، چنین ورقه‌ای، اعتباری نداشته و در دست دارنده آن، برگه‌ای بلااثر است. هرچند سایر مندرجات آن رعایت شده باشد. در این صورت چنین چکی قابل پرداخت نبوده و مشمول صدور گواهی عدم پرداخت نیز نخواهد بود.

برای پرداخت وجه چک لازم است امضاء مندرج در چک با نمونه امضاء موجود در کارت افتتاح حساب (سیستم بانکداری متمرکز بانک) در حد عرف بانکداری مطابقت نماید، بنابراین در صورتی که امضاء چک ارائه شده به بانک با نمونه امضاء معرفی شده از نظر عرف بانکی تطبیق نموده و وجه آن پرداخت گردد و متعاقباً مشخص شود که امضاء مندرج در آن از طریق جعل، تحصیل گردیده است، بانک پرداخت کننده وجه، مسئولیتی در این خصوص نخواهد داشت.^۱

۸-۱- صدور دسته چک

ماده ۶ قانون صدور چک اصلاحی ۱۴۰۰/۰۱/۲۹ بیان داشته؛ «بانکها مکلفند برای ارائه دسته چک به مشتریان خود، صرفاً از طریق سامانه صدور یکپارچه الکترونیکی دسته چک (صیاد) نزد بانک مرکزی اقدام نمایند. این سامانه پس از اطمینان از صحت مشخصات متقاضی با استعلام از سامانه نظام هویت سنجی الکترونیکی بانکی و نبود ممنوعیت قانونی، حسب مورد نسبت به دریافت گزارش اعتباری از سامانه ملی اعتبارسنجی... یا رتبه بندی اعتباری از مؤسسات... اقدام نموده و متناسب با نتایج دریافتی، سقف اعتبار مجاز متقاضی را محاسبه و به هر برگه چک شناسه یکتا اختصاص می دهد. ضوابط این ماده... مطابق دستورالعملی است که ظرف مدت یک سال پس از لازم الاجراء شدن این قانون توسط بانک مرکزی تهیه و به تصویب شورای پول و اعتبار می رسد»^۲

۹-۱- مدت اعتبار دسته چک:

قانون گزار در اصلاحات سال ۱۳۹۷ در ماده ۶ قانون صدور چک بیان داشته بود «... حداکثر مدت اعتبار چک از زمان دریافت دسته چک سه سال است و چکهایی که تاریخ مندرج در آنها پس از مدت اعتبار باشد، مشمول این قانون نمی شوند...» که این عبارت در اصلاحات سال ۱۴۰۰ حذف گردید. از این رو می توان گفت آن قسمت از دستورالعمل اجرایی ماده ۶ قانون صدور چک (مصوب ۱۳۹۹ شورای پول و اعتبار^۳) که در مابینت با مصوبه سال ۱۴۰۰ مجلس شورای اسلامی قرار دارد ملغی الاثر می باشد.

۲- انواع چک

۱ بند ۴ مقررات و شرایط عمومی افتتاح حساب جاری «بانک هنگام پرداخت وجه چک، دقت لازم را در صحت مندرجات و امضاء صادرکننده خواهد نمود. با این حال در مورد جعل امضاء یا الحاق در مندرجات چک در صورتی که تشخیص آن در بادی نظر ممکن نباشد و ظاهراً امضاء صادرکننده طبق نمونه ای باشد که به بانک معرفی شده، هیچگونه مسئولیتی متوجه بانک نخواهد بود...»

۲ ماده ۶ قانون صدور چک در سال های ۱۳۹۷ و ۱۴۰۰ اصلاح گردید و از آنجا که عمده اصلاحات آن برای سال ۱۳۹۷ می باشد، از این رو دستورالعمل اجرایی آن در تاریخ ۱۳۹۹/۰۹/۲۵ در شورای پول و اعتبار تصویب و طی نامه شماره ۹۹/۳۳۱۴۲۹ به تاریخ ۱۳۹۹/۱۰/۱۶ اداره مطالعات و مقررات بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا. ابلاغ شده است و این دستورالعمل پس از اصلاح سال ۱۴۰۰ تا زمان نگارش این سطور مورد بازنگری قرار نگرفته است.

۳ مانند بند ۵ ماده ۳ و ماده ۵

ماده یک قانون صدور چک به بیان انواع چک پرداخته است که در اینجا به شرح ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱-۲- چک عادی

بند اول ماده یک قانون صدور چک در تعریف چک عادی مقرر می‌دارد: «چک عادی، چکی است که اشخاص عهده بانکها به حساب جاری خود صادر و دارنده آن تضمینی جز اعتبار صادرکننده آن ندارد.» به عبارت دیگر چک عادی چکی است که دارندگان حساب جاری می‌توانند با تامین وجه به عهده بانک محال علیه صادر نموده و وجه آن را شخصاً و یا توسط اشخاص ثالث دریافت دارند.

چک عادی، متداولترین نوع چک است که بیش از سایر انواع چکها مورد استفاده افراد در معاملات و مبادلات بازرگانی قرار می‌گیرد.

دارنده چک عادی، تضمینی جز اعتبار صادرکننده آن نداشته و اعتبار آن محدود به اعتبار صادرکننده چک می‌باشد. صادرکننده چک ممکن است یک شرکت بزرگ تجاری یا یک واحد کوچک صنفی و یا یک شخص حقیقی باشد. بانکها موظفند وجه چک را به محض ارائه در صورت داشتن موجودی کافی، پرداخت نمایند، مگر اینکه وجه چک به علل مندرج در ماده ۳ قانون صدور چک و یا به علت مسدود بودن حساب صادرکننده چک قابل پرداخت نباشد. در اینصورت بانک مکلف است مطابق ماده ۴ قانون صدور چک، گواهینامه عدم پرداخت را صادر و به ذینفع آن تسلیم نماید.

۲-۲- چک تائید شده

بند دوم ماده یک قانون صدور چک، چک تائید شده را چنین تعریف می‌کند «چک تائید شده، چکی است که اشخاص عهده بانکها به حساب جاری خود صادر و توسط بانک محال علیه پرداخت وجه آن تائید می‌شود.»

باتوجه به تعریف فوق، چکهای تائید شده همان چکهای عادی می‌باشند و وجه افتراق چک عادی با چک تائید شده در این است که چک تائید شده از تضمین پرداخت بیشتری برخوردار است و به دارنده آن این اطمینان را می‌دهد که وجه چک حتماً پرداخت خواهد شد. بانک محال علیه پس از کسر و مسدود کردن مبلغ چک از موجودی حساب، پرداخت وجه آن را با پرفراژ و مهر و امضاء نمودن بر روی چک موصوف تائید می‌نماید.

۲-۳- چک تضمین شده

چک تضمین شده طبق بند سوم ماده یک قانون صدور چک چنین تعریف شده است «چک تضمین شده، چکی است که توسط بانک به عهده همان بانک به درخواست مشتری صادر و پرداخت وجه آن توسط بانک تضمین می شود.»

باتوجه به تعریف فوق، چک های تضمین شده بر خلاف چک های عادی و تأیید شده، توسط بانکها به درخواست مشتری پس از اخذ وجه آن صادر و پرداخت وجه آن از طرف بانک صادرکننده تضمین گردیده و در تمامی شعب آن بانک قابل پرداخت است. یکی از امتیازات مهم استفاده از چک های تضمین شده جلوگیری از نقل و انتقال فیزیکی پول و خطرات ناشی از آن و تسهیل در معاملات می باشد. مبلغ چک های تضمینی صادره از طرف بانکها ممکن است بر روی چک چاپ شده (مبلغ دار) یا اینکه مبلغ بر روی چک درج نشده باشد (رمز دار شهری) که در اینصورت به وسیله بانک صادرکننده مبلغ قید می گردد.

طبق تبصره ۳ ماده ۱۴ قانون صدور چک «پرداخت چک های تضمین شده و مسافرتی را نمی توان متوقف نمود، مگر آنکه بانک صادرکننده نسبت به آن ادعای جعل نماید...» ضمناً ماده ۲۴ قانون صدور چک اصلاحی سال ۱۴۰۰ بیان می دارد؛ «چک تضمین شده تابع احکام ذیل است: ۱) صدور و تحویل چکهای تضمین شده توسط بانکها به مشتری، صرفاً از طریق سامانه صدور یکپارچه الکترونیکی دسته چک (صیاد) امکان پذیر و مستلزم تکمیل برگه (فرم) درخواست توسط متقاضی در شعبه بانک در حضور متصدی بانکی، درج مشخصات هویتی و شماره حساب گیرنده، روی چک تضمین شده بر اساس دستورالعمل اعلامی توسط بانک مرکزی ج.ا.ا. و نیز ثبت علت درخواست صدور چک مذکور در سامانه صیاد می باشد. سامانه مذکور به هر برگه چک، شناسه یکتا اختصاص می دهد و بانک مرکزی موظف است امکان استعلام اطلاعات چک تضمین شده را برای گیرنده (ذی نفع) فراهم نماید. ۲) پرداخت مبلغ چک تضمین شده توسط بانک صرفاً در وجه و به شماره حساب گیرنده (ذی نفع) که مشخصات وی روی چک تضمین شده درج گردیده است، امکان پذیر می باشد و ظهرنویسی برای انتقال چک تضمین شده فاقد اعتبار است. ۳) ابطال چک تضمین شده به درخواست متقاضی یا وکیل یا نماینده قانونی وی با ارائه اصل چک جهت واریز وجه چک به حساب متقاضی، بدون نیاز به ظهرنویسی گیرنده (ذی نفع) تنها تا یک ماه پس از صدور آن توسط بانک صادرکننده امکان پذیر است. همچنین پرداخت چک تضمین شده به گیرنده (ذی نفع) با ارائه اصل چک تنها تا یک ماه پس از صدور آن توسط بانک امکان پذیر است.

پرداخت یا ابطال چک پس از مهلت مقرر در این بند منوط به تکمیل برگه (فرم) های مربوط به مبارزه با پولشویی بانک صادرکننده می باشد. ۴) در صورت مفقودی چک تضمین شده، هرگاه متقاضی و گیرنده (ذی نفع) هر دو به بانک صادرکننده مراجعه و نسبت به تکمیل و امضای برگه (فرم) اعلام مفقودی چک تضمین شده و تعهدنامه عدم ادعا نسبت به چک مفقود شده اقدام نموده و نسخه المثنی آن را از بانک درخواست کنند، بانک مکلف است علاوه بر احراز هویت متقاضی و گیرنده (ذی نفع) از سامانه نظام هویت سنجی الکترونیکی بانکی اقدام نماید و پس از ابطال چک مفقود شده، نسبت به صدور چک المثنی مطابق با اطلاعات مندرج در سامانه صیاد اقدام کند. ۵) در صورت جعل چک تضمین شده یا استفاده از چک تضمین شده مجعول، مرتکب علاوه بر مجازات های قانونی مقرر، به حکم دادگاه به مدت دو تا شش سال از گرفتن چک تضمین شده محروم می شود.»

۲-۴- چک مسافرتی

بند چهارم ماده یک قانون صدور چک در تعریف چک مسافرتی مقرر می دارد «چک مسافرتی، چکی است که توسط بانک صادر و وجه آن در هریک از شعب آن بانک یا توسط نمایندگان و کارگزاران آن پرداخت می گردد.»

باتوجه به تعریف فوق، چک مسافرتی توسط بانکها صادر می شود و خریداران و ذینفع آنها به یکی از شعب بانک صادرکننده یا سایر بانکها که رابطه کارگزاری با بانک صادرکننده دارند، مراجعه نموده و وجه چک های مذکور را دریافت نمایند. در حال حاضر صرفاً می توان ایران چک را به عنوان چک مسافرتی قلمداد نمود.

لازم به ذکر است که چک های تضمین شده و مسافرتی در خارج از ایران قابل بازپرداخت نخواهد بود. اما در کنار آن نوعی چک های مسافرتی وجود دارد که در سطح بین المللی قابل استفاده است که اصطلاحاً به آن Travelers Cheque می گویند.

۲-۵- چک موردی

چک موردی ابداع تبصره ۲ ماده ۶ قانون صدور چک الحاقی ۱۳۹۷ می باشد که اعلام می دارد؛ «به منظور کاهش تقاضا برای دریافت دسته چک و رفع نیاز اشخاص به ابزار پرداخت وعده دار، بانک مرکزی مکلف است ظرف مدت یک سال پس از لازم الاجراء شدن این قانون ضوابط و زیرساخت خدمات برداشت مستقیم را به صورت چک موردی برای اشخاصی که دسته چک ندارند، به صورت یکپارچه در نظام بانکی تدوین و راه اندازی نماید تا بدون نیاز به اعتبارسنجی، رتبه بندی اعتباری و

استفاده از دسته چک ، امکان برداشت از حساب این اشخاص برای ذی نفعان معین فراهم شود . در صورت عدم موجودی کافی برای پرداخت چک موردی ، صاحب حساب تا زمان پرداخت دین ، مشمول موارد مندرج در بندهای (الف) تا (د) ماده (۵) مکرر این قانون و نیز محرومیت از دریافت دسته چک ، صدور چک جدید و استفاده از چک موردی می باشد^۱.

۶-۲- چک الکترونیکی

چک الکترونیکی یا چک دیجیتالی ابزار پرداختی مشابه چک کاغذی و نوع جدیدی از چک است. در چک الکترونیکی «داده پیام» چک مورد استفاده قرار میگیرد که با «امضاء الکترونیکی» توسط مشتری تایید و صادر می شود. امضا الکترونیکی نیز هرگونه علامت مثبت متصل به داده پیام است که به منظور شناسایی صادرکننده بکار می رود. بر اساس تبصره الحاقی به ماده ۱ قانون صدور چک مقررات مربوط به چک حسب مورد شامل چک هایی که بصورت الکترونیکی تنظیم می شوند نیز می گردد.

۳- ظهورنویسی و انتقال چک

ظهورنویسی وسیله ای برای انتقال وجه چک بوده و در لغت به معنای پشت نویسی می باشد. ظهورنویسی در اصطلاح حقوقی عبارت است از امضاء کردن پشت چک به منظور انتقال وجه آن یا وکالت در وصول، که ممکن است امضای ظهورنویس توأم با نوشتن عباراتی در پشت چک باشد. ظهورنویس به شخصی اطلاق می گردد که با امضای پشت چک، عمل ظهورنویسی را انجام می دهد. با این وجود بنا بر الزامات ماده ۲۱ مکرر و تبصره ۱ آن^۲ اعتبار هر گونه انتقال چک منوط به ثبت هویت گیرنده در سامانه بانک مرکزی می باشد.

۳-۱- انواع ظهورنویسی

الف : ظهورنویسی به منظور انتقال وجه

هنگامی که ظهورنویسی برای انتقال وجه چک صورت می گیرد، در این حالت دارنده چک ، تمامی حقوق خود را به شخص ثالث انتقال داده و ظهورنویس محسوب می گردد. ظهورنویس ممکن است فقط پشت چک را امضا نماید و یا اینکه عباراتی در پشت چک نوشته و سپس امضاء نماید. در هر دو صورت

۱ مقررات ناظر بر اعطای چک موردی مصوب چهل و یکمین جلسه کمیسیون مقررات و نظارت موسسات اعتباری بانک مرکزی ج.ا.ا به تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۷ می باشد.

۲ تبصره ۱ (اصلاحی ۱۴۰۰/۰۱/۲۹) - «... ثبت انتقال چک در سامانه صیاد جایگزین پشت نویسی چک خواهد بود در کلیه برگه های دسته چکهای ارائه شده ... باید عبارت (صدور و پشت نویسی چک بدون درج در سامانه صیاد فاقد اعتبار است) درج شود.»

ظهنروئسی صحیح بوده و به منتقل الیه (ذینفع چک) انتقال پیدا می کند و بدیهی است مطابق تبصره ۱ ماده ۲۱ مکرر ثبت انتقال نیز در سامانه صیاد الزامی است.

شخصی که چک را به وسیله ظهنروئسی به دیگری منتقل می کند، با صادرکننده چک و سایر ظهنروئیس ها در مقابل دارنده چک مسئولیت تضامنی دارد و دارنده چک در صورت بلامحل بودن آن می تواند به هریک از آنها که بخواهد منفرداً یا مجتمعاً رجوع کند و به همین ترتیب هریک از ظهنروئیس ها، در صورت تأدیه وجه چک به ذینفع می تواند به صادرکننده و ظهنروئیس های ماقبل خود رجوع کند و وجهی را که پرداخت کرده است، دریافت نماید.

ب: ظهنروئسی به منظور وکالت در وصول

ظهنروئسی حاکی از انتقال وجه چک می باشد، مگر اینکه ظهنروئیس صراحتاً وکالت در وصول را در پشت چک قید نماید. بنابراین وقتی ظهنروئسی به عنوان وکالت در وصول محسوب می شود که ظهنروئیس، وکالت در وصول را در پشت چک قید نماید. در این صورت مالکیت و حقوق ظهنروئیس نسبت به چک انتقال پیدا نمی کند و شخصی که چک به نام او ظهنروئیس شده است مجاز خواهد بود که وجه چک را از محال علیه (بانک) دریافت نماید.

شخصی که چک به عنوان وکالت در وصول به نام او ظهنروئیس شده است، باید پس از دریافت وجه چک، نسبت به استرداد وجه چک به ظهنروئیس (کسی که چک را به منظور وکالت در اختیار او قرار داده است) اقدام نماید.

در صورتی که دارنده چک بخواهد چک را به وسیله شخص دیگری به نمایندگی از طرف خود وصول کند و حق شکایت کیفری او در صورت بلامحل بودن چک محفوظ باشد، باید هویت و نشانی خود را با تصریح نمایندگی شخص مذکور در ظهر چک قید نماید، در این صورت بانک گواهی نامه عدم پرداخت چک را به نام صاحب چک صادر می کند و حق شکایت کیفری او محفوظ خواهد بود.^۱

چنانچه شخصی که چک به عنوان وکالت در وصول به نام او ظهنروئیس گردیده بانک باشد، نمایندگی بانک در چک نیاز به تصریح ندارد و حق شکایت کیفری دارنده اصلی محفوظ خواهد بود.^۲

۱ ماده ۱۱ قانون صدور چک

۲ رأی وحدت رویه شماره ۳۱ مورخ ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: «نظر به اینکه به صراحت مندرجات ماده یازده قانون صدور چک، منظور از دارنده چک در آن ماده شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارائه داده است، لذا چنانچه بانک مرجوع الیه (شعبه واگذارنده) پس از دریافت چک از مشتری، آن را برای وصول به بانک دیگری (شعبه محال علیه) ارسال نماید و بانک اخیرالذکر گواهی برگشت را به نام بانک اول صادر

۳-۲- شرایط صوری ظهرنویسی

الف) امضای ظهرنویس: به موجب ماده ۲۴۶ قانون تجارت «ظهرنویسی باید به امضای ظهرنویس برسد...» باتوجه به امری بودن ماده‌ی فوق به این نکته پی می‌بریم که در صورتی که ظهرنویس در پشت چک عباراتی را بنویسد که حاکی از انتقال چک باشد، ولی ظهر چک را امضا ننماید، چنین ظهرنویسی باطل و بلااثر می‌باشد. همچنین استفاده از مهر به تنهایی برای ظهرنویسی معتبر نیست و قانونگذار فقط امضای ظهرنویس را برای ظهرنویسی معتبر دانسته است. علاوه بر این بنا به تصویب ماده ۲۱ مکرر که موخر بر قانون تجارت می‌باشد، ثبت هویت گیرنده چک در سامانه صیاد بانک مرکزی الزامی می‌باشد.

ب) ذکر نام منتقل‌الیه (ذینفع): ماده ۲۴۶ قانون تجارت در باب برات بیان داشته «ممکن است در ظهرنویسی تاریخ و اسم کسی که برات به او انتقال داده میشود قید گردد» ولی در مورد چک نام منتقل‌الیه باید در ظهر چک و سامانه صیاد قید شود زیرا طبق تبصره ۱ ماده ۲۱ مکرر قانون صدور چک «پشت نویسی چک بدون درج در سامانه صیاد فاقد اعتبار است»

پ) تاریخ ظهرنویسی:

بموجب ماده ۲۱ مکرر قانون صدور چک مقرر شده ظهرنویسی با موضوع انتقال چک فقط از طریق سامانه صیاد صورت پذیرد و تاریخ ثبت مشخصات گیرنده ی چک در سامانه یادشده حاکی از زمان انتقال چک به گیرنده دارد و مبنای بررسی در مباحثی مانند اهلیت صادر کننده یا گیرنده می‌باشد. بعنوان مثال مشخص می‌شود جنون گیرنده یا انتقال دهنده بعد یا قبل از انتقال یوده یا خیر؟

۴- حمایت‌های قانونی از چک

۱-۴- چک در حکم اسناد لازم‌الاجراء

طبق ماده ۲ قانون صدور چک «چک‌های صادره عهده بانکهایی که طبق قوانین ایران در داخل کشور دایر شده یا می‌شوند، همچنین شعب آنها در خارج از کشور، در حکم اسناد لازم‌الاجراء است و

کند، این امر نمی‌تواند موجب سلب حق شکایت کیفری از کسی که برای نخستین بار چک را به بانک ارائه داده است، گردد. مضافاً به اینکه باتوجه به نحوه فعالیت بانکها و رویه معمول آن موسسات و وظایف آنها، تردیدی نیست که بانکها معمولاً به عنوان نمایندگی از ابرازکننده چک، نسبت به وصول وجه از آن بانک دیگری اقدام می‌نمایند و در مواردی که چک متعلق به خود بانک بوده و اصالتاً نسبت به وصول وجه آن اقدام می‌نمایند، هیچ گاه گواهی برگشت وجه چک متعلق به خود را به اشخاص دیگر تسلیم نمی‌نمایند. بنا به مراتب مذکور در مواردی که بانکها از طرف دارنده چک مأمور وصول و ایصال وجه چکها می‌باشند، نمایندگی نیاز به تصریح ندارد.»

دارنده چک در صورت مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن به علت نبودن محل و یا به هر علت دیگری که منتهی به برگشت چک و عدم پرداخت گردد، می تواند طبق قوانین و آیین نامه های مربوط به اجرای اسناد رسمی وجه چک یا باقیمانده آن را از صادر کننده وصول نماید...».

لازم به ذکر است که اجرای ثبت در صورتی دستور اجرا صادر می کند که مطابقت امضاء چک با نمونه امضای صادر کننده در بانک از طرف بانک گواهی شده باشد. لزوم مطابقت امضای چک با نمونه امضای صادر کننده در بانک برای صدور اجرائیه ثبتی به موجب ماده ۱۸۸ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا مصوب سال ۱۳۸۷ پیش بینی شده است. ماده مزبور مقرر می دارد «اگر عدم پرداخت وجه چک به علت عدم مطابقت امضاء زیر چک به امضای کسی که حق صدور چک را دارد و همچنین فقدان مهر در اشخاص حقوقی باشد، در اداره ثبت اجرائیه صادر نخواهد شد.»

همچنین امکان درخواست صدور اجرائیه از دادگاه حقوقی بدون تشریفات رسیدگی وجود دارد. بموجب ماده ۲۳ قانون صدور چک دارنده چک می تواند با ارائه گواهی نامه عدم پرداخت، از دادگاه صالح صدور اجرائیه نسبت به کسری مبلغ چک و حق الوکاله وکیل طبق تعرفه قانونی را درخواست نماید. دادگاه مکلف است در صورت وجود شرایط زیر حسب مورد علیه صاحب حساب، صادر کننده یا هر دو اجرائیه صادر نماید.

الف- در متن چک، وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی نشده باشد؛

ب- در متن چک قید نشده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است؛

ج- گواهی نامه عدم پرداخت به دلیل دستور عدم پرداخت طبق ماده (۱۴) این قانون و تبصره های آن صادر نشده باشد.

صادر کننده مکلف است ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ اجرائیه، بدهی خود را بپردازد، یا با موافقت دارنده چک ترتیبی برای پرداخت آن بدهد یا مالی معرفی کند که اجرای حکم را میسر کند؛ در غیر این صورت حسب درخواست دارنده، اجرای احکام دادگستری، اجرائیه را طبق «قانون نحوه محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۳» به مورد اجراء گذاشته و نسبت به استیفای مبلغ چک اقدام می نماید.

اگر صادر کننده یا قائم مقام قانونی او دعاوی مانند مشروط یا بابت تضمین بودن چک یا تحصیل چک از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا دیگر جرائم در مراجع قضائی اقامه کند، اقامه دعوی مانع از جریان عملیات اجرائی نخواهد شد؛ مگر در مواردی که مرجع قضائی ظن قوی پیدا کند یا از اجرای

سند مذکور ضرر جبران ناپذیر وارد گردد که در این صورت با أخذ تأمین مناسب، قرار توقف عملیات اجرایی صادر می نماید. در صورتی که دلیل ارائه شده مستند به سند رسمی باشد یا اینکه صادرکننده یا قائم مقام قانونی مدعی مفقود شدن چک بوده و مرجع قضائی دلایل ارائه شده را قابل قبول بداند، توقف عملیات اجرائی بدون أخذ تأمین صادر خواهد شد. به دعاوی مذکور خارج از نوبت رسیدگی خواهد شد.

۴-۲- فوری بودن دادرسی

به موجب ماده ۱۶ قانون صدور چک «رسیدگی به تمامی شکایات و دعاوی جزایی و حقوقی مربوط به چک در دادسرا و دادگاه تا خاتمه دادرسی، فوری و خارج از نوبت به عمل خواهد آمد».

۴-۳- امکان محاکمه غیابی و صدور حکم در غیاب متهم صدور چک بلامحل

ماده ۲۲ قانون صدور چک، محاکمه و رسیدگی به جرم صدور چک بلامحل را حتی در صورت غیاب متهم و عدم حضور او تجویز کرده است. ماده فوق در این باره مقرر می دارد «در صورتی که به متهم دسترسی حاصل نشود آخرین نشانی متهم در بانک محل علیه اقامتگاه قانونی او محسوب است و هرگونه ابلاغی به نشانی مزبور به عمل می آید. هرگاه متهم حسب مورد به نشانی بانکی یا نشانی تعیین شده شناخته نشود یا چنین محلی وجود نداشته باشد، گواهی مأمور به منزله ابلاغ اوراق تلقی می شود و رسیدگی بدون لزوم احضار متهم، وسیله مطبوعات ادامه خواهد یافت».

۴-۴- صدور قرار تأمین خواسته

دارنده چک بلامحل می تواند در ضمن اقامه دعوی و یا در جریان دادرسی از محکمه، تقاضای تأمین خواسته را بنماید. مرجع رسیدگی مکلف است به مجرد تقاضای دارنده چک بلامحل (مدعی) معادل وجه چک را از اموال صادرکننده چک به عنوان تأمین توقیف نماید.

برای تأمین خواسته در دعوی^۱ چک بلامحل، تودیع خسارت احتمالی* لازم نیست.

۱ بند ج ماده ۱۰۸ قانون آئین دادرسی مدنی.

* منظور از خسارات احتمالی، خساراتی است که ممکن است به دلیل توقیف اموال خوانده وارد آید، لذا خواهان مکلف است وجهی را که دادگاه تعیین می نماید، به عنوان خسارات احتمالی به صندوق دادگستری تأمین نماید، تا در صورت محکوم به بی حقی شدن وی خسارات خوانده از محل آن جبران شود.

۵-۴- محکومیت صاحب حساب به پرداخت کلیه خسارات تاخیر تادیه بر مبنای نرخ

تورم:

بموجب ماده واحده استفسار ماده ۲ قانون صدور چک که توسط مجمع تشخیص مصلح نظام صادره شده دارنده چکی که برگشت شده در صورت شکایت نزد محاکم دادگستری می تواند جرائم تاخیر تادیه وجه چک را بر مبنای نرخ تورم از صادر کننده چک مطالبه نماید.

۶-۴- محرومیت از خدمات بانکی برای دارنده حساب و صادر کننده چک برگشتی^۱:

بعد از ثبت غیر قابل پرداخت بودن یا کسری مبلغ چک در سامانه یکپارچه بانک مرکزی، این سامانه مراتب را به صورت برخط به تمام بانک ها و مؤسسات اعتباری اطلاع می دهد. و کلیه بانک ها و مؤسسات اعتباری حسب مورد مکلفند تا هنگام رفع سوء اثر از چک، اقدامات زیر را نسبت به صاحب حساب اعمال نمایند:

الف- عدم افتتاح هر گونه حساب و صدور کارت بانکی جدید؛

ب- مسدود کردن وجوه کلیه حساب ها و کارت های بانکی و هر مبلغ متعلق به صادر کننده که تحت هر عنوان نزد بانک یا مؤسسه اعتباری دارد به میزان کسری مبلغ چک به ترتیب اعلامی از سوی بانک مرکزی؛

ج- عدم پرداخت هر گونه تسهیلات بانکی یا صدور ضمانت نامه های ارزی یا ریالی؛

د- عدم گشایش اعتبار اسنادی ارزی یا ریالی.

همچنین در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شود، اقدامات موضوع این ماده علاوه بر صاحب حساب، در مورد وکیل یا نماینده نیز اعمال می گردد.

۷-۴- مسئولیت اداری در خصوص تخلفات کارکنان بانکها: در سال ۱۴۰۰ مقرر شده است که

قانون صدور چک اضافه شده که بموجب آن تخلف از تکالیف مندرج در این قانون مسئولیت اداری متوجه بانک و کارمندان و روسای شعبه مربوطه می نماید. ماده ۲۵ قانون صدور چک بیان می دارد: «در صورت تخلف از هر یک از تکالیف مقرر در این قانون برای بانک ها یا مؤسسات اعتباری اعم از دولتی و غیردولتی، کارمند خاطی و مسئول شعبه مربوط حسب مورد با توجه به شرایط، امکانات، دفعات و مراتب

۱ ماده ۵ مکرر قانون صدور چک

به مجازات‌های مقرر در ماده (۹) «قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۹/۷» محکوم می‌شوند که رسیدگی به این تخلفات در صلاحیت بانک مرکزی است.»

۵- علی که موجب عدم پرداخت وجه چک و صدور گواهینامه عدم پرداخت می‌گردد

۵-۱- نداشتن موجودی

یکی از عللی که موجب عدم پرداخت چک می‌گردد، نداشتن موجودی در حساب مربوطه و یا سایر حسابهای صاحب حساب در بانک به شرط تفویض اختیار برداشت از آن حسابها به بانک نزد بانک محال علیه می‌باشد.

۵-۲- کسر موجودی

ممکن است صادرکننده در سررسید چک در بانک محال علیه وجه نقد داشته باشد، ولی وجه مزبور کمتر از مبلغ چکی باشد که صادر کرده است. در این حالت نیز این کسر موجودی موجب عدم پرداخت چک می‌گردد. بر اساس تبصره ماده ۱۷ دستورالعمل حساب جاری چنانچه حساب جاری که عهده آن چک صادر شده است دارای موجودی کافی و یا قابل برداشت نباشد، بانک موظف است در صورت درخواست دارنده چک، اقدام به پرداخت موجودی قابل برداشت نموده و برای باقی مانده آن، گواهینامه عدم پرداخت صادر نماید. چک مزبور نسبت به مبلغی که پرداخت نگردیده بی‌محل محسوب و گواهی نامه عدم پرداخت بانک در این مورد برای دارنده چک، جانشین اصل چک خواهد بود.

۵-۳- خارج کردن تمام یا قسمتی از وجهی که به اعتبار آن چک صادر شده است

در مواردی ممکن است صادرکننده در سررسید چک در بانک محال علیه محل کافی برای پرداخت وجه چک داشته باشد. ولی قبل از مراجعه دارنده چک به بانک محال علیه، تمام یا قسمتی از وجهی که به اعتبار آن چک صادر کرده را از بانک خارج نموده و موجبات عدم پرداخت وجه چک را فراهم نماید.

۵-۴- دستور عدم پرداخت

در مواردی ممکن است صادرکننده، محل کافی برای پرداخت وجه چک صادره نزد بانک محال علیه داشته، لیکن صاحب حساب، ذینفع چک یا قائم مقام قانونی آنها دستور عدم پرداخت وجه چک را صادر نموده باشد.

هرچند به موجب ماده ۳ قانون صدور چک، صادرکننده از صدور دستور عدم پرداخت وجه چک به بانک محال علیه منع شده است، با وجود این در مواردی طبق **ماده ۱۴** قانون صدور چک می‌توان دستور عدم پرداخت وجه چک را صادر نمود که ذیلأ تشریح می‌گردد:

الف: موارد دستور عدم پرداخت

طبق ماده ۱۴ قانون صدور چک در مواردی که چک مفقود، سرقت، جعل و یا از طریق کلاهبرداری، خیانت در امانت یا جرائم دیگری تحصیل شده باشد، می‌توان دستور عدم پرداخت وجه چک را صادر نمود.

ب: افرادی که حق صدور دستور عدم پرداخت وجه چک را دارند

طبق ماده مذکور، صادرکننده چک یا ذینفع یا قائم مقام قانونی آنها می‌توانند دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهند. دستور عدم پرداخت وجه چک باید به صورت کتبی به بانک ارائه شده و در آن علت صدور دستور عدم پرداخت تصریح شود. بانک پس از احراز هویت دستوردهنده از پرداخت وجه چک خودداری نموده و در صورت ارائه چک، گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام شده صادر و به ارائه‌دهنده تسلیم می‌نماید.

پ: وظایف و تکالیف بانک محال علیه و دستوردهنده پس از صدور دستور عدم پرداخت

در موردی که صادرکننده یا ذینفع یا قائم مقام قانونی آنها، دستور عدم پرداخت می‌دهند بانک محال علیه مکلف است در صورت داشتن موجودی، وجه چک را تا تعیین تکلیف آن در مرجع رسیدگی یا انصراف دستوردهنده در حساب مسدودی نگهداری نماید.

دستوردهنده مکلف است پس از ابلاغ دستور عدم پرداخت به بانک محال علیه، شکایت خویش را به مرجع قضایی تسلیم و حداکثر ظرف مدت یک هفته گواهی تقدیم شکایت خود را به بانک تسلیم نماید. پس از انقضای مهلت مذکور در صورتی که دستوردهنده به تکلیف قانونی خود عمل ننماید، بانک از محل موجودی مسدودشده، به تقاضای دارنده چک وجه آن را پرداخت می‌نماید.

ت: تعقیب کیفری دستوردهنده

دارنده چک می‌تواند علیه کسی که دستور عدم پرداخت وجه چک را داده شکایت کند و هرگاه خلاف ادعایی که موجب عدم پرداخت شده ثابت گردد، دستوردهنده علاوه بر مجازات مقرر در ماده ۷ قانون صدور چک به پرداخت تمامی خسارات وارده به دارنده چک محکوم خواهد شد.

۵-۵- عدم مطابقت امضاء

مطابقت امضای صادرکننده چک با نمونه امضای موجود در بانک و یا عدم مطابقت آن از طرف بانک در حدود عرف بانکداری به عمل می‌آید. در صورتی که امضای مندرج در متن چک با امضای

موجود در بانک مطابقت نماید این عدم تطبیق، موجب صدور گواهینامه عدم پرداخت وجه چک می‌گردد.

لازم به ذکر است در صورتی که چک، فاقد امضاء صادر کننده باشد، چنین برگه‌ای اعتبار نداشته و بانک تکلیفی درخصوص پرداخت وجه آن و یا صدور گواهی نامه عدم پرداخت ندارد.

۶-۵- قلم خوردگی در متن چک

یکی از علل عدم پرداخت وجه چک و صدور گواهی نامه عدم پرداخت توسط بانک محال علیه وجود قلم خوردگی در متن چک می‌باشد، مگر اینکه صادرکننده چک با امضاء در پشت چک، قلم خوردگی را گواهی یا تصحیح نموده باشد. در صورت فقدان ظهرنویسی مرتبط با تصحیح قلم خوردگی به شرط عدم افزایش تعهدات متعهدین.

۷-۵- اختلاف در مندرجات چک

چنانچه در مندرجات چک اختلاف وجود داشته باشد، این اختلاف موجب عدم پرداخت وجه چک از طرف بانک محال علیه می‌شود. به عنوان مثال بین مبالغ حروفی و عددی آن مغایرت وجود داشته باشد.

۸-۵- بسته بودن حساب

یکی دیگر از موارد صدور گواهینامه عدم پرداخت چک توسط بانک محال علیه، بسته بودن حساب می‌باشد. در این خصوص ماده ۱۰ قانون صدور چک مقرر می‌دارد «هرکس با علم به بسته بودن حساب بانکی خود مبادرت به صدور چک نماید، عمل وی در حکم صدور چک بی محل خواهد بود و به حداکثر مجازات مندرج در ماده ۷ محکوم خواهد شد و مجازات تعیین شده غیرقابل تعلیق است.»

هرگاه وجه چک به علتی از علل فوق‌الذکر پرداخت نگردد، بانک محال علیه مکلف است وفق ماده ۴ قانون صدور چک در برگ مخصوصی که مشخصات چک و هویت و نشانی کامل صادرکننده در آن ذکر شده باشد، علت یا علل عدم پرداخت را صریحاً قید و آن را امضاء و مهر نموده و به دارنده تسلیم نماید. در برگ مزبور باید نام و نام خانوادگی و نشانی کامل دارنده چک نیز قید گردد. همچنین در این برگ بایستی مطابقت امضاء صادرکننده با نمونه امضاء موجود در بانک (در حدود عرف بانکداری) و یا عدم مطابقت آن از طرف بانک تصدیق شود. برگ مذکور را **گواهینامه عدم پرداخت وجه چک** می‌گویند.

۹-۵- عدم ثبت صدور و انتقال در سامانه صیاد

تبصره ۱ ماده ۲۱ مکرر قانون صدور چک، دو تقسیم بندی برای چک های صادره متصور شده؛ گروه اول) چک هایی که قبل از تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۰۱ و از دسته چک های قدیم صادر شده اند، این چک ها تابع قانون زمان ارائه دسته چک هستند و نیازی به ثبت آنها در سامانه صیاد نیست و بانک ها اقدام به پرداخت وجه آن به ذینفع می نمایند.

گروه دوم) چک هایی که از دسته چک های جدید (بعد از تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۰۱) صادر می شوند، تسویه این چک ها صرفاً از طریق سامانه چکاوک و در وجه دارنده نهایی که نام او از سامانه صیاد استعلام می گردد، صورت می پذیرد و در صورتی که نام ذینفع در سامانه ثبت نشده باشد، آن چک مشمول این قانون نبوده و بانک نیز از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد. این دسته چک ها نمی توانند به صورت در وجه حامل صادر شوند و حتماً صدور و انتقال آنها باید در سامانه صیاد درج گردد و ثبت انتقال چک در سامانه صیاد جایگزین پشت نویسی آن خواهد شد.

در باب عللی که موجب عدم پرداخت وجه چک و صدور گواهینامه عدم پرداخت می گردد این نکته نیز واجد اهمیت است که بانک مکلف است به منظور اطلاع صادرکننده چک، فوراً نسخه دوم این برگ (گواهینامه ی عدم پرداخت وجه چک) را به آخرین نشانی صاحب حساب که در بانک موجود است ارسال دارد.^۱

۶- ضمانت اجرای کیفری چک

۶-۱- نحوه اقامه شکایت کیفری و تعقیب کیفری صادرکننده چک پرداخت نشدنی

یکی از رایج ترین و موثرترین طرق وصول وجه چک بلامحل اقامه ی شکایت کیفری می باشد. دارنده ی چک در صورت مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن به علت نبودن محل و یا به هر علت دیگری که منتهی به برگشت چک و عدم پرداخت گردد، می تواند طبق مقررات اقدام به طرح شکایت کیفری علیه صادرکننده چک نموده و وجه چک یا باقیمانده آن را از صادرکننده وصول نماید. دارنده ی چک برای اقامه شکایت کیفری باید شکوائیه ای را طبق نمونه ذیل به دادسرای صلاحیت دار تقدیم نماید.

۱ در حال حاضر گواهینامه عدم پرداخت وجه چک در ۵ نسخه تنظیم می شود که برگ اول به آورنده چک (ذینفع) تسلیم، برگ دوم و سوم آن به بانک مرکزی ج.ا.و اداره امور شعب متبوع ارسال، برگ چهارم در پرونده مشتری بایگانی و نسخه پنجم نیز به نشانی صاحب حساب فرستاده می شود.

تاریخ:

شماره:

ریاست محترم دادسرای ناحیه ... عمومی و انقلاب.....

شاکی: بانک ملی ایران به مدیریت.....

نشانی.....

مشتکی عنه: آقای.....

موضوع شکایت: صدور چک بلا محل

احتراماً به استحضار می‌رساند، چک شماره مورخ به مبلغ ریال عهده حساب جاری شماره نزد بانک شعبه به نام آقای با امضاء نامبرده که بابت مطالبات به این بانک واریز گردیده، به علت کسر موجودی مواجه با صدور گواهینامه عدم پرداخت گردیده، لذا با تقدیم تصویر چک و گواهینامه عدم پرداخت مربوطه و دلیل مدیریت و اختیارنامه به استناد قانون صدور چک، تعقیب کیفری نامبرده و وصول چک و تمامی خسارات قانونی مربوطه اعم از هزینه دادرسی و خسارت تأخیر و حق الوکاله نماینده قضائی مورد تقاضاست.

بدواً صدور قرار تأمین خواسته درخواست می‌گردد. آقای / خانم به عنوان نماینده قضائی جهت هرگونه اقدام قانونی و تعقیب موضوع معرفی می‌گردد.

بانک ملی ایران

۶-۲- افرادی که حق اقامه شکایت کیفری دارند

صدر ماده ۱۱ قانون صدور چک مقرر می‌دارد «جرائم مذکور در این قانون بدون شکایت دارنده چک قابل تعقیب نیست». ذیل همین ماده در تعریف و توصیف دارنده چک اشعار می‌دارد: «منظور از دارنده چک در این ماده شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارائه داده است».

باتوجه به ماده فوق، قانونگذار تنها شخصی را که برای اولین بار چک را به بانک ارائه داده، مجاز برای اقامه شکایت کیفری دانسته است. برای تشخیص اینکه چه کسی اولین بار برای وصول وجه چک به بانک مراجعه کرده، بانکها را مکلف نموده به محض مراجعه دارنده چک، هویت کامل و دقیق او را در پشت چک با ذکر تاریخ قید نمایند. همچنین بانک مکلف است در گواهی‌نامه عدم پرداخت نام‌و نام‌خانوادگی و نشانی کامل دارنده چک را نیز قید نماید.

بنابر مراتب فوق در صورتی که شخص الف برای اولین بار چک را به بانک ارائه و وجه چک بنا به دلایلی پرداخت نشود، گواهی‌نامه مذکور به نام وی صادر و تنها وی حق اقامه شکایت کیفری را خواهد داشت، در صورتی که چک مذکور پس از صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت به فرد دیگری منتقل گردد، فرد مزبور حق اقامه شکایت کیفری علیه صادرکننده چک را نخواهد داشت.

چنانچه چک پس از برگشت از بانک به صورت قهری به دیگری انتقال پیدا کند، شخص یا اشخاصی که چک قهراً به آنها منتقل شده، حق اقامه شکایت کیفری را دارند. بطور مثال در صورتی که شخص دارنده چک که برای اولین بار به بانک مراجعه کرده و گواهی‌نامه عدم پرداخت وجه چک به نام وی صادر شده است، قبل از اقامه شکایت کیفری و یا بعد از آن فوت نماید، وراث قانونی متوفی، حق اقامه شکایت و تعقیب کیفری صاحب حساب را خواهند داشت.

به موجب تبصره ماده ۱۱ قانون صدور چک «هرگاه بعد از شکایت کیفری، شاکی چک را به دیگری انتقال دهد یا حقوق خود را نسبت به چک به هر نحو به دیگری واگذار نماید، تعقیب کیفری موقوف خواهد شد». بنابراین هرگاه شاکی (دارنده چک) حتی بعد از اقامه شکایت کیفری حقوق خود را نسبت به چک به دیگری منتقل نماید، ذینفع چک حق تعقیب کیفری نخواهد داشت.

در صورتی که دارنده چک بخواهد چک را به وسیله شخص دیگری به نمایندگی از طرف خود وصول کند و حق شکایت کیفری او در صورت بلامحل بودن چک محفوظ باشد، باید هویت و نشانی خود را با تصریح نمایندگی شخص مذکور در ظهر چک قید نماید. در این صورت بانک اعلامیه مذکور در مواد ۴ و ۵ قانون صدور چک (گواهی‌نامه عدم پرداخت تمام یا قسمتی از وجه چک) را به نام صاحب

چک صادر می‌کند و حق شکایت کیفری او نیز محفوظ خواهد بود. مطابق رأی وحدت رویه شماره ۳۱ مورخ ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ هیأت عمومی دیوانعالی کشور، در مواردی که بانکها از طریق اتاق پایاپای اسناد (کلر) و اداره پایاپای نسبت به وصول وجه چکها اقدام می‌نمایند. این نمایندگی نیاز به تصریح ندارد و در صورت بلامحل بودن چک، حق شکایت کیفری دارنده آن محفوظ می‌باشد.

۳-۶- اشخاصی که می‌توان علیه آنها اقامه شکایت کیفری نمود

هرگاه وجه چک به علتی که مستند به عمل صادرکننده است، مانند کسر موجودی پرداخت نگردد، دارنده چک صرفاً می‌تواند علیه صادرکننده آن اقدام به طرح شکایت کیفری نموده و درخصوص ظهرویس و ضامن، شکایت کیفری مسموع نمی‌باشد. همچنین اگر علت عدم پرداخت وجه چک مستند به فعل صادرکننده نباشد، نمی‌توان صادرکننده را تحت تعقیب کیفری قرارداد، زیرا در این صورت کسی که موجب عدم پرداخت شده و یا عدم پرداخت مستند به عمل اوست از نظر کیفری مسئولیت خواهد داشت. مثلاً در مواردی ممکن است چک از هر لحاظ قابل پرداخت باشد، ولی شخصی غیر از صادرکننده دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک محال علیه بدهد. در این صورت دارنده چک می‌تواند علیه کسی که دستور عدم پرداخت داده است، اقدام به طرح شکایت کیفری نماید.

سوالی که مطرح می‌شود آن است که چنانچه صاحب حساب شخص حقیقی یا حقوقی بوده و صادرکننده به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب مبادرت به صدور چک نماید، در صورت عدم پرداخت وجه آن مسئولیت کیفری متوجه چه شخصی خواهد بود؟

بر اساس ماده ۱۹ قانون صدور چک، در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، امضاکننده چک مسئولیت کیفری خواهد داشت، مگر اینکه ثابت نماید که عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی او است، در اینصورت کسی که موجب عدم پرداخت شده از نظر کیفری مسئول خواهد بود.

بنابراین باتوجه به ماده مذکور، چنانچه مدیر عامل شرکتی به عنوان امضادار مجاز از طرف شرکت (صاحب حساب) چکی را صادر نماید در صورت عدم پرداخت وجه آن، شخص مدیرعامل که صادرکننده بوده، مسئولیت کیفری خواهد داشت. مگر اینکه وی ثابت نماید که عدم پرداخت چک مستند به عمل او نبوده و در زمان صدور چک وجه کافی در حساب موجود، ولی مدیرعامل جدید که بعد از او

نماینده‌گی شرکت را عهده دار بوده، موجب عدم پرداخت وجه چک شده است. در این صورت مدیرعامل جدید از نظر کیفری مسئولیت دارد.

توضیحاً اینکه مسئولیت کیفری صادرکننده موجب عدم مسئولیت مدنی صاحب حساب نمی‌گردد و وفق ماده فوق در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، صادرکننده چک و صاحب حساب متضامناً مسئول پرداخت وجه چک می‌باشند و اجرائیه و حکم ضرر و زیان بر اساس تضامن علیه هر دو صادر می‌شود.

چنانچه چکی از حساب جاری مشترک توسط دو یا چند نفر صادر شده و در سررسید مواجه با عدم پرداخت گردد، امضاء کنندگان چک دارای مسئولیت کیفری بوده و مسئولیت مدنی پرداخت وجه چک نیز به نسبت مساوی متوجه ایشان خواهد شد.

۴-۶- مدت زمانی که می‌توان شکایت کیفری نمود

ماده ۱۱ قانون صدور چک مقرر می‌دارد: «... در صورتی که دارنده چک تا شش ماه از تاریخ صدور چک برای وصول آن به بانک مراجعه نکند، یا ظرف شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت شکایت ننماید، دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت...»
بنابراین باتوجه به ماده فوق، دارنده چک برای اینکه حق شکایت کیفری داشته باشد، می‌باید مواعد ذیل را رعایت نماید:

اولاً دارنده چک باید ظرف شش ماه از تاریخ صدور چک برای وصول آن به بانک مراجعه کند.
ثانیاً هرگاه وجه چک به علتی پرداخت نگردد، دارنده چک باید ظرف شش ماه از تاریخ صدور گواهینامه عدم پرداخت اقدام به شکایت کیفری در مراجع صلاحیت دار نماید. در غیر این صورت حق شکایت کیفری نخواهد داشت و فقط می‌تواند به اجرای ثبت و محاکم حقوقی مراجعه نماید.

۵-۶- دادگاه صلاحیت دار برای رسیدگی به جرم صدور چک پرداخت نشدنی

باتوجه به اینکه جرم صدور چک بلامحل با صدور گواهینامه عدم پرداخت در شعبه محال علیه تحقق می‌یابد، بنابراین مراجع قضایی که شعبه بانک محال علیه در حوزه قضایی آن واقع است، صالح به رسیدگی شکایت جرم چک بلامحل بوده و درخصوص چک‌های سیبا، طبق مفاد رأی وحدت رویه شماره

۶۶۹ مورخ ۱۳۸۳/۷/۲۱ دیوان عالی کشور، دادگاهی که شعبه محال علیه در حوزه قضائی آن واقع است، صلاحیت رسیدگی به جرم مذکور را دارد.^۱

۶-۶- نحوه مطالبه وجه چک و ضرر و زیان ناشی از جرم چک پرداخت نشدنی به تبع دعوی کیفری

دارنده چک می تواند وجه چک و ضرر و زیان ناشی از آن را به تبع دعوی کیفری از مرجع رسیدگی مطالبه نماید، ولی چون مطالبه وجه چک و ضرر و زیان ناشی از جرم چک پرداخت نشدنی، عنوان دعوی حقوقی دارد و شروع رسیدگی به دعوی حقوقی در دادگاههای دادگستری هم به صراحت ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی مستلزم تقدیم دادخواست می باشد، لذا مطالبه وجه چک و ضرر و زیان ناشی از جرم چک بلامحل نیازمند تقدیم دادخواست تا قبل از اعلام ختم دادرسی به مرجع رسیدگی کننده بوده و دادگاه نمی تواند بدون دادخواست، حکم به جبران ضرر و زیان صادر نماید.

۶-۷- موارد موقوفی تعقیب کیفری

طبق ماده ۱۲ قانون صدور چک «هرگاه قبل از صدور حکم قطعی، شاکی گذشت نماید و یا اینکه متهم وجه چک و خسارات تأخیر تأدیه را نقداً به دارنده آن پرداخت کند، یا موجبات پرداخت وجه چک و خسارات مذکور (از تاریخ ارائه چک به بانک) را فراهم کند یا در صندوق دادگستری یا اجرای ثبت تودیع نماید، مرجع رسیدگی قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد کرد...»
باتوجه به ماده ی فوق الذکر، موقوف شدن تعقیب کیفری صادرکننده چک پرداخت نشدنی از طرق ذیل امکان پذیر است:

الف) گذشت شاکی

هرگاه قبل از صدور حکم قطعی، شاکی گذشت نماید، مسئولیت کیفری از این جهت متوجه صادرکننده چک نبوده و مرجع رسیدگی، قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد کرد.

۱ «در رویه متداول سیستم یکپارچه بانکها، به دارنده چک اختیار داده شده است که علاوه بر شعبه افتتاح حساب، وجه آن را از سایر شعب نیز مطالبه نماید. بنابراین در صورت مراجعه دارنده چک در مهلت مقرر، به شعب دیگر و صدور گواهی عدم پرداخت از بانک مرجوع الیه، بزه صدور چک بلامحل محقق و دادگاه محل وقوع جرم، صالح به رسیدگی خواهد بود...»

ب) تامین وجه چک

در صورتی که متهم قبل از صدور حکم قطعی، وجه چک و خسارات تأخیر تأدیه را نقداً به دارنده آن پرداخت کند، یا موجبات پرداخت وجه چک و خسارات مذکور را فراهم نموده و یا وجه چک و خسارات تأخیر تأدیه را در صندوق دادگستری یا اجرای ثبت تودیع نماید، مرجع رسیدگی کننده، قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد کرد و متهم صدور چک بلامحل از مجازات معاف می‌شود. همچنین در صورتی که پس از صدور حکم قطعی، شاکی گذشت کند و یا اینکه محکوم علیه موجبات پرداخت وجه چک و خسارات تأخیر تأدیه و سایر خسارات مندرج در حکم را فراهم نماید، اجرای حکم موقوف می‌شود.

۸-۶- مجازات صدور چک پرداخت نشدنی

قانونگذار در قانون صدور چک برای جرم صدور چک پرداخت نشدنی با توجه به علتی که موجب عدم پرداخت چک شده سه نوع مجازات را در نظر گرفته است که ذیلأ به شرح آنها می‌پردازیم:

الف) به موجب ماده ۷ قانون صدور چک «هر کس مرتکب بزه صدور چک بلامحل گردد به شرح ذیل محکوم خواهد شد:

• چنانچه مبلغ مندرج در متن چک کمتر از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد به حبس تا حداکثر شش ماه محکوم خواهد شد.

• چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد، از شش ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد.

• چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال بیشتر باشد به حبس از یک سال تا دو سال و ممنوعیت از داشتن دسته چک به مدت دو سال محکوم خواهد شد و در صورتی که صادرکننده چک اقدام به اصدار* چک‌های بلامحل نموده باشد، مجموع مبالغ مندرج در متون چک‌ها ملاک عمل خواهد بود.

تبصره-۵ این مجازات‌ها شامل مواردی که ثابت شود چک‌های بلامحل بابت معاملات نامشروع و یا بهره ربوی صادر شده، نمی‌باشد.

* اصدار: صادر کردن ورقه یا حکم یا ابلاغ

ب) قانونگذار، صدور چک از حساب مسدود را از موارد تشدید مجازات دانسته و به موجب ماده ۱۰ قانون صدور چک مقرر داشته است که هرکس با علم به بسته بودن حساب بانکی خود مبادرت به صدور چک نماید به حداکثر مجازات مندرج در ماده ۷ (دو سال حبس تعزیری) محکوم خواهد شد و مجازات تعیین شده غیر قابل تعلیق است.

پ) چنانچه هر شخص (صادرکننده چک، ذینفع و قائم مقام قانونی آنها) بر خلاف واقع، دستور عدم پرداخت وجه چکی را صادر نماید و در رسیدگی‌های قضایی به بی‌حق محکوم گردد، به موجب قسمت آخر ماده‌ی ۱۴ قانون صدور چک، بنا به شکایت دارنده چک، علاوه بر مجازات مقرر در ماده ۷ قانون مذکور به پرداخت تمامی خسارات وارده محکوم خواهد شد.

۷- نکات مهم

۷-۱- باتوجه به اینکه مهر چکاوک بانک مرکزی دلالت بر وکالت و یا نمایندگی بانک واگذارنده چک جهت وصول دارد، بنابراین مسئولیت صحت احراز هویت ارائه دهنده چک (ذینفع) به عهده بانک واگذارنده خواهد بود که بانک مذکور با دقت‌هایی که در سلسله مراتب ظهنویسی معمول می‌دارد، مهر چکاوک بانک مرکزی را در ظهر چک ممهور می‌نماید. بدین ترتیب هرگونه اشکالی که در خصوص چک‌های مورد مبادله حاصل شود به عهده بانک واگذارنده‌ی چک خواهد بود. همچنین بانک پرداخت‌کننده نیز موظف به بررسی ارکان چک و ظهنویسی چک‌های واگذاری بوده و بایستی به سلسله مراتب پشت نویسی نیز توجه لازم معمول داشته و سپس مبادرت به قبولی چک نماید.^۱

۷-۲- در مورد چک‌هایی که ظهنویسی آنها کامل نمی‌باشد، بعضاً شعب اقدام به صدور گواهینامه عدم پرداخت ننموده و چک را به ضمیمه یادداشتی غیررسمی برای بانک ارسال کننده چک اعاده می‌نمایند، باتوجه به اینکه به موجب ماده ۴ قانون صدور چک، صدور گواهینامه عدم پرداخت برای چک‌هایی که به هر دلیلی قابل پرداخت نمی‌باشد، الزامی است، بنابراین در صورتی که ظهنویسی چک‌هایی که از طریق اتاق پایاپای اسناد بانکی برای وصول ارائه می‌گردد، کامل نباشد به شرح ذیل اقدام می‌شود:^۲

۱ نامه‌ی عمومی شماره‌ی ۶۷۳۷۱ مورخ ۱۳۶۷/۶/۲۷ اداره پایاپای چکها

۲ نامه‌ی عمومی شماره‌ی ۷۷۴۰۷ مورخ ۱۳۷۷/۵/۱۶ اداره کل اعتبارات

الف) چک‌هایی که به هنگام ارائه آنها به بانک دارای موجودی کافی در حساب مربوطه و یا سایر حسابهای صاحب حساب در بانک به شرط تفویض اختیار برداشت از آن حساب‌ها به بانک باشند، شعب معادل وجه چک را در حساب مشتری مسدود و چک را برای تکمیل ظهنویسی به بانک ارائه‌دهنده اعاده خواهند نمود.

ب) چک‌هایی که در زمان ارائه به بانک، فاقد موجودی و یا کسر موجودی باشند، بانک بدون توجه به کامل نبودن ظهنویسی بایستی اقدام به صدور گواهینامه عدم پرداخت نماید.

۷-۳- نظر به اینکه مشکلات عدیده‌ای در راستای عدم ثبت مشخصات کامل واگذارنده چک برای وصول، از طریق اتاق پایاپای اسنادبانکی، در ظهر چک برای محاکم قضائی و به هنگام صدور گواهینامه عدم پرداخت چک برای شعب محال‌علیه به وجود می‌آید و با توجه به اینکه شعب موظف می‌باشند، یک نسخه از گواهینامه عدم پرداخت را برای اداره اطلاعات بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا. ارسال نمایند و گواهینامه مزبور می‌باید حاوی مشخصات کامل صادرکننده و ذینفع چک باشد، بنابراین شعب در موقع پذیرش چک از مشتریان برای وصول، دقت لازم را معمول خواهند کرد تا مشخصات کامل واگذارنده (ذینفع چک) همانند اشخاصی که برای وصول چک شخصاً به شعب مراجعه می‌نمایند، ثبت گردیده و متعاقباً اقدام به صدور گواهی دریافت چک برای وصول نمایند.^۱ (نمونه ۳۸۰ بانکی)

۷-۴- نحوه احراز هویت و پرداخت وجه چک به اشخاص حقیقی و حقوقی

الف) اشخاص حقیقی: به منظور پرداخت نقدی چک‌ها، هویت اشخاص حقیقی با ارائه مدارک معتبر ذیل احراز می‌گردد:

- شناسنامه عکس‌دار صادره ج.ا.ا.، گواهینامه رانندگی، گذرنامه معتبر، کارتهای شناسایی جدید صادره بنیاد شهید برای خانواده‌های معظم شهدا، مفقودین، آزادگان و جانبازان و کارت ملی عکس‌دار.

۱ نامه‌ی عمومی شماره‌ی ۷۶۲۶۱ مورخ ۱۳۷۶/۷/۶ اداره مذکور

هرگونه دریافت و پرداخت چک مستلزم شناسایی اولیه شخص حقیقی شامل نام، نام خانوادگی، شماره ملی، تاریخ تولد، نشانی کامل، کد پستی محل سکونت، شماره تلفن و تطبیق آنها با کارت ملی و تایید مراتب از سوی شعبه اقدام کننده می باشد.

ب) اشخاص حقوقی: در مواردی که دارنده چک شخص حقوقی بوده (اعم از اینکه چک در وجه شخص حقوقی صادر و یا به نفع او پشت نویسی شده باشد) و بخواهد وجه چک را نقداً از بانک دریافت نماید، احراز هویت صاحبان امضاء مجاز با ارائه مدارک ثبتی و قانونی (اساسنامه، آگهی منتشره در روزنامه رسمی حاکی از ثبت شرکت و آخرین تغییرات مبنی بر تعیین حدود و مدت اختیارات مدیران و افرادی که به موجب اساسنامه حق امضا دارند، ارائه اصل شناسنامه صاحبان امضای مجاز) به عمل خواهد آمد. همچنین در مواردی که چک های مذکور (صادره در وجه اشخاص حقوقی) با مهر و امضای شخص حقوقی در ظهر آن به شخص حقیقی منتقل و توسط وی جهت وصول ارائه گردد، پس از احراز هویت به شرح بند الف اقدام خواهد شد.^۱

۵-۷- چک های صادرة در وجه وزارت خانه ها، سازمان ها، موسسات و شرکت های دولتی قابل انتقال و ظهر نویسی به حساب های غیردولتی اعم از حساب های اشخاص حقیقی و حقوقی نبوده و صرفاً به حساب های مجاز دولتی که با رعایت مقررات از طریق اداره کل خزانه و نمایندگی خزانه استان مربوطه افتتاح گردیده اند، قابل واریز می باشند.^۲

۶-۷- حساب جاری اشخاصی که مبادرت به صدور یک فقره چک بلامحل نموده و بنا به تقاضای دارنده چک منتهی به صدور گواهینامه عدم پرداخت به علت فقدان یا کسر موجودی می شود، تحت عنوان **حساب جاری درگیر** تلقی گردیده و اعطای دسته چک جدید به صاحبان این قبیل حسابها ممنوع می باشد. در صورتی که صاحب حساب درگیر ظرف مدت ده روز از تاریخ صدور گواهینامه عدم پرداخت، حسن نیت خود را با تامین وجه چک برگشت شده در بانک و یا ارائه اصل چک به شعبه، اثبات نماید، مشمول بند فوق نخواهد بود. بدیهی است در صورتی که صاحبان حساب های مورد بحث بعد از گذشت ده روز از زمان صدور گواهینامه عدم پرداخت و محرومیت آنها از دریافت دسته چک جدید، وجه چک های برگشتی خود را نزد

۱ نامه شماره ۴۵۲ مورخ ۱۳۷۲/۱/۷ اداره کل حقوقی و دعاوی

۲ نامه های عمومی شماره ۷۷۱۰۰ مورخ ۱۳۷۷/۴/۲۸ و ۸۲۲۱۱ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۳ اداره کل [وقت] حسابداری مدیریت و آمار

بانک تامین نموده یا اصل چک‌های مذکور را به بانک تسلیم نمایند و یا وجه چک از حساب جاری صادرکننده توسط بانک پرداخت شده باشد یا رضایت‌نامه دارنده چک که مشخصات آن با مشخصات موجود در گواهی‌نامه عدم پرداخت وجه چک مطابقت داشته باشد و امضای آن توسط دفاتر اسناد رسمی گواهی شده باشد به بانک ارائه نماید. ارائه دسته‌چک جدید پس از رفع سوء اثر از بانک مرکزی ج.ا.ا. امکان‌پذیر خواهد بود.^۱

۷-۷- حساب جاری اشخاص حقیقی و حقوقی صرفاً طبق قانون صدور چک و با دستور صریح مقامات قضایی قابل انسداد بوده و مسدود نمودن حساب‌های جاری توسط شعب فاقد وجهت قانونی است. بر اساس تبصره مواد ۲۵ و ۲۶ دستورالعمل سال ۱۳۹۱ حساب جاری مسئولیت ناشی از وجود چک‌های در گردش مشتری برعهده وی می‌باشد و در صورت بسته شدن حساب جاری مشتری، بانک موظف است بنا به درخواست وی، مبالغ احتمالی واریزی به این حساب را به حساب معرفی شده دیگری در همان بانک واریز نماید.

۷-۸- باتوجه به تکلیف بانک به اجرای دستور صاحب حساب، ذینفع و یا قائم‌مقام قانونی آنها وفق مفاد ماده ۱۴ قانون صدور چک خصوصاً تبصره ۲ ماده مذکور، موکول نمودن قبول دستور عدم پرداخت، به تامین وجه چک از طرف دستوردهنده حسب قسمت اخیر تبصره ۱ ماده مزبور، مطابق موازین قانونی نمی‌باشد و تکلیف بانک به نگهداری وجه چک در حساب مسدود صرفاً در صورتی است که وجه چک در حساب مربوطه موجود باشد.^۲

۷-۹- برای افتتاح حساب جاری به نام اشخاص حقیقی و حقوقی، شعب ملزم به انجام استعلام از بانک مرکزی ج.ا.ا. بوده و در صورتی می‌توانند نسبت به افتتاح حساب اقدام نمایند که متقاضی فاقد سابقه صدور چک بلامحل باشد. در رابطه با اشخاص حقوقی اخذ استعلام برای تمامی اعضاء هیأت‌مدیره اعم از صاحبان امضا و بدون امضا و نیز اشخاصی که چک‌ها را به وکالت از جانب اشخاص حقیقی و حقوقی امضا می‌نمایند، الزامی می‌باشد. لازم به ذکر است حساب‌های مربوط به خزانه که دارندگان امضای آن از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی معرفی می‌شوند، در صورتی که دارای سابقه صدور چک بلامحل باشند، از این قاعده مستثنی بوده ولی قبل از افتتاح حساب جاری مراتب باید به معاونت هزینه و خزانه‌داری کل کشور اعلام و پس

۱ نامه‌ی عمومی شماره‌ی ۷۸۱۱۰ مورخ ۱۳۷۸/۵/۷ و دستورالعمل شماره ۴۴۲۲۷ مورخ ۱۳۸۰/۹/۲۰ اداره کل اعتبارات

۲ نامه‌ی عمومی شماره‌ی ۷۹۱۶۴ مورخ ۱۳۷۹/۸/۱۱ اداره کل حقوقی و دعاوی

از کسب مجوز مجدد از مرجع یاد شده نسبت به افتتاح حساب برای دستگاه دولتی با امضای ذی‌حساب اقدام گردد.^۱

ضمناً استعلام در رابطه با صاحبان امضای مجاز حسابهای بانک مرکزی در ردیف بنگاه‌های دولتی و شهرداری‌ها الزامی بوده و چنانچه امضادار مجاز در حساب سپرده قرض‌الحسنه جاری خود چک برگشتی داشته‌باشد، بایستی وفق مقررات نسبت به رفع سوء اثر از حساب خود اقدام نماید.

۷-۱۰- تاثیر خط زدن کلمه «حواله کرد» و یا قید شرط در متن چک: اصل بر حق نقل و انتقال اسناد تجاری می‌باشد لذا خط زدن یا نزدن کلمه «حواله کرد» تاثیری در نقل و انتقال چک ندارد.

۷-۱۱- تاثیر اختلاف حساب با دارنده چک یا غش در معامله یا سایر عناوین غیر مجرمانه، در پرداخت وجه چک: در ماده ۱۴ قانون صدور چک مواردی که صاحب حساب یا ذینفع می‌تواند دستور عدم پرداخت چک را صادر نماید بیان شده که شامل مواردی از قبیل مفقودی، سرقت، کلاهبرداری و یا خیانت در امانت و یا جرائمی از این قبیل می‌باشد و با توجه به این موضوع که اختلاف حساب و غش در معامله جرم محسوب نمی‌گردد و هرگونه ادعایی از این جهت باید در محاکم حقوقی دادگستری مطرح گردد لذا بانک نمی‌تواند به استناد درخواست فوق از پرداخت وجه چک مورد نزاع خودداری نماید.

۷-۱۲- گواهی عدم پرداخت برای چک فاقد امضاء: با عنایت به اینکه، چک با امضاء ذیل آن سندیت می‌یابد و از شرایط اساسی و صحت صدور چک، وجود امضاء صاحب حساب می‌باشد، فلذا چک بدون امضاء فاقد اعتبار بوده و بانک مجاز به صدور گواهینامه عدم پرداخت نمی‌باشد.

۱ نامه‌های عمومی شماره ۸۰۰۲۱، ۷۹۰۲۶ و ۷۹۰۷۲ مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۳، ۱۳۷۹/۲/۱۱ و ۱۳۷۹/۴/۴ اداره کل بازرسی. [توضیح؛ در حال حاضر با تصویب شق ۲ از بند الف تبصره ۷ قانون بودجه ۱۴۰۰ موضوع افتتاح حساب برای دستگاهها نزد بانک‌های تجاری کشور (از جمله بانک ملی ایران) منتفی شده است. این تبصره اشعار می‌دارد؛ «کلیه دستگاههای اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۲۹) قانون برنامه ششم توسعه از جمله دستگاهها و شرکتهای مستلزم ذکر یا تصریح نام مانند شرکتهای اصلی و تابعه وزارت نفت و سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو) و سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو) مکلفند کلیه حسابهای ریالی خود (درآمدی و هزینه ای) را صرفاً از طریق خزانة داری کل کشور و نزد بانک مرکزی افتتاح کنند. دستگاههای یاد شده موظفند کلیه دریافت‌ها و پرداخت‌های خود را فقط از طریق حساب‌های افتتاح شده نزد بانک مرکزی انجام دهند. نگهداری هرگونه حساب توسط دستگاههای مذکور در بانکی غیر از بانک مرکزی در حکم تصرف غیرقانونی در اموال عمومی است. نهادهای عمومی غیردولتی در رابطه با آن بخش از منابع خود که از محل منابع عمومی یا کمکهای مردمی تأمین می‌شود، مشمول حکم این جزء می‌شوند.»]

۷-۱۳- پرداخت چک‌هایی که تاریخ آن مربوط به تصدی مدیر و امضادار قبلی (مانند شهردار سابق) با امضاء مدیر و امضادار فعلی (مانند شهردار جدید): چرا که صورت ظاهری چک‌های مذکور حاکی از جعل بوده و جرم می‌باشد و در این صورت می‌بایست پس از اعلام امضاء جدید، تاریخ چک ظهنروسی و اصلاح گردد.

۷-۱۴- پرداخت چک‌هایی که مشتری صادر نموده و قبل از مراجعه چک‌ها به بانک صادرکننده فوت نموده است: با توجه به ماده ۲۲ شرایط عمومی حساب جاری چنانچه در مورد حسابهای مشترک یکی از صاحبان حساب فوت نماید مادام که اطلاع کتبی به شعبه بانک نرسیده باشد و چک‌های صادره عهده حساب مزبور پرداخت شود هیچگونه مسئولیتی متوجه بانک نخواهد بود، ضمناً پس از اطلاع از فوت صاحب حساب، بانک چک‌هایی را که صاحب حساب آن فوت کرده باشد پرداخت نخواهد نمود. همچنین در صورت فوت صاحب حساب انفرادی نیز قاعده مذکور در ماده جاری و ساری خواهد بود.

۷-۱۵- پرداخت چک‌هایی که توسط مشتریان با ماژیک ففسری تحریر و یا علامت گذاری گردیده‌اند: به موجب قسمت ذیل ماده ۳ قانون صدور چک «... و نیز نباید چک را به صورتی تنظیم نماید که بانک به عللی از قبیل عدم مطابقت امضاء یا قلم خوردگی در متن چک یا اختلاف در مندرجات چک و امثال آن از پرداخت وجه چک خودداری نماید.» بنا به مراتب فوق موضوع تحریر یا علامت گذاری چک توسط مشتریان با ماژیک ففسری در مقررات قانونی عنوان نگردیده، لذا پرداخت اینگونه چک‌ها به صرف تحریر یا علامت گذاری آن با ماژیک ففسری در صورتی که سایر ارکان چک کاملاً صحیح و بدون عیب و نقص باشد از نظر حقوقی بلا اشکال است.

۷-۱۶- تأیید امضاء فتوکی چک‌های ارسالی توسط شعب خارج از کشور در حدود عرف بانکداری توسط شعب بانک ملی در داخل کشور: طبق ماده ۴ قانون صدور چک در مواردی که وجه چکی که جهت وصول به بانک ارائه گردیده به عللی قابل پرداخت نباشد بانک مکلف به صدور گواهینامه عدم پرداخت بوده و در برگه مزبور، مطابقت امضاء صادرکننده چک (یا عدم مطابقت آن) با نمونه امضاء موجود در بانک «در حدود عرف بانکداری» توسط بانک تصدیق می‌گردد (که این امر ملازمه با رویت اصل چک توسط شعبه محال علیه دارد). بنابراین در صورتی که چک‌های ارسالی در حضور مسئولین شعب خارج از کشور امضاء شده

و این امر مورد تأیید مسئولین مزبور بوده و فتوکی ارسالی نیز منطبق با اصل چک باشد، صرفاً تأیید این که امضای فتوکی چک ارسالی در حدود عرف بانکداری با امضاء موجود نزد شعبه تطبیق می‌نماید بلامانع است. ضمناً درخواست گواهی امضاء از طرف مشتریان با آنچه که در این بند آمده تفاوت دارد، با این توضیح که با عنایت به نامه عمومی شماره ۶۵۲۸۱ مورخ ۶۵/۱۰/۲۳ اداره حقوقی و دعاوی، بانک مرجع صالح برای تصدیق امضاء مشتریان نیست ولی رسیدگی به صحت امضای مشتریان در داخل بانک و مربوط به امور داخلی مجاز است.

۷-۱۷- رویه متفاوت بانکی در خصوص برگشت یا عدم برگشت چک‌هایی که بین مبلغ حروفی و مبلغ عددی اختلاف دارد: به علت اختلاف مندرجات حروفی و عددی، اینگونه چک‌ها منتهی به صدور گواهی عدم پرداخت می‌شود.

۷-۱۸- نوشتن مندرجات چک با مداد یا خود کار قرمز یا استفاده از دو یا چند رنگ یا استفاده از اعداد و حروف انگلیسی در متن چک: با توجه به عدم مانع قانونی، به نظر می‌رسد اشکالی نداشته باشد.

۷-۱۹- پرداخت وجه چک برگشت شده‌ای که فاقد گواهینامه عدم پرداخت می‌باشد (مثلاً به علت فقدان): چنانچه مشتری کتباً به موضوع مذکور اشاره و تصریح نماید و آثار و مسئولیت‌های ناشی از فقدان گواهینامه عدم پرداخت را شخصاً تقبل نماید به نظر می‌رسد پرداخت وجه چنین چکی بلامانع است.

۷-۲۰- چک‌هایی که به منظور تضمین تسهیلات توسط شعبه اخذ شده، چنانچه اینگونه چک‌ها سفید امضاء باشند، آیا درج مبلغ در متن چک، الحاق و جعل است یا خیر؟ اساساً اصلح است این امر صورت پذیرد یا خیر: هر چند طبق نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه، درج مبلغ در اینگونه چک‌ها، جعل محسوب نمی‌شود لکن اصلح است متن چک هنگام دریافت آن از سوی شعبه، توسط صادرکننده تحریر شود.

۷-۲۱- گواهینامه عدم پرداخت برای چک‌هایی که فاقد امضاء می‌باشند و از طریق اتاق پایاپای اسناد بانکی برای شعب ارسال می‌گردد، صادر نمی‌شود.

۷-۲۲- پرداخت چک‌های صادره از حساب‌های دولتی که می‌بایست دارای تأییدیه بوده ولیکن در هنگام ارائه، تأییدیه همراه چک نباشد: لازم است دارنده چک را جهت اخذ تأییدیه و ارائه آن

به بانک، به سازمان دولتی مورد نظر هدایت نمود تا موجبات رعایت دستورالعمل صادره و پرداخت وجه چک فراهم گردد.

۲۳-۷- وظیفه بانک در رابطه با چک‌هایی که در وجه دادگستری یا حسابهای غیرقابل برداشت دادگستری، صادر و بعضاً توسط اجرای احکام یا قضات در وجه اشخاص ثالث ظهنویسی شده و دستور به پرداخت نقدی می‌گردد: قانون محاسبات عمومی کشور و نامه‌های صادره ادارات مرکزی، ظهنویسی چک‌های صادره در وجه ادارات و سازمانهای دولتی به نفع اشخاص ثالث مجاز نمی‌باشد. لیکن اداره حقوقی و دعاوی طی نامه شماره ۹۶۶/۱/۴ مورخ ۸۴/۱/۲۳ اعلام نموده: «با توجه به مواد ۱۱ و ۳۰ قانون محاسبات عمومی کشور ضروری است نظر مقام قضایی را به مواد مذکور که ناظر بر لزوم تمرکز وجوه چک‌ها در حساب‌های خزانه‌داری کل بوده معطوف و استعلام نماید. بدیهی است در صورت دستور صریح و کتبی طبق آن اقدام می‌گردد.)

۲۴-۷- تمامی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی از «اعطای هرگونه تسهیلات»، «افتتاح هرگونه حساب سپرده جدید»، «ارایه دسته‌چک»، «گشایش اعتبار اسنادی»، «صدور ضمانت‌نامه» و «ارائه خدمات بانکی الکترونیکی»، به دارندگان سابقه چک برگشتی ممنوع می‌باشند.

۲۵-۷- بموجب ماده ۴ قانون صدور چک گواهی نامه عدم پرداخت چک می‌بایست واجد کد رهگیری مربوط به ثبت سابقه چک برگشتی در سامانه بانک مرکزی باشد. در غیر اینصورت در مراجع قضایی و ثبتی ترتیب اثر داده نمی‌شود.

۲۶-۷- بموجب ماده ۵ قانون صدور چک در صورتی که موجودی حساب صادرکننده چک نزد بانک کمتر از مبلغ چک باشد، به تقاضای دارنده چک بانک مکلف است مبلغ موجودی در حساب را به دارنده چک بپردازد و دارنده با قید مبلغ دریافت‌شده پشت چک، آن را به بانک تسلیم نماید. بانک مکلف است بنابه درخواست دارنده چک فوراً کسری مبلغ چک را در سامانه یکپارچه بانک مرکزی وارد نماید و با دریافت کد رهگیری و درج آن در گواهینامه‌ای با مشخصات مذکور در ماده قبل، آن را به متقاضی تحویل دهد. به گواهینامه فاقد کد رهگیری در مراجع قضایی و ثبتی ترتیب اثر داده نمی‌شود.

چک مزبور نسبت به مبلغی که پرداخت نگردیده، بی محل محسوب و گواهینامه بانک در این مورد برای دارنده چک، جانشین اصل چک می‌شود. در مورد این ماده نیز بانک مکلف است اعلامیه مذکور در ماده قبل را برای صاحب حساب ارسال نماید.

۷-۲۷- بانک‌ها مکلفند به هنگام صدور گواهینامه عدم پرداخت، در صورتی که چک به نمایندگی صادر شده باشد، مشخصات نماینده را نیز در گواهینامه مذکور درج نمایند.

نحوه رفع سوء اثر از چکهای برگشتی: براساس تبصره ۳ ماده ۵ مکرر قانون صدور چک رفع سوء اثر از سوابق چک‌های برگشتی به یکی از طرق زیر صورت می‌پذیرد لذا در هر یک از موارد زیر، بانک مکلف است مراتب را در سامانه یکپارچه بانک مرکزی اعلام کند تا فوراً و به صورت برخلاف از چک رفع سوء اثر شود:

الف- واریز کسری مبلغ چک به حساب جاری نزد بانک محال‌علیه و ارائه درخواست مسدودی: در این صورت بانک نسبت به مسدود کردن مبلغ مذکور تا زمان مراجعه دارنده چک و حداکثر به مدت یک سال اقدام و سپس ظرف مدت سه روز واریز مبلغ را به شیوه‌ای اطمینان‌بخش و قابل استناد به اطلاع دارنده چک برساند.

ب- ارائه لاشه چک به بانک محال‌علیه: مشتری لاشه چک برگشتی را به بانک ارائه و بانک در قبال آن به وی رسید تحویل می‌نماید.

ج- ارائه رضایت‌نامه رسمی (تنظیم‌شده در دفاتر اسناد رسمی) از ذینفع چک: در صورت عدم امکان ارائه لاشه چک برگشتی به بانک بنا به دلایلی نظیر مفقود شدن، به سرقت رفتن و سوختن، ذینفع چک (شخصی که گواهی نامه عدم پرداخت وجه چک به نام او صادر شده است) می‌تواند با حضور در دفتر خانه اسناد رسمی، رضایت خود را اعلام نموده و بانک با دریافت رضایت‌نامه مزبور، نسبت به رفع سوء اثر از چک مورد نظر و ابطال آن اقدام می‌نماید. در موردی که گواهی نامه بنام شخص حقوقی دولتی یا عمومی صادر شده باشد، نامه رسمی از شخص حقوقی دولتی یا عمومی غیردولتی دارنده چک کفایت می‌کند.

د- ارائه نامه رسمی از مرجع قضائی یا ثبتی ذی صلاح مبنی بر اتمام عملیات اجرائی در خصوص چک؛

ه- ارائه حکم قضائی مبنی بر برائت ذمه صاحب حساب در خصوص چک؛

و- سپری شدن مدت سه سال از تاریخ صدور گواهینامه عدم پرداخت مشروط به عدم طرح دعوای حقوقی یا کیفری در خصوص چک توسط دارنده.

قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۰۴/۱۶ (با اصلاحات و الحاقات بعدی)

ماده ۱ (الحاقی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) - انواع چک عبارت است از:

- ۱- چک عادی: چکی است که اشخاص عهده بانک‌ها به حساب جاری خود صادر و دارنده آن تضمینی جز اعتبار صادرکننده آن ندارد.
- ۲- چک تأییدشده: چکی است که اشخاص عهده بانک‌ها به حساب جاری خود صادر و توسط بانک محال علیه، پرداخت وجه آن تأیید می‌شود.
- ۳- چک تضمین شده: چکی است که توسط بانک به عهده همان بانک به درخواست مشتری صادر و پرداخت وجه آن توسط بانک تضمین می‌شود.
- ۴- چک مسافرتی: چکی است که توسط بانک صادر و وجه آن در هریک از شعب آن بانک یا توسط نمایندگان و کارگزاران آن پرداخت می‌گردد.

تبصره (الحاقی ۱۳۹۷/۰۸/۱۳) - قوانین و مقررات مرتبط با چک حسب مورد، راجع به چک‌هایی که به شکل الکترونیکی (داده پیام) صادر می‌شوند نیز لازم الرعایه است. بانک مرکزی مکلف است ظرف مدت یک سال پس از لازم الاجراء شدن این قانون، اقدامات لازم در خصوص چک‌های الکترونیکی (داده پیام) را انجام داده و دستورالعمل‌های لازم را صادر نماید.

ماده ۲ (اصلاحی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) - چک‌های صادره عهده بانک‌هایی که طبق قوانین ایران در داخل کشور دایر شده یا می‌شوند همچنین شعب آنها در خارج از کشور در حکم اسناد لازم‌الاجرا است و دارنده چک در صورت مراجعه به بانک وعدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن به علت نبودن محل و یا به هر علت دیگری که منتهی به برگشت چک و عدم پرداخت گردد، می‌تواند طبق قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به اجرای اسناد رسمی، وجه چک یا باقیمانده آن را از صادرکننده وصول نماید. برای صدور اجرائیه، دارنده چک باید، عین چک و گواهی نامه مذکور در ماده ۴ و یا گواهی نامه مندرج در ماده ۵ را به اجرای ثبت اسناد محل تسلیم نماید.

اجرای ثبت در صورتی دستور اجرا صادر می‌کند که مطابقت امضاء چک با نمونه امضاء صادرکننده در بانک از طرف بانک گواهی شده باشد.

دارنده‌ی چک اعم است از: کسی که چک در وجه او صادر گردیده یا به نام او پشت‌نویسی شده یا حامل چک (در مورد چک‌های در وجه حامل) یا قائم مقام قانونی آنان.

تبصره (الحاقی ۱۳۷۶/۰۴/۱۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام): دارنده چک می‌تواند محکومیت صادرکننده را نسبت به پرداخت تمامی خسارات و هزینه‌های وارده شده که مستقیماً و به طور متعارف در جهت وصول طلب خود، از ناحیه وی متحمل شده است، اعم از آنکه قبل از صدور حکم و یا پس از آن باشد از دادگاه تقاضا نماید. در صورتی که دارنده چک جبران خسارت و هزینه‌های مزبور را پس از صدور حکم درخواست کند، باید درخواست خود را به همان دادگاه صادرکننده حکم تقدیم نماید.^۱

ماده ۳ (اصلاحی ۱۳۸۲/۰۶/۰۲) - صادرکننده چک باید در تاریخ مندرج در آن معادل مبلغ مذکور در بانک محال علیه وجه نقد داشته باشد نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که باعتبار آن چک صادر کرده بصورتی از بانک خارج نماید یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد و نیز نباید چک را بصورتی تنظیم نماید که بانک بعللی از قبیل عدم مطابقت امضاء یا قلم خوردگی در متن چک یا اختلاف در مندرجات چک و امثال آن از پرداخت وجه چک خودداری نماید. هرگاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد بانک بآن شرط ترتیب اثر نخواهد داد.

ماده ۳ مکرر (الحاقی ۱۳۸۲/۰۶/۰۲) - چک فقط در تاریخ مندرج در آن یا پس از تاریخ مذکور، قابل وصول از بانک خواهد بود.

ماده ۴ (اصلاحی ۱۳۹۷/۰۸/۱۳) - هرگاه وجه چک به علتی از علل مندرج در ماده ۳ پرداخت نگردد بانک مکلف است بنا بر درخواست دارنده چک فوراً غیرقابل پرداخت بودن آن را در سامانه یکپارچه بانک مرکزی ثبت نماید و با دریافت کد رهگیری و درج آن در گواهینامه ای که مشخصات چک و هویت و نشانی کامل صادرکننده در آن ذکر شده باشد، علت یا علل عدم پرداخت را صریحاً قید و آن را امضاء و مهر و به متقاضی تسلیم نماید. به گواهینامه فاقد کد رهگیری و فاقد مهر شخص حقوقی در مراجع قضائی و ثبتی ترتیب اثر داده نمی‌شود. در برگ مزبور باید مطابقت یا عدم مطابقت امضای صادرکننده با نمونه امضای موجود در بانک (در حدود عرف بانکداری) از طرف بانک گواهی شود. بانک مکلف است به منظور اطلاع صادرکننده چک، فوراً نسخه دوم این برگ را به آخرین نشانی صاحب حساب که در بانک موجود است، ارسال دارد. در برگ مزبور باید نام و نام خانوادگی و نشانی کامل دارنده چک نیز قید گردد.

۱. به تاریخ ۱۳۷۶/۰۹/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام قانون تفسیری برای این تبصره بدین شرح مصوب نمود: «ماده واحده: منظور از عبارت «کلیه خسارات و هزینه های وارد شده ...» مذکور در تبصره الحاقی ... خسارات تاخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن که توسط بانک مرکزی ج.ا.ا اعلام شده و هزینه دادرسی و حق الوکاله بر اساس تعرفه های قانونی است.»

ماده ۵ (اصلاحی ۱۳/۰۸/۱۳۹۷) - در صورتی که موجودی حساب صادرکننده چک نزد بانک کمتر از مبلغ چک باشد به تقاضای دارنده چک بانک مکلف است مبلغ موجود در حساب را به دارنده چک بپردازد و دارنده با قید مبلغ دریافت شده در پشت چک، آن را به بانک تسلیم نماید. بانک مکلف است بنا به درخواست دارنده چک فوراً کسری مبلغ چک را در سامانه یکپارچه بانک مرکزی وارد نماید و با دریافت کد رهگیری و درج آن در گواهینامه ای با مشخصات مذکور در ماده قبل، آن را به متقاضی تحویل دهد. به گواهینامه فاقد کد رهگیری در مراجع قضائی و ثبتی ترتیب اثر داده نمی شود.

چک مزبور نسبت به مبلغی که پرداخت نگردیده، بی محل محسوب و گواهینامه بانک در این مورد برای دارنده چک جانشین اصل چک می شود. در مورد این ماده نیز بانک مکلف است اعلامیه مذکور در ماده قبل را برای صاحب حساب ارسال نماید.

ماده ۵ مکرر (الحاقی ۱۳/۰۸/۱۳۹۷) - بعد از ثبت غیرقابل پرداخت بودن یا کسری مبلغ چک در سامانه یکپارچه بانک مرکزی، این سامانه مراتب را به صورت برخط به تمام بانک ها و مؤسسات اعتباری اطلاع می دهد. پس از گذشت بیست و چهار ساعت کلیه بانکها و مؤسسات اعتباری حسب مورد مکلفند تا هنگام رفع سوء اثر از چک، اقدامات زیر را نسبت به صاحب حساب اعمال نمایند:

الف - عدم افتتاح هر گونه حساب و صدور کارت بانکی جدید؛

ب - مسدود کردن وجوه کلیه حسابها و کارتهای بانکی و هر مبلغ متعلق به صادرکننده که تحت هر عنوان نزد بانک یا مؤسسه اعتباری دارد به میزان کسری مبلغ چک به ترتیب اعلامی از سوی بانک مرکزی؛

ج - عدم پرداخت هر گونه تسهیلات بانکی یا صدور ضمانت نامه های ارزی یا ریالی؛

د - عدم گشایش اعتبار اسنادی ارزی یا ریالی.

تبصره ۱ (الحاقی ۱۳/۰۸/۱۳۹۷) - چنانچه اعمال محدودیت های مذکور در بندهای (الف)، (ج) و (د) در خصوص بنگاههای اقتصادی با توجه به شرایط، اوضاع و احوال اقتصادی موجب اختلال در امنیت اقتصادی استان مربوط شود، به تشخیص شورای تأمین استان موارد مذکور به مدت یک سال به حالت تعلیق در می آید. آیین نامه اجرائی این تبصره با در نظر گرفتن معیارهایی مانند میزان تولید و صادرات بنگاه و تعداد افراد شاغل در آن ظرف مدت سه ماه از لازم الاجراء شدن این قانون به پیشنهاد مشترک وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی به تصویب هیأت وزیران می رسد.

تبصره ۲ (الحاقی ۱۳/۰۸/۱۳۹۷) - در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شود، اقدامات موضوع این ماده علاوه بر صاحب حساب، در مورد وکیل یا نماینده نیز اعمال می شود مگر اینکه در مرجع قضائی صالح اثبات نماید عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی او است. بانکها مکلفند به هنگام صدور گواهینامه عدم پرداخت، در صورتی که چک به نمایندگی صادر شده باشد، مشخصات نماینده را نیز در گواهینامه مذکور درج نمایند.

تبصره ۳ (الحاقی ۱۳/۰۸/۱۳۹۷) - در هر یک از موارد زیر، بانک مکلف است مراتب را در سامانه یکپارچه بانک مرکزی اعلام کند تا فوراً و به صورت برخط از چک رفع سوء اثر شود:

الف - واریز کسری مبلغ چک به حساب جاری نزد بانک محال علیه و ارائه درخواست مسدودی که در این صورت بانک مکلف است ضمن مسدود کردن مبلغ مذکور تا زمان مراجعه دارنده چک و حداکثر به مدت یک سال، ظرف مدت سه روز واریز مبلغ را به شیوه ای اطمینان بخش و قابل استناد به اطلاع دارنده چک برساند.

ب - ارائه لاشه چک به بانک محال علیه؛

ج - ارائه رضایت نامه رسمی (تنظیم شده در دفاتر اسناد رسمی) از دارنده چک یا نامه رسمی از شخص حقوقی دولتی یا عمومی غیردولتی دارنده چک؛

د - ارائه نامه رسمی از مرجع قضائی یا تبتی ذی صلاح مبنی بر اتمام عملیات اجرائی در خصوص چک؛

ه - ارائه حکم قضائی مبنی بر براءت ذمه صاحب حساب در خصوص چک؛

و - سپری شدن مدت سه سال از تاریخ صدور گواهینامه عدم پرداخت مشروط به عدم طرح دعوای حقوقی یا کیفری در خصوص چک توسط دارنده.

تبصره ۴ (الحاقی ۱۳/۰۸/۱۳۹۷) - چنانچه صدور گواهینامه عدم پرداخت به دلیل دستور عدم

پرداخت طبق ماده (۱۴) این قانون و تبصره های آن باشد، سوء اثر محسوب نخواهد شد.

تبصره ۵ (الحاقی ۱۳/۰۸/۱۳۹۷) - بانک یا مؤسسه اعتباری حسب مورد مسؤول جبران خساراتی

خواهند بود که از عدم انجام تکالیف مقرر در این ماده و تبصره های آن به اشخاص ثالث وارد شده است.

ماده ۶ (اصلاحی ۲۹/۰۱/۱۴۰۰) - بانکها مکلفند برای ارائه دسته چک به مشتریان خود، صرفاً از

طریق سامانه صدور یکپارچه الکترونیکی دسته چک (صیاد) نزد بانک مرکزی اقدام نمایند. این سامانه

پس از اطمینان از صحت مشخصات متقاضی با استعلام از سامانه نظام هویت سنجی الکترونیکی بانکی و نبود ممنوعیت قانونی، حسب مورد نسبت به دریافت گزارش اعتباری از سامانه ملی اعتبارسنجی موضوع ماده (۵) «قانون تسهیل اعطای تسهیلات و کاهش هزینه های طرح و تسریع در اجرای طرحهای تولیدی و افزایش منابع مالی و کارایی بانکها مصوب ۱۳۸۶/۴/۵» یا رتبه بندی اعتباری از مؤسسات موضوع بند (۲۱) ماده (۱) «قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱/۹/۱۳۸۴» اقدام نموده و متناسب با نتایج دریافتی، سقف اعتبار مجاز متقاضی را محاسبه و به هر برگه چک شناسه یکتا اختصاص می دهد. ضوابط این ماده از جمله شرایط دریافت دسته چک، نحوه محاسبه سقف اعتبار و موارد مندرج در برگه چک مانند هویت صاحب حساب مطابق دستورالعملی است که ظرف مدت یک سال پس از لازم الاجراء شدن این قانون توسط بانک مرکزی تهیه می شود و به تصویب شورای پول و اعتبار می رسد.

تبصره ۱ (الحاقی ۱۳/۸/۱۳۹۷) - بانکها و سایر اشخاصی که طبق قوانین یا مقررات مربوط، اطلاعات مورد نیاز اعتبار سنجی یا رتبه بندی اعتباری را در اختیار مؤسسات مربوط قرار می دهند، مکلف به ارائه اطلاعات صحیح و کامل می باشند.

تبصره ۲ (الحاقی ۱۳/۸/۱۳۹۷) - به منظور کاهش تقاضا برای دریافت دسته چک و رفع نیاز اشخاص به ابزار پرداخت وعده دار، بانک مرکزی مکلف است ظرف مدت یک سال پس از لازم الاجراء شدن این قانون، ضوابط و زیرساخت خدمات برداشت مستقیم را به صورت چک موردی برای اشخاصی که دسته چک ندارند، به صورت یکپارچه در نظام بانکی تدوین و راه اندازی نماید تا بدون نیاز به اعتبارسنجی، رتبه بندی اعتباری و استفاده از دسته چک، امکان برداشت از حساب این اشخاص برای ذی نفعان معین فراهم شود. در صورت عدم موجودی کافی برای پرداخت چک موردی، صاحب حساب تا زمان پرداخت دین، مشمول موارد مندرج در بندهای (الف) تا (د) ماده (۵) مکرر این قانون و نیز محرومیت از دریافت دسته چک، صدور چک جدید و استفاده از چک موردی می باشد.

تبصره ۳ (الحاقی ۱۳/۸/۱۳۹۷) - هر شخص که با توسل به شیوه های متقلبانه مبادرت به دریافت دسته چکی غیرمتناسب با اوضاع مالی و اعتباری خود کرده باشد یا دریافت آن توسط دیگری را تسهیل نماید، به مدت سه سال از دریافت دسته چک، صدور چک جدید و استفاده از چک موردی محروم و به جزای نقدی درجه پنج قانون مجازات اسلامی محکوم می شود و در صورتی که عمل ارتكابی منطبق با عنوان مجرمانه دیگری با مجازات شدیدتر باشد، مرتکب به مجازات آن جرم محکوم می شود.

بانکها مکلفند در روی هر برگ چک، نام و نام خانوادگی صاحب حساب را قید نمایند.

ماده ۷ (اصلاحی ۱۳۸۲/۰۶/۰۲) - هرکس مرتکب بزه صدور چک بلامحل گردد به شرح ذیل محکوم خواهد شد:

الف - چنانچه مبلغ مندرج در متن چک کمتر از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد به حبس تا حداکثر شش ماه محکوم خواهد شد.

ب - چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد، از شش ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد.

پ - چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال بیشتر باشد به حبس از یک سال تا دو سال و ممنوعیت از داشتن دسته چک به مدت دو سال محکوم خواهد شد و در صورتی که صادرکننده چک اقدام به اصدار* چک‌های بلامحل نموده باشد، مجموع مبالغ مندرج در متون چک‌ها ملاک عمل خواهد بود.

تبصره (اصلاحی ۱۳۸۲/۰۶/۰۲) - این مجازات‌ها شامل مواردی که ثابت شود چک‌های بلامحل بابت معاملات نامشروع و یا بهره ربوی صادر شده، نمی‌باشد.

ماده ۸ (اصلاحی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) - چک‌هایی که در ایران عهده بانکهای واقع در خارج کشور صادر شده و منتهی به گواهی عدم پرداخت شده باشند از لحاظ کیفری مشمول مقررات این قانون خواهند بود.

ماده ۹ (اصلاحی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) - در صورتی که صادرکننده چک قبل از تاریخ شکایت کیفری، وجه چک را نقداً به دارنده آن پرداخته یا با موافقت شاکی خصوصی تریبی برای پرداخت آن داده باشد، یا موجبات پرداخت آن را در بانک محال علیه فراهم نماید قابل تعقیب کیفری نیست. در مورد اخیر، بانک مذکور مکلف است تا میزان وجه چک، حساب صادرکننده را مسدود نماید و به محض مراجعه دارنده و تسلیم چک وجه آن را بپردازد.

ماده ۱۰ (اصلاحی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) - هرکس با علم به بسته بودن حساب بانکی خود مبادرت به صدور چک نماید عمل وی در حکم صدور چک بی‌محل خواهد بود و به حداکثر مجازات مندرج در ماده ۷ محکوم خواهد شد و مجازات تعیین شده غیرقابل تعلیق است.

* اصدار: صادر کردن

ماده ۱۱ (اصلاحی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) - جرائم مذکور در این قانون بدون شکایت دارنده چک، قابل تعقیب نیست و در صورتی که دارنده چک تا شش ماه از تاریخ صدور چک برای وصول آن به بانک مراجعه نکند، یا ظرف شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت، شکایت ننماید دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت.

منظور از دارنده چک در این ماده شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارائه داده است. برای تشخیص این که چه کسی اولین بار برای وصول وجه چک به بانک مراجعه کرده است، **بانک‌ها مکلفند به محض مراجعه دارنده چک، هویت کامل و دقیق او را در پشت چک با ذکر تاریخ قید نمایند.**

کسی که چک، پس از برگشت از بانک به وی منتقل گردیده حق شکایت کیفری نخواهد داشت، مگر آنکه انتقال قهری باشد. در صورتی که دارنده چک بخواهد چک را به وسیله شخص دیگری به نمایندگی از طرف خود وصول کند و حق شکایت کیفری او در صورت بی‌محل بودن چک محفوظ باشد، باید هویت و نشانی خود را با تصریح نمایندگی شخص مذکور در ظهر چک قید نماید و در این صورت بانک اعلامیه مذکور در ماده ۴ و ۵ را به نام صاحب چک صادر می‌کند و حق شکایت کیفری او محفوظ خواهد بود.

تبصره ۵ - هرگاه بعد از شکایت کیفری، شاکی چک را به دیگری انتقال دهد یا حقوق خود را نسبت به چک به هرنحو به دیگری واگذار نماید تعقیب کیفری موقوف خواهد شد.

ماده ۱۲ (اصلاحی ۱۳۸۲/۰۶/۰۲) - هرگاه قبل از صدور حکم قطعی، شاکی گذشت نماید و یا این که متهم، وجه چک و خسارات تأخیر تأدیه را نقداً به دارنده آن پرداخت نماید، یا موجبات پرداخت وجه چک و خسارات مذکور را (از تاریخ ارائه چک به بانک) فراهم کند یا در صندوق دادگستری یا اجرای ثبت تودیع نماید، مرجع رسیدگی، قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد کرد. صدور قرار موقوفی تعقیب در دادگاه کیفری مانع از آن نیست که آن دادگاه نسبت به سایر خسارات مورد مطالبه، رسیدگی و حکم صادر نکند.

هرگاه پس از صدور حکم قطعی شاکی گذشت کند و یا این که محکوم علیه به ترتیب فوق موجبات پرداخت وجه چک و خسارات تأخیر تأدیه و سایر خسارات مندرج در حکم را فراهم نماید، اجرای حکم موقوف می‌شود و محکوم علیه فقط ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک سوم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود که به دستور دادستان به نفع دولت وصول خواهد شد.

تبصره (الحاقی ۱۳۸۲/۰۶/۰۲) - میزان خسارت و نحوه احتساب آن بر مبنای قانون الحاق یک تبصره به ماده (۲) قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک - مصوب ۱۳۷۶/۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام - خواهد بود.

ماده ۱۳ (اصلاحی ۱۳۸۲/۰۶/۰۲) - در موارد زیر صادر کننده چک قابل تعقیب کیفری نیست:

الف - در صورتی که ثابت شود، چک سفید امضاء داده شده باشد.

ب - هرگاه در متن چک، وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی شده باشد.

پ - چنانچه در متن چک قید شده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.

ت - هرگاه بدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی بوده یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.

ث - در صورتی که ثابت گردد، چک بدون تاریخ صادر شده و یا تاریخ واقعی صدور چک، مقدم بر تاریخ مندرج در متن چک باشد.

ماده ۱۴ (اصلاحی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) - صادر کننده چک یا ذینفع یا قائم مقام قانونی آنها با تصریح به

این که چک مفقود یا سرقت یا جعل شده و یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرائم دیگری تحصیل گردیده، می تواند کتباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد. بانک پس از احراز هویت دستور دهنده از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و در صورت ارائه چک بانک گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام شده صادر و تسلیم می نماید.

دارنده چک می تواند علیه کسی که دستور عدم پرداخت داده شکایت کند و هرگاه خلاف ادعایی که موجب عدم پرداخت شده، ثابت گردد دستور دهنده علاوه بر مجازات مقرر در ماده ۷ این قانون به پرداخت تمامی خسارات وارده به دارنده چک محکوم خواهد شد.

تبصره ۱ (اصلاحی ۱۳۷۶/۱۰/۱۴) - ذینفع در مورد این ماده کسی است که چک به نام او صادر یا

ظهنویسی شده یا چک به او واگذار گردیده باشد (یا چک در وجه حامل به او واگذار گردیده).

در موردی که دستور عدم پرداخت مطابق این ماده صادر می شود بانک مکلف است وجه چک را تا تعیین تکلیف آن در مرجع رسیدگی یا انصراف دستور دهنده در حساب مسدودی نگهداری نماید.*

* تکلیف بانک به نگهداری وجه در حساب مسدود صرفاً در صورتی است که وجه در حساب مربوط موجود باشد. (نامه ی عمومی شماره ی ۷۹۱۶۴ مورخ ۱۳۷۹/۸/۱۱ اداره کل حقوقی و دعاوی)

تبصره ۲ (الحاقی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) - دستوردهنده مکلف است پس از اعلام به بانک شکایت خود را به مراجع قضایی تسلیم و حداکثر ظرف مدت یک هفته گواهی تقدیم شکایت خود را به بانک تسلیم نماید در غیراین صورت پس از انقضای مدت مذکور، بانک از محل موجودی به تقاضای دارنده چک وجه آن را پرداخت خواهد کرد.

تبصره ۳ (الحاقی ۱۳۷۶/۱۰/۱۴) - پرداخت چک‌های تضمین شده و مسافرتی را نمی‌توان متوقف نمود مگر آن که بانک صادرکننده نسبت به آن، ادعای جعل نماید. در این مورد نیز حق دارنده چک راجع به شکایت به مراجع قضایی طبق مفاد قسمت اخیر ماده ۱۴ محفوظ خواهد بود.

ماده ۱۵ (اصلاحی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) - دارنده چک می‌تواند وجه چک و ضرر و زیان خود را در دادگاه کیفری مرجع رسیدگی، مطالبه نماید.

ماده ۱۶ (اصلاحی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) - رسیدگی به تمامی شکایات و دعاوی جزایی و حقوقی مربوط به چک در دادسرا و دادگاه تا خاتمه دادرسی، فوری و خارج از نوبت به عمل خواهد آمد.

ماده ۱۷ (اصلاحی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) - وجود چک در دست صادرکننده دلیل پرداخت وجه آن و انصراف شاکی از شکایت است مگر این که خلاف این امر ثابت گردد.

ماده ۱۸ (اصلاحی ۱۳۸۲/۰۶/۰۲) - مرجع رسیدگی کننده جرایم مربوط به چک بلامحل، از متهمان در صورت توجه اتهام طبق ضوابط مقرر در ماده (۱۳۴) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) - مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی - حسب مورد یکی از قرارهای تأمین کفالت یا وثیقه (اعم از وجه نقد یا ضمانت‌نامه بانکی یا مال منقول و غیرمنقول) اخذ می‌نماید.

تبصره (اصلاحی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) - در صورتی که وجه الضمان یا ضمانتنامه مذکور در این ماده تودیع شده باشد تأمین خواسته از اموال متهم جایز نیست. در این صورت ضرر و زیان مدعی خصوصی از محل وجه الضمان یا ضمانتنامه باید پرداخت گردد.

ماده ۱۹ (اصلاحی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) - در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، صادرکننده چک و صاحب حساب متضامناً مسئول پرداخت وجه چک بوده و اجرائیه و حکم ضرر و زیان بر اساس تضامن علیه هردو صادر می‌شود. به علاوه امضاکننده چک طبق مقررات این قانون مسئولیت کیفری خواهد داشت مگر اینکه ثابت نماید که

عدم پرداخت، مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی او است که در این صورت کسی که موجب عدم پرداخت شده از نظر کیفری مسئول خواهد بود.

ماده ۲۰ (اصلاحی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) - مسئولیت مدنی پشت‌نویسان چک، طبق قوانین و مقررات مربوط، کماکان به قوت خود باقی است.

ماده ۲۱ (اصلاحی ۱۳۹۷/۰۸/۱۳) - بانکها مکلفند کلیه حسابهای جاری اشخاصی را که بیش از یک بار چک بی محل صادر کرده و تعقیب آنها منتهی به صدور کیفرخواست شده باشد بسته و تا سه سال به نام آنها حساب جاری دیگری باز نمایند.

تبصره ۱ (اصلاحی ۱۳۹۷/۰۸/۱۳) - بانک مرکزی مکلف است با تجمع اطلاعات گواهینامه های عدم پرداخت و آرای قطعی محاکم درباره چک در سامانه یکپارچه خود، امکان دسترسی برخط بانکها و مؤسسات اعتباری را به سوابق صدور و پرداخت چک و همچنین امکان استعلام گواهینامه های عدم پرداخت را برای مراجع قضائی و ثبتی از طریق شبکه ملی عدالت ایجاد نماید. قوه قضائیه نیز مکلف است امکان دسترسی برخط بانک مرکزی به احکام ورشکستگی، اعسار از پرداخت محکوم به و همچنین آرای قطعی صادر شده درباره چکهای برگشتی و دعاوی مطروحه طبق ماده (۱۴) این قانون به همراه گواهینامه عدم پرداخت مربوط را از طریق سامانه سجل محکومیت های مالی فراهم نماید.

تبصره ۲ (الحاقی ۱۳۷۲/۰۸/۱۱) - ضوابط و مقررات مربوط به محرومیت اشخاص از افتتاح حساب جاری و نحوه پاسخ به استعلامات بانکها به موجب آیین نامه ای خواهد بود که ظرف مدت سه ماه توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تنظیم و به تصویب هیأت دولت می رسد.

ماده ۲۱ مکرر (الحاقی ۱۳۹۷/۰۸/۱۳) - بانک مرکزی مکلف است ظرف مدت دو سال پس از لازم الاجراء شدن این قانون در مورد اشخاص ورشکسته، معسر از پرداخت محکوم به یا دارای چک برگشتی رفع سوء اثر نشده، از دریافت دسته چک و صدور چک جدید در سامانه صیاد و استفاده از چک موردی جلوگیری کرده و همچنین امکان استعلام آخرین وضعیت صادرکننده چک شامل سقف اعتبار مجاز، سابقه چک برگشتی در سه سال اخیر و میزان تعهدات چکهای تسویه نشده را صرفاً برای کسانی که قصد دریافت چک را دارند، فراهم نماید. سامانه مذکور به نحوی خواهد بود که صدور هر برگه چک مستلزم ثبت هویت دارنده، مبلغ و تاریخ مندرج در چک برای شناسه یکتای برگه چک توسط صادرکننده بوده و امکان انتقال چک به شخص دیگر توسط دارنده تا قبل از تسویه آن، با ثبت هویت شخص جدید برای

همان شناسه یکتای چک امکان پذیر باشد . مبلغ چک نباید از اختلاف سقف اعتبار مجاز و تعهدات چکهای تسویه نشده بیشتر باشد .

تبصره ۱ (اصلاحی ۱۴۰۰/۰۱/۲۹) - در مورد برگه چکهایی که از دسته چکهای ارائه شده پس از پایان اسفندماه سال ۱۳۹۹ صادر می شوند ، تسویه چک صرفاً در سامانه تسویه چک (چکاوک) طبق مبلغ و تاریخ مندرج در سامانه و در وجه دارنده نهائی چک بر اساس استعلام از سامانه صیاد انجام خواهد شد و در صورتی که مالکیت آنها در سامانه صیاد ثبت نشده باشد ، مشمول این قانون نبوده و بانکها مکلفند از پرداخت وجه آنها خودداری نمایند . در این موارد صدور و پشت نویسی چک در وجه حامل ممنوع است و ثبت انتقال چک در سامانه صیاد جایگزین پشت نویسی چک خواهد بود . چکهای صادرشده از دسته چکهایی که تاریخ ارائه آن دسته چکها قبل از زمان مذکور در این تبصره باشد ، تابع قانون زمان ارائه دسته چک است و بانکها بدون نیاز به ثبت آن چکها در سامانه صیاد نسبت به پرداخت وجه چک اقدام می کنند . در کلیه برگه های دسته چکهای ارائه شده پس از تاریخ فوق الذکر باید عبارت (صدور و پشت نویسی چک بدون درج در سامانه صیاد فاقد اعتبار است) درج شود .

تبصره ۲ (الحاقی ۱۳۹۷/۰۸/۱۳) - ممنوعیت های این ماده در مورد اشخاص ورشکسته ، معسر از پرداخت محکوم به یا دارای چک برگشتی رفع سوء اثر نشده که به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی اقدام می کنند نیز مجری است .

ماده ۲۲ (اصلاحی ۱۳۸۲/۰۶/۰۲) - در صورتی که به متهم دسترسی حاصل نشود، آخرین نشانی متهم در بانک محال علیه، اقامتگاه قانونی او محسوب است و هرگونه ابلاغی به نشانی مزبور به عمل می آید. هرگاه متهم حسب مورد به نشانی بانکی یا نشانی تعیین شده، شناخته نشود یا چنین محلی وجود نداشته باشد گواهی مأمور به منزله ابلاغ اوراق تلقی می شود و رسیدگی بدون لزوم احضار متهم به وسیله مطبوعات ادامه خواهد یافت.

ماده ۲۳ (اصلاحی ۱۳۹۷/۰۸/۱۳) - دارنده چک می تواند با ارائه گواهینامه عدم پرداخت ، از دادگاه صالح صدور اجرائیه نسبت به کسری مبلغ چک و حق الوکاله وکیل طبق تعرفه قانونی را درخواست نماید . دادگاه مکلف است در صورت وجود شرایط زیر حسب مورد علیه صاحب حساب ، صادرکننده یا هر دو اجرائیه صادر نماید .

الف - در متن چک ، وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی نشده باشد ؛

ب - در متن چک قید نشده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است ؛

ج - گواهینامه عدم پرداخت به دلیل دستور عدم پرداخت طبق ماده (۱۴) این قانون و تبصره های آن صادر نشده باشد ؛ صادرکننده مکلف است ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ اجرائیه ، بدهی خود را بپردازد ، یا با موافقت دارنده چک ترتیبی برای پرداخت آن بدهد یا مالی معرفی کند که اجرای حکم را میسر کند ؛ در غیر این صورت حسب درخواست دارنده ، اجرای احکام دادگستری ، اجرائیه را طبق « قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۲۳/ ۳/ ۱۳۹۴ » به مورد اجراء گذاشته و نسبت به استیفای مبالغ مذکور اقدام می نماید . اگر صادرکننده یا قائم مقام قانونی او دعوی مانند مشروط یا بابت تضمین بودن چک یا تحصیل چک از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا دیگر جرائم در مراجع قضائی اقامه کند ، اقامه دعوی مانع از جریان عملیات اجرائی نخواهد شد ؛ مگر در مواردی که مرجع قضائی ظن قوی پیدا کند یا از اجرای سند مذکور ضرر جبران ناپذیر وارد شود که در این صورت با أخذ تأمین مناسب ، قرار توقف عملیات اجرائی صادر می نماید . در صورتی که دلیل ارائه شده مستند به سند رسمی باشد یا اینکه صادرکننده یا قائم مقام قانونی مدعی مفقود شدن چک بوده و مرجع قضائی دلایل ارائه شده را قابل قبول بداند ، توقف عملیات اجرائی بدون أخذ تأمین صادر خواهد شد . به دعوی مذکور خارج از نوبت رسیدگی می شود .

ماده ۲۴ (اصلاحی ۱۴۰۰/۰۱/۲۹) - چک تضمین شده تابع احکام ذیل است :

۱ - صدور و تحویل چکهای تضمین شده توسط بانکها به مشتری ، صرفاً از طریق سامانه صدور یکپارچه الکترونیکی دسته چک (صیاد) امکان پذیر و مستلزم تکمیل برگه (فرم) درخواست توسط متقاضی در شعبه بانک در حضور متصدی بانکی ، درج مشخصات هویتی و شماره حساب گیرنده روی چک تضمین شده بر اساس دستورالعمل اعلامی توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و نیز ثبت علت درخواست صدور چک مذکور در سامانه صیاد می باشد . سامانه مذکور به هر برگه چک ، شناسه یکتا اختصاص می دهد و بانک مرکزی موظف است امکان استعلام اطلاعات چک تضمین شده را برای گیرنده (ذی نفع) فراهم نماید .

۲ - پرداخت مبلغ چک تضمین شده توسط بانک صرفاً در وجه و به شماره حساب گیرنده (ذی نفع) که مشخصات وی روی چک تضمین شده درج گردیده است ، امکان پذیر می باشد و ظهرونویسی برای انتقال چک تضمین شده فاقد اعتبار است .

۳ - ابطال چک تضمین شده به درخواست متقاضی یا وکیل یا نماینده قانونی وی با ارائه اصل چک جهت واریز وجه چک به حساب متقاضی ، بدون نیاز به ظهرو نویسی گیرنده (ذی نفع) تنها تا یک ماه پس از صدور آن توسط بانک صادرکننده امکان پذیر است . همچنین پرداخت چک تضمین شده به گیرنده (ذی نفع) با ارائه اصل چک تنها تا یک ماه پس از صدور آن توسط بانک امکان پذیر است . پرداخت یا ابطال چک پس از مهلت مقرر در این بند منوط به تکمیل برگه (فرم) های مربوط به مبارزه با پولشویی بانک صادرکننده می باشد .

۴ - در صورت مفقودی چک تضمین شده ، هر گاه متقاضی و گیرنده (ذی نفع) هر دو به بانک صادرکننده مراجعه و نسبت به تکمیل و امضای برگه (فرم) اعلام مفقودی چک تضمین شده و تعهدنامه عدم ادعا نسبت به چک مفقود شده اقدام نموده و نسخه المثنی آن را از بانک درخواست کنند ، بانک مکلف است علاوه بر احراز هویت متقاضی و گیرنده (ذی نفع) از سامانه نظام هویت سنجی الکترونیکی بانکی اقدام نماید و پس از ابطال چک مفقود شده ، نسبت به صدور چک المثنی مطابق با اطلاعات مندرج در سامانه صیاد اقدام کند .

۵ - در صورت جعل چک تضمین شده یا استفاده از چک تضمین شده مجعول ، مرتکب علاوه بر مجازات های قانونی مقرر ، به حکم دادگاه به مدت دو تا شش سال از گرفتن چک تضمین شده محروم می شود .

ماده ۲۵ (الحاقی ۱۴۰۰/۰۱/۲۹) - در صورت تخلف از هر یک از تکالیف مقرر در این قانون برای بانکها یا مؤسسات اعتباری اعم از دولتی و غیردولتی ، کارمند خاطی و مسؤول شعبه مربوط حسب مورد با توجه به شرایط ، امکانات ، دفعات و مراتب به مجازات های مقرر در ماده (۹) « قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/ ۹/ ۷ » محکوم می شوند که رسیدگی به این تخلفات در صلاحیت بانک مرکزی است .

رئیس مجلس سنا - جعفر شریف امامی

سؤالات بخش ششم: اسناد تجاری

- (۱) عقد حواله را تعریف نموده و اشخاص شرکت کننده در آن را بنویسید.
- (۲) اسناد تجاری را تعریف نموده و حداقل سه مورد آن را نام ببرید.
- (۳) مزایای اسناد تجاری را بنویسید.
- (۴) مسئولیت تضامنی اسناد تجاری را توضیح دهید.
- (۵) صدور قرار تامین خواسته در اسناد تجاری را شرح دهید.
- (۶) برات را تعریف نموده، اشخاص شرکت کننده در آن را نام ببرید.
- (۷) سفته را تعریف نموده و شرایط صدور آن را بنویسید.
- (۸) انواع سررسید سفته را توضیح دهید.
- (۹) تفاوت بین ظهرنویسی و ضمانت در سفته را توضیح دهید.
- (۱۰) اعتراض (واخواست) چیست؟ شرح دهید.
- (۱۱) نحوه واخواست سفته (برات) را توضیح دهید.
- (۱۲) برای آنکه ذینفع سفته بتواند از مزایای اسناد تجاری برخوردار گردد چه تکالیفی را به عهده دارد؟
- (۱۳) در صورت فوت متعهد سفته قبل از سررسید، نحوه وصول طلب توسط ذینفع آن را شرح دهید.
- (۱۴) چک را تعریف نموده و اشخاص شرکت کننده در آن را نام ببرید.
- (۱۵) شرایط تنظیم و صدور چک را نام بنویسید.
- (۱۶) اهمیت نوشتن «تاریخ سررسید» در چک را توضیح دهید.
- (۱۷) در صورت وجود تناقض بین مبالغ حروفی و عددی مبلغ چک، وظیفه شعب به هنگام ارائه چک را شرح دهید.
- (۱۸) ذکر نام دارنده در متن چک به چند طریق صورت می گیرد؟ خط زدن عبارت «حواله کرد» چه تأثیری در پرداخت آن دارد؟
- (۱۹) اهمیت قید مکان صدور چک را توضیح دهید.

- ۲۰) ذکر هرگونه قید و شرط در متن چک چه تأثیری در پرداخت آن خواهد داشت؟
- ۲۱) براساس ماده یک قانون صدور چک، انواع چک را نام برده و چک تضمین شده را توضیح دهید.
- ۲۲) ظهرنویسی در چک را شرح دهید.
- ۲۳) انواع ظهرنویسی در چک را نام برده و مختصراً توضیح دهید.
- ۲۴) شرایط صوری ظهرنویسی را شرح دهید.
- ۲۵) چک «در حکم اسناد لازم الاجرا» را شرح دهید.
- ۲۶) مواردی را که بانک مکلف به عدم پرداخت وجه چک و صدور گواهی نامه عدم پرداخت می باشد، نام ببرید.
- ۲۷) موارد دستور عدم پرداخت وجه چک به استناد ماده ۱۴ قانون صدور چک را نام ببرید.
- ۲۸) افرادی که حق دستور عدم پرداخت وجه چک به استناد ماده ۱۴ قانون صدور چک را دارند نام ببرید.
- ۲۹) وظایف و تکالیف شعب محال علیه را در قبال دستور عدم پرداخت به استناد ماده ۱۴ قانون صدور چک را کاملاً شرح دهید.
- ۳۰) شرایط کیفری بودن چک های صادره عهده اشخاص را بنویسید.
- ۳۱) مجازات صدور چک بلامحل را شرح دهید.
- ۳۲) در خصوص چک های ارائه شده از طریق کلر و اتاق پایاپای اسناد بانکی، مسئولیت شعب واگذارنده و محال علیه را در مورد احراز هویت ذینفع و رعایت سلسله مراتب ظهرنویسی چک، توضیح دهید.
- ۳۳) نحوه احراز هویت به هنگام پرداخت وجه چک به اشخاص حقیقی و حقوقی را شرح دهید.
- ۳۴) نحوه پرداخت چک های صادره در وجه وزارت خانه ها، سازمان ها، موسسات و شرکت های دولتی را بنویسید.
- ۳۵) حساب جاری در گیر چیست؟
- ۳۶) سند عادی تجاری را با ذکر نمونه به صورت مشروح توضیح دهید.
- ۳۷) چک عمومی چه تفاوتی با چک عادی دارد؟ به صورت مشروح توضیح دهید.
- ۳۸) آرایه چه نوع خدماتی تا زمان رفع سابقه چک برگشتی ممنوع است.
- ۳۹) نحوه رفع سوء اثر از چک های برگشتی را به صورت مشروح توضیح دهید.

۴۰) خط زدن کلمه « حواله کرد» و یا قید شرط در متن چک چه تاثیری در پرداخت چک دارد.

۴۱) اختلاف حساب با دارنده چک یا غش در معامله یا سایر عناوین غیر مجرمانه چه تاثیری در پرداخت چک دارد.

۴۲) پرداخت چک‌هایی که توسط مشتریان با مازیک ففسری تحریر و یا علامت گذاری گردیده‌اند چگونه است؟

۴۳) آیاتائید امضاء فتوکی چک‌های ارسالی توسط شعب خارج از کشور صحیح است.

۴۴) پرداخت چک‌های وعده دار مشتریان توسط بانک چگونه است.

فرم‌های مورد نیاز بخش ششم:

فرم شماره (۱):

باسمه تعالی

بانک ملی ایران

به پیوست _____ برگ سفته عندالمطالبه با مشخصات ذیل:

سفته به شماره خزانه‌داری کل _____ سری _____ مبلغ _____ ریال و تاریخ

صدور _____

_____ تقدیم می‌گردد تا بانک وجه آنها را وصول و

از بابت مطالبات خود از این

شرکت

اینجانبان / اینجانب

منظورنماید و در صورت عدم پرداخت، بانک حق دارد بدون اعلام قبلی و انجام هیچگونه تشریفات قانونی در هر زمان و هر موقع که بخواهد و مقتضی بداند سفته‌ها را واخواست نموده و حسب مورد نسبت به تقدیم دادخواست علیه این شرکت / اینجانبان / اینجانب اقدام نماید. این شرکت / اینجانبان / اینجانب ضمن عقد خارج لازم متعهد شرعی و قانونی گردیدیم که به ازای هر ۳,۰۰۰ ریال _____ ریال در روز نسبت به مبالغ تادیه‌نشده مورد مطالبه بانک به اضافه هزینه‌های وصول طلب اعم از هزینه‌های واخواست و دادرسی و حق الوکاله وکیل و نمایندگان قضائی و دستمزد کارشناس که بر ذمه این شرکت / اینجانبان / اینجانب است بعلاوه اصل وجه سفته‌ها به آن بانک پرداخت نماید / نمائیم / نمایم و بانک نیز حق دارد تمامی مطالبات و وجوه متعلقه فوق را از هرگونه حساب موجودی و اعتبار این شرکت / اینجانبان / اینجانب نزد هریک از شعب و واحدهای بانک ملی ایران و سایر بانک‌های کشور برداشت نماید و بدینوسیله ضمن قبول تمامی شرایط عمومی حساب سپرده قرض الحسنه جاری بانک، حق هرگونه ایراد و اعتراض را از خود سلب می‌نمایم / می‌نمائیم / می‌نمایم.

ادامه فرم صفحه قبل:

الف) نام و امضاء متعهد / متعهدین

- آقای / خانم _____ فرزند _____ دارای شماره شناسنامه _____ صادره از _____
_____ مقیم _____

محل امضاء

- آقای / خانم _____ فرزند _____ دارای شماره شناسنامه _____ صادره از _____
_____ مقیم _____

محل امضاء

- شرکت _____ دارای شماره ثبت _____ محل ثبت _____ مقیم _____
_____ با امضای آقای / خانم _____ و آقای / خانم _____
_____ ثبت شده به موجب آگهی شماره _____ مورخ _____ در _____
_____ روزنامه رسمی کشور به شماره _____ مورخ _____

محل امضاء

ب) ظهرنویس / ظهرنویسان

۱) آقای / خانم _____ فرزند _____ دارای شماره شناسنامه _____ صادره از _____
_____ مقیم _____

محل امضاء

۲) آقای / خانم _____ فرزند _____ دارای شماره شناسنامه _____ صادره از _____
_____ مقیم _____

محل امضاء

ادامه فرم صفحه قبل:

۳) آقای / خانم _____ فرزند _____ دارای شماره شناسنامه _____ صادره از _____
_____ مقیم _____

محل امضاء

۴) شرکت _____ دارای شماره ثبت _____ محل ثبت _____ مقیم _____
_____ با امضای آقای / خانم _____ و آقای / خانم _____
_____ ثبت شده به موجب آگهی شماره _____ مورخ _____ در _____
_____ روزنامه رسمی کشور به شماره _____ مورخ _____

محل امضاء

بسمه تعالی



واکتری جمهوری اسلامی ایران

فرم شماره (۲):

تاریخ.....

شماره.....

پیوست.....

مشخصات و اقامتگاه مخاطب

تهران، میرداماد، شرکت الف

موضوع اظهارنامه

تعیین تاریخ سررسید سفته‌های
عندالمطالبه

مشخصات و اقامتگاه اظهارکننده

تهران، میدان هفتم تیر، روبروی خیابان
کریمخان زند، اداره ساختمان بانک ملی
ایران

خلاصه جواب

خلاصه اظهارات

مخاطب محترم

شایسته است به محض ابلاغ این اظهارنامه نسبت به پرداخت مبلغ چهارصد و نود و هفت میلیون و نود و هفت هزار (۴۹۷,۰۹۷,۰۰۰) ریال موضوع وجه ۵۰ فقره سفته از شماره خزانه‌داری کل ۹۶۹۹۳۰ الی ۹۶۹۹۵۰ (سری / ت) و ۴۱۵۰۵۵ الی ۴۱۵۰۸۲ (سری / ث) به این بانک اقدام فرمائید.

بدیهی است در صورت عدم پرداخت، بانک به ناچار طبق قوانین و مقررات ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ این اظهارنامه نسبت به واخواست سفته‌ها و وصول آنها از طریق قانونی اقدام نموده و مسئولیت پرداخت تمامی خسارات قانونی از قبیل هزینه واخواست، حق الوکاله، تمبردادرسی و... متوجه آن شرکت خواهد بود.

بانک ملی ایران

دو امضاء مجاز

بسمه تعالی



واخواست نامه

(مخصوص واخواست سفته)

واکتری جمهوری اسلامی ایران

نام شرکت مجتمع غذایی الف شغل تهیه مواد غذایی جای اقامت شهر قدس، خ امامزاده	شخص، بیگانه یا شرکتی علیه او واخواست می شود	خواسته			نام بانک ملی ایران شعبه بازار شغل بانکدار جای اقامت خیابان ۱۵ خرداد	واخواست کننده											
		ریال															
		۵۰	۰۰۰	۰۰۰													
شرح واخواست ریاست محترم دادگاه عمومی تهران سر رسید سفته ای که رونوشت آن در پایین نوشته می شود مطابق است با روز دهم ماه خرداد یک هزار و سیصد و هشتاد و یک چون متعهد نپرداخته است تقاضای واخواست می نماید. محل امضای دو امضای مجاز بانک																	
<table border="1"> <tr> <td rowspan="2">جای تمبر</td> <td colspan="3">شماره خزانه داری کل ۰۸۱۸۳۹ سری _____</td> </tr> <tr> <td>شماره</td> <td>جای پرداخت</td> <td>سر رسید</td> </tr> <tr> <td></td> <td>۵۲۷۴۵۰</td> <td>تهران</td> <td>۱۳۸۱/۳/۱۰ عندالمطالبه</td> </tr> </table> (این قسمت بایستی توسط بانک تکمیل شود)							جای تمبر	شماره خزانه داری کل ۰۸۱۸۳۹ سری _____			شماره	جای پرداخت	سر رسید		۵۲۷۴۵۰	تهران	۱۳۸۱/۳/۱۰ عندالمطالبه
جای تمبر	شماره خزانه داری کل ۰۸۱۸۳۹ سری _____																
	شماره	جای پرداخت	سر رسید														
	۵۲۷۴۵۰	تهران	۱۳۸۱/۳/۱۰ عندالمطالبه														
۰ + ' + + ریال بتاريخ بیستم مردادماه هفتاد و نه مبلغ به اعداد در تاریخ ۱۳۸۱/۳/۱۰ عندالمطالبه اینجانب متعهد می شوم که در مقابل این سفته بحواله کرد بانک ملی ایران شعبه بازار مبلغ (۰۰۰۰۰۰ * ۱/۲) (مبلغ به حروف نوشته شود) امضاء متعهد _____ نام متعهد شرکت مجتمع غذایی الف محل اقامت تهران جای پرداخت » »																	
ظهر i w Ò ù سفته:																	
نام واگذارنده شماره حساب بانک ملی شعبه بازار (دایره مطالبات معوق) کد ۱۰۱۰۰۱۰۱																	

بخش هفتم: نحوه‌ی کسب اطلاع از وضع مشتریان، حساب آنها و بازداشت وجوه

در قوانین و مقررات مختلف، مراجعی پیش‌بینی شده که می‌تواند اطلاعات بانکی مشتریان را اخذ نموده و یا موجودی آنها را توقیف نمایند و یا اینکه قادر باشند این دو اقدام را با هم انجام دهند. به منظور آشنایی مقررات مذکور، مباحث این بخش در سه قسمت بیان می‌گردد:

الف) مراجعی که قانوناً حق استعلام اطلاعات حسابهای مشتریان را دارند

به موجب تصویب‌نامه شماره ۱۳۸۴-۱۸۱-م/ت/۲۷۷۴۱/هـ مورخ ۱۳۸۲/۱/۲۶ هیأت وزیران «حساب‌های خصوصی افراد در بانک‌ها جزء حقوق ملت، مندرج در فصل سوم قانون اساسی ج.ا.ا. به ویژه اصل ۲۲ آن می‌باشد و بانک‌ها به عنوان وکیل و یا امین مشتریان موظفند هرگونه اطلاعات در این زمینه را «جز در مواردی که قانون‌گذار ترتیب خاص دیگری برای ارائه اطلاعات راجع به حساب‌های خصوصی افراد در بانک‌ها معین نموده باشد» فقط بادرخواست صاحب حساب یا براساس استعلام و یا حکم قضائی دادگاه صالح ذیربط ارائه‌نمایند.^۱» نظر به اهمیت و حساسیت اطلاعات حساب‌های مشتریان بانک و به منظور شفاف سازی و پاسخگویی به مراجع ذیصلاح، مراجعی که قانوناً حق اخذ اطلاعات حساب‌های مشتریان را دارند به شرح ذیل می‌باشد:^۲

۱- استعلام مراجع قضایی اعم از دادگاهها و دادسراها:

- مطابق ماده ۲۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی هرگاه سند یا اطلاعات دیگری که مربوط به مورد دعواست در ادارات دولتی یا بانکها موجود باشد و دادگاه آن را مؤثر در موضوع تشخیص دهد به درخواست یکی از اصحاب دعوی به طور کتبی به اداره یا سازمان مربوط، ارسال رونوشت سند یا اطلاع لازم را با ذکر موعد، مقرر می‌دارد. اداره یا سازمان مربوط مکلف است فوری دستور دادگاه را انجام دهد مگر اینکه ابراز سند با مصالح سیاسی کشور و یا نظم عمومی منافات داشته باشد که در این صورت باید مراتب با توضیح لازم به دادگاه اعلام شود....

- وفق ماده ۱۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری: مقامات و مأموران وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات دولتی ... بانکها ... مکلفند اسباب، ادله و اطلاعات راجع به جرم و آن قسمت از اوراق و اسناد و دفاتری را که مراجعه به آنها برای تحقیق امر کیفری لازم است، به درخواست مرجع قضائی در دسترس آنان قرار

۱ نامه‌ی عمومی شماره‌ی ۸۲۱۵۲ مورخ ۱۳۸۲/۸/۳ اداره کل حقوقی و دعاوی

۲ نامه عمومی شماره ۹۵۰۱۷۰۴۲۸۷۷ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۶ اداره کل حقوقی و دعاوی

دهند، مگر در مورد اسناد سری و به کلی سری که این درخواست باید با موافقت رئیس قوه قضائیه باشد. متخلف از این ماده، در صورتی که عمل وی برای خلاصی متهم از محاکمه و محکومیت نباشد، حسب مورد به انفصال موقت از خدمات دولتی یا عمومی از سه ماه تا یک سال محکوم می شود.

۲- شوراهای حل اختلاف:

مطابق ماده ۹ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب (۱۳۹۴/۰۹/۱۶)

در موارد ذیل، قاضی شورا با مشورت اعضای شورا رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می نماید:

الف) دعاوی مالی راجع به اموال منقول تا نصاب دویست میلیون ریال (۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال) به جز مواردی که در تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون در دادگستری مطرح می باشند.

تبصره ۳: صلاحیت شوراهای حل اختلاف روستا مستقر در روستا صرفاً صلح و سازش می باشد.

باعنایت به مراتب ارائه هرگونه اطلاعات منوط به درخواست کتبی با امضاء قاضی شورا می باشد.

۳- دیوان عدالت اداری:

مطابق ماده ۴۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی در دیوان عدالت اداری (مصوب ۹۲/۳/۲۵): «شعبه رسیدگی کننده می تواند هر گونه تحقیق یا اقدامی را که لازم بداند انجام دهد یا آن را از ضابطان قوه قضائیه و مراجع اداری بخواهد و یا به سایر مراجع قضایی نیابت دهد، ضابطان و مراجع مذکور مکلفند ظرف مهلتی که شعبه دیوان تعیین می کند تحقیقات و اقدامات خواسته شده را انجام دهند^۱.....»

۴- دیوان محاسبات کشور:

مطابق ماده ۲ قانون دیوان محاسبات کشور (مصوب بهمن ۱۳۶۱ با اصلاحات بعدی)، حسابرسی یا رسیدگی کلیه حسابها درآمد و هزینه ها و سایر دریافتها و پرداختها و نیز صورتهای مالی دستگاهها از نظر مطابقت با قوانین و مقررات مالی و سایر قوانین مربوطه و ضوابط لازم الاجرا.

تبصره ۲ منظور از دستگاهها در این قانون وزارتخانه ها، سازمانها ... شرکتهای دولتی و سایر واحدها که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می نمایند و به طور کلی هر واحد اجرایی که بر طبق اصول ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی مالکیت عمومی بر آنها مترتب بشود می باشد. واحدهایی که شمول مقررات عمومی در مورد آنها مستلزم ذکر نام است نیز مشمول این تعریف می باشند. مطابق ماده ۳۹ قانون مذکور، دستگاهها مکلفند حسابهای درآمد و هزینه، صورتهای مالی، اسناد و مدارک مربوطه را به نحوی که

۱ به نقل از روزنامه رسمی ۱۹۹۲۰ به تاریخ ۱۳۹۲/۰۵/۰۲

دیوان محاسبات کشور تعیین می نماید به دیوان مزبور تحویل نمایند. حسابرسی و رسیدگی آنها به تشخیص دیوان محاسبات کشور در ادارات دیوان یا محل خود آن دستگاهها انجام می گیرد. ماده ۴۲ قانون فوق‌الاشعار مقرر می‌دارد دیوان محاسبات کشور برای انجام وظایف خود می تواند در تمامی امور مالی کشور تحقیق و تفحص نماید و در تمامی موارد مستقیماً مکاتبه برقرار نماید و تمام مقامات ج.ا.ا و قوای سه گانه و سازمانها و ادارات تابعه و کلیه اشخاص و سازمان‌هایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌نمایند مکلف به پاسخگویی مستقیم می‌باشند حتی در مواردی که از قانون محاسبات عمومی مستثنی شده باشند.

باعنایت به مراتب همکاری با دیوان محاسبات کشور در چارچوب مقررات صدرالذکر تا حدی که به منزله ورود به اطلاعات اشخاص غیرمشمول محسوب نگردد امکان‌پذیر می‌باشد.

۵- سازمان امور مالیاتی کشور:

۵-۱ حسب ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیاتهای مستقیم (اصلاحی ۱۳۹۴/۰۴/۲۱) بمنظور شفافیت فعالیت‌های اقتصادی و استقرار نظام یکپارچه اطلاعاتی مالیاتی، پایگاه اطلاعات هویتی، عملکردی و دارایی مؤدیان مالیاتی شامل مواردی نظیر اطلاعات مالی و پولی و اعتباری، معاملاتی سرمایه‌ای و ملکی اشخاص حقیقی و حقوقی در سازمان امور مالیاتی کشور ایجاد می‌شود. وزارتخانه‌ها بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری..... موظفند اطلاعات به شرح بسته‌های ذیل را در اختیار سازمان امور مالیاتی کشور قرار دهند.

الف) اطلاعات هویتی: ۱- اطلاعات هویتی و مکانی اشخاص حقیقی و حقوقی. ۲- مجوزهای فعالیت اقتصادی و همچنین مجوزهای مربوط به انجام معاملات تجاری و عقد قراردادها.

ب) اطلاعات معاملاتی اشخاص: ۱- معاملات (خرید و فروش دارایی‌ها، کالاها و خدمات ۲- تجارت خارجی واردات و صادرات کالاها و خدمات ۳- قراردادهای مربوط به انجام معاملات و فعالیت‌های تجاری ۴- قراردادهای مربوط به انجام عملیات پیمانکاری و هرگونه خدمات ۵- اطلاعات مربوط به خرید و فروش ارز و سکه و طلا ۶- اطلاعات انواع بیمه‌نامه‌های صادره و خسارت‌های پرداختی. ۷- بارنامه و صورت وضعیت حمل و نقل بار

پ) اطلاعات مالی، پولی و اعتباری و سرمایه‌ای اشخاص: ۱- جمع گردش سالانه (دوره مالی) نقل و انتقال سهام و سایر اوراق بهادار ۲- جمع گردش و مانده سالانه (دوره مالی) انواع حسابهای بانکی ۳- جمع گردش و مانده سالانه (دوره مالی) انواع سپرده‌ها و سود آنها ۴- تسهیلات بانکی اعم از ارزی و ریالی در

قالب کلیه عقود و همچنین کلیه تعهدات اعم از گشایش اعتباری اسنادی و تنزیل اعتبار اسنادی، ضمانت‌ها و نظیر آن

ت) اطلاعات دارایی‌ها، اموال و املاک و همچنین نقل و انتقال آنها
ث) سایر اطلاعات و فعالیت‌های اقتصادی که با پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و تصویب هیأت وزیران به موارد مزبور اضافه خواهد شد.

توجه ۱: امکان دارد اطلاعات معاملاتی " یا هویتی اشخاص در بانک قطعی نباشد از این رو در پاسخ به استعلام سازمان امور مالیاتی و (با فرض وجود سوابق در واحدهای بانک) به این نکته اشاره نمایند که اطلاعات دقیق‌تر از مراجع ذیصلاح قابل استعلام می‌باشد و اینکه الزاماً ارائه اطلاعات مذکور بمنزله تأیید قطعیت آن از سوی بانک نمی‌باشد. به عنوان نمونه، مرجع ذیصلاح استعلام اطلاعات هویتی اشخاص حقیقی و حقوقی به ترتیب سازمان ثبت احوال کشور و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور (اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری) می‌باشد.

توجه ۲: وفق ماده ۲۳۱ قانون مالیات‌های مستقیم و تبصره آن: سازمان امور مالیاتی کشور اسناد و اطلاعات مربوط به درآمد مؤدی را می‌تواند از طریق وزیر امور اقتصادی و دارایی نیز مطالبه نماید.

۵-۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده:

مطابق ماده ۱۳ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۴۰۰؛ «پس از راه اندازی سامانه مؤدیان، همه مشمولان این قانون موظفند به ترتیبی که سازمان مقرر و اعلام می‌کند، در سامانه مزبور ثبت نام نموده و معاملات خود را در آن ثبت نمایند. ثبت معاملات (خرید و فروش) در سامانه مؤدیان، به منزله ثبت در دفاتر قانونی است تا آن زمان، ترتیبات ثبت نام، نحوه ارائه اظهارنامه های مالیاتی و رسیدگی به آنها حسب مقررات قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷ و اصلاحات بعدی آن است. در سایر موارد، مفاد این قانون جاری است.»

مطابق ماده ۱۵ قانون یاد شده؛ «دستگاههای اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۲۹) قانون برنامه ششم توسعه و سازمان های وابسته به آنها مکلف به ثبت معاملات خود در سامانه مؤدیان می باشند. وزارت صنعت، معدن و تجارت موظف است ترتیبی اتخاذ کند که اطلاعات معاملات ثبت شده در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت موضوع تبصره (۵) ماده (۱۶۹) قانون مالیات های مستقیم عیناً و به صورت بر خط به سامانه مؤدیان منتقل شود.»

مطابق ماده ۱۸ قانون مذکور؛ «کلیه کارفرمایان موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۲۹) قانون برنامه ششم توسعه موظفند اطلاعات مربوط به قراردادهای پیمانکاری را حداکثر تا یک ماه پس از انعقاد قرارداد در سامانه مؤدیان ثبت نمایند، در غیر این صورت، سازمان مکلف است با رعایت ماده (۹) قانون پایانه های فروشگاهی و سامانه مؤدیان اطلاعات ثبت شده توسط پیمانکاران در سامانه مذکور را مورد قبول کارفرما تلقی نماید.»

مواد فوق در حالی از ثبت معاملات و قراردادهای پیمانکاری در سامانه مؤدیان صحبت به میان آورده اند که ماده ۳۰ قانون قدیم مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷ صرفاً به تکلیف بانک ها به ارائه اطلاعات و اسناد مربوط به درآمد مؤدیان (که در امر تشخیص و وصول مالیات مورد استفاده می باشد) اشاره نموده بود. از این رو استنباط می شود رویکرد قانون جدید مالیات بر ارزش افزوده همانند ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیات های مستقیم به اخذ اطلاعات به صورت سیستمی تغییر یافته است.

۶- سازمان بازرسی کل کشور:

مطابق ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور اصلاحی ۱۳۹۳؛ وظایف و اختیارات سازمان بشرح ذیل می باشد:

الف) بازرسی و نظارت مستمر کلیه وزارتخانه ها ... موسسات و شرکتهای دولتی ... سازمانهایی که تمام یا قسمتی از سرمایه یا سهام آنان متعلق به دولت است یا دولت بنحوی از انحاء بر آنها نظارت یا کمک می نماید و کلیه سازمانهایی که شمول این قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام آنها است...

مطابق ماده ۸ قانون مذکور، کلیه مسئولان ذیربط در وزارتخانه و ادارات و سازمانها و موسسات و واحدهای مشمول قانون مکلفند اسناد و اطلاعات و مدارک مورد لزوم در تحقیقات را بدون هرگونه فوت وقت در اختیار بازرس یا بازرسان اعزامی قرار داده و همکاری لازم را مبذول دارند.

مطابق ماده ۲۸ آیین نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۹۸؛ دسترسی به حسابهای اشخاصی که در مظان اتهام جرائم مالی-اقتصادی نظیر رشوه، اختلاس، کلاهبرداری تبانی و تدلیس در معاملات، تحصیل مال نامشروع و اخذ پورسانت می باشند که به نحوی مرتبط با دستگاه است، توسط بازرس قضایی سازمان با موافقت رئیس سازمان یا مقام ماذون از طرف او، امکان پذیر است. مسوولان بانک ها ... موظف به اجرای دستور بازرس قضایی خواهند بود.

مطابق ماده ۲۹ آیین نامه مذکور؛ سازمان می تواند اطلاعات و مدارک لازم را برای اعمال نظارت و بازرسی مطالبه کند و همچنین از اماکنی که در آنها فعالیت هایی با حیطه طبقه بندی صورت می گیرد،

نظارت و بازرسی نماید. مسوولان ذی ربط دستگاه مکلفند به مکاتبات، استعلامات شفاهی و کتبی و مطالبه حامل های داده از قبیل لوح های فشرده یا کارت های حافظه و فایل های الکترونیکی حسب درخواست، با فوریت پاسخ دهند و نمی توانند به عذر این که درخواست خارج از اختیارات بازرسی است یا به بهانه عدم صدور دستور مقام مافوق و یا لزوم هماهنگی با او از همکاری خودداری نمایند.

تبصره ۱- نظارت و بازرسی از فعالیت هایی که دارای طبقه بندی سری است، با پیشنهاد رییس سازمان و موافقت رییس قوه قضاییه صورت می گیرد.

تبصره ۲- تخلف از مقررات این ماده، به درخواست سازمان موجب پیگرد قانونی است.

حسب ماده ۲۴ آیین نامه فوق الاشعار؛ اسناد و مدارک و دفاتر مورد لزوم برای انجام امر بازرسی با طبقه بندی محرمانه و خیلی محرمانه، توسط بازرس یا هیأت بازرسی در محل مأموریت ملاحظه و مطالعه و در صورت نیاز صورتمجلس و یا تصویربرداری می شود.

۷- وزارت اطلاعات:

بانکها به موجب قانون تاسیس وزارت اطلاعات ج.ا.ا. مصوب ۱۳۶۲، موظفند هرگونه اطلاعاتی که مورد نیاز وزارت اطلاعات باشد مستقیماً و در صورت لزوم به صورت محرمانه و بدون فوت وقت در اختیار وزارت اطلاعات قرار دهند. با عنایت به مراتب پیشنهاد می گردد درخصوص استعلامات به عمل آمده از وزارتخانه مذکور مراتب با هماهنگی کامل با اداره کل حراست اقدام گردد.

۸- تعزیرات حکومتی:

بموجب تبصره ۴ قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۳/۰۷/۱۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ دادگستری و نیروی انتظامی و کلیه دستگاههای اجرایی و شرکتهای تحت پوشش دولت و ملی شده و نهادهای انقلابی و مؤسسات عمومی و غیردولتی و شرکتهای سازمانهای تابعه و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و زندانها موظف هستند نسبت به اجرای احکام تعزیراتی موضوع این قانون اقدام نمایند. مطابق ماده ۳۵ آیین نامه سازمان تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۳: «کلیه سازمانهای دولتی ... و بانکها موظف به همکاری بوده و همانند آراء قطعی محاکم عمومی و انقلاب موجبات اجرای آراء شعب تعزیرات حکومتی را فراهم خواهند آورد.

۹- سازمان حسابرسی:

مطابق تبصره ۲ ماده واحده قانون تشکیل سازمان حسابرسی مصوب سال ۶۲: «انجام وظایف بازرسی قانونی و امور حسابرسی سالانه مؤسسات و شرکت های دولتی و بانک ها و سایر دستگاه های عمومی و

سازمان های وابسته به دستگاه های عمومی و سازمان های وابسته به دستگاه های مذکور ... که طبق اساسنامه و مقررات داخلی مربوط به خود ملزم به حسابرسی می باشند وظیفه مزبور در انحصار سازمان حسابرسی است.» مطابق بند الف از ماده ۷ اساسنامه سازمان حسابرسی مصوب سال ۶۶: «انجام وظایف بازرسی قانونی و امور حسابرسی سالانه مؤسسات و شرکت های دولتی و بانک ها و سایر دستگاه های عمومی ... در انحصار سازمان حسابرسی است.» با عنایت به مراتب، همکاری با کارشناسان سازمان مذکور بی آنکه به حوزه غیر موارد مشمول داخل شود، الزامی است.

۱۰- استانداران و فرمانداران:

حسب ماده ۱ مصوبه هشتادمین جلسه مورخ ۷۷/۷/۲۸ شورای عالی اداری «استانداران در قلمرو مأموریت خویش به عنوان نماینده عالی دولت، مسئولیت اجرای سیاست های عمومی کشور در ارتباط با وزارتخانه ها، مؤسسات و شرکت های دولتی و سایر دستگاه هایی که به نحوی از بودجه عمومی دولت استفاده می نمایند ... عهده دار خواهند بود.»

مطابق ماده ۱۸ مصوبه مذکور: «کلیه دستگاه های اجرایی موظفند ترتیبی اتخاذ نمایند که استانداران از مأموریت های سازمانی و اقدامات بعمل آمده و آخرین دستورالعملها و ضوابط و بخشنامه های صادره آگاهی داشته باشند.» و حسب ماده ۲۴ این مصوبه «کلیه وظایف و اختیاراتی که بر عهده استانداران محول گردیده است فرمانداران نیز همان وظایف و اختیارات را (به استثنای اختیار مصرح در بند ۱۵ ماده ۲ این مصوبه) در شهرستان محل مأموریت خود را دارا هستند.»

فلذا طبق مفاد بخشنامه نب/۷ مورخ ۷۵/۰۱/۰۶ اداره نظارت بر بانکها و مؤسسات اعتباری بانک مرکزی ج.ا.ا، ارائه آمار و اطلاعات مورد نیاز استانداریها و ... در حد کلیات مربوط و تا آنجا که منافاتی با حفظ اسرار مشتریان بانک نداشته باشد از نظر بانک مرکزی ج.ا.ا مانعی ندارد ضمناً مفاد نامه شماره ۱۹۱۷/۱۷/د مورخ ۷۵/۰۳/۲۱ اداره سازمان و روشها نیز آمار قابل ارائه به دفاتر استانداریها و فرمانداریها را مشخص نموده است. (تصویر نامه پیوست می باشد).

۱۱- کمیسیون تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی (موضوع اصل ۷۶ قانون

اساسی)

مطابق اصل ۷۶ قانون اساسی : مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد . طبق ماده ۱۹۸ قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی: هرگاه نماینده ای تحقیق و تفحص در هر یک از امور کشور را لازم بداند تقاضای خود را به صورت کتبی به هیات رئیسه مجلس تسلیم نموده و

هیات رئیسه ظرف ۴۸ ساعت آن را به کمیسیون تخصصی ذیربط جهت رسیدگی ارجاع می نماید مطابق ماده ۲۰۱ قانون آیین نامه مذکور «مسئولان دستگاه مورد تحقیق و تفحص و کلیه دستگاههای اجرایی ... موظف به فراهم نمودن امکانات و تسهیلات مورد نیاز هیات و در اختیار گذاردن اطلاعات و مدارک درخواستی هیات می باشند ...»

۱۲- کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی ج.ا.ا

مطابق ماده واحده اجازه مکاتبه و تحقیق مستقیم به کمیسیون اصل ۹۰ با دستگاههای دولتی جهت رسیدگی به شکایات مردم مصوب ۱۳۵۹/۰۱/۱۱ : کمیسیون اصل ۹۰ می تواند با قوای سه گانه ج.ا.ا و تمام وزارتخانه ها و ادارات و سازمانهای وابسته به آنها و ... و موسساتی که به نحوی از انحاء به یکی از قوای فوق الذکر مربوط می باشند مستقیماً مکاتبه یا به آنها مراجعه نماید ...

تبصره : مسئولین و مامورین مذکور مکلفند پاسخ کافی و مستند خود را حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ وصول کتباً به کمیسیون اصل نود اعلام دارند تخلف از این قانون جرم و متخلف به مجازات حبس و ... انفصال محکوم می گردد .

۱۳- ادارات خزانه وزارت اقتصاد و امور دارائی :

در صورتی که حسابهای مشتریان دولتی با معرفی اداره کل خزانه معین در مراکز استانها و شهرستانها افتتاح شده باشد . ادارات خزانه جهت کنترل صرفاً حسابهای مفتوحه مذکور می توانند اطلاعات بانکی آنها را اخذ نمایند .

۱۴- بازرسان اعزامی اداره نظارت بر بانکها :

در اجرای بخشی از وظایف قانونی بانک مرکزی ج.ا.ا و به منظور اطمینان از انطباق عملیات بانک با اصول و موازین بانکی و ... وظیفه رسیدگی به حسابها و عملیات ادارات مرکزی کلیه واحدها در سراسر کشور را بر عهده دارند .

بدیهی است اسامی آنها و محدوده وظایف ایشان طی نامه های عمومی از طریق مدیریت امور بازرسی و حسابرسی به کلیه واحدها طبق روال هر ساله اعلام می گردد .

۱۵- اطلاعات بین بانکها:

مطابق مفاد نامه ۶۵۳۵ مورخ ۱۳۷۱/۱۲/۱۰ اداره نظارت بر امور بانکهای بانک مرکزی ج.ا.ا ارائه اطلاعات مورد نیاز بین بانکها (صرفاً در حد اعلام وجود حساب یا صندوق امانات و یا معرفی اموال و نشانی مشتری) مقدور خواهد بود.

بدیهی است در صورت استعلامهای فراتر از موارد مذکور یا موارد غیرمصرح در فوق، اجابت درخواست موکول به بررسی استعلام حسب مورد توسط کارشناسان حقوقی ادارات امور و شعب مستقل و عنداللزوم این اداره کل می‌باشد.

۱۶- به موجب ماده ۳۶ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب سال ۱۳۸۱، در هریک از رشته‌های کارشناسی که اظهارنظر کارشناس رسمی نسبت به موضوع ارجاع شده مراجع قضایی لزوماً نیازمند کسب اطلاعاتی باشد که در اختیار بانک است، کارشناس مذکور موظف است به بانک مراجعه نموده و بانک مکلف است با احراز هویت و ملاحظه مدارک مربوط به ارجاع پرونده به نامبرده، صرفاً اطلاعات مربوط به موضوع کارشناسی را در اختیار وی قرار دهد.^۱

۱۷- دواير اجراء ادارات ثبت اسناد و املاک

بموجب ماده ۵ آیین نامه اجرائی شناسایی و توقیف اموال مدیون در اجرای مفاد اسناد رسمی مصوب ۱۳۹۸ «ادارات اجرای ثبت به تقاضای بستانکار مکلفند به منظور شناسایی و توقیف اموال و حقوق مالی متعهدین اسناد لازم الاجرا از کلیه مراجعی که به هر نحوی اطلاعاتی در مورد اموال اشخاص دارند استعلام لازم را بعمل آورند.»

ب) مراجعی که صرفاً مجاز به بازداشت موجودی مشتریان می‌باشند

این مراجع وفق مقررات موجود صرفاً می‌توانند موجودی مشتریان بانک را توقیف و مستردنموده بدون اینکه مجاز به کسب اطلاعات بانکی مشتریان باشند. این مراجع عبارتند از:

۱- اجرائیات سازمان تعزیرات حکومتی

هرگاه اجرائیات سازمان تعزیرات حکومتی دستور توقیف موجودی مشتریان بانک را صادر و به بانک ابلاغ نماید، در صورتی که در حساب مشتریان فوق وجه موجود باشد، بانک مکلف است تا میزان مبلغی که در بازداشت‌نامه قید گردیده است، موجودی مشتریان را توقیف و طی یک فقره چک به سازمان مذکور مسترد نماید.

۱ نامه‌ی عمومی شماره‌ی ۸۲۰۳۳ مورخ ۱۳۸۲/۲/۲۳ اداره مذکور

۲- اجرائیات وزارت امور اقتصادی و دارائی

به موجب ماده ۲۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحی ۱۳۸۰ «هرگاه مؤدی، مالیات قطعی شده خود را ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ برگ قطعی پرداخت ننماید، اداره امور مالیاتی به موجب برگ اجرایی به او ابلاغ می‌کند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ، تمامی بدهی‌های خود را بپردازد یا ترتیب پرداخت آن را به اداره امور مالیاتی بدهد.» همچنین وفق ماده ۲۱۱ قانون فوق «هرگاه مؤدی پس از ابلاغ برگ اجرایی در موعد مقرر مالیات مورد مطالبه را کلاً پرداخت نکند، یا ترتیب پرداخت آن را به اداره امور مالیاتی ندهد، به اندازه بدهی مؤدی اعم از اصل و جرائم متعلق به اضافه ۱۰٪ بدهی از اموال منقول یا غیرمنقول و مطالبات مؤدی توقیف خواهد شد. صدور دستور توقیف و دستور اجرای آن به عهده اجرائیات اداره امور مالیاتی می‌باشد.»

باتوجه به مواد فوق هرگاه اجرائیات اداره امور مالیاتی دستور بازداشت وجوه مشتریان را صادر و به بانک ابلاغ نماید، بانک مکلف است وفق مفاد دستور صادره اقدام نماید^۱ و در صورتی که حساب مشتری فاقد موجودی باشد و یا اینکه شخص معرفی شده نزد بانک فاقد حساب باشد مراتب را به قید فوریت به اجرائیات ذیربط کتباً اعلام نماید.^۲

۱ ماده ۲۷ آیین‌نامه اجرایی موضوع ماده ۲۱۸ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳: «هرگاه مؤدی کتباً یا شفاهاً اعلام نماید که وجه نقد، اموال منقول، ودیعه یا مطالبات یا مازاد وثیقه، و یا بطور کلی هر چیزی که ارزش مالی داشته باشد متعلق به او نزد شخص ثالثی (اعم از حقیقی یا حقوقی) است و یا اداره امور مالیاتی به هرنحو از چنین امری مطلع شود مکلف است از آن اموال و یا وجه معادل بدهی اعم از اصل و جرایم متعلقه و ده درصد وجه بدهی موضوع ماده ۵ این آیین‌نامه و سایر هزینه‌های اجرایی بازداشت، و توقیف‌نامه‌ای در دو نسخه با درج ساعت و تاریخ مراجعه تهیه و یک نسخه از آن را به شخص ثالث که مال یا وجه نقد و یا مطالبات مالی نزد اوست ابلاغ و در نسخه ثانی رسید اخذ نماید.»

ماده ۲۸ آیین‌نامه فوق: «شخص ثالث مکلف است در زمان ابلاغ توقیف‌نامه، وجه نقد، اموال و مطالبات اعم از نقدی و غیرنقدی نزد خود را در متن توقیف‌نامه اعلام و نسبت به حفظ و حراست آن اقدام و حسب درخواست اداره امور مالیاتی عمل نماید، والا اداره امور مالیاتی معادل بدهی از وجه یا قیمت آن اموال را از شخص ثالث وصول خواهد کرد و این نکته در توقیف‌نامه قید می‌شود.»

۲ ماده ۳۰ آیین‌نامه مزبور: «هرگاه شخص ثالث، منکر وجود تمام یا قسمتی از طلب، وجه نقد یا اموال منقول مؤدی نزد خود باشد باید ظرف مدت سه روز کاری از تاریخ ابلاغ توقیف‌نامه مراتب را کتباً به اداره امور مالیاتی ذی‌ربط اطلاع داده و رسید دریافت نماید. در این صورت عملیات اجرایی نسبت به مورد ادعای شخص ثالث متوقف می‌شود و قسمت اجراء می‌تواند برای اثبات وجود وجوه و اموال یا مطالبات در نزد شخص ثالث به مرجع صلاحیت‌دار مراجعه نماید. مرجع صلاحیت‌دار موضوع را به قید فوریت و خارج از نوبت رسیدگی می‌نماید در صورتی که اطلاع مزبور داده نشود شخص ثالث مکلف است وجه نقد یا سایر اموال را به اداره امور مالیاتی ذی ربط تسلیم نماید؛ اگر اعتراضی داشته باشد به مرجع صالح شکایت کند.

تبصره ۱- در مواردی که وجود اموال یا وجوه یا حقوق موضوع ماده ۲۷ این آیین‌نامه نزد شخص ثالث طبق اسناد رسمی محرز باشد، صرف انکار شخص ثالث، مانع از ادامه عملیات اجرایی نمی‌باشد و اگر شخص ثالث از تسلیم اموال یا وجه یا حقوق مذکور توقیف‌شده نزد وی امتناع نماید و اداره امور مالیاتی به آن مال دسترسی پیدا نکند معادل قیمت و هزینه‌های آن از اموال وی توقیف و به فروش خواهد رسید.»

۳- اجرائیات سازمان تامین اجتماعی

در این خصوص ماده ۵۰ قانون تامین اجتماعی مقرر می‌دارد «مطالبات سازمان بابت حق بیمه و خسارات تاخیر و جریمه‌های نقدی... در حکم مطالبات مستند به اسناد لازم‌الاجرا بوده و طبق مقررات مربوط به اجرای مفاد اسناد رسمی به وسیله مامورین اجرای سازمان قابل وصول می‌باشد». بنابراین هرگاه از واحد اجرائیات سازمان تامین اجتماعی بازداشت‌نامه شخص ثالث به انضمام برگ لازم‌الاجرا در مورد توقیف اموال مشتریان به بانک ابلاغ گردد، بانک مکلف به اجرای مفاد دستور صادره بوده^۱ و در غیر اینصورت بانک مسئول تأدیه مطالبات تامین اجتماعی خواهد بود.^۲

پ) مراجع قانونی که می‌توانند اطلاعات بانکی و موجودی مشتریان بانک را کسب و توقیف نمایند

مراجع ذیل قانوناً می‌توانند اطلاعات بانکی مشتریان را اخذ نموده و بانک مکلف به ارائه اطلاعات مورد درخواست آنها می‌باشد^۳ و همچنین از لحاظ قانونی قادر خواهند بود که موجودی مشتریان را به طور موقت (قرار تامین خواسته) یا قطعی (با ارسال رونوشت اجرائیه صادره) توقیف و مسترد نمایند، و بانک مکلف است در صورتی که حسابهای معرفی شده دارای وجه باشد، تا میزان مبلغ اعلامی، وجوه مشتریان را توقیف نموده و طبق دستور صادره اقدام نمایند. این مراجع عبارتند از^۴:

تبصره ۲- چنانچه وجود وجوه و یا اموال یا حقوق موضوع ماده ۲۷ این آیین‌نامه مورد ادعای قسمت اجراء در نزد شخص ثالث در مراجع صلاحیت‌دار به اثبات برسد و بدهی مالیاتی معادل آنچه نزد شخص ثالث است پرداخت نشده و یا نشود، شخص منکر به تأدیه وجوه و مطالبات و تحویل اموال یا قیمت آن و هر نوع هزینه مترتب ملزم خواهد شد. جمع این مبالغ از طریق فروش اموال وی وصول خواهد شد.

۱ ماده ۳۶ آیین‌نامه اجرائی ماده ۵۰ قانون تامین اجتماعی: «هرگاه معلوم شود که وجه نقد یا اموال منقول دیگری از بدهکار نزد اشخاص ثالث می‌باشد، توقیف آن کتباً به شخص ثالث ابلاغ و رسید دریافت می‌شود...»

ماده ۳۷ آیین‌نامه مزبور: «ابلاغ بازداشت‌نامه، شخص ثالث را ملزم می‌نماید که وجه یا اموال بازداشت شده را به صاحب آن ندهد والا اجرا معادل وجه نقد یا قیمت اموال را از او وصول خواهد کرد.»

ماده ۳۸ آیین‌نامه فوق: «هرگاه مال بازداشت شده در نزد شخص ثالث، وجه نقد یا طلب حال باشد شخص مزبور باید آن را فوراً در قبال اخذ رسید به مامور اجرا تأدیه نماید.»

۲ ماده ۳۹ آیین‌نامه مذکور: «هرگاه شخص ثالثی که مال یا طلب حال بدهکار نزد او بازداشت شده است از تأدیه آن خودداری نماید، بازداشت اموال او مطابق مقررات این آیین‌نامه بعمل خواهد آمد.»

ماده ۴۰ آیین‌نامه مزبور: «هرگاه شخص ثالث منکر وجود تمام یا قسمتی از وجه نقد یا اموال منقول بدهکار نزد خود باشد، باید ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ بازداشت‌نامه، مراتب را به اجرا اطلاع دهد و الا خود مسئول پرداخت وجه یا تسلیم مال خواهد بود.»

۳ ماده ۲۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۱۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری

۴ دستورالعمل اجرایی تنظیم قراردادهای امور حقوقی (بخشنامه ۸ ب) صفحه ۳۶

- ۱- دادگاه‌های حقوقی عمومی
- ۲- دادگاه‌های کیفری عمومی
- ۳- دادگاه‌های انقلاب اسلامی
- ۴- دادگاه‌های نظامی
- ۵- دادستان و دادیاران و بازپرسان دادرهای عمومی و انقلاب
- ۶- دادستان و دادیاران و بازپرسان دادرهای نیروهای مسلح
- ۷- قضات اجرای احکام مجتمع‌های قضائی
- ۸- دادگاه انتظامی قضات
- ۹- دادگاه ویژه روحانیت
- ۱۰- دادستان و دادیاران و بازپرسان دادرای انتظامی قضات
- ۱۱- دادستان و دادیاران و بازپرسان دادرای ویژه روحانیت
- ۱۲- دیوان عدالت اداری^۱
- ۱۳- دواير و ادارات اجرای ثبت

۱ مواد ۴۱ و ۱۱۸ قانون دیوان عدالت اداری

سؤالات بخش هفتم: نحوه کسب اطلاع از وضع مشتریان، حساب آنها و بازداشت وجوه

- ۱) مراجع قانونی را که مجاز به اخذ اطلاعات بانکی مشتریان می باشند، نام ببرید.
- ۲) شرایط اخذ اطلاعات بانکی مشتریان اعم از اشخاص حقیقی، حقوقی و مشتریان متوفی توسط سازمان امور مالیاتی کشور را توضیح دهید.
- ۳) بانک مکلف به ارائه اطلاعات چه دسته ای از مشتریان به سازمان بازرسی کل کشور می باشد؟
- ۴) وزارت اطلاعات مجاز به اخذ اطلاعات بانکی چه مشتریانی می باشد؟
- ۵) دیوان محاسبات کشور مجاز به اخذ اطلاعات بانکی چه گروهی از مشتریان است؟
- ۶) در چه صورتی تعزیرات حکومتی مجاز به اخذ اطلاعات بانکی مشتریان می باشد؟
- ۷) کارشناس رسمی دادگستری تحت چه شرایطی مجاز به اخذ اطلاعات بانکی مشتریان است؟
- ۸) اداره کل خزانه مجاز به اخذ اطلاعات بانکی چه گروهی از مشتریان می باشد؟
- ۹) بانک ها به موجب بخشنامه بانک مرکزی مجاز به تبادل چه اطلاعاتی از مشتریان خود می باشند؟
- ۱۰) مراجع قانونی را که صرفاً مجاز به بازداشت موجودی مشتریان می باشند نام ببرید.
- ۱۱) مراجع قانونی را که مجاز به اخذ اطلاعات و توقیف موجودی مشتریان می باشند نام ببرید.

بخش هشتم: مسائل حقوقی مربوط به افتتاح انواع حساب‌های بانکی

مقدمه:

تمرکز وجوه نقد مشتریان در بانک و تخصیص این منابع به بخش‌های مختلف اقتصادی اثرات مطلوبی در پیشرفت و توسعه اقتصاد جامعه داشته و نهایتاً موجب افزایش سطح درآمد ملی می‌گردد. در این راستا تنویر افکار عمومی به نتایج حاصل از تودیع وجوهشان نزد بانک و استفاده از مزایای بی‌شمار آن به عنوان وظیفه‌ای مهم بر عهده کارکنان بانک محول گردیده و امید است کارکنان خدوم با شناختی که از اهداف بانکداری بدون ربا دارند با تدبیر، حسن سلوک، سرعت عمل و استفاده از تجربیات بانکی خود نسبت به تشویق اقشار مختلف مردم جهت افتتاح انواع حساب‌های مختلف نزد بانک، اهتمام لازم را معمول دارند.

وفق فصل دوم قانون عملیات بانکی بدون ربا و آیین‌نامه مربوطه، تجهیز منابع پولی بانک‌ها به دو طریق سپرده‌های قرض‌الحسنه و سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار امکان‌پذیر می‌باشد.^۱ شناسایی مشتری بایستی به طور دقیق و در چارچوب مقررات مربوطه به‌ویژه دستورالعمل‌های مبارزه با پول‌شویی انجام شود. (مانند: دستورالعمل چگونگی شناسایی مشتریان ایرانی موسسات اعتباری، دستورالعمل چگونگی شناسایی مشتریان خارجی موسسات اعتباری، دستورالعمل نحوه اعمال دقت و نظارت ویژه هنگام ارائه خدمات پایه به اشخاص سیاسی خارجی در موسسات اعتباری، که طی نامه ۵۰۸۳/۵ مورخ ۱۳۹۱/۴/۶ اداره کل بازرسی به واحدها ابلاغ شده است). بنابراین:

الف- بر اساس اصول کلی شناسایی اشخاص حقیقی هنگام افتتاح حساب و پذیرش مشتری واحدها موظفند برای پذیرش مشتری، معیارهای مشخص و شفاف داشته باشد. در این معیارها می‌بایست موارد ذیل مورد توجه قرار گیرند:

۱ ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا «بانک‌ها می‌توانند، تحت هریک از عناوین ذیل به قبول سپرده مبادرت نمایند: الف) سپرده‌های قرض‌الحسنه: ۱- جاری ۲- پس‌انداز ب) سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار . . .»

اصول کلی مربوط به شناسایی اشخاص حقیقی:

- ۱- گشایش هر نوع حساب منوط به شناسایی کامل مشتری ایرانی و یا خارجی براساس مدارک و اوراق هویتی، مجوز اقامت و فعالیت معتبر در ایران و ضوابط مذکور در دستورالعمل است.
- ۲- واحدها موظفند هویت و مشخصات ابراز شده از سوی مشتری و نماینده (ولی، وصی، قیم، وکیل ایرانی و یا خارجی) وی را از طریق تطبیق با مدارک معتبر شناسایی و برابر ضوابط مذکور در دستورالعمل احراز نمایند.
- ۳- واحدها موظفند مشخصات هویتی مشتری را دریافت نمایند و مشخصات هویتی به شرح زیر می باشد:
 - **اشخاص حقیقی:** شامل نام، نام خانوادگی، نام پدر یا مادر، تاریخ تولد، کشور محل تولد، شماره مدرک شناسایی، نوع مدرک شناسایی، تابعیت، جنسیت، کد ملی راجع به اشخاص ایرانی و شماره اختصاصی جهت اتباع خارجی.
 - تبصره: درخصوص اتباع خارجی عرب تبار، نام جد نیز از مشخصات هویتی محسوب می گردد و نیازی به اخذ نام خانوادگی نمی باشد.
 - **اشخاص حقوقی خارجی:** نام، تابعیت، موضوع فعالیت، نوع فعالیت، شماره ثبت، محل ثبت، تاریخ ثبت، شماره اختصاصی.
 - همچنین به دلیل پیچیدگی در تشخیص معتبر و مجاز بودن اسناد ارائه شده توسط مشتریان حقیقی و حقوقی خارجی، لازم است کارکنان شعب موضوع را حسب مورد و از طریق اتصال به ساها (سامانه احراز هویت اشخاص) استعلام نمایند.
 - تبصره: با توجه به اینکه عملیات تطبیق مدارک و اسناد مشتریان گذری خارجی در محل شعبه موسسه اعتباری انجام می شود لازم است موسسه اعتباری در هر یک از شعب، از کارکنانی با تجربه کافی در این زمینه استفاده نماید.
 - شعبه باید قبل از افتتاح حساب، کنترل های لازم را اعمال کند تا اطمینان یابد مشخصات متقاضی افتتاح حساب با مشخصات اشخاصی خارجی که افتتاح حساب برای آن مجاز نیست، انطباق نداشته باشد.

- ۴- بانک می‌بایست قبل از افتتاح حساب برای اشخاص حقیقی و حقوقی کنترل‌های لازم را اعمال نموده و در مورد اشخاص خارجی که مدارک معتبری را برای حضور در ایران ارائه نمی‌نمایند، از افتتاح حساب خودداری نماید.
- ۵- واحد مبارزه با پولشویی بانک موظف است مشخصات مشتریان خارجی را که مبادرت به اعلام اطلاعات غیر واقعی نموده‌اند به واحد اطلاعات مالی گزارش نماید.
- ۶- شعبه موظف است درخصوص اتباع خارجی دارنده دفترچه پناهندگی صادره توسط نیروی انتظامی، کارت ویژه اتباع خارجی و کارت خروجی مدت دار (آمایش) صادره توسط وزارت کشور پس از شناسایی اولیه و یا کامل، فقط خدمات بانکی افتتاح حساب قرض الحسنه پس‌انداز، سپرده سرمایه گذاری و انجام عملیات وصول چک را ارائه نماید.
- تبصره: ارائه هرگونه کارت الکترونیکی و نیز ارائه مجوز هرگونه خدمات الکترونیکی به اشخاص فوق ممنوع می‌باشد.
- ۷- ارائه کلیه خدمات بانکی به اتباع خارجی دارای گذرنامه و پروانه اقامت معتبر بلامانع می‌باشد. درج شماره اختصاصی اشخاص خارجی هنگام ارائه خدمات ضروری است و شماره اختصاصی: شماره‌ای منحصر به فرد که برای هر یک از اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی تعیین و اختصاص داده می‌شود که به صورت رمزینه (بارکد) روی مدارک شناسایی معتبر درج می‌گردد و اطلاعات مربوطه از طریق پایگاه ملی اطلاعات اشخاص خارجی قابل کنترل می‌باشد و این پایگاه مرجع تعیین شماره اختصاصی برای اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی مرتبط با جمهوری اسلامی ایران است که موضوع آیین‌نامه شماره ۱۶۱۷۳/ت ۴۰۲۶۶ هـ مورخ ۱۳۸۸/۱/۲۹ هیات وزیران می‌باشد و سامانه احراز هویت اشخاص (ساها) که مستقر در وزارت امور اقتصادی و دارایی است از طریق ارتباط با سازمان‌های ذی ربط (سازمان ثبت احوال کشور، پایگاه ملی اطلاعات اشخاص خارجی، سازمان ثبت اسناد کشور، شرکت پست و سازمان امور مالیاتی)، پاسخ به استعلام موسسات اعتباری در مورد احراز هویت اشخاص مختلف و نشانی آن‌ها را تسهیل می‌نماید.
- شعبه موظف است در اسرع وقت نسبت به اجرای مفاد ماده ۱۵ آیین‌نامه مبنی بر شناسایی مشتریان قبلی، اقدامات لازم را به عمل آورد.

تبصره ۱ - آن دسته از مشتریان قبلی که در مرحله تطبیق، مشخصات آن‌ها دارای مغایرت بوده است، موظفند ظرف سه ماه نسبت به رفع مغایرت اقدام نمایند. چنانچه مغایرت مذکور رفع نگردد، واحد مبارزه با پولشویی بانک موظف است موارد را به واحد اطلاعات مالی ارسال نماید.

تبصره ۲ - آن دسته از مشتریان قبلی که متوسط فعالیت آن‌ها در سال مطابق دستورالعمل مربوط که به تصویب شورا خواهد رسید، کم اهمیت باشد، از شمول این ماده مستثنی هستند.

در صورتی که موسسه اعتباری به دلایلی همچون عدم همکاری مشتری نتواند اطلاعات لازم را برای شناسایی وی به دست آورد و یا مشتری اقدام به ارائه اطلاعات غیرواقعی نماید، موسسه اعتباری باید پس از توضیح مراتب به مشتری، از ارائه خدمات به وی خودداری نماید.

شعبه موظف است مشخصات مشتریانی را که مبادرت به اعلام اطلاعات غیر واقعی نموده اند، به واحد اطلاعات مالی گزارش کند.

- ۸- ارائه خدمات پایه به اشخاص زیر توسط بانک ممنوع است و در صورت ارائه این گونه خدمات قبل از ابلاغ دستورعمل شعبه مکلف به قطع ارتباط با مشتری است.
- ۱- اشخاصی که از ارائه اطلاعات مورد نیاز خودداری کنند.
 - ۲- صرافی‌های غیر مجاز
 - ۳- اشخاصی که به حکم مراجع قضائی حق افتتاح حساب ندارند.
 - ۴- اشخاص ایرانی فاقد شناسه یا شماره ملی

رویه‌های شناسایی مشتری

شناسایی مشتری حقیقی و یا حقوقی ایرانی یا خارجی برحسب نوع ارائه خدمات بانکی به آن‌ها، به دو نوع شناسایی اولیه و کامل تقسیم می‌شود. بنابراین بانک موظف است هنگام ارائه تمامی خدمات بانکی و اعتباری (اعم از خدمات پایه و غیرپایه) به مشتری ایرانی یا خارجی اعم از مشتریان گذری و دائمی و انجام هرگونه عملیات پولی و مالی (حتی کمتر از سقف مقرر) از جمله انجام هرگونه دریافت و پرداخت حواله وجه، صدور چک، ارائه تسهیلات، صدور انواع کارت دریافت و پرداخت، صدور ضمانت نامه، خرید و فروش ارز و اوراق گواهی سپرده و اوراق مشارکت قبول ضمانت و تعهد ضمانت به هر شکل از قبیل امضاء سفته، بروات و اعتبارات اسنادی نسبت به شناسایی مشتری ایرانی یا خارجی به شرح مندرج در دستورعمل اقدام کرده و اطلاعات آن را در سیستم اطلاعاتی خود ثبت نماید.

تبصره: پرداخت قبوض دولتی و خدمات شهری کمتر از سقف مقرر نیازی به شناسایی مشتری ندارد.

شناسایی اولیه اشخاص ایرانی یا خارجی (حقوقی، حقیقی)

به منظور شناسایی اولیه مشتری در هنگام ارائه خدمات غیرپایه، موسسه اعتباری موظف است مشخصات هویتی مشتری و نماینده (ولی، وصی، قیم، وکیل ایرانی و یا خارجی) وی را اخذ و پس از تطبیق با اصل مدارک هویتی معتبر، ثبت نماید.

تبصره: در خصوص اشخاص حقوقی، شناسایی نماینده یا وکیل الزامی است.

شناسایی اولیه شخص حقیقی:

اطلاعات مورد نیاز:

نام و نام خانوادگی، کد ملی راجع به اشخاص ایرانی و شماره اختصاصی جهت اتباع خارجی، تاریخ تولد، نام پدر، نشانی کامل و کدپستی محل سکونت، شماره تلفن.

شعبه موظف است پس از اخذ اطلاعات فوق از مشتری، آن‌ها را با مندرجات اصل کارت ملی و یا شماره اختصاصی وی تطبیق داده و مراتب را بر روی سند مربوط تایید نماید.

نکته ۱: موسسه اعتباری موظف است نحوه بازشناسی کارت ملی اصلی از جعلی را طبق بخشنامه شماره ۸۹/۳۲۵۳۲ مورخ ۱۳۸۹/۲/۱۶ بانک مرکزی در خصوص ویژگی‌های کترلی در روی کارت شناسایی ملی به تمامی بانک‌ها و موسسات اعتباری ابلاغ گردیده است.

نکته ۲: در مورد محجورین لازم است علاوه بر اطلاعات شخص محجور، اطلاعات مذکور درخصوص ولی و قیم نامبرده نیز دریافت شود.

نکته ۳: برای محجورین، موسسه اعتباری صرفاً مجاز به افتتاح حساب سپرده سرمایه گذاری و قرض‌الحسنه پس انداز است. افتتاح حساب جاری، پرداخت وام و تسهیلات، گشایش اعتبار اسنادی، صدور هرگونه ضمانت نامه و دیگر خدمات مشابه به این اشخاص، کماکان ممنوع است.

نکته ۴: در صورت امکان ارتباط بر خط موسسه اعتباری (به طور مستقیم یا غیر مستقیم) با سازمان ثبت احوال کشور و برخورداری موسسه مذکور از امکان تطبیق مشخصات اظهار شده توسط مشتری با مندرجات شناسنامه عکسدار یا گواهینامه رانندگی یا گذرنامه معتبر، انجام شناسایی اولیه مشتری بر اساس این مدارک نیز بلامانع است.

نکته ۵: شناسایی اولیه شخص حقیقی معرفی شده از سوی شخص حقوقی، برابر ضوابط مقرر در مورد اشخاص حقیقی است.

نکته ۶: به منظور شناسایی اولیه مشتری در هنگام ارائه خدمات غیر پایه، موسسه اعتباری موظف است مشخصات هویتی مشتری و نماینده (وکیل ایرانی و یا خارجی) وی را اخذ و پس از تطبیق با اصل مدارک هویتی معتبر، ثبت نماید.

شناسایی اولیه شخص حقوقی:

با توجه به اینکه برای دریافت خدمات غیر پایه، اشخاص حقیقی به نمایندگی از اشخاص حقوقی به موسسه اعتباری مراجعه می کنند، شناسایی اولیه این اشخاص نیز برابر ضوابط مقرر در مورد اشخاص حقیقی است.

- در صورت وجود ابهام در خصوص اصالت مدارک شناسایی ارائه شده توسط مشتری، متصدیان شناسایی اولیه در موسسه اعتباری موظف هستند با تحقیق از سایر نظام ها و پایگاه های اطلاعاتی، اخذ مدارک معتبر - طبق مقررات این دستورالعمل - وی استعلام از مراجع ذی ربط قانونی مطلع، نسبت به رفع ابهام و شناسایی مشتری اقدام نمایند. در این موارد، ارائه خدمت تا رفع ابهام متوقف می گردد. در صورت اطمینان از غیر واقعی بودن مشخصات، موسسه اعتباری موظف است علاوه بر جلوگیری از ادامه خدمات، مراتب را بلافاصله به واحد اطلاعات مالی گزارش دهد.

شناسایی کامل اشخاص ایرانی یا خارجی (حقیقی، حقوقی)

شناسایی کامل:

شعبه موظف است هنگام ارایه هریک از خدمات پایه به اشخاص خارجی (حقیقی، حقوقی) و به مشتری دائمی ایرانی؛ علاوه بر شناسایی اولیه؛ نسبت به شناسایی کامل و برآورد سطح فعالیت مورد انتظار از وی اقدام نماید.

شناسایی کامل شخص حقیقی:

برای شناسایی کامل شخص حقیقی ایرانی، شعبه موظف است علاوه بر شناسایی اولیه وی، اطلاعات و مدارک ذیل را - بر حسب مورد - از وی اخذ نماید:

۹۱ معرفی نامه معتبر با امضای حداقل یک نفر از مشتریان شناخته شده یا اشخاص مورد اعتماد شعبه یا معرفی نامه از یکی از موسسات اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی، سازمان‌های دولتی و یا نهادها و کانون‌های حرفه‌ای رسمی.

۹۲ سوابق ارتباط مشتری با هر یک از موسسه‌های اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی و استعلام از آن موسسه به منظور تعیین صحت اطلاعات ارائه شده از سوی مشتری.

۹۳ جواز کسب معتبر به ویژه در مورد مشاغل غیر مالی.

۹۴ گواهی اشتغال به کار از اشخاص حقیقی دارای مجوز کسب و یا از اشخاص حقوقی دارای شناسه ملی.

۹۵ اطلاعات در مورد نوع، میزان و هدف فعالیت مشتری جهت تعیین سطح گردش مورد انتظار مشتری در حوزه فعالیت خود.

نکته ۱: شناسایی کامل شخص حقیقی معرفی شده از سوی شخص حقوقی (اعم از ایرانی)، برابر ضوابط مقرر در مورد اشخاص حقیقی است.

نکته ۲: به منظور شناسایی کامل اشخاص حقیقی خارجی، متصدیان مربوط در موسسه اعتباری باید ابتدا فرم شماره ۱ پیوست این دستورالعمل را تکمیل نموده و همراه اسکن یا کپی مدارک شناسایی معتبر اشخاص حقیقی خارجی، به واحد مبارزه با پولشویی آن موسسه ارسال نمایند. واحد مزبور موظف است از طریق سامانه ساها نسبت به اخذ شماره اختصاصی اشخاص خارجی اقدام نموده و در صورت وجود شماره مزبور؛ نسبت به کنترل صحت آن اقدام کرده و پس از آن، دستور افتتاح حساب را به شعبه متقاضی ارسال نماید. همزمان مدارک معتبر و فرم تکمیل شده از طریق سامانه ارتباطی واحد اطلاعات مالی به آن واحد ارسال می‌شود. واحد اطلاعات مالی پس از انجام تحقیقات لازم از طریق پایگاه‌های ذی ربط که حداکثر سه روز کاری به طول خواهد انجامید، مجوز فعالیت حساب را به واحد مبارزه با پولشویی موسسه اعتباری اعلام خواهد نمود. قبل از صدور مجوز فعالیت، موسسه اعتباری صرفاً حق دریافت وجه از صاحب حساب را دارد و ارائه سایر خدمات بانکی منوط به صدور مجوز است. در صورت عدم صدور مجوز فعالیت از سوی واحد اطلاعات مالی، لازم است موسسه اعتباری برابر دستور صادره از سوی آن واحد اقدام نماید.

شناسایی کامل شخص حقوقی:

برای شناسایی کامل شخص حقوقی ایرانی، موسسه اعتباری موظف است علاوه بر شناسایی اولیه وی، اطلاعات و مدارک ذیل را - بر حسب مورد - اخذ نماید:

۱۱ نوع، موضوع، ماهیت و میزان فعالیت شخص حقوقی؛

۱۲ اطلاعات مربوط به رتبه‌بندی شخص حقوقی (از مراجعی نظیر شرکت سنجش اعتبار، رتبه‌بندی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور^۱ و یا سایر مراجع حرفه‌ای)
نکته ۱: در صورت عدم رتبه‌بندی شرکت، موسسه اعتباری موظف است از طریق بررسی صورت‌های مالی تأیید شده توسط یکی از اعضای جامعه حسابداران رسمی نسبت به تعیین سطح فعالیت مورد انتظار مشتری اقدام نماید و در صورت عدم الزام شخص حقوقی به انتخاب یکی از اعضای جامعه حسابداران رسمی، آخرین صورت‌های مالی معتبر شخص حقوقی مستقیماً مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مشخصات فرد یا افرادی که حق برداشت از حساب شخص حقوقی را دارند (شامل نام و نام خانوادگی، شماره ملی، نام پدر، تاریخ تولد، نشانی و کد پستی) و سمت آن‌ها (همراه نمونه امضای مجاز آن‌ها)
اسامی، مشخصات، نشانی و کد پستی محل سکونت اعضای هیات مدیره، هیات عامل / مدیرعامل، حسابرس (حسابرسان) مستقل، بازرس یا بازرسان قانونی و سهام دارانی (شرکایی) که بیش از ۵ درصد سهام (سرمایه) شخص حقوقی را در اختیار دارند. (در مورد سایر اشخاص حقوقی از قبیل سازمان‌های غیرانتفاعی و بنیادها و...، مشخصات، نشانی و کد پستی موسسین یا هیات امنا و ارکان مشابه آن‌ها)
محل اصلی فعالیت، نشانی و کد پستی دفتر مرکزی، شماره‌های تلفن و دورنگار آن، اسامی صاحبان امضای مجاز و نمونه امضای آن‌ها و اطلاعات مربوط به نحوه رسمیت داشتن کلیه اسناد مالی و مکاتبات مربوط، مدت و حدود اختیارات هیات مدیره و مدیر عامل وی یا ارکان مشابه موسسه در مورد حساب‌ها تعهد از مدیران و صاحبان امضاء در شخص حقوقی مبنی بر اینکه آخرین مدارک و اطلاعات مربوط به شخص حقوقی را ارائه داده‌اند و تعهد در مورد اینکه هر نوع تغییر در موارد مذکور را بلافاصله به موسسه اعتباری اطلاع می‌دهند.

نکته ۲: در مورد موسسات و تشکیلات دولتی و بلدی (موضوع ماده ۵۸۷ قانون تجارت) که به محض ایجاد و بدون احتیاج به ثبت، دارای شخصیت حقوقی می‌شوند؛ اخذ تاریخ و شماره ثبت آن‌ها فاقد موضوعیت است. در این موارد، صرفاً اخذ شناسه ملی و استعلام از سامانه ساها و یا پایگاه شناسه ملی

۱ سازمان برنامه و بودجه فعلی

اشخاص حقوقی و حفظ آن در سوابق کفایت می‌کند و نیازی به انجام سایر تکالیف مقرر در مورد شناسایی کامل مشتریان نیست.

- برای شناسایی کامل مشتری، موسسه اعتباری باید صحت اطلاعات ارائه شده (از جمله شماره ملی، شناسه ملی و غیره) را حسب مورد از پایگاه‌های اطلاعاتی ذی ربط استعلام کند. فرد استعلام کننده باید زمان اخذ تائیدیه از پایگاه‌های مذکور را به همراه مشخصات خود در اسناد یادشده گواهی نماید.

نکته ۳: صحت اطلاعات ارائه شده را حسب مورد می‌توان از پایگاه‌های اطلاعاتی ذیل استعلام نمود:

۹۱ اشخاص حقیقی: پایگاه شماره ملی اشخاص حقیقی

۹۲ اشخاص حقوقی: پایگاه شناسه ملی اشخاص حقوقی

۹۳ نشانی: شرکت پست

۹۴ کد اقتصادی: سازمان امور مالیاتی

(موارد فوق را می‌توان از سامانه ساها استعلام نمود).

۹۵ کد اصناف: وزارت بازرگانی

۹۶ ایران کد: وزارت بازرگانی

۹۷ پایگاه روزنامه رسمی کشور.

- در شناسایی کامل شخص حقیقی، مشخصات اعلام شده از سوی وی باید توسط دارنده امضای مجاز در موسسه اعتباری با اصل مدارک معتبر تطبیق داده شده و پس از تایید و درج عبارت «تصویر برابر اصل است» بر روی آن‌ها توسط وی، در سوابق مشتری نگه داری شود.

- در صورتی که وکیل، وصی، قیم و یا ولی به نمایندگی از طرف شخص یا اشخاص دیگری متقاضی دریافت خدمات باشد، لازم است موسسه اعتباری علاوه بر شناسایی اصیل نسبت به شناسایی هویت نماینده شخص (اشخاص) و مستندسازی مدارک وی نیز مطابق با مفاد این مقررات اقدام نماید.

- مستند سازی نشانی مشتری در شناسایی اولیه، از طریق تطبیق کد پستی اعلامی از سوی مشتری با کد پستی ظهر کارت ملی وی انجام می‌شود. برای مستند سازی نشانی مشتری در شناسایی کامل، لازم است کد پستی اعلامی از سوی مشتری با اطلاعات پایگاه کد پستی کشور تطبیق داده شود (دسترسی به این پایگاه از طریق سامانه ساها امکان پذیر است).

- در صورتی که مشتری، دارای شماره منحصر به فردی در بانک باشد که بر اساس آن، شماره حساب‌های متفاوتی ایجاد می‌شود، نیازی به شناسایی کامل وی برای هر حساب نیست.

- در صورتی که سهامداران عمده شخص حقوقی، جزو اشخاصی (حقیقی، حقوقی) باشند که برای موسسه اعتباری شناخته شده نباشند، لازم است شناسایی مشتریان نسبت به سهامداران عمده آنها نیز اعمال شود. در هر صورت عملیات شخص حقوقی باید تحت مراقبت ویژه قرار گیرد (برابر ضوابط مذکور در دستورالعمل مراقبت از اشخاص مظنون).

- در خصوص آن گروه از خدمات که در چارچوب قوانین و مقررات خاص مستلزم دریافت اطلاعات و مدارک دیگری نیز باشند، شعبه می‌بایست علاوه بر رعایت ضوابط مندرج در این دستورعمل، برای شناسایی مشتری، مقررات ذی ربط را نیز اعمال نماید.

- شعبه باید در مورد اشخاصی که وکالت کلی برای انجام کلیه امور شخص حقیقی یا حقوقی دارند، ضمن شناسایی کامل وکیل و اصیل (به شرح مندرج در این دستورعمل)، مراتب را به بانک مرکزی و واحد اطلاعات مالی گزارش کنند.

- شعبه باید اطلاعات اخذ شده از مشتری را با مندرجات مذکور در مدارک شناسایی معتبر تطبیق داده و از صحت آنها اطمینان حاصل نماید. مدارک شناسایی معتبر عبارتند از:

برای اشخاص حقیقی:

○ کارت ملی

○ شناسنامه (صرفاً برای اشخاص زیر ۱۵ سال)

○ شناسنامه یا گواهی نامه رانندگی یا گذرنامه (در صورت امکان ارتباط موسسه اعتباری و تعیین

صحت اطلاعات آنها با اطلاعات موجود در سامانه ساها).

نکته: در مورد محجورین لازم است علاوه بر مدارک فوق، سند رسمی دال بر تایید سمت ولی، قیم و وصی نیز دریافت شود.

برای اشخاص حقوقی:

○ اصل یا تصویر گواهی نامه ثبت شرکت، شرکت نامه

○ اظهار نامه ثبت شرکت یا اساسنامه (با توجه به وضعیت شرکت)

○ مصوبه هیات مدیره مبنی بر افتتاح حساب (به نام شرکت) و معرفی صاحبان امضای مجاز؛

○ تعهدنامه اشخاص حقوقی مذکور مبنی بر اعلام هر نوع تغییر - بلافاصله پس از وقوع- که در

شرکت نامه یا اساسنامه و یا بر اساس تصمیمات هیات مدیره در خصوص افتتاح حساب و معرفی صاحبان امضای مجاز ایجاد می‌شود.

- چنانچه مشتری مدارک شناسایی مذکور در مواد فوق را ارائه ننماید و یا ظن به انجام فعالیت‌های پولشویی یا سایر جرایم مرتبط وجود داشته باشد، موسسات اعتباری باید از ارائه خدمت به وی خودداری کرده، مراتب را به واحد اطلاعات مالی گزارش نمایند.

۱) ارائه خدمات پایه به صورت الکترونیکی و بدون شناسایی کامل مشتری و انجام هرگونه تراکنش مالی الکترونیکی غیرقابل ردیابی یا بی نام و ارائه تسهیلات مربوط ممنوع است.

۲) **شعبه**، به هنگام ارائه خدمات پایه به مشاغل غیرمالی باید ضمن دریافت مدارک مربوط به شناسایی کامل، تعهدات لازم در خصوص اجرای قانون و مقررات مبارزه با پولشویی را از آنها اخذ نماید. در صورت خودداری مشاغل غیرمالی از ارائه این تعهد و یا خودداری از عمل به تعهدات، شعبه باید از ارائه خدمت به آنها خودداری نماید.

۳) **شعبه** موظف است هنگام ارائه خدمات به اشخاصی که اسامی و مشخصات آنها از طریق بانک مرکزی به آنها اعلام می‌شود، دقت و نظارت بیشتری را به عمل آورند و عملکرد مالی آنها را به طور مداوم، زیر نظر داشته باشند.

نکته: شعبه موظف است در مورد اشخاص زیر، دقت و مراقبت ویژه به عمل آورد:
افراد و موسساتی که نام آنها در فهرست جرایم تروریستی یا مرتبط با پولشویی قرار دارد و نام آنها از سوی بانک مرکزی به موسسه اعتباری اعلام می‌شود؛
اصنافی که فاقد کد اصناف هستند.

۴) **شعبه** باید هنگام ارائه خدمات پایه به مشتری، آنها را متعهد نماید که:

الف - اطلاعات مورد درخواست شعبه را که در این دستورالعمل مشخص شده است، ارائه کرده، مقررات مربوط به مبارزه با پولشویی را رعایت نمایند.

ب - اجازه استفاده اشخاص دیگر از خدمات پایه دریافتی را ندهند و در صورت اقدام، موضوع را بلافاصله به شعبه اطلاع دهند. نمایندگی قانونی به شرط درج مشخصات نماینده یا وکیل و شناسایی اولیه و ثبت مشخصات وی شامل این بند نمی‌باشد.

نکته: تعهدات فوق باید به طور صریح و دقیق، برای مشتری بیان شود. در صورت عدم پذیرش این تعهدات از سوی مشتری و یا عدم رعایت آنها توسط وی، لازم است ارائه خدمات به مشتری متوقف شود.

- (۵) **شعبه** موظف است در تمامی فرم‌های مورد استفاده، محل مناسب برای درج یکی از شماره‌های شناسایی معتبر (حسب مورد شماره ملی و شناسه ملی) و کد پستی را پیش بینی نماید و این مشخصات به طور کامل و دقیق دریافت و تطبیق داده شود.
- (۶) در صورتی که موسسه اعتباری مشخصات درج شده اشخاص و اماکن ثبت شده در سیستم‌های اطلاعاتی خود را با پایگاه‌های اطلاعاتی ذی ربط تطبیق نداده باشد لازم است مشخصات مذکور را حداکثر ظرف مدت ۱ ماه پس از ارائه خدمات پایه به مشتری، به پایگاه‌های مذکور ارسال کرده، صحت آنها را کنترل نماید.
- (۷) **شعبه** موظف است اطلاعاتی را که قبلاً با پایگاه‌های ذی ربط تطبیق داده است هر ۳ ماه یک بار به روز نماید. در صورتی که محرز شود شخص حقیقی طی این مدت فوت شده لیکن مراتب به شعبه اعلام نشده باشد لازم است حساب وی بلافاصله مسدود شود و در صورتی که پس از فوت وی، تراکنش یا معامله بالاتر از سقف مقرر انجام شده باشد، مراتب به بانک مرکزی و واحد اطلاعات مالی گزارش شود.
- (۸) **شعبه** ارائه دهنده خدمات پایه موظف است به طور مداوم و مخصوصاً در موارد زیر اطلاعات مربوط به شناسایی کامل مشتری را به روز نمایند:
- الف- در زمانی که بر اساس شواهد و قرائن احتمال آن وجود داشته باشد که وضعیت مشتری تغییرات عمده‌ای پیدا نموده است.
- ب- در صورتی که شعبه بر اساس شواهد و قرائن احتمال دهد مشتری در جریان عملیات پولشویی و یا تامین مالی تروریسم قرار گرفته است.
- (۹) به منظور مستند سازی اطلاعات مشتریان، لازم است پس از استعلام اطلاعات مربوط به آنها از مراجع ذی ربط و اطمینان از صحت اطلاعات؛ تصویر این اسناد توسط صاحب امضای مجاز در شعبه برابر اصل شود.
- (۱۰) شش ماه پس از ابلاغ این دستورعمل، لازم است کد پستی محل اقامتگاه قانونی مشتری دائمی با اطلاعات مندرج در پایگاه ذی ربط (ثبت احوال و یا ثبت اسناد) همخوانی داشته باشد. در مورد مشتریان گذری، شعبه موظف به تطبیق کدپستی مندرج بر روی کارت ملی با اطلاعات ابراز شده از سوی مشتری است.

- (۱۱) ارائه خدمات به مشتریان به منزله تائید انجام رویه شناسایی مشتری توسط کارکنان ذی ربط شعبه است و مسئولیت وجود هرگونه نقص در این زمینه در چارچوب این دستورالعمل متوجه آنها است.
- (۱۲) شعبه موظف است حداکثر ظرف مدت ۳ ماه از تاریخ ابلاغ دستورعمل پولشویی، کلیه حساب‌های فاقد شماره یا شناسه ملی را مسدود نماید. به محض ارائه شماره یا شناسه ملی، از حساب‌های مزبور رفع انسداد می‌شود.

(۱۳) شناسایی کامل اشخاص حقوقی خارجی

- ۱۳-۱- برای شناسایی کامل اشخاص حقوقی خارجی، لازم است ابتدا فرم شماره ۲ پیوست تکمیل شده و همراه اسکن یا کپی مدارک شناسایی معتبر اشخاص حقوقی خارجی به واحد مبارزه با پولشویی بانک ارسال شود. واحد مزبور موظف است از طریق سامانه ساه، شماره اختصاصی اشخاص خارجی را اخذ کرده و در صورت وجود شماره مزبور، نسبت به کنترل صحت آن اقدام نماید و سپس دستور افتتاح حساب را به شعبه متقاضی ارسال نماید.
- ۱۳-۲- همزمان مدارک معتبر و فرم تکمیل شده از طریق سامانه ارتباطی واحد اطلاعات مالی به آن واحد ارسال می‌شود. واحد اطلاعات مالی پس از انجام تحقیقات لازم از طریق پایگاه‌های ذیربط که حداکثر سه روز کاری به طول خواهد انجامید، مجوز فعالیت حساب را به واحد مبارزه با پولشویی بانک اعلام خواهد نمود. قبل از صدور مجوز فعالیت، شعبه صرفاً حق واریز وجه به حساب را دارد و ارائه سایر خدمات بانکی منوط به صدور مجوز است. در صورت عدم موافقت واحد اطلاعات مالی لازم است بانک برابر دستور صادره از سوی آن واحد اقدام نماید.
- تبصره: در مورد شرکت‌های خارجی، شعب و دفاتر نمایندگی شرکت‌های خارجی در ایران و همچنین سازمان‌های مردم نهاد خارجی لازم است علاوه بر شناسایی کامل اشخاص حقیقی صاحب امضاء حساب، مسئولین خارجی مقیم و دارای تردد به ایران (به شرح مندرج در مورد اشخاص حقیقی) و نیز مشخصات اعضای هیات مدیره و مدیران ارشد ارکان مشابه هر یک از آنها در خارج از کشور (به شرح مندرج در مورد اشخاص حقیقی به جز شماره پروانه اقامت و روایت و نشانی)، مشخصات شرکت مادر آنها در خارج از کشور - براساس مفاد فرم‌های شماره یک و دو - اخذ شود.

۱۳-۳- در شناسایی کامل مشتریان خارجی (حقیقی، حقوقی)، موسسه اعتباری باید تمامی اطلاعاتی را که در شناسایی کامل مشتریان ایرانی (حقیقی، حقوقی) از آنها اخذ می‌نماید، از مشتریان خارجی نیز مطالبه کرده (حسب مورد) و پس از مستند سازی آنها، در سوابق آنها نگهداری نمایند.

۱۳-۴- شعب افتتاح کننده حساب برای اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی موظف هستند خلاصه اطلاعات گردش حساب مشتریان خارجی را هر سه ماه یکبار از طریق سامانه الکترونیکی در اختیار واحد مبارزه با پولشویی بانک قرار دهند تا علاوه بر اعمال نظارت‌های مندرج در این دستورعمل، متناسب با شرایط و وضعیت حضور و فعالیت قانونی و غیرقانونی اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی در ایران، نظارت‌های لازم صورت گرفته و در صورت تغییر شرایط مذکور، اطلاع رسانی لازم به شعب مربوط انجام پذیرد.

۱۳-۵- اشخاص سیاسی خارجی: اشخاص حقیقی خارجی‌ای که حداقل دارای یکی از شرایط ذیل هستند:

۱- دارای سمت سیاسی رسمی در کشور خود بوده و یا به نیابت از کشور خود، دارای سمتی دیپلماتیک در کشورهای دیگر هستند.

۲- بدون داشتن سمت رسمی در کشور خود، به عنوان یک شخص سیاسی حزبی در آن کشور شناخته می‌شوند و در کشور خود یا خارج از آن، به فعالیت سیاسی اشتغال دارند

۳- در سازمانهای بین‌المللی یا بین‌دولتی دارای سمت رسمی هستند.

۴- اشخاص سیاسی خارجی ویژه: اشخاص سیاسی خارجی بند پیشین (بند ۷) و یا دیگر

اشخاص سیاسی خارجی وابسته به گروه‌های نظامی یا شبه نظامی و یا فرق‌های، مشروط

بر آن که دارای حداقل یکی از شرایط ذیل باشند:

الف- مورد تعقیب اینترپل باشند.

ب- از نظر مقررات استرداد مجرمین تحت تعقیب باشند.

پ- از نظر شورای امنیت سازمان ملل مشمول تحریم باشند.

تبصره: مصادیق اشخاص سیاسی خارجی و اسامی اشخاص سیاسی خارجی ویژه توسط بانک

مرکزی به روزرسانی شده و به موسسات اعتباری ابلاغ می‌شود.

شعبه موظف است هنگام ارائه خدمات پایه به ویژه خدمات بانکی ذیل به اشخاص سیاسی خارجی، مقررات مذکور در دستورالعمل نحوه اعمال دقت و نظارت ویژه هنگام ارایه خدمات پایه به اشخاص سیاسی خارجی در موسسات اعتباری را رعایت کند:

۱ - افتتاح، انسداد (تمام یا بخشی از حساب) و بستن حساب سپرده قرض الحسنه جاری؛

۲ - افتتاح، انسداد (تمام یا بخشی از حساب) و بستن حساب سپرده قرض الحسنه پس انداز و حساب سپرده سرمایه گذاری مدت دار.

تبصره ۱- به موجب نامه شماره ۶۴۴/۱۴۹۶۹۷۷ مورخ ۱۳۹۰/۸/۲۳ مدیر کل حقوقی بین‌المللی وزارت امور خارجه، معرفی افراد حقیقی و حقوقی نمایندگی‌های خارجی مقیم جمهوری اسلامی ایران برای انجام عملیات بانکی و دریافت خدمات پایه، مستلزم صدور نامه رسمی از سوی اداره کل تشریفات وزارت امور خارجه می‌باشد.

تبصره ۲ - ارایه کلیه خدمات پایه به اشخاص سیاسی خارجی ویژه ممنوع است. در صورت ارایه خدمات پایه به این اشخاص قبل از ابلاغ این دستورالعمل، لازم است مراتب به قید تسریع به بانک مرکزی اعلام شود تا پس از انجام بررسی‌های معمول، نحوه اقدام به موسسه اعتباری اعلام شود.

تبصره ۳ - ارایه خدمات پایه به سایر اشخاص سیاسی خارجی بلامانع است اما مراتب باید به قید تسریع به بانک مرکزی اعلام شود.

- در صورت انصراف شخص سیاسی خارجی از اخذ خدمات پایه و یا توقف ارایه این خدمات به وی (مثل انسداد حساب، تسویه تسهیلات و....)، لازم است مراتب به بانک مرکزی اعلام شود.

- افتتاح حساب جاری برای اشخاص سیاسی خارجی ویژه مطلقاً ممنوع است.

- اگر کشور موطن اصلی شخص سیاسی خارجی جزو کشورهایی باشد که جرم‌های سازمان یافته و مرتبط با پولشویی در آن زیاد است افتتاح حساب جاری برای این افراد منوط به اخذ اجازه از بانک مرکزی است.

- هنگام افتتاح سپرده قرض الحسنه پس انداز و سپرده سرمایه گذاری مدت دار برای اشخاص سیاسی خارجی، بانک موظف است نسبت به شناسایی کامل وی برابر ضوابط مذکور در دستورالعمل چگونگی شناسایی مشتریان خارجی موسسات اعتباری عمل نماید. برای افتتاح سپرده قرض الحسنه پس انداز و سپرده سرمایه گذاری مدت دار؛ اقامت دائم فرد متقاضی در کشور ایران ضرورت ندارد.

- بررسی ویژه در خصوص استفاده از خدمات پایه

۱- چنانچه شخص حقیقی متقاضی استفاده از خدمات پایه از مشتریان شناخته شده موسسه اعتباری نباشد سطح فعالیت شخص مذکور بر اساس خود اظهاری وی در فرم‌های مربوط و با توجه به اسناد و مدارک زیر توسط موسسه اعتباری تعیین می‌شود.

نکته ۱ - موسسه اعتباری باید صحت اظهارات شخص مذکور را از طریق تطبیق اظهارات وی با یک یا چند مورد از اسناد و مدارک ذیل (حسب مورد) احراز نماید:

۱۱ آخرین فیش تایید شده حقوق و مزایای وی در مورد کارکنان دولت و یا تاییدیه آخرین فهرست بیمه ارسالی به بیمه‌های معتبر؛

۱۲ صورت گردش حساب شخص در موسسه اعتباری دیگری که تحت نظارت بانک مرکزی قرار دارد (ممه‌ور به مهر موسسه اعتباری)؛

۱۳ آخرین اظهار نامه مالیاتی شخص؛

۱۴ آخرین اظهار نامه مالیات بر ارزش افزوده.

نکته ۲ - در مورد حساب‌هایی که با معرفی سازمان‌های دولتی و نهادهای عمومی برای واریز حقوق و مزایای کارکنان آن‌ها افتتاح می‌شود، موسسه اعتباری می‌تواند معرفی نامه سازمان یا نهاد مربوط یا حکم کارگزینی وی را به عنوان یکی از مدارک مورد استناد بپذیرد. در مورد حساب‌هایی که با معرفی شرکت‌های خصوصی برای واریز حقوق و مزایای کارکنان آن‌ها افتتاح می‌شود، موسسه اعتباری می‌تواند معرفی نامه شرکت مذکور را بپذیرد به شرط آن که فرآیند شناسایی آن شرکت قبلاً به طور کامل انجام شده باشد. همچنین لازم است معرفی نامه مذکور مشتمل بر مجموع حقوق و مزایای سالیانه فرد و یا میانگین حقوق و مزایای ماهیانه وی و متناسب با فهرست اظهارات به بیمه باشد.

۲- در صورتی که شخص دارای منابع درآمدی دیگری باشد لازم است اسناد و مدارک مربوط به هریک از منابع درآمدی خود را به طور جداگانه به موسسه اعتباری ارائه کند.

در صورتی که مشتری حقیقی به منظور انجام امور مالی مرتبط با فعالیت یک شخص حقوقی (مواردی مانند تنخواه گردان، کارپردازی و...) از حسابی استفاده می‌نماید، باید از شخص حقوقی مذکور که خود قبلاً مورد شناسایی کامل قرار گرفته است، معرفی نامه ارایه نماید. سطح فعالیت مشتری حقیقی مذکور نباید بیش از سطح فعالیت شخص حقوقی مربوط ارزیابی شود.

۳- در صورت پرداخت ویا واریز وجوه نقدی بیش از سقف مقرر توسط مشتری، لازم است گزارش واریز وجوه نقد (فرم پیوست) به طور دقیق و کامل توسط وی تکمیل و امضا شده، در اختیار موسسه اعتباری قرار گیرد. در صورتی که مشتری نتواند گزارش مذکور را تکمیل نماید، این گزارش باید توسط کارکنان موسسه اعتباری تکمیل و به تایید مشتری رسانده شود.

نکته: درج شماره ملی مربوط به اشخاص حقیقی، شناسه ملی اشخاص حقوقی ویا شماره فراگیر اشخاص خارجی (حسب مورد) و نیز توضیحات مشتری در مورد منشاء وجوه نقد پرداختی (بیش از سقف مقرر) توسط وی و علت پرداخت وجوه مذکور به صورت نقد در فرم پیوست الزامی است. لازم است اطلاعات مذکور در مورد تمامی اشخاص مرتبط با تراکنش (واریز کننده، صاحب حساب، ظهرونیسان چک و...) اخذ شود.

۴- پس از تکمیل فرم پیوست، کارکنان ذی ربط در موسسه اعتباری باید اطلاعات مندرج در آن را با مدارک شناسایی مشتری -برابر ضوابط مذکور در دستورالعمل چگونگی شناسایی مشتریان موسسه اعتباری- تطبیق داده و سپس اقدام به واریز یا انتقال وجوه مشتری نمایند.

در صورتی که مشتری فرم مذکور را تکمیل نکرد ویا از ارایه اطلاعات جهت تکمیل آن توسط کارکنان ذی ربط در موسسه اعتباری استنکاف نمود، کارکنان موسسه اعتباری وظیفه دارند تا وجوه مذکور را از مشتری پذیرفته؛ لیکن موارد را به قید تسریع به واحد اطلاعات مالی گزارش دهند. در این موارد لازم است ارائه خدمات به مشتری تا رفع ابهام متوقف شود. انجام اقدامات مربوط در این زمینه باید بدون اطلاع مشتری صورت پذیرد.

در صورت وجود ابهام در صحت اطلاعات ویا مدارک ارائه شده توسط مشتری، کارکنان موسسه اعتباری وظیفه دارند از طریق تحقیق از سایر نظامها و پایگاههای اطلاعاتی و نیز استعلام از مراجع قانونی ذی ربط، نسبت به رفع ابهام اقدام نمایند. در این موارد لازم است ارائه خدمات به مشتری تا رفع ابهام متوقف شود. انجام اقدامات مربوط در این زمینه باید بدون اطلاع مشتری صورت پذیرد. چنانچه امکان شناسایی مشتری برای موسسه اعتباری ممکن نباشد ارائه خدمت به وی متوقف خواهد شد. کارکنان ذی ربط در موسسه اعتباری باید دلایل توقف خدمت را در فرم پیوست تکمیل کرده و به مراجع مربوط ارائه نمایند.

چنانچه مشخصات ارائه شده از سوی مشتری صحت نداشته ویا کارت ملی وی، توسط کارمند جعلی تشخیص داده شود، موسسه اعتباری موظف است مراتب را بلافاصله به واحد اطلاعات مالی گزارش دهد.

در این موارد، ادامه خدمت به مشتری به مدت یک روز کاری به تاخیر می‌افتد. پس از مدت مذکور و در صورت ارایه حکم مراجع قضایی از سوی واحد اطلاعات مالی به موسسه اعتباری، اقدامات لازم بر اساس آن انجام می‌پذیرد و در غیر این صورت، ارایه خدمت به مشتری ادامه پیدا می‌کند.

در صورتی که توضیحات مشتری در مورد منشا وجوه نقد بیش از سقف مقرر و علت واریز آن به صورت نقدی، قانع کننده نباشد و یا به دلایل دیگری، ظن به پولشویی و تامین مالی تروریسم وجود داشته باشد متصدی مربوط موظف است علاوه بر ارسال گزارش موضوع این دستورعمل، نسبت به ارسال گزارش معاملات مشکوک برابر ضوابط مندرج در دستورالعمل «شناسایی معاملات مشکوک و شیوه گزارش دهی» اقدام نماید.

پس از تکمیل گزارش، متصدی مربوط باید گزارش مذکور را در اختیار مسئول مبارزه با پولشویی شعبه قرار می‌دهد تا پس از بررسی و جمع بندی اطلاعات مندرج در آن، کلیه گزارش‌های تکمیل شده را در پایان هر روز، به واحد مبارزه با پولشویی موسسه اعتباری ارسال نماید. یک نسخه از تمامی گزارش‌های تکمیل شده نیز در شعبه نگهداری می‌شود.

تعهدنامه

با استناد قانون مبارزه با پول شویی مصوب سال ۱۳۸۶ و آیین نامه اجرایی آن، موضوع تصویب نامه شماره ۱۸۱۴۳۴/ت ۴۳۱۸۲ مورخ ۱۳۸۸/۹/۱۴

اینجانب..... فرزند..... به شماره شناسنامه..... صادره از.....
دارای کد ملی به شماره..... مقیم...../شرکت.....
ثبت شده به شماره..... و..... دارای شناسنامه ملی به شماره.....
مقیم..... با نمایندگی آقای/خانم..... فرزند..... طبق آگهی منتشره به
شماره..... مورخ..... در روزنامه رسمی کشور به عنوان مشتری شعبه..... بانک
ملی ایران، متعهد به رعایت الزامات ذیل گردیدم/ گردید:

الف- به هنگام استفاده از تمامی خدمات بانکی، مقررات مربوط به مبارزه با پول شویی را رعایت نموده و
اطلاعات مورد درخواست بانک و اسناد مربوطه را تهیه و ارائه نمایم/ نمایم.

ب- در حوزه خدمات الکترونیکی بانک، ابزارهای شناسایی اعم از شناسه‌ی اطلاعاتی و یا فیزیکی که برای
اخذ انواع خدمات بانکی در اختیار اینجانب/ این شرکت قرار می‌گیرد، در اختیار شخص ثالث قرار
ندهم/ ندهم و در صورت بروز مشکل، مسئولیت‌های آن را تقبل می‌نمایم/ می‌نمایم.

ج- هرگونه تغییر در نشانی و کدپستی را برای اصلاح مندرجات کارت ملی سریعاً به سازمان ثبت احوال
اعلام و مراتب را در اسرع وقت (حداکثر ظرف یک هفته از تاریخ تغییر) به بانک اطلاع دهم/ دهد، در غیر
این صورت نشانی اعلام شده از سوی مراجع ذی ربط، از نظر بانک، نشانی اینجانب/ این شرکت تلقی و حق
هرگونه ادعا و اعتراضی را از خود سلب و ساقط می‌نمایم/ می‌نمایم.

د- اجازه استفاده اشخاص دیگر به استثنای وکیل و یا نماینده قانونی از خدمات پایه دریافتی نظیر
حساب‌های بانکی، اعتبار اسنادی، ضمانت‌نامه‌های صادره، خرید دین ناشی از اسناد تجاری، صندوق
امانت، کارت‌های دریافت و پرداخت را ندهم/ ندهم و در صورت استفاده غیر، موضوع را بلافاصله به بانک
اطلاع دهم/ دهد.

۱- اینجانب...../شرکت..... با امضای این تعهدنامه ضمن الزام
به تمامی تعهدات فوق، حق هرگونه ادعا و اعتراضی را نسبت به عملکرد و اقدام بانک از خود سلب و
ساقط نمودم/ نمود.

محل امضاء:

تاریخ:

۱- سپرده‌های قرض الحسنه

قرض در لغت به معنای قطع کردن و بریدن است. همانطوری که قرض دهنده قسمتی از مال خود را از خود جدا می‌کند و به قرض گیرنده می‌دهد.^۱

قرض یکی از عقود معین قانون مدنی می‌باشد و علاوه بر شرایط اساسی صحت معاملات^۲ برای انعقاد عقد قرض، شرایط این عقد نیز بایستی رعایت گردد.

با انعقاد عقد قرض، قرض دهنده مقدار معینی از مال خود را به قرض گیرنده تملیک می‌نماید و قرض گیرنده در مقابل تعهد می‌کند که مثل آن مال را به قرض دهنده بپردازد. قرض گیرنده باید در هر زمان که قرض دهنده مورد قرض را مطالبه می‌نماید، آن را رد نماید^۳ مگر آنکه به وجه ملزومی اجلی (سررسید) معین شده باشد که در این صورت مطالبه قبل از سررسید، مدیون را ملزم به ادای مورد قرض نمی‌نماید.

افتتاح حساب‌های سپرده قرض الحسنه که منتهی به جمع‌آوری وجوه مازاد بر نیاز اقشار مختلف مردم می‌گردد، موجب تمرکز آنها در بانک گردیده و می‌توان با سهولت بیشتری در رفع مسائل و مشکلات اقتصادی و حل گرفتاری‌های مالی اقشار کم‌درآمد جامعه برنامه‌ریزی نمود. همچنین این وجوه طبق موازین شرعی و قانونی جزء منابع مالکانه بانک محسوب گردیده و بانک مجاز می‌باشد. این منابع را به عنوان منابع متعلق به خود و در تمامی فعالیت‌های اقتصادی به کار گیرد.^۴ به موجب بند الف ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا و ماده ۱ آیین‌نامه فصل دوم قانون مذکور، افتتاح این قبیل حساب‌ها توسط بانک در دو قالب جاری و پس‌انداز امکان‌پذیر می‌باشد.^۵

۱ ماده ۶۴۸ قانون مدنی «قرض عقدی است که به موجب آن احد طرفین مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می‌کند که طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف رد نماید و در صورت تعذر ردّ مثل، قیمت یوم‌الرد را بدهد.»

۲ ماده ۱۹۰ قانون مدنی «برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است: ۱- قصد طرفین و رضای آنها ۲- اهلیت طرفین ۳- موضوع معین که مورد معامله باشد ۴- مشروعیت جهت معامله»

۳ ماده ۲ آیین‌نامه فصل دوم قانون عملیات بانکی بدون ربا «استرداد اصل سپرده‌های قرض الحسنه توسط بانک‌ها تعهد و تضمین می‌گردد و بانک‌ها مکلفند عندالمطالبه اصل سپرده‌های قرض الحسنه را مسترد نمایند.»

۴ ماده ۴ آیین‌نامه فصل دوم قانون فوق: «سپرده‌های قرض الحسنه، جزو منابع بانک محسوب می‌گردد.»

۵ ماده ۱ آیین‌نامه مذکور «بانک‌ها تحت هریک از عناوین ذیل به قبول سپرده قرض الحسنه مبادرت می‌نمایند: الف) جاری ب) پس‌انداز

الف) سپرده قرض الحسنه جاری

حساب سپرده قرض الحسنه جاری، حسابی است که به موجب قرارداد^۱ بین بانک و متقاضی نزد بانک افتتاح می شود و بانک تا میزان موجودی، وجوهی که به حساب مشتری منظور گردیده یکجا یا به دفعات به موجب چک یا دستور کتبی صاحب حساب پرداخت یا منتقل می نماید.^۲

افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه جاری برای اشخاص حقیقی

شرط لازم جهت افتتاح حساب برای اشخاص حقیقی دارا بودن اهلیت استیفاء می باشد. به عبارت دیگر متقاضیان افتتاح این حساب بایستی عاقل، بالغ و رشید باشند (همانطور که آمد، اشخاص حقیقی با رسیدن به سن ۱۸ سال تمام شمسی و یا صدور حکم رشد آنها توسط مراجع قضایی، رشید محسوب می گردند).

متقاضی برای افتتاح حساب بایستی علاوه بر تقاضای کتبی، شناسنامه عکس دار، کارت ملی خود^۳ را به بانک ارائه نموده و معرفی که موردی قبول بانک می باشد، هویت وی را تأیید نماید.^۴ مسئولین شعب ابتدا به درخواست مذکور رسیدگی نموده و در خصوص شغل، محل اشتغال و محل سکونت متقاضی تحقیق و می بایست به صحت اطلاعات ارائه شده به بانک اطمینان حاصل کنند، سپس از اداره اطلاعات اعتباری به منظور بلامانع بودن افتتاح حساب، استعلام نموده و با اخذ مجوز نسبت به افتتاح آن اقدام می نمایند. متعاقباً بادر اختیار قرارداد فرم نمونه شماره (۵۰۷) متن و ظهر کارت افتتاح حساب توسط متقاضی در حضور همکاران تکمیل و امضاء می گردد (از اخذ امضا و مهر توأماً خودداری گردد). همچنین مشخصات معرف در کارت مذکور قید گردیده و امضای وی نیز اخذ می گردد. در صورتی که معرف نزد سایر شعب بانک

۱ مقررات و شرایط عمومی حساب جاری که به امضای مشتریان و بانک می رسد.

۲ دستورالعمل حساب جاری مصوب ۱۲۴۸ جلسه مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۰۱ شورای پول و اعتبار

۳ نامه ی شماره ی ۹۸/۲۷۵۷۴۱ مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۱۶ اداره مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم بانک مرکزی ج.ا.ا... کلیه اشخاص مشمول از جمله بانکها... موظفند در اجرای شناسایی کامل اشخاص حقیقی، مشخصات هویتی اعلام شده از سوی شخص حقیقی را با اصل مدارک تطبیق داده و پس از احراز هویت و استعلام برخط از سازمان ثبت احوال کشور و دریافت کد رهگیری تأیید نمایند. بدیهی است نگهداری کد رهگیری معتبر در پرونده ارباب رجوع قابل استناد می باشد....»

۴ به منظور جلوگیری از خدشه دار شدن حیثیت اداری کارکنان، حتی الامکان از امضای کارت افتتاح حساب به عنوان معرف خودداری شود. همچنین لازم به توضیح است که معرف در قبال صدور چک های بلامحل صاحب حساب، هیچگونه مسئولیت کیفری و حقوقی نداشته و صرفاً در صورتی که هویت سجلی صاحب حساب جعلی باشد، مسئولیت دارد و تحت عنوان معاون در جرم مسئولیت کیفری داشته و از لحاظ حقوقی نیز برای جبران ضرروزیان ناشی از جرم، مسئولیت مدنی دارد. (بخشنامه ۱۴ ب صفحه ۷)

دارای حساب قرض الحسنه جاری باشد، در این حالت کارت مذکور از طریق پست به شعبه‌ای که معرف در آن حساب دارد ارسال تا امضای وی توسط شعبه مربوطه گواهی گردد.^۱ در ادامه شماره حساب سپرده قرض الحسنه جاری به مشتری تخصیص داده و در کارت افتتاح حساب قید می‌گردد. بدیهی است تخصیص شماره حساب‌های بسته شده **اشخاص به حساب‌های جدید ممنوع می‌باشد.**^۲

پس از تکمیل مندرجات کارت و کنترل آن توسط دوتن از امضاداران ذیربط، کارت مزبور امضاء و به مهر شعبه ممهور می‌گردد.

افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه جاری برای اشخاص حقوقی که در سایر شعب بانک، دارای حساب جاری می‌باشند منوط به این شرط است که مشتری خوش حساب باشد. این امر با استعلام شعبه افتتاح کننده حساب جدید و تائید آن توسط شعبه اولیه صورت می‌پذیرد.

همچنین براساس ماده ۳-۴- دستورالعمل حساب جاری، نداشتن بدهی جاری از شرایط افتتاح حساب جاری می‌باشد و بدهی جاری بر طبق ماده ۲-۱۰- این دستورعمل عبارت است از بدهی اشخاص به بانک‌ها و یا موسسات اعتباری غیربانکی که تعیین تکلیف نشده و کماکان در طبقه مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول قرار گرفته است.

۱ نامه‌ی عمومی شماره‌ی ۸۲۰۷۹ مورخ ۱۳۸۲/۴/۲۵ اداره کل بازرسی «...» ۱- چنانچه معرف در شعبه‌ای حساب جاری داشته باشد و مشتری نیز متقاضی افتتاح حساب در همان شعبه باشد، ضرورت دارد، هر دونفر (متقاضی افتتاح حساب و معرف) در شعبه حضور یافته و امضای معرف در حضور مسئول شعبه اخذ و با نمونه موجود در شعبه مطابقت داده شده، سپس وفق ضوابط و مقررات نسبت به افتتاح حساب اقدام شود. ۲- چنانچه مشتری متقاضی افتتاح حساب در یک شعبه و معرف در شعبه دیگری حساب داشته باشد، فرم افتتاح حساب در شعبه افتتاح کننده، تکمیل شده و توسط نامهرسان بانک به شعبه‌ای که معرف حساب جاری دارد ارسال و پس از اخذ امضا از معرف و تائید آن توسط مسئولین شعبه، مجدداً از طریق نامهرسان بانک به شعبه افتتاح کننده حساب عودت داده شود...»

۲ بخشنامه ۱۴ ب صفحه ۷

نکته مهم:

بر اساس بند ۵ ماده ۱۹ دستورالعمل حساب جاری (ریالی) مصوب ۱۳۹۷، افتتاح و نگهداری بیش از یک حساب سپرده قرض الحسنه جاری ریالی انفرادی و یک حساب جاری ریالی مشترک برای هر شخص حقیقی ممنوع می‌باشد. در صورت شناسایی بانک موظف است کتبا مشتری را مطلع نموده تا حساب/حساب های مازاد خود را تعیین تکلیف نماید و تا زمان تعیین تکلیف، در مرحله اول از اعطای دسته چک جدید به حساب‌های جاری مازاد خودداری کرده و در مرحله بعد، نسبت به انسداد حساب‌های جاری مازاد اقدام نماید. مشتری موظف به تعیین حساب‌های جاری مازاد خود در هر بانک می‌باشد و در صورت استنکاف از انجام مقررات این تبصره، بانک مکلف است رأساً اقدام به تعیین حساب‌های جاری مازاد مشتری نماید.

افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه جاری بدون دسته چک برای اشخاص نابینا، بی‌سواد و معلول از دودست

افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه جاری بدون دسته چک برای اشخاصی که به لحاظ عدم توانایی‌های لازم از نظر خواندن و نوشتن و یا عوارض جسمانی قادر به ارائه نمونه امضای خود به بانک نمی‌باشند و کارت افتتاح حساب را علاوه بر متقاضی، شخص معتمد و امینی به‌عنوان وکیل امضاء نماید، بلامانع بوده^۱ و برداشت از حساب‌های فوق نیز با مهر صاحب حساب و امضای شخص معتمد و امین صورت می‌پذیرد. از مشتریان مزبور تعهدی به شرح ذیل اخذ و پس از الصاق و ابطال ۱۰,۰۰۰ ریال تمبر مالیاتی در حساب انتظامی اوراق و اشیاء امانی ثبت و شماره انتظامی بر روی کارت افتتاح حساب جاری آنان درج می‌گردد.

بر اساس بند ۳ ماده ۲ دستورالعمل حساب جاری مصوب ۱۳۹۷ و ماده ۴ دستورالعمل حساب جاری سال ۱۳۹۱^۲، شخص خاص می‌تواند هنگام افتتاح حساب جاری شخصی را به عنوان نماینده قانونی یا وکیل به بانک معرفی تا افتتاح حساب (علاوه بر مهر وی) با امضای او صورت پذیرد. ضمناً صاحب حساب

۱ ماده ۳۱۱ قانون تجارت «در چک باید محل و تاریخ صدور قید شده و به امضای صادرکننده برسد»

۲ دستورالعمل حساب جاری مصوب ۱۳۹۷/۰۳/۰۱ طی نامه شماره ۹۷/۹۳۸۹۸ به تاریخ ۱۳۹۷/۰۳/۲۳ اداره مطالعات و مقررات بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا. ابلاغ گردید. در نامه اخیر الذکر دستورالعمل سال ۱۳۹۱ صریحاً نسخ نگردید بلکه اشاره شد که بخشنامه های قبلی مغایر منسوخ می باشد. از این رو می توان اینگونه استنباط کرد که آن بخش هایی از دستورالعمل سال ۱۳۹۱ که مغایر دستورالعمل سال ۱۳۹۷ نمی باشد کماکان قابل استناد می باشد.

در صورت دارا بودن شرایط فصل چهار دستورالعمل حساب جاری می تواند دسته چک اخذ نماید و بدیهی است صدور چک (علاوه بر مهر صاحب حساب) نیازمند امضای نماینده قانونی یا وکیل می باشد.

تعهدنامه

بانک ملی ایران شعبه _____

در مورد استفاده از حساب سپرده قرض الحسنه جاری بدون دسته چک شماره _____ اینجانب _____ دارنده شناسنامه شماره _____ صادره از _____ که به لحاظ عدم توانایی در ارائه نمونه امضای خود به بانک، مهر معرفی نموده ام، هرگاه در اثر فقدان مهر معرفی شده در کارت افتتاح حساب یا به کاربردن مهر دیگری به جای آن و نیز در تصدیقی که برای انطباق مهر با نمونه ای که در کارت افتتاح حساب معرفی شده، و یا به هر علت دیگری، هر ایراد یا اعتراضی از طرف اینجانب یا شخص دیگری تحت هر عنوان بشود، بانک ملی ایران به هیچ وجه مسئولیتی نخواهد داشت.

اثر مهر و انگشت سبابه

افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه جاری برای اشخاص خاص

براساس تبصره ماده ۴ دستورالعمل حساب جاری چنان چه متقاضی که به تشخیص بانک، شخص خاص محسوب می شود ادعا نماید که شخص خاص محسوب نشده و توانایی ارائه نمونه امضاء و صدور چک را دارد، می تواند با پذیرش مسئولیت های ناشی از صدور چک و تنظیم تعهدنامه رسمی، رأساً و بدون معرفی وکیل، اقدام به افتتاح حساب جاری و دریافت دسته چک نماید. تعهدنامه به شرح زیر می باشد:

تعهدنامه پذیرش مسئولیت های ناشی از صدور چک

بدون معرفی شخص وکیل از سوی شخص خاص

اینجانب آقای/خانم _____ با شماره ملی _____ شماره اقتصادی _____
متولد _____ فرزند _____ به نشانی _____
کدپستی _____ محل سکونت _____ شماره تلفن _____
شماره همراه _____ و پست الکترونیکی _____

با علم اطلاع کامل از مفاد دستورالعمل حساب جاری صادره بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به شماره _____ مورخ _____ و سایر مقررات مربوطه دیگر متقاضی افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه جاری در شعبه _____ بانک ملی ایران و دریافت دسته چک می باشم، نظر به اینکه علیرغم درخواست بانک مبنی بر معرفی وکیل به لحاظ شرایط خاص اینجانب، که ناشی از وضعیت جسمانی و ظاهری □/ نقص عضو □/ نداشتن سواد کافی خواندن و نوشتن □ می باشد، به موجب این تعهدنامه اعلام می نمایم رأساً توانایی کامل جهت ارائه نمونه امضاء به بانک و صدور و امضاء چک و همچنین ظهرونیسی چک را دارا می باشم و می توانم به تنهایی و بدون نیاز به معرفی وکیل اعمال فوق را انجام دهم لذا به موجب این تعهدنامه مسئولیت های ناشی از صدور چک را شخصاً به عهده می گیرم.

ضمناً در صورت بروز هرگونه اشکال و اختلافی در ارتباط با چک های صادره و یا ظهرونیسی شده از سوی اینجانب و طرح دعای احتمالی ناشی از آن، اعم از حقوقی و کیفری، مسئولیت آن راتحت هر عنوان و شرایط کاملاً پذیرفته و در این رابطه حق هرگونه ایراد و اعتراض و ادعایی را از خود سلب و ساقط می نمایم.

امضای مشتری:

تاریخ:

افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه جاری برای اشخاص حقیقی تبعه کشورهای خارجی مقیم ایران

برای اتباع بیگانه که به سن قانونی رسیده‌اند، در صورت ارائه مدارک ذیل، می‌توان حساب سپرده قرض الحسنه جاری افتتاح نمود:

۱- گذرنامه معتبر: گذرنامه‌ای است که تاریخ انقضاء آن تمام نشده باشد و دارای اجازه اقامت معتبر باشد.

تبصره ۱: اجازه اقامت معتبر عبارت است از:

- ۱- پروانه اقامت معتبر صادره توسط نیروی انتظامی، درج شده در گذرنامه؛
 - ۲- رواید دارای تاریخ اعتبار صادره توسط وزارت امور خارجه، درج شده در گذرنامه؛
 - ۳- گذرنامه اتباع کشورهای لغو رواید با ایران، دارای مهر ورود به کشور و حداکثر یک ماه از تاریخ ورود؛
 - ۴- گذرنامه اتباع خارجی دارای مجوز تمدید رواید، صادره توسط نیروی انتظامی.
- تبصره ۲: رواید ویا اجازه اقامت در ایران درج شده در گذرنامه‌های خدمت و سیاسی توسط وزارت امور خارجه صادر می‌گردد.

۱ دفترچه پناهندگی معتبر صادره توسط نیروی انتظامی؛

۲ کارت هویت معتبر صادره توسط وزارت کشور؛

۳ کارت خروجی مدت دار (آمایش) معتبر صادره توسط وزارت کشور.

تبصره ۳: اعتبار دفترچه‌های پناهندگی، کارت‌های هویت و آمایشی منوط به عدم انقضای تاریخ آن می‌باشد.

۲- ویزای اقامت حداقل یکساله از ج.ا.ا.

۳- پروانه اشتغال به کار در ج.ا.ا.

۴- ارائه معرفی‌نامه از یکی از سازمان‌های دولتی، سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های خارجی یا یکی از مشتریان بانک که دلالت بر شناسایی و تأیید هویت متقاضی نماید.

۵- نداشتن سابقه چک برگشتی

۶- نداشتن بدهی غیر جاری

برای اتباع بیگانه‌ای که فاقد پروانه اقامت هستند ولی دارای روایید اقامت موقت می‌باشند، افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه جاری بدون دسته‌چک بلامانع است.

به موجب بخشنامه شماره نب/۱۷۳۲ مورخ ۱۳۸۳/۳/۳۱ اداره نظارت بر بانک‌های بانک مرکزی ج.ا.ا. افتتاح هرگونه حساب جدید اعم از جاری، پس‌انداز، کوتاه‌مدت و بلندمدت برای اتباع افغانی که تحت عناوین پناهنده و آواره در ایران به سر می‌برند، ممنوع می‌باشد.

بدیهی است اتباع کشور افغانستان که دارای گذرنامه صادره مقامات کشور خود می‌باشند، همانند اتباع سایر کشورها با آنها رفتار خواهد شد و در صورت دارا بودن شرایط فوق می‌توان برای آنها حساب جاری افتتاح نمود.

افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه جاری مشترک

حساب سپرده قرض الحسنه جاری مشترک به حسابی گفته می‌شود که صاحب حساب بیش از یک نفر باشد. افتتاح این قبیل حساب‌ها تحت شرایط و مقررات ذیل که در ظهر کارت افتتاح حساب (نمونه ۵۰۹) و همچنین به‌طور جداگانه با تکمیل و امضای (فرم نمونه ۱۲۴۲ - مقررات و شرایط حساب‌های سپرده قرض الحسنه جاری / پس‌انداز و سپرده سرمایه‌گذاری بلندمدت و کوتاه‌مدت مشترک) امکان‌پذیر خواهد بود.

هنگام افتتاح حساب علاوه بر تنظیم و تکمیل کارت افتتاح حساب بایستی فرم نمونه ۱۲۴۲ نیز توسط تمامی صاحبان حساب امضا و پس از الصاق و ابطال ۱۰,۰۰۰ ریال تمبر مالیاتی، در حساب انتظامی اوراق و اشیاء امانی ثبت و شماره انتظامی آن در متن کارت افتتاح حساب درج گردد.

۱- موجودی حساب مشترک به نسبت سهمی که موقع افتتاح حساب از طرف صاحبان حساب تعیین می‌شود (مساوی یا غیرمساوی) متعلق به صاحبان حساب خواهد بود و چنانچه سهم صاحبان حساب تعیین نشده باشد، بطور مساوی به آنها تعلق دارد.

۲- امضا یا امضاهایی که موقع افتتاح حساب، برای استفاده از حساب تعیین می‌شود تا زمانی برای بانک معتبر خواهد بود که درخواست یا دستور کتبی مخالفی از طرف هیچ‌یک از صاحبان حساب به شعبه بانک واصل نشده باشد. در غیر اینصورت بانک از پرداخت وجه در قبال امضا یا امضاهای تعیین شده قبلی خودداری خواهد نمود.

۳- هرگاه هریک از صاحبان امضا بخواهد برای استفاده از تمام موجودی حساب به شخص ثالثی وکالت دهد، قبول آن از طرف بانک مستلزم این است که بقیه صاحبان امضاء کتباً و صریحاً موافقت خود را به بانک اطلاع دهند. بدیهی است به محض مخالفت و اعلام کتبی هریک از صاحبان حساب، وکیل حق برداشت از حساب را نخواهد داشت.

۴- در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی هریک از صاحبان حساب و اطلاع کتبی بانک و همچنین در صورت ابلاغ بازداشت نامه به شعبه بازکننده حساب برای بازداشت موجودی احد از شرکا، توسط مراجعی که قانوناً حق بازداشت اموال اشخاص را دارند، بانک حساب مشترک را مسدود نموده، موجودی حساب مشترک را به نسبت سهمی که موقع افتتاح حساب تعیین شده است، تقسیم خواهند نمود. در این صورت سهم شریک فوت شده، به حساب مانده های مطالبه نشده متوفی و یا سهم الشرکه شریک محجور شده و یا ورشکسته و مدیون به حساب بستانکاران موقت منظور خواهد شد و حسب مورد به ورثه یا مراجع قانونی ذیصلاح پرداخت و سهم شرکای دیگر به حساب بستانکاران موقت تحت عنوان «سهم الشرکه هریک از شرکا از موجودی حساب شماره...» در بانک واریز نموده و مراتب به اطلاع صاحبان حساب خواهد رسید.

۵- در مورد تعیین سهم صاحبان حساب مشترک از موجودی حساب، ملاک احتساب، تاریخ فوت، حجر یا ورشکستگی خواهد بود. لیکن اگر تاریخ فوت یا حجر یا ورشکستگی کتباً به بانک اعلام نشده باشد و بانک پرداختی نماید، مسئولیتی متوجه بانک نخواهد بود.

نکته مهم: سایر مراحل افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه جاری برای نابینایان باسواد و اتباع بیگانه و حساب های مشترک همانند مراحل افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه جاری برای اشخاص حقیقی که قبلاً ذکر گردید، خواهد بود.

افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه جاری برای اشخاص حقوقی

۱- افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه جاری برای شرکت‌ها

به موجب ماده ۳ دستورالعمل حساب جاری مصوب ۱۳۹۷؛

الف- بانک می‌تواند با رعایت موارد زیر مبادرت به افتتاح حساب جاری بدون دسته چک برای شخص حقوقی نماید:

۱- دارا بودن شرایط افتتاح حساب جاری بدون دسته چک^۱ برای مدیرعامل و اعضای هیات مدیره شخص حقوقی، صاحبان امضا مجاز و همچنین اشخاص حقیقی که به نمایندگی از سایر اشخاص حقوقی در هیات مدیره عضو می‌باشند.

۲- معرفی فردی به عنوان وکیل/نماینده قانونی برای افراد دارای امضای مجاز از سوی شخص حقوقی که به هر نحو قادر به امضای چک نمی‌باشند.

۳- شخص حقوقی باید در داخل کشور و در مرجع ثبتی به ثبت رسیده و یا « شرکت در شرف تاسیس » باشد.

۴- ارائه مستندات مثبت، درخصوص تاسیس و همچنین اختیارات و وظایف قانونی صاحبان امضای مجاز شخص حقوقی که به موجب قوانین خاص ایجاد شده و نیاز به ثبت در مرجع ثبتی ندارد؛

۵- ارائه تاییدیه از وزارت امور خارجه برای سفارتخانه‌ها.

شرکت‌ها وقتی رسمیت دارند که در اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری به ثبت رسیده باشند.

مدارک لازم برای افتتاح حساب:

۱- تقاضای شرکت مبنی بر افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه جاری که به امضای صاحبان امضاء مجاز و مهر شرکت رسیده باشد.

۲- یک نسخه رونوشت یا فتوکپی مصدق اساسنامه شرکت

۱ مانند داشتن حداقل ۱۸ سال تمام شمسی، نداشتن سابقه چک برگشتی (موضوع ماده ۲۱ قانون صدور چک) و معرفی وکیل/نماینده در صورتی که قادر به امضای چک نیست.

۳- یک نسخه رونوشت یا فتوکپی مصدق شرکت نامه شرکت

۴- آگهی روزنامه رسمی کشور جمهوری اسلامی ایران مبنی بر تاسیس شرکت و انتخاب اعضاء هیأت مدیره و مدیرعامل و معرفی اشخاصی که حق امضای چک‌ها و اسناد تعهدآور شرکت را دارند.

علاوه بر دریافت مدارک ثبتی و قانونی که دال بر احراز شخصیت حقوقی شرکت است توجه به مطالب زیر نیز ضروری است.

الف- در اساسنامه شرکت که به تصویب صاحبان سهام رسیده اجازه افتتاح حساب قرض الحسنه جاری و داد و ستد با بانک صراحتاً قید شده باشد و ضمناً اختیارات هیأت مدیره و صاحبان امضای مجاز شرکت، طبق مقررات اساسنامه مزبور باشد.

ب- با دریافت یک نسخه از آخرین صورتجلسه مجمع عمومی حدود و مدت اختیارات هیأت مدیره و صاحبان امضای مجاز شرکت را تعیین و این مشخصات را در روی کارت افتتاح حساب یادداشت و مدنظر قرار دهید تا در موقع پرداخت وجوه از حساب شرکت از نظر امضاهای مجاز اشکالی پیش نیاید.

ج- هر نوع تغییر در هیأت مدیره و صاحبان امضای مجاز شرکت یا حدود و مدت اختیارات آنان بایستی با ارسال آخرین صورتجلسه مجمع عمومی و روزنامه رسمی کشور به اطلاع بانک برسد، تا در صورت تغییر صاحبان امضا مجاز شرکت، شعبه بتواند نسبت به تعویض کارت افتتاح حساب اقدام لازم به عمل آورد.

د- پس از بررسی مدارک فوق الذکر از اشخاصی که طبق آگهی رسمی، اختیار امضای اسناد تعهدآور شرکت به آنان واگذار شده دعوت به عمل آید تا با ارائه شناسنامه ج.ا.ا. برای تنظیم و تکمیل کارت نمونه امضاء و افتتاح حساب جاری در بانک حاضر شوند. چون هویت نمایندگان شرکت از طریق اداره ثبت شرکت‌ها برای بانک محرز می‌گردد لذا نیازی به اخذ معرف یا معرفین نیست و از نظر عدم مراجعه به پرونده شرکت در موارد غیرضروری، لازم است خلاصه ای از خصوصیات شرکت مانند شماره ثبت، محل ثبت، تابعیت، مدت شرکت، حدود اختیارات و مدت تصدی هیأت مدیره، نمونه مهر شرکت، اسامی اشخاصی که حق برداشت از حساب را دارند و مرکز اصلی و نشانی صحیح شرکت، روی فرم افتتاح حساب جاری درج شود. (شناسایی طبق مقررات مبارزه با پولشویی)

هـ- در مواردیکه طبق تصمیمات متخذه سهامداران شرکت در جلسه مجمع عمومی تغییرات در امضای استفاده کنندگان از حساب شرکت داده می‌شود برای تعویض کارت نمونه امضاء و درج اسامی نمایندگان شرکت در کارتهای جدید، اخذ آگهی روزنامه رسمی کشور مبنی بر تغییر امضای استفاده کنندگان از حساب و همچنین رونوشت مصدق صورتجلسه مجمع عمومی دال بر تعیین اشخاص صلاحیت دار و تفویض اختیارات به آنان ضروری است.

بدیهی است هنگام تغییر امضاء و اخذ نمونه امضای جدید، تغییر شماره حساب و افتتاح حساب جدید لازم نیست و با همان شماره سابق عملیات ادامه خواهد یافت.

ارائه تائیدیه از وزارت امور خارجه برای سفارتخانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی؛

۵-۵- نداشتن سابقه چک برگشتی (مطابق ماده ۴ و ۵ دستورالعمل سال ۱۳۹۷)؛

۵-۶- حصول اطمینان از رعایت مفاد ماده ۲۱ قانون صدور چک (بسته شدن تمامی حساب‌های جاری اشخاص را که بیش از یکبار چک بی محل صادر کرده و تعقیب آن‌ها منتهی به صدور کیفر خواست شده باشد و عدم افتتاح حساب جاری دیگری به نام آن‌ها تا انقضای سه سال بعد) نداشتن بدهی غیر جاری.

ب- افتتاح حساب جاری برای شخص حقوقی دولتی، شهرداری‌ها و برای آن بخش از منابع نهادهای عمومی غیردولتی که از طریق بودجه عمومی کشور تامین می‌شود، در چارچوب مفاد این دستورالعمل و با رعایت مقررات مربوط به نگهداری حساب‌های آن‌ها، امکان پذیر می‌باشد.

ج- افتتاح حساب جاری برای شخص حقوقی خارجی صرفاً برای شعبه و یا نمایندگی آن که در مرجع ثبت شرکت‌ها به ثبت رسیده است، مجاز می‌باشد.

نکات مهم:

۱- در اساسنامه شرکت بایستی اجازه افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه جاری صراحتاً قید شده و در حدود اختیارات هیأت مدیره و یا صاحبان امضای مجاز شرکت پیش‌بینی شده باشد. در صورتی که به موجب اساسنامه افتتاح حساب جاری از اختیارات هیأت مدیره باشد لازم است مصوبه هیأت مدیره شرکت به بانک ارائه شود.

۲- با دریافت یک نسخه از آخرین صورتجلسه مجمع عمومی شرکت، حدود و مدت اختیارات هیأت مدیره و صاحبان امضای مجاز شرکت را تعیین و این اطلاعات در روی کارت افتتاح حساب یادداشت گردد.

۳- هرنوع تغییر در هیأت مدیره و صاحبان امضای مجاز شرکت یا حدود و مدت اختیارات آنان بایستی با ارسال آخرین صورتجلسه مجمع عمومی و روزنامه رسمی کشور به اطلاع بانک برسد. بدیهی است هنگام تغییر امضا و اخذ نمونه امضای جدید، نیازی به تغییر شماره حساب و افتتاح حساب جدید نبوده و با همان شماره حساب سابق، عملیات ادامه می یابد.

۴- از اداره کل ارزیابی و عملکرد مشتریان به منظور بلامانع بودن افتتاح حساب به نام شرکت همچنین تمامی امضاداران مجاز آن و وکلای آنان از لحاظ عدم سابقه صدور چک های بلامحل استعلام به عمل آمده و در صورت مثبت بودن پاسخ، شماره مجوز مربوطه بر روی کارت افتتاح حساب جاری درج شود.

۵- پس از بررسی مدارک ثبتی و قانونی فوق و وصول مجوز اداره اطلاعات اعتباری از اشخاصی که طبق آگهی روزنامه رسمی، اختیار امضای اسناد تعهدآور شرکت به آنان واگذار شده دعوت به عمل می آید تا با ارائه شناسنامه و ارائه کارت ملی برای تنظیم و تکمیل کارت نمونه امضا و افتتاح حساب جاری در بانک حاضر شوند.

همچنین لازم است خلاصه ای از اطلاعات مربوط به شرکت از قبیل شماره ثبت، محل ثبت، تابعیت، مدت شرکت، حدود اختیارات و مدت تصدی اعضای هیأت مدیره نمونه مهر شرکت، اسامی اشخاصی که حق برداشت از حساب را دارند و نشانی مرکز اصلی شرکت بر روی کارت افتتاح حساب (نمونه ۵۰۸) درج شود.

۶- باتوجه به اینکه هویت شرکت و نمایندگان آن توسط مدارک ثبتی و قانونی ارائه شده از طرف اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری برای بانک احراز می گردد، بنابراین نیازی به اخذ معرف جهت افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه جاری برای شرکت ها نخواهد بود.

۷- با توجه به ماده ۸ دستورالعمل حساب جاری، افتتاح حساب جاری برای شعب شرکت ها باید توسط دفتر مرکزی آنها انجام شود. متقاضی می تواند حق برداشت از حساب را به نماینده/نمایندگان خود در شعب شرکت خود، در صورت تجویز اساسنامه شرکت، تفویض نماید. تبصره: افتتاح حساب جاری به نام نمایندگی شرکت ها باید با توجه به شخصیت نمایندگی (از نظر حقیقی یا حقوقی بودن) در چارچوب ضوابط تعیین شده در دستورالعمل، انجام شود.

۲- افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه جاری برای شرکت‌های در شرف تاسیس (حساب جاری موقت)

افتتاح حساب قرض الحسنه جاری برای شرکت‌های در شرف تاسیس به تقاضای موسس یا موسسین [که ممکن است یک یا چند شخص حقیقی یا حقوقی و یا ترکیبی از آنها باشد] تحت عنوان «شرکت... در شرف تاسیس» صورت می‌گیرد.^۱ متقاضیان باید تعهدنامه‌ای به شرح ذیل به بانک تودیع نمایند.

تعهدنامه

پیرو تقاضای کتبی مورخ..... درخصوص افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه جاری شرکت..... در شرف تاسیس، بدین وسیله متعهد می‌گردیم که حداکثر تا پایان روز..... شرکت را رسماً تشکیل داده و مدارک ثبتی و قانونی آن را که دلالت بر ثبت شرکت نماید به آن بانک ارائه داده و امضاکنندگان مجاز را معرفی نمائیم. همچنین در ظرف این مدت هیچ شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی حق استفاده از حساب مزبور را نخواهد داشت ضمناً در صورتی که به عللی تا پایان مدت مزبور شرکت تشکیل نشود، بدین وسیله به بانک ملی ایران وکالت داده می‌شود، که به شرط ارائه اعلامیه بستانکار از طرف پرداخت کننده / پرداخت کنندگان یا وکیل قانونی آنان وجه پرداختی را به نامبرده / نامبردگان یا نمایندگان قانونی آنان مسترد نماید و در این مورد حق هرگونه اعتراضی را از خود سلب می‌نمائیم.

تاریخ..... محل امضاء.....

پس از تشکیل رسمی شرکت و ارائه مدارک ثبتی و قانونی از طرف موسسین، حساب فوق مسدود گردیده و حساب قرض الحسنه جاری دیگری به نام شرکت با رعایت مقررات مربوطه افتتاح گردیده و موجودی حساب شرکت در شرف تاسیس به حساب جدید منتقل خواهد شد. در صورتی که صاحب حساب اصرار داشته باشد که

۱ ماده ۶ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت «برای تاسیس شرکت‌های سهامی عام، موسسین باید اقل ۲۰٪ سرمایه شرکت را خود تعهد کرده و لااقل ۳۵٪ مبلغ تعهدشده را در حسابی به نام شرکت در شرف تاسیس نزد یکی از بانک‌ها سپرده، سپس اظهارنامه‌ای به ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیره‌نویسی سهام که به امضاء تمامی موسسین رسیده باشد در تهران به اداره ثبت شرکت‌ها و در شهرستان‌ها به دایره ثبت شرکت‌ها و در نقاطی که دایره ثبت شرکت‌ها وجود ندارد به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و رسید دریافت کنند. **تصوه:** هرگاه قسمتی از تعهد موسسین به صورت غیر نقد باشد، باید عین آن یا مدارک مالکیت آن را در همان بانکی که برای پرداخت مبلغ نقدی حساب باز شده است، تودیع و گواهی بانک را به ضمیمه اظهارنامه و ضمائم آن به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم نمایند.»

شماره حساب قبلی ابقاء شود، می‌توان با همان شماره حساب نسبت به افتتاح حساب قرض‌الحسنه جاری برای شرکت اقدام نمود.^۱

نکته: مهلت ثبت شرکت نزد اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری، شش ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه به اداره مذکور می‌باشد و چنانچه ظرف این مدت تشریفات ثبت شرکت انجام نشود، به درخواست هریک از موسسین یا پذیره‌نویسان اداره ثبت شرکت‌ها، گواهی‌نامه‌ای دال بر عدم ثبت شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تادیه وجوه در آن به عمل آمده است، ارسال می‌دارد. تا موسسین و پذیره‌نویسان به آن بانک مراجعه و تعهدنامه و وجوه پرداختی خود را مسترد نمایند.^۲

ماده ۵۷ آیین نامه اجرایی ماده ۱۴ قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۸ نیز ابراز داشته بانک با دو شرط برای شخص حقوقی در شرف تاسیس بدون دریافت شناسه ملی افتتاح حساب می‌کند (الف) ارائه معرفی نامه رسمی از سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ب) انسداد حساب تا زمان دریافت شناسه ملی. در تبصره ۱ نیز بیان داشته، در صورت انصراف از ثبت رسمی، بانک با اعلام سازمان ثبت، حساب را بسته و ودیعه سپرده گذاری شده را فقط به شخص حقیقی افتتاح کننده حساب یا نماینده مجاز اعلامی توسط سازمان ثبت بازپرداخت می‌کند.

۳- افتتاح حساب جاری برای شعب یا نمایندگی‌های شرکت‌ها و موسسات خارجی

به موجب ماده واحده قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی مصوب سال ۱۳۷۶ و ماده ۳ قانون ثبت شرکت‌ها مصوب سال ۱۳۱۰، شرکت‌های خارجی که در کشور محل ثبت خود شرکت قانونی شناخته می‌شوند، می‌توانند نسبت به ثبت شعبه یا نمایندگی در اداره ثبت شرکت‌ها اقدام نمایند. همچنین وفق ماده ۲۰ نظامنامه اجراء قانون ثبت شرکت‌ها مصوب سال ۱۳۱۰ در آگهی تاسیس شعبه شرکت خارجی باید اسم اشخاصی که دارای حق امضاء می‌باشند، درج گردد.

بر اساس ماده ۷ دستورالعمل حساب جاری، افتتاح حساب جاری برای شخص حقوقی خارجی صرفاً برای شعبه و یا نمایندگی آن که در مرجع ثبت شرکت‌ها به ثبت رسیده است، مجاز می‌باشد.

۱ ماده ۱۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت «مجمع عمومی موسس با رعایت مقررات این قانون تشکیل می‌شود و پس از رسیدگی و احراز پذیره‌نویسی، تمامی سهام شرکت و تادیه مبالغ لازم و شور درباره اساسنامه شرکت و تصویب آن، اولین مدیران و بازرسان شرکت را انتخاب می‌کند. ... از این تاریخ شرکت تشکیل شده محسوب می‌شود.» و بخشنامه ۱۴ ب

۲ ماده ۱۹ لایحه قانونی فوق «در صورتی که شرکت تا ۶ ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه مذکور در ماده ۶ این قانون به ثبت نرسیده باشد، به درخواست هریک از موسسین یا پذیره‌نویسان، مرجع ثبت شرکت‌ها که اظهارنامه به آن تسلیم شده است، گواهی‌نامه‌ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تادیه وجوه در آن بعمل آمده است ارسال می‌دارد تا موسسین و پذیره‌نویسان به بانک مراجعه و تعهدنامه و وجوه پرداختی خود را مسترد

دارند ...»

طبق ماده ۲۳ نظامنامه یادشده منظور از نماینده عمده شرکت خارجی که در قانون ثبت شرکت‌ها ذکر شده، کسی است که شرکت خارجی به او اختیار لازم داده و تعهدات او به سمت نمایندگی شرکت، تعهدات خود شرکت محسوب می‌شود. همچنین براساس ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی مصوب سال ۱۳۷۸ نماینده شرکت خارجی، شخص حقیقی یا حقوقی است که براساس قرارداد نمایندگی، انجام بخشی از موضوع و وظایف شرکت طرف نمایندگی را در محل بر عهده گرفته است. نمایندگی شرکت خارجی، نسبت به فعالیت‌هایی که تحت نمایندگی شرکت طرف نمایندگی در محل انجام می‌پذیرد مسئولیت خواهد داشت. بنابراین در صورت ارائه مدارک ثبتی و قانونی در خصوص ثبت نمایندگی شرکت خارجی نزد اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری و تعیین نماینده عمده شرکت و مشخص بودن حدود اختیارات وی با ارائه آگهی مندرج در روزنامه رسمی، افتتاح حساب سپرده قرض‌الحسنه جاری همانند مراحل افتتاح حساب جاری برای شرکت‌های ایرانی امکان‌پذیر خواهد بود.

- اشخاص حقوقی خارجی ملزم به ارائه مدارک زیر می‌باشند:

۱۱ معرفی‌نامه وزارت امور خارجه در خصوص نمایندگی سیاسی کشورها و سازمان‌های بین المللی؛

۱۲ معرفی‌نامه وزارت کشور در خصوص سازمان‌های مردم‌نهاد خارجی؛

۱۳ مدارک ثبت سایر اشخاص حقوقی خارجی در خارج از ایران که در آن محل ثبت، تاریخ ثبت، شماره ثبت و موضوع فعالیت شخص حقوقی قید شده باشد و با عنایت به ماده ۴-۵ - دستورالعمل حساب جاری ارائه تأییدیه از وزارت امور خارجه برای سفارت‌خانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی؛ جهت افتتاح حساب الزامی است.

۴- افتتاح حساب سپرده قرض‌الحسنه جاری برای تشکیلات و موسسات غیرتجاری

مطابق آئین‌نامه اجرایی تاسیس و فعالیت سازمانهای غیردولتی مصوب ۱۳۸۴/۳/۲۹ هیات وزیران، سازمان غیردولتی به تشکلهایی اطلاق می‌شود که توسط گروهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیرحکومتی به صورت داوطلبانه با رعایت مقررات مربوط تاسیس شده و دارای اهداف غیرانتفاعی و غیرسیاسی می‌باشد دارای عناوین "جمعیت"، "انجمن"، "کانون"، "مرکز"، "گروه"، "مجمع"، "خانه"، "موسسه" و نظایر آن است که پس از اخذ پروانه فعالیت و ثبت در اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری و درج در روزنامه رسمی دارای شخصیت حقوقی میگردد لازم به ذکر است که در خصوص

احزاب، جمعیت یا سازمانهای سیاسی متقاضیان می‌توانند پس از کسب مجوز یا پروانه از کمیسیون متشکله در وزارت کشور و ثبت آن در اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری و با عنایت به ماده ۹ دستورالعمل حساب جاری درخواست افتتاح حساب جاری نمایند.

۵- افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه جاری برای مدارس غیرانتفاعی

حساب سپرده قرض الحسنه جاری برای مدارس غیرانتفاعی با تقاضای مدیرکل یا رئیس اداره آموزش و پرورش در ردیف حسابهای اشخاص حقوقی افتتاح می‌گردد. امضادار مجاز حساب مذکور بر عهده منتخبی از شورای مالی مدرسه مرکب از مدیر یا موسس یا نماینده ایشان (امضادار ثابت) و نماینده انجمن اولیا و مربیان (امضا متغیر) خواهد بود.

اداره آموزش و پرورش موظف است در صورت تغییر صاحبان امضا، جانشین ایشان را به بانک معرفی کند تا کارت افتتاح حساب به نام آنها تغییر یابد.

۶- افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه جاری برای درآمد موقوفات

با توجه به اینکه درآمد موقوفات، درآمد دولتی تلقی نمی‌گردد، و ذیحسابی سازمان اوقاف و نمایندگی خزانه در نحوه وصول و هزینه کردن آنها دخالت ندارند، بنابراین شعب می‌توانند برای هر موقوفه حسب درخواست رئیس اداره اوقاف محل و با معرفی امضاء استفاده‌کنندگان، حساب سپرده قرض الحسنه جاری به نام موقوفه در ردیف اشخاص حقوقی افتتاح نمایند. بدیهی است هرگونه تغییرات در مورد استفاده‌کنندگان از حساب مزبور با تقاضای اداره اوقاف محل امکان‌پذیر خواهد بود.

۷- افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه جاری به نام موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی

فهرست موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی در مبحث اشخاص این کتاب تفصیلاً بیان گردید.

افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه جاری برای موسسات و نهادهای عمومی فوق و همچنین معرفی و تغییر امضاء اشخاصی که حق استفاده از حسابهای مذکور را دارند و بستن حسابها، براساس درخواست اداره مرکزی آنها از طریق اداره کل حسابداری بانک میسر خواهد بود. بنابراین واحدها می‌بایست اینگونه حسابها را با کسب مجوز از اداره یاد شده در ردیف حسابهای سپرده قرض الحسنه جاری اشخاص حقوقی و یا حسابهای دولتی حسب مورد افتتاح نمایند.

نکته: موسسه وابسته به موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، واحد سازمانی مشخصی است که به صورتی غیر از شرکت و برای مقاصد غیرتجاری و غیرانتفاعی توسط موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی تاسیس و اداره می‌شود.

حساب‌های دولتی

نگاهداری حساب وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، موسسات دولتی که دارای ذیحساب منتخب وزارت امور اقتصادی و دارایی می‌باشند و همچنین شهرداری‌ها و شرکت‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق به دولت می‌باشد، جزء وظایف بانک مرکزی ج.ا.ا. می‌باشد.^۱

شق دوم از بند الف تبصره ۷ قانون بودجه ۱۴۰۰ در این خصوص اشعار می‌دارد؛ کلیه دستگاههای اجرائی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۲۹) قانون برنامه ششم توسعه از جمله دستگاهها و شرکتهای مستلزم ذکر یا تصریح نام مانند شرکتهای اصلی و تابعه وزارت نفت و سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو) و سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو) مکلفند کلیه حسابهای ریالی خود (درآمدی و هزینه ای) را صرفاً از طریق خزانه داری کل کشور و نزد بانک مرکزی افتتاح کنند. دستگاههای یاد شده موظفند کلیه دریافت ها و پرداخت های خود را فقط از طریق حساب های افتتاح شده نزد بانک مرکزی انجام دهند. نگهداری هرگونه حساب توسط دستگاههای مذکور در بانکی غیر از بانک مرکزی در حکم تصرف غیرقانونی در اموال عمومی است. نهادهای عمومی غیردولتی در رابطه با آن بخش از منابع خود که از محل منابع عمومی یا کمکهای مردمی تأمین می شود، مشمول حکم این جزء می شوند.

باتوجه به اینکه بانک مرکزی ج.ا.ا. در تهران و شهرستان‌ها فاقد شعبه می‌باشد، لذا امکان اینکه بانک ملی به نمایندگی از بانک مرکزی ج.ا.ا. امور مربوط به حساب‌های دولتی (اعم از دریافت، پرداخت و کارسازی وجه چک) را انجام دهد، وجود دارد که این امر نیازمند اقدام مطابق توافقات بین دو بانک و دستورالعمل‌های مربوطه می‌باشد.

۱ ماده ۱۲ قانون پولی بانکی کشور مصوب سال ۱۳۵۱ «بانک مرکزی ج.ا.ا. به عنوان بانکدار دولت موظف به انجام وظایف زیر است: الف) نگهداری حساب‌های وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و همچنین موسساتی که بیش از نصف سرمایه آنها متعلق به وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت و شرکت‌های دولتی و یا شهرداری‌ها می‌باشند

تبصره ۱: وزارتخانه‌ها و شهرداری‌ها و شرکت‌های دولتی و موسسات مذکور در بند الف این ماده مکلفند وجوهی را که در اختیار دارند، منحصراً نزد بانک مرکزی ج.ا.ا. نگهداری نمایند و تمامی عملیات بانکی خود را منحصراً توسط بانک مرکزی ج.ا.ا. انجام دهند و اطلاعاتی را که بانک مرکزی ج.ا.ا. در انجام وظایف خود از آنها بخواهد در اختیار آن بگذارند.»

نکته مهم:

با عنایت به ماده ۱۲ تا ۱۶ دستورالعمل حساب جاری

الف - تحویل دسته چک به مشتری منوط به رعایت الزامات ذیل می باشد:

۱- دریافت درخواست کتبی یا الکترونیکی مشتری یا وکیل وی برای صدور و تحویل دسته چک؛

۲- حصول اطمینان از واجد شرایط بودن مشتری برای دریافت اولیه یا مجدد دسته چک

۳- ارسال دعوتنامه رسمی دارای شماره، تاریخ، امضاء مجاز و مهر مبنی بر دریافت دسته چک، به

نشانی پستی مشتری، به منظور حصول اطمینان از صحت نشانی پستی ارائه شده توسط وی.

۴- تحویل دسته چک به مشتری یا وکیل وی توسط بانک، پس از اخذ دعوتنامه ارسالی و احراز

هویت وی.

تبصره: بانک می تواند براساس ضوابطی که مفاد آن را قبلاً به تایید بانک مرکزی می رساند، برخی مشتریان

معتبر خود را از رعایت کامل مفاد بندهای ۳ و ۴ مستثنی نماید. در ضوابط مورد اشاره باید ویژگی های

"مشتری معتبر" به طور کامل تبیین گردد.

ب- اعطای دسته چک برای "حساب جاری موقت" مجاز نمی باشد.

ج- تحویل دسته چک به مشتری دارای سابقه چک برگشتی (مطابق بند ۲-۹ دستورالعمل)، بدهی غیر

جاری و یا مشمولین موضوع ماده ۷ قانون صدور چک (هر کس مرتکب بزه صدور چک بلامحل گردد)،

ممنوع است.

د- تحویل دسته چک به مشتری که حساب جاری وی به موجب دستور مرجع قضایی مسدود شده، مجاز

نمی باشد.

ه- تحویل دسته چک جدید منوط به بازگشت حداقل $\frac{4}{5}$ از برگه های آخرین دسته چک مشتری، اعم از

صادر شده یا ابطال شده، به بانک خواهد بود. کنترل های مربوط به این موضوع صرفاً از طریق سامانه

متمرکز موضوع ماده ۱۱ دستورالعمل امکان پذیر می باشد. (شرایط و نحوه انجام این بند متعاقباً اعلام

می گردد و لذا در حال حاضر تا ابلاغ موضوع، روش کنونی معتبر است.)

ب- سپرده‌های قرض الحسنه پس انداز

حساب سپرده قرض الحسنه پس انداز به حسابی اطلاق می‌گردد که صاحب آن به قصد تعاون عمومی و کمک به نیازمندان و برخورداری از پاداش و اجر معنوی نزد بانک افتتاح نموده و وجوه خود را تحت عنوان قرض الحسنه در آن متمرکز می‌نماید.

هر شخص حقیقی و یا حقوقی می‌تواند با رعایت مقررات قانونی نزد هریک از شعب به نام خود و یا اشخاص دیگر مبادرت به افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه پس انداز نماید. همچنین اتباع بیگانه که دارای گذرنامه معتبر و اجازه اقامت موقت یا دائم می‌باشند نیز می‌توانند این نوع حساب را افتتاح نمایند.

برداشت از موجودی حساب سپرده قرض الحسنه پس انداز حسب مورد با صاحب حساب (شخصی که حساب به نام او افتتاح شده) و یا نمایندگان قانونی وی اعم از وکیل، ولی قهری، وصی، قیم خواهد بود. اطفالی که به سن ۱۲ سال تمام شمسی رسیده باشند، می‌توانند بدون ارائه حکم رشد به نام خود افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه پس انداز نموده و پس از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام قادر خواهند بود از موجودی حساب مفتوحه برداشت نمایند. همچنین اطفالی که به سن ۱۵ سال تمام شمسی رسیده‌اند می‌توانند، بدون ارائه حکم رشد، به نام خود حساب سپرده قرض الحسنه پس انداز افتتاح نموده و از موجودی حساب شخصاً استفاده نمایند.

مادر می‌تواند به نام فرزند صغیر خود حساب سپرده افتتاح نماید. حق استفاده از موجودی این حساب تا رسیدن طفل صغیر به سن ۱۸ سال تمام شمسی صرفاً با مادر خواهد بود.^۱

برای صغار علاوه بر ولی، وصی و قیم هر شخص دیگری می‌تواند حساب سپرده قرض الحسنه پس انداز افتتاح و وجوهی را به حساب مفتوحه واریز نماید، لیکن تا رسیدن صغیر به سن رشد و یا ۱۸ سال تمام شمسی حق استفاده از موجودی حساب با نماینده قانونی صاحب حساب حسب مورد ولی قهری (پدر

۱ نظریه مشورتی ۷/۹۳/۰۳۸۳ به تاریخ ۱۳۹۳/۰۲/۲۲ اداره حقوقی قوه قضاییه؛ «... آیا دامنه اختیاری قانونی مادر در افتتاح حساب برای کودک به استناد قانون اجازه افتتاح حساب پس انداز برای اطفال صرفاً محدود به نوعی خاص از حسابهای بانکی تحت عنوان پس انداز می‌باشد و یا میتوان با استفاده از متن قانون و مستندات مورد اشاره حساب سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار را نیز مشمول قانون مورد نظر دانست؟ پاسخ: هدف مقنن از تجویز افتتاح حساب پس انداز از سوی مادر برای فرزند صغیر خود، ایجاد تسهیلات بانکی به منظور تأمین آتیه فرزند صغیر است. بنابراین اولاً: قانون مزبور در جهت حمایت از افراد صغیر وضع گردیده است و نه صرفاً به منظور اعطای امتیازی به مادران. ثانیاً: حساب پس انداز مذکور در قانون یاد شده، هرگونه حسابی را که از لحاظ مقررات کنونی بانکداری و عرف معمول، به منزله اندوخته و ذخیره ای برای آینده صغار و حفظ و ارتقاء وضعیت و حقوق مالی آنها باشد، شامل می‌شود.» ضمن اینکه تبصره ۱ ماده ۶ دستورالعمل اجرایی تعیین حدود ارائه خدمات بانکی به اشخاص محجور در موسسات اعتباری [مصوب ۴۲ جلسه مورخ ۱۴۰۰/۰۸/۲۲ هیات عامل بانک مرکزی ج.ا.ا. بلاغی به موجب نامه شماره ۲۴۱۸۰۴ به شماره ۱۴۰۰/۰۸/۲۲ اداره مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم بانک مرکزی ج.ا.ا.] تلویحاً با نظر مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه موافق است.

و جد پدری)، وصی و قیم خواهد بود. مگر در مورد حساب‌های مخصوص^۱ که پس از حصول شرایط تعیین شده، برداشت امکان پذیر می‌باشد.

افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه پس‌انداز مستلزم قبول شرایط و مقررات بوده و متقاضی باید شناسنامه عکس دار خود و شخصی را که می‌خواهد برای او حساب افتتاح کند، به بانک ارائه و کارت نمونه امضا را به دقت تنظیم و در حضور متصدیان مربوطه، متن و ظهر آن را امضا نماید.

چنانچه صاحب حساب بی‌سواد باشد، مهر و اثر انگشت او جانشین امضای وی خواهد بود. ارائه دو قطعه آخرین عکس و نمونه مهر اسم این قبیل اشخاص جهت الصاق به دفترچه و کارت افتتاح حساب الزامی است.

حساب سپرده قرض الحسنه مشترک به حسابی اطلاق می‌گردد که صاحب حساب بیش از یک شخص باشد. بدیهی است سایر شرایط و مقررات ناظر بر این قبیل حساب‌ها همانند حساب جاری مشترک می‌باشد. (تکمیل فرم نمونه ۱۲۴۲)

افتتاح حساب سپرده قرض الحسنه پس‌انداز برای اشخاص حقوقی با ارائه مدارک ثبتی و قانونی آنها به شرط پیش‌بینی آن در اساسنامه آنها به عمل می‌آید و مستلزم ارائه شرکت‌نامه (در صورت وجود) اساسنامه، آگهی تاسیس شرکت که متضمن نام صاحبان امضاء مجاز شرکت در روزنامه رسمی کشور می‌باشد، خواهد بود. حق استفاده از موجودی حساب با دارندگان امضا مجاز شرکت است.

۲- سپرده‌های سرمایه‌گذاری

سپرده‌های سرمایه‌گذاری به آن دسته از سپرده‌هایی اطلاق می‌گردد که مشتریان با قصد انتفاع و جوه خود را به بانک تودیع می‌نمایند و بانک به وکالت از طرف سپرده‌گذاران با داشتن حق توکیل به غیر و وصایت پس از کسر سپرده‌های قانونی، جوه مربوط را طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا به طور مشاع به کار گرفته و در پایان دوره مالی منافع حاصله را پس از کسر حق‌الوکاله و حق الوصایه با داشتن حق مصالحه، منافع حاصله را به تناسب مبلغ و مدت به کار گرفته شده بین خود و سپرده‌گذاران تقسیم می‌نماید.

۱ حساب مخصوص: هرگاه شخصی برای دیگری حساب سپرده قرض الحسنه پس‌انداز افتتاح نموده و برداشت از موجودی آن را برای مدت معینی منع و یا مقید به شروطی نماید، به این قبیل حساب‌ها، حساب مخصوص اطلاق گردیده و موجودی آنها قبل از پایان موعد مقرر و یا حصول شرایط فوق، قابل برداشت نخواهد بود.

سپرده‌های سرمایه‌گذاری بر دونوع می‌باشند:

الف) سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت (ب) سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت

شعب به تقاضای مشتریان خود و با رعایت شرایط ذیل مجاز به قبول سپرده‌های سرمایه‌گذاری آنان می‌باشند:

۱- هرکس که به سن هیجده سال تمام شمسی رسیده و یا حکم رشد او از دادگاه صالحه صادر شده باشد، می‌تواند به نام خود یا کسانی که از آنها وکالت داشته و یا تحت ولایت، وصایت یا قیمومیت او می‌باشند، مبادرت به افتتاح حساب سپرده سرمایه‌گذاری نماید.

۲- افتتاح حساب سپرده سرمایه‌گذاری به نام اشخاص حقوقی منوط به پیش‌بینی موضوع در اساسنامه آنها بوده و با اخذ مدارک ثبتی و قانونی مربوطه از جمله اساسنامه، شرکت‌نامه (در صورت وجود) و روزنامه رسمی متضمن آگهی تاسیس و آخرین تغییرات صاحبان امضای مجاز اشخاص حقوقی به عمل می‌آید.

۳- افتتاح حساب سپرده سرمایه‌گذاری برای اتباع بیگانه با ارائه گذرنامه و اجازه اقامت معتبر صورت می‌پذیرد.

۴- موسسات و شرکت‌های دولتی ذیل که طبق ماده ۱۲ قانون پولی و بانکی کشور قبول سپرده‌های سرمایه‌گذاری آنان به نمایندگی از جانب بانک مرکزی ج.ا.ا. میسر خواهد بود، با کسب موافقت قبلی از بانک مذکور بلامانع می‌باشد:

- شهرداری‌ها

- شرکت‌های دولتی که بودجه آنها در بودجه کل کشور منظور می‌شود.

- موسسات انتفاعی وابسته به دولت که بودجه آنها در بودجه کل کشور منظور می‌شود.

نکته اول: به موجب بند ۳ مصوبه هفتصد و دومین جلسه مورخ ۱۳۶۹/۴/۹، شورای پول و اعتبار،

بانک مجاز می‌باشد برای شرکت‌های ملی شده نظیر شرکت‌های مشمول قانون حفاظت و

توسعه صنایع ایران، شرکت‌های مصادره شده و امثال آنها که در بدو امر دولتی نبوده ولی

به حکم قانون و یا دادگاه صالحه ملی و یا مصادره و به عنوان شرکت‌های دولتی

شناخته شده و یا تحت پوشش دولت درآمده‌اند، حساب سپرده سرمایه‌گذاری افتتاح نماید،

لیکن اعطای سود به این قبیل سپرده‌ها می‌بایستی براساس درآمد واقعی بانک صورت

پذیرد و مشمول «کمک سود» اعطایی بانک به سایر سپرده‌گذاران نخواهند بود.

نکته دوم: وجوه حاصل از اعتبارات بودجه کشور اعم از جاری و عمرانی فقط به صورت سپرده

قرض الحسنه جاری نزد بانک قابل تودیع می‌باشد.

سؤالات بخش هشتم: مسائل حقوقی مربوط به افتتاح انواع حساب‌های بانکی

- (۱) وفق ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک‌ها تحت چه عناوینی می‌توانند نسبت به قبول سپرده مبادرت نمایند؟
- (۲) شرایط اساسی صحت معاملات را نام ببرید.
- (۳) عقد قرض را تعریف کنید.
- (۴) منابع مالکانه را شرح دهید.
- (۵) سپرده قرض‌الحسنه جاری را تعریف کنید.
- (۶) شرایط و نحوه افتتاح حساب سپرده قرض‌الحسنه جاری برای اشخاص حقیقی را بنویسید.
- (۷) نحوه افتتاح حساب جاری برای اشخاص نابینا، بی‌سواد و معلول از دو دست چگونه است؟ آیا بانک مجاز به ارائه دسته چک به آنها می‌باشد؟
- (۸) نحوه افتتاح حساب جاری برای اشخاص نابینای باسواد را توضیح دهید.
- (۹) مدارک لازم برای افتتاح حساب جاری برای اشخاص حقیقی تبعه کشورهای خارجی مقیم ایران را نام ببرید. آیا شعب مجاز به افتتاح حساب پس‌انداز برای اتباع افغانی که تحت عنوان پناهنده و آواره در ایران به سر می‌برند، می‌باشد؟
- (۱۰) حساب جاری مشترک را تعریف نموده، نحوه افتتاح حساب جاری مشترک را توضیح دهید.
- (۱۱) چنانچه یکی از صاحبان امضاء در حساب مشترک تمایل داشته باشد به فرد دیگری وکالت دهد، قبول این امر از جانب بانک مستلزم رعایت چه نکاتی است؟
- (۱۲) مواردی را که موجب مسدود شدن حساب مشترک می‌گردد نام ببرید. نحوه عمل واحدها را نیز توضیح دهید.
- (۱۳) نحوه تعیین سهم صاحبان حساب مشترک به هنگام فوت، حجر یا ورشکستگی چگونه است؟
- (۱۴) شرط و مدارک لازم برای افتتاح حساب جاری برای شرکت‌ها را بنویسید.
- (۱۵) نحوه افتتاح حساب برای تشکیلات و موسسات غیر تجاری را توضیح دهید.
- (۱۶) افتتاح حساب جاری برای مدارس غیرانتفاعی را شرح دهید. ردیف حساب‌های آنها چیست؟
- (۱۷) افتتاح حساب جاری برای سایر بانک‌ها چگونه صورت می‌پذیرد؟ نحوه اعلام تغییر امضای اشخاصی که حق برداشت از حساب‌های مذکور را دارند، توضیح دهید.

- (۱۸) نکات مهم به هنگام افتتاح حساب جاری برای شرکت‌ها را به صورت مختصر شرح دهید.
- (۱۹) افتتاح حساب جاری برای شعب یا نمایندگی‌های شرکت‌ها و موسسات خارجی را بنویسید.
- (۲۰) افتتاح حساب جاری برای شرکت‌های در شرف تأسیس چگونه است؟ آیا واحدها مجاز به ارائه دسته چک به آنها می‌باشند؟ چنانچه شرکت به ثبت برسد، نحوه عمل شعب را نیز توضیح دهید.
- (۲۱) افتتاح حساب جاری برای درآمد موقوفات را بنویسید.
- (۲۲) چهار موسسه و نهاد عمومی غیردولتی را نام برده، نحوه افتتاح حساب جاری برای آنها چگونه است؟
- (۲۳) حساب‌های دولتی را توضیح داده، به چند گروه تقسیم می‌شوند؟
- (۲۴) نحوه افتتاح حساب برای حساب‌های بانک مرکزی ج.ا.ا. - حساب‌های خزانه چگونه است؟
- (۲۵) نحوه افتتاح حساب برای حساب‌های بانک مرکزی ج.ا.ا. - حساب‌های بنگاه‌های دولتی را شرح دهید.
- (۲۶) نحوه افتتاح حساب برای حساب‌های بانک مرکزی ج.ا.ا. - حساب‌های شهرداری‌ها به چه صورت است؟
- (۲۷) نحوه افتتاح حساب قرض‌الحسنه پس‌انداز برای صغیر ممیز را شرح دهید.
- (۲۸) شرایط و مدارک لازم برای افتتاح حساب قرض‌الحسنه پس‌انداز برای اشخاص بی‌سواد را توضیح دهید.
- (۲۹) نحوه افتتاح حساب سپرده سرمایه‌گذاری برای اطفال توسط اشخاص ثالث (غیر از ولی، وصی و قیم) چگونه است؟ حق برداشت از آنها با چه فردی است؟
- (۳۰) در صورت افتتاح حساب قرض‌الحسنه پس‌انداز توسط پدر برای طفل صغیر و همچنین مراجعه جد پدری و تقاضای اخذ وجه از حساب مزبور، نحوه عمل واحدها را شرح دهید.
- (۳۱) اصول کلی شناسائی اشخاص حقیقی هنگام افتتاح حساب و پذیرش مشتری را بنویسید؟
- (۳۲) مدارک معتبر در مورد شناسائی اشخاص خارجی کدامند؟
- (۳۳) در مورد مشتریانی را که مبادرت به اعلام اطلاعات غیر واقعی نموده اند وظیفه بانک چیست؟
- (۳۴) در مورد محجورین شناسائی اشخاص حقیقی هنگام افتتاح حساب چگونه است؟
- (۳۵) شناسایی اولیه شخص حقوقی هنگام افتتاح حساب چگونه است؟

۳۶) در صورت وجود ابهام در خصوص اصالت مدارک شناسایی ارائه شده توسط مشتری وظیفه بانک چیست؟

۳۷) شناسایی کامل شخص حقیقی ایرانی هنگام افتتاح حساب چگونه است؟

۳۸) شناسایی کامل شخص حقوقی ایرانی هنگام افتتاح حساب چگونه است؟

۳۹) دقت و مراقبت ویژه در مورد چه اشخاص اعمال می شود؟

۴۰) تعهداتی که به هنگام ارائه خدمات پایه به مشتری باید اخذ شود کدامند؟

۴۱) بانک در چه مواردی موظف است به طور مداوم اطلاعات مربوط به شناسایی کامل مشتری را به روز نمایند؟

**قرارداد اعطای وکالت و وصایت به بانک ملی ایران توسط صاحب حساب سپرده
سرمایه گذاری بلندمدت / کوتاه مدت به منظور هبه موجودی آن به طفل صغیر به مجرد
رسیدن به سن قانونی**

بانک ملی ایران

_____ بتاريخ _____

_____ شعبه _____

_____ شماره _____

**محل الصاق
تمبر**

اینجانب _____ فرزند _____ بشناسنامه شماره _____ صادره از
_____ به نشانی _____ تلفن _____ علاوه بر
وکالت، وصایت و حق مصالحه منافی که در مورد بکارگیری و تقسیم منافع وجوه متمرکز در حساب
سپرده سرمایه گذاری بلندمدت / کوتاه مدت شماره _____ به آن بانک داده ام با حفظ حق
استفاده از حساب فوق برای خود به آن بانک وکالت، وصایت، اجازه و اختیار می دهم موجودی حساب
مذکور را اعم از اصل و منافع به مجرد رسیدن خانم / آقای _____ فرزند
_____ بشناسنامه شماره _____ صادره از _____ متولد _____ به نشانی
_____ به سن هیجده سالگی تمام و یا ارائه حکم رشد
قانونی، از طرف اینجانب به نامبرده هبه نمائید.

ضمناً، حق برداشت از حساب فوق الذکر را پس از رسیدن خانم / آقای _____ به سن هیجده
سال تمام شمسی و یا ارائه حکم رشد از محاکم صالحه از خود سلب و اسقاط نمودم. همچنین اقدامات و
معاملات و نحوه محاسبه منافع سپرده سرمایه گذاری بلندمدت / کوتاه مدت و پرداخت آن توسط بانک
مورد قبول اینجانب می باشد.

امضاء بازکننده حساب

ادامه فرم صفحه قبل:

بانک ملی ایران با قبول وکالت و وصایت فوق‌الاشعار موافقت نمود وجوه متمرکز در حساب سپرده سرمایه‌گذاری بلندمدت / کوتاه‌مدت مزبور را طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا و مقررات و آیین‌نامه‌های مربوطه بکارگیرد و با استفاده از اجازه و اختیار تفویض‌شده فوق‌الذکر در صورت رسیدن آقای / خانم _____ به سن هیجده سال تمام شمسی و یا ارائه حکم رشد از محاکم صالحه اصل و منافع حاصله را به نامبرده هبه و پرداخت و یا به حساب مفتوحه‌ای که به نام وی باشد واریز نماید.

بانک ملی ایران

شعبه _____

« نمونه شماره (۱) »

قرارداد اعطای وکالت و وصایت به بانک ملی ایران توسط صاحب حساب سپرده
سرمایه گذاری بلندمدت / کوتاه مدت بمنظور انجام عهد وی مبنی بر پرداخت اصل و
منافع حساب به طفل صغیر به مجرد رسیدن به سن قانونی

محل الصاق
تمبر

بانک ملی ایران

شعبه

_____ بتاريخ _____

_____ شماره _____

اینجانب _____ فرزند _____ شناسنامه شماره _____ صادره از _____
به نشانی _____ تلفن _____ علاوه بر _____
وکالت، وصایت و حق مصالحه منافی که در مورد بکارگیری و تقسیم منافع مبلغ _____ ریال
متمركز در حساب سپرده سرمایه گذاری بلندمدت / کوتاه مدت شماره _____ به آن بانک
داده ام، چون با خدای خود عهد بستم «عاهدت الله» براینکه به مجرد رسیدن خانم / آقای
_____ فرزند _____ شناسنامه شماره _____ صادره از _____
متولد _____ به نشانی _____ به سن هیجده سالگی تمام شمسی و یا
ارائه حکم رشد قانونی، وجوه مذکور اعم از اصل و منافع از تاریخ سپرده گذاری لغایت پایان هیجده
سالگی نامبرده متعلق به وی می باشد، لذا در انجام این تعهد بطور غیرقابل برگشت به آن بانک، وکالت،
وصایت، اجازه و اختیار می دهم مدت سپرده مذکور را متناوباً تمدید و منافع آنرا به حساب سپرده
سرمایه گذاری کوتاه مدت شماره _____ که در اجرای این تعهد افتتاح نموده ام واریز و پس از رسیدن
مشارالیه به سن هیجده سال تمام شمسی و یا ارائه حکم رشد از محاکم صالحه وجوه متمركز در
حساب های فوق را اعم از اصل و منافع به نامبرده تسلیم و تحویل نمائید.

ادامه فرم صفحه قبل:

اقدامات، معاملات، نحوه محاسبه منافع سپرده سرمایه گذاری بلندمدت / کوتاه مدت و پرداخت آن توسط بانک مورد قبول اینجانب می باشد.

امضاء بازکننده حساب

بانک ملی ایران با قبول وکالت و وصایت فوق‌الاشعار موافقت نمود سپرده مذکور را طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا و مقررات و آیین‌نامه‌های مربوط بکارگیرد و با استفاده از اجازه و اختیار تفویض شده فوق‌الذکر در صورت رسیدن آقای / خانم _____ به سن هیجده سال تمام شمسی و یا ارائه حکم رشد از محاکم صالحه اصل و منافع حاصله را به نامبرده پرداخت و یا به حساب مفتوحه‌ای که به نام وی باشد واریز نماید.

بانک ملی ایران

شعبه _____

« نمونه شماره (۲) »

پیوست

سؤالات از موضوعات مختلف حقوقی:

۱- آیا انجمن‌های صنفی می‌توانند تسهیلات اخذ نمایند؟ برابر قانون تجارت انجمن‌های صنفی جزء شرکتهای قانونی قانون تجارت محسوب نمی‌گردند و با توجه به ماهیت آنان که اعضاء تشکیل دهنده انجمن را معمولاً همکاران صنفی تشکیل می‌دهند و با اخذ حق عضویت و واریز آن به حساب انجمن به قصد کمک به همدیگر عملاً کار تولیدی یا خدماتی که نیاز به اخذ تسهیلات باشد انجام نمی‌دهند لذا اعطاء تسهیلات به اینگونه انجمنها و مؤسسات وجهه قانونی نخواهد داشت مگر در چارچوب اساسنامه و مقررات خاص.

۲- نحوه اقدام بانک در برابر اجرائیه‌هایی که توسط مراجع قانونی جهت برداشت از حسابهای غیرقابل برداشت (در اختیار نمایندگی خزانه) و به نام ادارات و سازمانهای دولتی صادر گردد چه می‌باشد؟ با عنایت به شق ۲ از بند الف تبصره ۷ قانون بودجه سال ۱۴۰۰ علی‌الاصول دستگاهها نباید نزد این بانک حساب ریالی (درآمدی و هزینه‌ای) داشته باشند ولی با این وجود چنانچه دستگاهی نزد این بانک حساب غیرقابل برداشتی داشت شعبه با رعایت نامه عمومی شماره ۷۹۷۸۹ مورخ ۷۹/۹/۱۹ مبلغ مورد نظر را مسدود و موضوع دولتی و غیرقابل برداشت بودن حساب را به مرجع صادرکننده اجرائیه اعلام می‌کند و در صورت اصرار و درخواست مجدد مرجع مذکور، بانک از حساب برداشت می‌نماید.

۳- آیا کماکان وکالتنامه زندانیان با شرایط مخصوص آن در شعب قابل پذیرش می‌باشد یا خیر؟ خیر قابل پذیرش نیست. زیرا برابر نامه ۹۸/۴۴۷۷۹۸ به تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۲۷ اداره مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم بانک مرکزی ج.ا.ا. و متعاقب آن بند ۱۷ مصوبه بیست و هشتمین جلسه هیات عامل بانک به تاریخ ۱۴۰۰/۰۲/۰۷، استفاده از این نوع وکالتنامه ممکن نمی‌باشد و دو دلیل برای عدم استفاده از آن ذکر شده (۱) پیش‌بینی بهره‌مندی زندانیان از وکالتنامه‌های رسمی (۲) ریسک مترتب بر قبول وکالتنامه‌های غیرثبتي (عادی).

۴- در خصوص وکالتنامه، چنانچه موکل خود مورد وکالت را انجام دهد تکلیف وکالتنامه مزبور چه می‌شود؟ اگر مورد وکالت را موکل به انجام رساند چنانچه اختیارات مورد وکالت دفعتاً واحده باشد

عملاً به لحاظ انجام مورد وکالت، وکالتنامه منتفی شده است، لیکن در خصوص مواردی که مورد وکالت عدیده باشد (مثل پرداخت اقساط طی هر ماه) در اینصورت هم وکیل و هم موکل می توانند آن را به انجام برسانند و وکالت منتفی نبوده و همچنان تا پایان امر پابرجا می باشد.

۵- شخصی به موجب وکالتنامه اقدام به افتتاح سپرده بلند مدت برای فرزند خود می نماید و همه ماهه سود آن را دریافت می دارد، آیا با گذشت ۹ ماه از تاریخ صدور وکالتنامه نیاز به تأییدیه از دفترخانه مبنی بر عدم عزل وکیل می باشد یا خیر؟ وکالت نامه ای که جهت برداشت از حسابهای حقوق بازنشستگی، وظیفه و مستمری موکل نمی باشد (مانند مورد سوال) معتبر است و در صورتی که ۳ سال از تاریخ صدور آن سپری شود بدواً از لحاظ اعتبار و عدم عزل وکیل به تأیید دفترخانه تنظیم کننده می رسد و سپس با رعایت مقررات بر مبنای آن اقدام می گردد. (چنانچه وکالتنامه بلاعزل نباشد)

۶- وکیل به استناد وکالتنامه ای که در خارج از کشور (کویت) و در کنسولگری ج.ا.ا تنظیم شده درخواست نموده از شماره حساب... بنام موکل وجوهی را برداشت نماید. شعبه چه تکلیفی دارد؟ امضاء ذیل تمامی وکالتنامه های تنظیم شده در خارج از کشور می باید توسط نمایندگی های سیاسی و کنسولی ج.ا.ا تأیید شده باشد و موردی که وکیل، خواهان انجام آن می باشد می باید در متن وکالتنامه به آن تصریح گردد.

۷- اجرای ثبت، درخواست **انسداد حسابهای** شخصی را نمود و به حسابی اشاره کرده که به نام فرزند وی و توسط مشارالیه افتتاح گردیده تکلیف چیست؟ امکان مسدود نمودن حساب وجود ندارد زیرا حساب بنام شخص دیگری است. هرچند صاحب حساب تحت تکفل وی و حق برداشت با ایشان می باشد اما مالکیت وجوه مربوط به دیگری است و چنانچه پدر قسمتی از دارایی خود را به فرزندش انتقال نموده در واقع مالکیتی در این اموال ندارد و قانونگذار صاحب حساب، فرزند وی را می شناسد و صرفاً به لحاظ عدم صلاحیت قانونی فرزندش (اهلیت) مطابق قانون، حق استفاده از وجوه مذکور را تا زمان داراشدن به صلاحیت قانونی (اهلیت استیفاء) فرزندش دارد، لذا درخواست ثبت وجهه قانونی ندارد.

۸- چنانچه **تقسیم ارث** در گواهینامه انحصار وراثت ارائه شده به شعبه اشتباه باشد آیا شعبه مجاز به ترتیب اثر دادن به آن می باشد یا می بایست موضوع اشتباه بودن نحوه تقسیم ارث به ورثه اعلام تا آنرا به دادگاه اعاده و اصلاح نمایند؟ مسئول شعبه می بایست پس از اطلاع از اشتباه بودن نحوه تقسیم ارث

در گواهی انحصار وراثت از ترتیب اثر دادن به آن خودداری و مشتری را جهت اصلاح آن و مراجعه به دادگاه صادرکننده گواهی انحصار وراثت، هدایت نماید.

۹- آیا به محض اطلاع شعبه از فوت مشتری باید حساب پس انداز وی بسته شود؟ در صورتی که پس از فوت وی حساب باز و جایزه ای به آن اصابت کند تکلیف چیست؟ در مورد قسمت اول سوال؛ خیر حساب بسته نمی شود زیرا ماده ۲۰ دستورالعمل چگونگی شناسایی مشتریان ایرانی موسسات اعتباری و ماده ۱۳ دستورالعمل اجرایی شناسایی و تعیین تکلیف حساب های مطالبه نشده و مازاد (ریالی) به بستن حساب اشاره ننموده و به مسدودی آن نظر داده اند و در مورد قسمت دوم سوال؛ مستفاد از مواد ۸ و ۱۰ دستورالعمل اعطای جوایز به سپرده های قرض الحسنه پس انداز (ریالی-ارزی) و ماده ۱۶ دستورالعمل اجرایی شناسایی و تعیین تکلیف حساب های مطالبه نشده و مازاد (ریالی)، جایزه (اعم از نقد و غیر نقد) به حساب ذینفع اعمال و متعلق حق وراثت وی خواهد بود.

۱۰- آیا سفته ای که در متن یا ظهر آن قلم خوردگی یا لاک گرفتگی وجود دارد، جهت تضمین تسهیلات قابل پذیرش است؟ به منظور حفظ حقوق بانک و عدم مواجهه با اشکال در دادگاه، از پذیرفتن چنین سفته هایی خودداری شود.

۱۱- چنانچه در سفته تضمینی، متعهد و ضامن جابجا امضاء کرده باشند آیا چنین سفته ای مورد قبول بانک به عنوان تضمین تسهیلات اعطائی می باشد؟ می توان به منظور مساعدت به مشتری، سفته ای که به صورت مذکور صادر شده از مشتری ضمن اصلاح توسط ضامن و متعهد و امضاء آن، پذیرفت زیرا تعهد متعهد و ضامن در سفته مانند یکدیگر می باشد.

۱۲- چنانچه تسهیلات مضاربه به حساب جاری مشتری واریز، و چند لحظه بعد شخصی با ارائه چک عهده حساب جاری همان مشتری، وجه چک را مطالبه نماید، آیا می توان چنین چکی را پرداخت نمود؟ پرداخت چک مورد نظر مانعی ندارد.

۱۳- چنانچه در اساسنامه شرکتی، تفویض حق امضاء صاحبان امضاء مجاز (که عضو هیأت مدیره شرکت می باشند) به غیر، پیش بینی شده باشد و یکی از صاحبان امضاء قصد اعطای حق امضاء خود به غیر را داشته باشد آیا این امر (معرفی امضاء دار مجاز جدید در شرکت) می بایست در روزنامه رسمی آگهی شود یا اینکه نشر آگهی در روزنامه رسمی لازم نیست و طرفین می توانند با مراجعه به دفترخانه اسناد رسمی و کالتنامه ای تنظیم نمایند؟ با توجه به اساسنامه و قانون تجارت اقدام شود.

۱۴- آیا فرمانداران می‌توانند نسبت به اخذ اطلاعات از سیستم بانکی اقدام نمایند یا خیر؟ با توجه به قانون حدود اختیارات استانداران و فرمانداران، اخذ اطلاعات کلی از بانک بلامانع می‌باشد.

۱۵- آیا ارائه اطلاعات مربوط به حسابهای مشتریان بانک به سازمان تأمین اجتماعی قبل از صدور اجرائیه امکانپذیر می‌باشد یا خیر؟ خیر امکان پذیر نمی‌باشد.

۱۶- آیا دادیار دادرای انتظامی کانون وکلای دادگستری می‌تواند اقدام به اخذ اطلاعات از بانکها نماید؟ حسب مصوبه شماره ۱۱۳۸۴- ۸۱ م/ ت ۱/ ۲۷۷۴/ هـ مورخ ۸۶/۱/۲۶ هیأت محترم وزیران حسابهای خصوصی افراد در بانکها جزو حقوق ملت، مندرج در فصل سوم قانون اساسی ج.ا. به ویژه اصل ۲۲ آن میباشد و بانکها به عنوان وکیل یا امین مشتریان موظفند هر گونه اطلاعات در این زمینه را جز در مواردی که قانونگذار ترتیب خاص دیگری برای ارائه اطلاعات راجع به حسابهای خصوصی افراد در بانکها معین نموده باشد، فقط با درخواست صاحب حساب یا براساس استعمال و یا حکم قضائی دادگاه صالح ذیربط ارائه نمایند. بنا بمراتب فوق از آنجایی که دادرای و دادگاه انتظامی کانون وکلاء که حسب مفاد لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری و آیین نامه آن مرجع رسیدگی به تخلفات وکلای دادگستری می‌باشند، در عداد مراجع انتظامی قلمداد می‌گردند، بنابراین اخذ اطلاعات توسط دادرای انتظامی کانون وکلاء در حدود وظایف بلامانع می‌باشد.

۱۷- دختر خانمی ۱۶ ساله با داشتن حکم رشد صادره از دادگاه به شعبه مراجعه و تقاضای دریافت تسهیلات قرض الحسنه ازدواج می‌نماید. پرسش شعبه آن است که آیا می‌تواند با توجه به حکم رشد صادره از دادگاه اقدام به اعطای تسهیلات به نامبرده نماید؟ چنانچه حکم رشد صادره به صورت مطلق باشد، اعتبار آن، جهت انجام امر ازدواج و امور مالی می‌باشد.

۱۸- آیا بازرسان سازمان بازرسی کل کشور می‌توانند اسناد و مدارک و اطلاعات بانکی مربوط به حسابهای دولتی را مطالبه نمایند و شعبه در اختیار آنان قرار دهد؟ پاسخ مثبت است و بانک می‌باید اسناد و مدارک و اطلاعات راجع به وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات، شرکت‌ها و دستگاههای دولتی و شهرداریها و مؤسسات وابسته به آن را در اختیار بازرسان سازمان بازرسی کل کشور قرار دهد.

۱۹- آیا بانک موظف به پرداخت مالیات حق کسب و پیشه اخذ شده طبق برگ تشخیص مالیات مشاغل اشخاص حقوقی می‌باشد یا خیر؟ وفق مفاد ماده ۵۹ قانون مالیاتهای مستقیم و تبصره ۲ آن نقل و انتقال قطعی املاک به مأخذ ارزش معاملاتی و به نرخ ۵٪ و همچنین انتقال حق واگذاری محل به مأخذ وجوه

دریافتی مالک یا صاحب حق و به نرخ ۲٪ در تاریخ انتقال از طرف مالکان عین یا صاحبان حق مشمول مالیات می‌باشد. حق واگذاری محل از نظر این قانون عبارت است از حق کسب و پیشه یا حق تصرف محل یا حقوق ناشی از موقعیت تجاری محل... با عنایت به مراتب فوق بانک موظف به پرداخت مالیات حق کسب و پیشه اخذ شده طبق برگ تشخیص مالیات مشاغل اشخاص حقوقی به سازمان امور مالیاتی می‌باشد.

۲۰- آیا بانک می‌تواند جهت وصول مطالبات خود راساً و بدون هیچگونه تشریفاتی از حساب ضامین برداشت نماید؟ طبق شرایط عمومی حساب سپرده قرض الحسنه جاری و قراردادهای اعطای تسهیلات که به امضاء استفاده کننده از تسهیلات و ضامین وی می‌رسد، بانک می‌تواند راساً بدون انجام تشریفات از حساب هریک از نامبردگان برداشت نماید، لیکن اصلح است جهت انجام امر ابتدا به متعهد اصلی مراجعه و در صورت عدم حصول نتیجه و یا مشکلات اجرایی، از حساب ضامن برداشت نمود که در مورد ضامن دادنامه ۳۱۷۲ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۰۳ هیات عمومی دیوان عدالت اداری مطالبات مستقیم را مورد تاکید قرار داده است.

۲۱- آیا اخذ سفته عندالمطالبه از مشتری به عنوان تضمین معامله و استفاده آن در معاملات بعدی امکان پذیر می‌باشد یا خیر؟ به موجب بخشنامه وزرات امور اقتصادی و دارایی به جهت جلوگیری از هرگونه سوء استفاده‌های احتمالی از نقطه نظر عدم پرداخت تمبر مالیاتی، سفته‌های عندالمطالبه اخذ شده فقط برای انجام یک نوع معامله مورد استفاده قرار گیرد.

۲۲- آیا نابینایان می‌توانند از خدمات ملی کارت استفاده نمایند؟ در صورت مثبت بودن پاسخ شرایط آن کدامند؟ به موجب بند، «الف» شرایط و مقررات حساب ملی کارت: «حساب ملی کارت، حسابی است که برای متقاضی ملی کارت افتتاح می‌گردد تا وجوه خود را به آن واریز و به هنگام نیاز با استفاده از ملی کارت نقداً دریافت و یا بهای کالا و خدمات خریداری شده از پذیرندگان ملی کارت را از آن طریق پرداخت نماید. این حساب در زمره حسابهای سپرده قرض الحسنه جاری می‌باشد.» همچنین وفق بند (۱) نامه عمومی شماره ۶۴۱۳۸ مورخ ۶۴/۴/۲۵ اداره حقوقی و دعاوی: «افتتاح حساب سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت و بلندمدت و قرض الحسنه پس انداز و جاری بدون دسته چک برای نابینایان به شرط آنکه کارت نمونه امضا صاحب حساب را شخص معتمد و امینی علاوه بر مشتری نابینا امضاء نماید و برداشت از حسابها با مهر و امضای صاحب حساب توأم با امضای شخص معتمد به عمل آید بلامانع می‌باشد.» ضمناً طبق دستورالعمل شماره نب/۷۱۶۰ مورخ ۷۳/۱۱/۱۸ اداره نظارت

بر امور بانکهای بانک مرکزی ج.ا.ا، در صورتی که اشخاص روشندل باسواد بوده و قادر به ارائه نمونه امضای خود به بانک باشند و پس از آن نیز بتوانند اسناد و مدارک مربوطه را طبق نمونه امضای معرفی شده امضاء نمایند، افتتاح حساب جاری جهت مشارالیه با اخذ تعهدنامه مندرج در نامه عمومی فوق‌الاشعار امکان‌پذیر می‌باشد.

۲۳- چکی که منجر به صدور گواهینامه عدم پرداخت شده باشد آیا بعد از صدور گواهینامه قابل انتقال به اشخاص ثالث می‌باشد و بانک می‌تواند وجه آن را پرداخت نماید؟ در قسمت اخیر ماده ۱۱ قانون صدور چک آمده است: «... کسی که چک پس از برگشت از بانک به وی منتقل گردیده...» لذا مسلم است که پس از صدور گواهینامه عدم پرداخت از سوی بانک نیز چک قابل انتقال می‌باشد و بدیهی است که در صورت کفایت موجودی، قابل پرداخت نیز خواهد بود.

۲۴- آیا پرداخت وجه گواهینامه عدم پرداخت قسمتی از وجه چک به اشخاص ثالث که از طرف ذینفع (دارنده گواهینامه) درخواست گردد امکان‌پذیر است؟ طبق قسمت اخیر ماده ۱۱ قانون صدور چک: «... کسی که چک پس از برگشت از بانک به وی منتقل گردیده حق شکایت کیفری نخواهد داشت مگر آنکه انتقال قهری باشد، در صورتی که دارنده چک بخواهد چک را وسیله شخص دیگری به نمایندگی از طرف خود وصول کند و حق شکایت کیفری او در صورت بی محل بودن چک محفوظ باشد، باید هویت و نشانی خود را با تصریح به نمایندگی شخص مذکور در ظهر چک قید نماید و در اینصورت بانک اعلامیه مذکور در دو ماده ۴ و ۵ را بنام صاحب چک صادر می‌کند و حق شکایت کیفری، او محفوظ خواهد بود.

تبصره: هر گاه بعد از شکایت کیفری، شاکی چک را به دیگری انتقال دهد یا حقوق خود را نسبت به چک به هر نحو به دیگری واگذار نماید تعقیب کیفری موقوف خواهد شد و از آنجائیکه طبق ماده ۵ قانون چک که مقرر می‌دارد: «در صورتی که موجودی حساب صادر کننده چک نزد بانک کمتر از مبلغ چک باشد به تقاضای دارنده چک، بانک مکلف است مبلغ موجود در حساب را به دارنده چک بپردازد و دارنده چک با قید مبلغ دریافت شده در پشت چک و تسلیم آن به بانک، گواهینامه مشتمل بر مشخصات چک و مبلغی که پرداخت شده از بانک دریافت نماید، چک مزبور، نسبت به مبلغی که پرداخت نگردیده بی محل محسوب و گواهینامه بانک در این مورد برای دارنده چک جانشین اصل چک خواهد بود...»، گواهینامه عدم پرداخت قسمتی از وجه چک جانشین اصل چک خواهد بود لذا گواهینامه‌های عدم پرداخت کل و یا قسمتی از وجه چک با یکدیگر تفاوتی ندارند.

۲۵- چنانچه چک‌های تضمین شده رمزدار شهری (رمزدار بین بانکی) مفقود و یا سرقت گردد پرداخت وجه آن به ذینفع در چه صورت امکانپذیر می‌باشد؟ به‌استناد نامه عمومی شماره ۷۵۵۴۳ مورخ ۷۵/۱۲/۲۸ اداره سازمان و روشها: **الف** - در صورت فقدان چک توسط مشتری (خریدار یا ذینفع):

در این وضعیت، در ابتدا مشتری مراتب فقدان را به مراجع قضایی اعلام و گواهی طرح شکایت مبنی بر فقدان چک مذکور را به بانک ارائه می‌نماید (موضوع نامه عمومی شماره ۷۶۳۰۹ مورخ ۷۶/۸/۵ اداره سازمان و روشها.....) و سپس مراتب را کتباً به شعبه‌ای که چک عهده آن صادر گردیده اعلام و آن واحد نیز بایستی متقاضی را مکلف به تکمیل فرم شماره یک نماید - واحد مزبور موظف است از مشتری روی فرم شماره یک احراز هویت و پس از تأیید مندرجات و گواهی امضای وی، چگونگی را به شعبه صادر کننده چک منعکس نماید، شعبه صادر کننده چک پس از دریافت پیام کتبی موظف خواهد بود با تنظیم فرم شماره ۲ (در سه نسخه به‌صورت نامه رسمی) واریز یا عدم واریز چک صادره را از شعبه‌ای که چک عهده‌اش صادر نموده است استفسار نماید شعبه موصوف (واحد ذینفع چک) پس از وصول نامه فوق (فرم شماره ۲) می‌بایست مراتب را بررسی و با استفاده از فرم شماره ۳، پاسخ شعبه استعلام کننده را ارسال نماید. شعبه صادر کننده چک پس از دریافت پاسخ استعلام و کنترل و اطمینان از صحت پاسخ رسیده و گواهی امضاء امضاکنندگان نامه می‌باید تعهدنامه‌ای براساس مندرجات فرم شماره ۴، از مشتری و ضامن معتبر وی اخذ نماید. در این مرحله، شعبه صادر کننده چک نسبت به تسویه چک قبلی و صدور چک جدید به همان مبلغ اقدام و تسلیم مشتری خواهد نمود.

ب - در صورت فقدان چک توسط واحدهای بانکی: واحد بانکی مفقود کننده چک می‌بایست با استفاده از فرم شماره ۵ به شعبه صادر کننده چک، مراتب فقدان را اعلام و درخواست صدور چک جدید نماید. چنانچه فقدان چک از جانب واحدهای ستادی بانکها صورت گرفته باشد به‌لحاظ عدم دسترسی به امضاهای واحدهای ستادی می‌بایست اطلاعیه که توأم با تعهدنامه می‌باشد به تأیید یکی از واحدهای مجاز صدور چک‌های رمزدار بین بانکی رسانیده شود، واحد صادر کننده چک به محض دریافت فرم تکمیل شده و گواهی **امضای** آن نسبت به صدور اسناد حسابداری مربوط و تسویه چک قبلی و صدور چک جدید اقدام و جهت اجرای مراحل واریز چک به حساب ذینفع به بانک متقاضی ارسال نماید. (اخذ تضمین و یا وثیقه اضافی برای اینگونه چک‌ها مجاز نمی‌باشد و تنها تعهدنامه شماره ۴ با فرم شماره ۵ که بطور کامل و صحیح تهیه شده باشد وافی بمقصود خواهد بود.)

۲۶- استفاده از مهر امضاء توسط مسئولین (ذیل نامه‌ها و مکاتبات) چه حکمی دارد؟ آیا به جای امضای واقعی قابل استناد است یا خیر؟ طبق تعریف، امضاء، نوشتن "نام یا نام خانوادگی" (و یا هر دو) یا «رسم» علامت خاصی است که نشان دهنده هویت صاحب علامت است و اگر چه کلمه "امضاء" در ماده ۴۲ اساسنامه بانک مصوب ۱۳۶۰ اطلاق داشته و "امضا" و "مهر امضا" را شامل می شود لیکن نقش مهر (مهرامضاء) بجای رسم امضاء ذیل مکاتبات و اسناد بانکی ضمن اینکه منطبق با ظاهر قانون نبوده و مقرون به مصلحت نیز نمی باشد.

۲۷- با عنایت به اینکه تمامی وجوهی که توسط مشتریان نزد بانک به امانت گذاشته شده می‌بایست توسط بانک پرداخت شود، در خصوص فقدان بروات واگذاری مشتریان توسط شرکت پست (و پرداخت غرامت اندک) چه اقدامی تاکنون به عمل آمده است؟ مستنداً به بند «ج» ماده ۳۵ ق پولی و بانکی کشور مصوب سال ۱۳۵۱ «هر بانک در مقابل خساراتی که در اثر عملیات آن متوجه مشتریان می‌شود مسئول و متعهد جبران می‌باشد» و از آنجایی که شرکت پست صرفاً متعهد به پرداخت غرامت اندکی می‌باشد و در مقابل آن بانک بایستی حقوق متعلقه را به شرکت مزبور صلح نماید و این امر به صرفه و مصلحت بانک نمی‌باشد لذا بانک از دریافت غرامت صرف نظر نموده و چک‌های موصوف را در وجه ذینفع آنها کارسازی نموده و در قبال آن خود مبادرت به اخذ صلح‌نامه‌ای از سوی دارنده چک بنفع خود می‌نماید تا سپس نسبت به طرح دعوی علیه صادر کننده چک اقدام گردد. ضمناً نظر آن اداره را به مفاد صورتجلسه مورخ ۸۶/۵/۲۵ اداره ارتباطات و نگهداری اسناد در خصوص بروات مفقودی معطوف می‌نماید.

۲۸- بانک الف به استناد تعهدنامه عادی که از ضامن تسهیلات دریافت نموده از طریق دادستان درخواست نموده به بانک ملی دستور داده شود از حساب جاری ضامن برداشت و طی یک فقره چک به حساب تسهیلات وی نزد بانک الف واریز نماید. دادستان با ملاحظه تعهدنامه، ذیل آن مرقوم نمود «با توجه به مفاد تعهدنامه اقدام گردد که مفاد تعهدنامه دلالت بر این امر دارد» تکلیف شعبه چیست؟ با وصول مدارک از شعبه طی شرحی به عنوان دادستان محترم عنوان گردید که اولاً تعهدنامه مذکور عادی بوده و اصالت آن در هیچ مرجعی تایید نشده است، ثانیاً وصول طلب به عنوان یک موضوع حقوقی و تابع تشریفات آیین دادرسی می باشد که باید طلبکار دادخواست بدهد و هزینه دادرسی پرداخت نماید و ضمن اینکه بانکها جهت پرداخت تسهیلات، تضمینات لازم اخذ و در پرونده نگهداری می‌نمایند و بانک الف می‌باید از طریق مستندات قانونی اقدام می نمود (نه تعهدنامه عادی که بین طرفین منعقد

گردیده و بانک ملی به عنوان ثالث الزامی به اجرای آن ندارد) ثالثاً، بنظر می رسد حاشیه نویسی دادستان محترم صرفاً یک اظهار نظر قضایی بوده نه یک دستور قضایی و لازم الاجراء که با مراجعه حضوری خدمت دادستان محترم ایشان با پذیرش نظرات بانک مجدداً ذیل نامه بانک مرقوم نمودند» با توجه به اینکه موضوع نامه بانک الف دعوی حقوقی است تابع تشریفات آیین دادرسی و ارائه دادخواست می باشد، از آن طریق اقدام نمایند. »

۲۹- آیا ارائه ملی کارت به اتباع خارجی دارنده کارت آمایش و کارت ویژه اتباع خارجی امکان پذیر است ؟ در گذشته ممنوع بوده (تبصره ماده ۴ دستورالعمل چگونگی شناسایی مشتریان خارجی موسسات اعتباری) ولی بعد از همه گیری ویروس کرونا و محدودیت استفاده از اسکناس مقرر شد تا تصویب ضوابط ماده ۷۳ آیین نامه اجرایی ماده ۱۴ قانون مبارزه با پولشویی ، بانک به اتباع خارجی بالای ۱۸ سال وفق دستورالعمل مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۰ بانک مرکزی ج.ا.ا. ، کارت الکترونیکی با سقف خرید روزانه پانزده میلیون تومان اعطاء نماید.

۳۰- با توجه به تبصره ماده واحده قانون اجازه افتتاح حساب پس انداز برای اطفال مصوب ۱۳۵۷، آیا حدود اختیار مادر جهت افتتاح حساب برای طفل خود منحصر به حساب قرض الحسنه پس انداز می باشد؟ خیر. با توجه به نظریه مشورتی ۷/۹۳/۰۳۸۳ به تاریخ ۱۳۹۳/۰۲/۲۲ اداره حقوقی قوه قضاییه و تبصره ۱ ماده ۶ دستورالعمل اجرایی تعیین حدود ارائه خدمات بانکی به اشخاص محجور در موسسات اعتباری، امکان افتتاح سپرده های سرمایه گذاری نیز فراهم می باشد.